



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پروژه هشتم

تربیت دینی فرزندان

۱-۲

- نقش مادر در عفت دختران
- نقش مادر در تربیت دینی فرزندان
- نقش والدین در تربیت دینی فرزندان
- عفت مادر و تربیت فرزندان
- نقش پدر در تربیت دینی فرزندان
- معرفی کتاب

گردآورنده:

سید هجرتی حسینی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش نامه تربیت دینی فرزندان

نویسنده:

کامیلا دو لا بدویر

ناشر چاپی:

رهنمای اندیشمند

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	پژوهش نامه تربیت دینی فرزندان
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	جلد ۱
۱۸	اشاره
۲۴	فهرست مطالب
۳۰	سخن اول
۳۲	نقش مادر در عفت دختران
۳۳	مقدمه
۳۴	موضوع شناسی نقش مادر در عفت دختران
۳۷	نقش مادران در عفاف دختران
۳۷	گفتار اول: زمینه سازی مادر در ایجاد و حفظ عفت دختر
۳۷	الف - نقش مادر در عفت دختر قبل از تولد
۴۱	ب) نقش مادر در عفت دختر بعد از تولد
۵۴	گفتار دوم: تقویت عوامل مثبت در عفت
۵۴	اشاره
۵۷	الف) محیط داخل خانواده
۶۳	ب) محیط بیرون خانواده
۶۶	ج) الگوسازی مناسب
۶۹	گفتار سوم: راه کار در از بین بردن عوامل منفی در عفت
۶۹	اشاره
۷۰	الف) راه کار محیط داخل خانواده
۷۴	ب) محیط بیرون خانواده
۷۸	ج) مبارزه با الگو برداری نامناسب

۸۳	نتیجه
۸۵	راهکارها و پیشنهادات
۸۸	فهرست منابع
۹۲	نقش والدین در تربیت دینی فرزندان
۹۳	مقدمه
۹۴	موضوع شناسی نقش والدین در تربیت دینی فرزندان
۹۸	تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان
۹۸	زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان
۹۸	اشاره
۹۸	۱. عوامل زمینه ساز پیش از تولد
۹۸	۱-۱- انتخاب همسر
۱۰۰	۱-۲- آداب مباشرت
۱۰۰	۱-۳- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند
۱۰۲	۱-۴- تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند
۱۰۳	۲. عوامل زمینه ساز پس از تولد
۱۰۳	۲-۱- گزینش نام شایسته
۱۰۴	۲-۲- آموزش فرزند
۱۰۵	۲-۳- تعلیم قرآن
۱۰۶	۲-۴- آموزش نماز
۱۰۷	۲-۵- دعا برای نیک بختی کودک
۱۰۹	۲-۶- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر
۱۱۰	تبیین بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی
۱۱۰	اهمیت تربیت اخلاقی
۱۱۱	عامل بودن والدین
۱۱۲	موعظه و راهنمایی
۱۱۳	زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه

۱۱۴ راستی و صداقت
۱۱۵ رفق و مدارا در تربیت
۱۱۷ آثار تربیتی رفق و مدارا
۱۱۸ تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان
۱۱۸ اهمیت تربیت اجتماعی
۱۱۹ نقش پدر در تربیت اجتماعی
۱۲۰ مسئولیت پذیری
۱۲۱ آموزش مهارت مسئولیت پذیری
۱۲۳ تهیه رزق حلال
۱۲۵ تبیین نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان
۱۲۵ ۱. توجه به نیازهای اساسی کودک
۱۲۵ اشاره
۱۲۶ ۱-۱- محبت و عشق ورزیدن
۱۲۸ ۱-۲- تکریم و احترام کودک
۱۳۱ ۱-۳- تقویت عزت نفس
۱۳۳ ۱-۴- تقویت ارتباط کلامی
۱۳۴ ۱-۵- هدیه دادن
۱۳۵ ۱-۶- تشویق و تحسین
۱۳۶ نتیجه گیری
۱۳۸ فهرست منابع
۱۴۲ عفت مادر و تربیت فرزندان
۱۴۳ مقدمه
۱۴۵ مفهوم شناسی
۱۵۰ نقش مادر در ایجاد و حفظ عفت
۱۵۰ گفتار اول: مادر بعنوان عامل مؤثر در ایجاد عفت و مراقبت از عفت
۱۵۰ اشاره

نقش مادر در ایجاد عفت	۱۵۱
۱. قبل از تولد	۱۵۱
۲. زمان بارداری	۱۵۴
۳. بعد از تولد	۱۵۶
۴. کودکی	۱۵۶
۵. نوجوانی	۱۵۷
۶. جوانی	۱۶۰
نقش مادر در عفت دختر جوان	۱۶۱
اشاره	۱۶۱
۱. بالا بردن سطح آگاهی جوان	۱۶۱
۲. الگو سازی مناسب	۱۶۲
الف. خانواده (مادر)	۱۶۲
ب. معلم	۱۶۴
گفتار دوم: توصیه های اسلام به مادران در مورد عفت	۱۶۶
اشاره	۱۶۶
۱. ازدواج	۱۶۷
۲. مربی دختران	۱۶۸
۳. تفهیمها	۱۶۹
۴. تعدیلها و تحملها	۱۷۳
نتیجه گیری	۱۷۶
فهرست منابع	۱۸۲
معرفی کتاب	۱۸۴
جلد ۲	۱۸۹
مشخصات کتاب	۱۸۹
اشاره	۱۹۰
فهرست مطالب	۱۹۶

۲۱۲	سخن اول
۲۱۴	نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز
۲۱۴	چکیده
۲۱۵	مقدمه
۲۱۶	مفهوم شناسی
۲۱۶	اشاره
۲۱۷	مفهوم نماز
۲۱۸	گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز
۲۱۸	مقدمه
۲۱۸	فطرت
۲۱۹	نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز
۲۲۰	تأثیر دوستان و همسالان
۲۲۱	نقش مدارس
۲۲۲	اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه
۲۲۳	نقش رسانه ملی
۲۲۴	نقش مسجد
۲۲۶	داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان
۲۲۷	توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان
۲۲۸	گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز
۲۲۸	مقدمه
۲۲۸	علل مربوط به خانواده
۲۲۹	تعارض ها و اختلافات والدین
۲۳۰	سایر عوامل خانوادگی
۲۳۴	رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی
۲۳۴	نقش رسانه ملی
۲۳۵	شیطان بزرگترین بازدارنده از نماز

- گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز - - - - - ۲۳۶
- مقدمه - - - - - ۲۳۶
- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف - - - - - ۲۳۶
- روش عاطفی، همچون محبت و احسان - - - - - ۲۳۷
- روش جلب، مانند احترام و تکریم - - - - - ۲۳۸
- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت - - - - - ۲۳۹
- روش اقناعی، همچون برهان و حجت - - - - - ۲۴۱
- روش برانگیزاننده، مانند تشویق - - - - - ۲۴۲
- انواع تشویق - - - - - ۲۴۲
- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است - - - - - ۲۴۴
- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت - - - - - ۲۴۵
- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان - - - - - ۲۴۷
- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن - - - - - ۲۵۰
- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی - - - - - ۲۵۱
- روش فعال بجای روش انفعالی - - - - - ۲۵۳
- گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند - - - - - ۲۵۵
- مقدمه - - - - - ۲۵۵
- گفتن اذان و اقامه در خانه - - - - - ۲۵۷
- تنظیم برنامه خواب بچه ها - - - - - ۲۵۷
- صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز - - - - - ۲۵۸
- آسان گیری در عبادت فرزندان - - - - - ۲۵۹
- گرفتن جشن تکلیف - - - - - ۲۶۱
- همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز - - - - - ۲۶۲
- گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز - - - - - ۲۶۳
- مقدمه - - - - - ۲۶۳
- اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) - - - - - ۲۶۳

- ۲۶۴ - سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز -
- ۲۶۵ - اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله عليه) -
- ۲۶۵ - مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز -
- ۲۶۶ - نتیجه گیری -
- ۲۶۷ - فهرست منابع -
- ۲۷۲ - نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن -
- ۲۷۲ - اشاره -
- ۲۷۲ - چکیده -
- ۲۷۵ - این حق چگونه ادا می شود؟ -
- ۲۷۵ - مقدمه -
- ۲۷۶ - اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان -
- ۲۷۶ - آموزش قرآن به فرزند -
- ۲۷۸ - العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر -
- ۲۷۹ - تعلیم قرآن و نقش مادر -
- ۲۸۰ - فواید خواندن قرآن در بارداری -
- ۲۸۰ - تاثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار -
- ۲۸۰ - تاثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزند -
- ۲۸۱ - خوردن (میوه ها و غذاها) -
- ۲۸۲ - از نظر روانی و عاطفه -
- ۲۸۳ - نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند -
- ۲۸۴ - اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند -
- ۲۸۴ - سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری -
- ۲۸۵ - دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی -
- ۲۸۵ - نقش قرآن در زیبا شدن کودک -
- ۲۸۵ - نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند -
- ۲۸۶ - نورانیت فرزند با تلاوت قرآن کریم -

۲۸۶	تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک
۲۸۶	نقش قرآن در صالح شدن فرزند
۲۸۷	تعلیم قرآن و نقش پدر
۲۸۸	شیوه های آموزش قرآن به کودکان
۲۹۰	آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است
۲۹۰	روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن
۲۹۲	نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن
۲۹۳	شیوه های آموزش قرآن به کودکان
۲۹۵	آموزش مسائل دینی به کودکان
۲۹۵	حقّ فرزند بر پدر
۲۹۷	نتیجه گیری
۲۹۹	فهرست منابع
۳۰۲	نقش پدر در غیرت دینی پسران
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	چکیده
۳۰۳	مقدمه
۳۰۶	ریشه غیرت دینی
۳۰۶	مفهوم شناسی
۳۰۶	اشاره
۳۰۷	۱- نقش
۳۰۷	۲. پدر
۳۰۸	۳. غیرت
۳۰۸	اشاره
۳۱۱	منشأ غیرت
۳۱۲	فلسفه غیرت
۳۱۲	نمونه هایی از غیرت مندی

۳۱۴	۴. پسران
۳۱۴	نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت
۳۱۴	اشاره
۳۱۵	۱- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید
۳۱۵	۲- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید
۳۱۶	۳- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید
۳۱۷	۱- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید
۳۱۸	۲- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید
۳۱۹	۳- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید
۳۲۰	۴- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید
۳۲۱	۵- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید
۳۲۲	۶- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید
۳۲۲	۷- لباس هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید
۳۲۴	تربیت دینی فرزندان
۳۲۴	تربیت اعتقادی
۳۲۵	تربیت عبادی
۳۲۶	تربیت اخلاقی
۳۲۷	نتیجه گیری
۳۲۸	فهرست منابع
۳۳۲	داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان
۳۳۲	اشاره
۳۳۲	چکیده
۳۳۳	مقدمه
۳۳۴	قصه در لغت
۳۳۵	قصه در اصطلاح
۳۳۷	اهمیت قصه و قصه گویی

۳۳۷	اشاره
۳۳۸	انواع قصه ها
۳۴۰	ویژگی قصه چیست؟
۳۴۰	معیارهای انتخاب قصه
۳۴۱	ارزش های تربیتی قصه و قصه گویی در تعلیم و تربیت کودک
۳۴۱	اشاره
۳۴۳	اهمیت قصه در تربیت کودک
۳۶۰	قصه در قرآن
۳۶۰	اشاره
۳۶۱	اهمیت قصه در قرآن
۳۶۲	ویژگی های قصه در قرآن
۳۶۲	اشاره
۳۶۴	شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن
۳۶۷	داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان
۳۶۷	نمونه داستان های پندآموز
۳۶۷	حکایت آن درخت
۳۶۸	نتیجه گیری
۳۷۱	فهرست منابع
۳۷۵	خیرگو ای زادگاه خوب من
۳۷۵	اشاره
۳۷۵	جمعیت
۳۷۵	موقعیت
۳۷۵	وجه تسمیه
۳۷۶	چکیده
۳۷۶	مقدمه
۳۷۸	شناسایی کلی شهر

- الف- شناسایی محیط جغرافیایی ۳۷۸
- ب- تاریخچه شهر ۳۸۲
- سیمای شهر ۳۸۴
- ۱- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده ۳۸۴
- ۲- محله های شهر و مشخصات آن ها ۳۸۵
- اشاره ۳۸۵
- قوم سادات ۳۸۵
- ۳- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر ۳۸۷
- ۴- مسکن و تسهیلات زندگی ۳۸۷
- اشاره ۳۸۷
- دورنمایی از مسکن قدیمی ۳۸۷
- جمعیت شناسی ۳۸۸
- تعریف جمعیت شناسی ۳۸۸
- اشاره ۳۸۸
- الف- ساخت جمعیت ۳۸۹
- ب- حرکت جمعیت ۴۰۱
- ترکیب جامعه ۴۰۵
- اشاره ۴۰۵
- ۱- توزیع شغلی ۴۰۵
- ۲- روابط میان قشرها ۴۰۷
- ۳- روابط سالخوردگان و جوانان ۴۰۸
- ۴- روابط با روستاهای اطراف ۴۰۸
- آداب و رسوم و اعتقادات ۴۰۹
- اشاره ۴۰۹
- الف- اعتقادات ۴۰۹
- ۱- اعتقادات خرافی ۴۰۹

- ۴۱۱ - اعتقادات پراکنده
- ۴۱۳ - اعتقادات پزشکی
- ۴۱۵ - اعتقادات مذهبی
- ۴۱۶ - ب- ضرب المثل ها
- ۴۲۱ - ج- آداب و رسوم ازدواج
- ۴۲۷ - د- تولد نوزاد
- ۴۲۹ - ه- ختنه سوران
- ۴۳۰ - و- مراسم حج و زیارت خانه خدا
- ۴۳۱ - ز- مراسم عید فطر
- ۴۳۱ - ح- جشن پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴۳۲ - ط- عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان
- ۴۳۴ - ی- مرگ و مراسم آن
- ۴۳۶ - ک- زبان و لهجه
- ۴۳۶ - اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها)
- ۴۳۶ - اشاره
- ۴۴۳ - سازمان ها و تأسیسات روستا
- ۴۵۱ - تعاون، همکاری و نوع معیشت
- ۴۵۲ - نوع معیشت
- ۴۵۵ - نتیجه گیری
- ۴۵۶ - پیشنهادات
- ۴۵۷ - محدودیت های تحقیق
- ۴۵۸ - فهرست منابع
- ۴۶۱ - معرفی کتاب
- ۴۶۶ - درباره مرکز

سرشناسه: دو لا بدویر، کامیلا De la Bedoyere, Camilla

عنوان و نام پدیدآور: 100 Steve Parker consultant; Camilla de la Bedoyere [Book]/ Big cats: facts.

مشخصات نشر: تهران: رهنمای اندیشمند، 1400=2021م.

مشخصات ظاهری: 48ص.؛ مصور؛ 22 × 29 س م.

شابک: 320000 ریال

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: زبان: انگلیسی.

یادداشت: افسست.

آوانویسی عنوان: وان هاندرد...

موضوع: گربه سانان -- ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع: Felidae -- Juvenile literature

رده بندی کنگره: QL737

رده بندی دیویی: [ج]599/75

شماره کتابشناسی ملی: 7590845

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

گردآورنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

مراکز پخش:

ص: 1

جلد 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان

نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

نقش مادر در عفت دختران

نقش مادر در تربیت دینی فرزندان

نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

عفت مادر و تربیت فرزندان

نقش پدر در تربیت دینی فرزندان

معرفی کتاب

گردآورنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

ص: 3

امام خمینی (ره):

علم یک حقیقت غیر متناهی است، و انسان اگر در تمام عمر هم تحصیل علم را بکند باز به آخر نرسانده است و لهذا سزاوار است که انسان در تمام مراحل عمر مشغول تحصیل علم باشد.

(صحیفه امام خمینی، جلد 16، صفحه 496)

عکس

□

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مد ظله العالی): امام خمینی (ره):

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مد ظله العالی): کشور ما بدون حرکت در جاده ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه ی مطلوب خودش دست پیدا بکند؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است.

(سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3393>)

ص: 5

سخن اول. 11

نقش مادر در عفت دختران 13

مقدمه. 14

موضوع شناسی نقش مادر در عفت دختران. 15

نقش مادران در عفاف دختران. 18

گفتار اول: زمینه سازی مادر در ایجاد و حفظ عفت دختر. 18

الف - نقش مادر در عفت دختر قبل از تولد. 18

ب) نقش مادر در عفت دختر بعد از تولد. 22

گفتار دوم: تقویت عوامل مثبت در عفت.. 35

الف) محیط داخل خانواده 38

ب) محیط بیرون خانواده 44

ج) الگوسازی مناسب.. 47

گفتار سوم: راه کار در از بین بردن عوامل منفی در عفت.. 50

الف) راه کار محیط داخل خانواده 51

ب) محیط بیرون خانواده 55

ج) مبارزه با الگو برداری نامناسب.. 59

نتیجه. 64

راهکارها و پیشنهادات.. 66

فهرست منابع. 69

ص: 7

موضوع شناسی نقش والدین در تربیت دینی فرزندان. 75

تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان. 79

زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان. 79

1. عوامل زمینه ساز پیش از تولد. 79

1-1- انتخاب همسر. 79

1-2- آداب مباشرت.. 81

1-3- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند. 81

1-4- تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند. 83

2. عوامل زمینه ساز پس از تولد. 84

1-2- گزینش نام شایسته. 84

2-2- آموزش فرزند. 85

2-3- تعلیم قرآن. 86

2-4- آموزش نماز. 87

2-5- دعا برای نیک بختی کودک.. 88

2-6- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر. 90

تبیین بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی. 91

اهمیت تربیت اخلاقی. 91

عامل بودن والدین. 92

موعظه و راهنمایی. 93

زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه 94

راستی و صداقت.. 95

ص: 8

رفق و مدارا در تربیت.. 96

آثار تربیتی رفق و مدارا 98

تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان. 99

اهمیت تربیت اجتماعی. 99

نقش پدر در تربیت اجتماعی. 100

مسئولیت پذیری. 101

آموزش مهارت مسئولیت پذیری. 102

تهیه رزق حلال. 104

تبیین نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان. 106

1. توجه به نیازهای اساسی کودک.. 106

1-1- محبت و عشق ورزیدن. 107

1-2- تکریم و احترام کودک.. 109

1-3- تقویت عزت نفس.. 112

1-4- تقویت ارتباط کلامی. 114

1-5- هدیه دادن. 115

1-6- تشویق و تحسین. 116

نتیجه گیری. 117

فهرست منابع. 119

عفت مادر و تربیت فرزندان 123

مقدمه. 124

مفهوم شناسی. 126

نقش مادر در ایجاد و حفظ عفت.. 131

گفتار اول: مادر بعنوان عامل مؤثر در ایجاد عفت و مراقبت از عفت.. 131

ص: 9

نقش مادر در ایجاد عفت.. 132

1. قبل از تولد. 132

2. زمان بارداری.. 135

3. بعد از تولد. 137

4. کودکی. 137

5. نوجوانی. 138

6. جوانی. 141

نقش مادر در عفت دختر جوان. 142

1. بالا بردن سطح آگاهی جوان. 142

2. الگو سازی مناسب.. 143

الف. خانواده (مادر). 143

ب. معلم. 145

گفتار دوم: توصیه های اسلام به مادران در مورد عفت.. 147

1. ازدواج. 148

2. مربی دختران. 149

3. تفهیمها 150

4. تعدیلهها و تحملها 154

نتیجه گیری. 157

فهرست منابع. 163

معرفی کتاب.. 165

«ن والقلم و ما یسطرون؛ (1) ن و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت.» هم چنان که در نخستین ارتباط و حیانی با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن از قلم به میان می آورد: «الذی علم بالقلم؛ آن که [نوشتن] به قلم آموخت.»

نوشتار یکی از مهم ترین راه های گسترش معرفت و پرورش فضیلت شناخت می شود و نگارش از کارآمدترین شیوه های تعمیق فرهنگ ناب دینی به شمار می آید و اگر بنا باشد برای انتقال اندیشه از شیوه های هنری کمک گرفت، قلم و نوشته اولین نقش را به عهده دارد که می تواند به عنوان رابط صاحب فکر، باب گفت و گویا با مخاطبان خود باز کند.

اگر قرآن به قلم سوگند یاد می کند از این روست که قلم رازدار بشر و خزانه دار دانش ها و جمع آوری کننده تجربیات قرن ها و دوران هاست و این امری بسیار پرارزش و محترم است. قلم و آنچه به وسیله آن به رشته تحریر درمی آید در واقع همان چیزی است که سرچشمه پیدایش تمام تمدن های انسانی، و تکامل دانش ها و بیداری اندیشه ها به شمار می آید؛ چرا که قلم و نوشته از عظیم ترین نعمت های الهی است که خدای تعالی بشر را به آن هدایت کرده و به وسیله آن حوادث غایب از انظار و معانی نهفته در درون دلها را ضبط می کند و انسان به وسیله قلم و نوشتن می تواند هر حادثه ای را که در پس پرده مرور زمان و بعد مکان قرار گرفته، نزد خود حاضر سازد.

ارزش هر قلم به پیام آن است و عظمت هر نوشته به محتوایش. دین مبین اسلام برای قلم و نوشتن ارزش خاصی قائل شده است. گاه در کلام امام علی (علیه السلام) می خوانیم که به فرموده امام علی علیه السلام الانسان بعقله؛ (2) «انسان به عقل خود

ص: 11

1- .سوره قلم، آیات 1 و 2.

2- .الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم، حدیث 230.

انسان است.» و باز می فرمایند: اصل الانسان لبه؛ (1) «اصل انسان خرد او است.» و گاه از زبان رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می شنویم که سه صداست که حجاب ها را پاره می کند و به پیشگاه باعظمت خدا می رسد (2) و یکی از آنها صدای گردش قلم دانشمندان به هنگام نوشتن است.

در نخستین ارتباط و حیانی آخرین رسول خدا با مبدأ هستی در غار حرا، سخن از قلم است و نوشتن و تعلیم، خداوند خود را این گونه معرفی می کند: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ (3) آن که با قلم آموخت.» خداوند به قلم سوگند می خورد، زیرا قلم نشانه آگاهی و تفکر می باشد، قرآن متفکرین را دوست داد، قلم وسیله انتقال علم است به همین خاطر قرآن برای قلم ارزش والایی قایل است.

آموزش و پژوهش بدون هم نیز مفهومی ندارد لذا باید این دو حوزه باهم دیده شوند. هیچ آموزشی نیست که به پژوهش مطلوب نینجامد و هیچ پژوهشی هم نیست که بستر آن را آموزش شکل نداده باشد.

با توجه به پنج کتاب منتشره از خود و خانواده و دیدن پژوهشنامه موسسه دارالثقلین امام عصر روحی فداه جرقه ذهنی برای جمع کردن این آثار به صورت مقاله و پژوهشنامه تداعی ذهن شد که هم اکنون پیش روی شماست.

از خداوند توفیق بیش از پیش در این راه خواهانم.

سید مجتبی حسینی نژاد

دی ماه 1399

ص: 12

-
- 1- . الفتال النیسابوری، روضة الواعظین، ص 8؛ شیخ صدوق، الامالی، ص 312؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 82 .
 - 2- . تفسیر نمونه، ج 24، ص 377، الشهاب فی الحکم والاداب، صفحه 22.
 - 3- . سوره علق، آیه 4

چکیده

انسان قبل از تعلیم و تعلم و آموختن علم و حکمت باید به تزکیه و تربیت بپردازد زیرا بدون تزکیه، تعلم علم و حکمت ممکن است حجاب اکبری شود به جای نور چراکه گفته اند: العلم نور

علاوه بر اینکه بدون تزکیه، تعلیم هم سودی ندارد. تا نفس آدمی تربیت نشود و پاک نگردد، تعلیم هر چقدر دقیق و مفید باشد در تعلّم کارساز نخواهد بود.

لذا این بحث نیز تربیتی است اما با موضوع و بعد خاص یعنی عفت، آنهم در جنس خاص یعنی دختر؛ زیرا بر اثر تجاری که از گذشته تا به حال به دست آمده، میتوان به این نتیجه رسید که عفت دختر اهمیت بیشتری دارد زیرا وقتی وی عفت خویش را حفظ کند، در حقیقت اول از همه خود و در درجه ی بعد جامعه را مصون نگهداشته و هم الگوی مناسبی برای فرزندان خود است و آنها را همانند خود عقیف بار می آورد.

در این میان کسی که بیشترین نقش را در عفت فرزند دختر میتواند داشته باشد، مادر است. زیرا او این دختر را در رحم خود حمل میکند، دختر از خون و شیر مادر تغذیه میکند، از دست مادر غذا میخورد، او را در بسیاری از موارد الگوی خود میداند و با مادر راحت تر مسائل خود را مطرح میکند.

واژگان کلیدی نقش، مادر، دختر، عفت.

ص: 13

«مادر» شکل دهنده‌ی شخصیت کودک و حتی سازنده‌ی آن است. کار او ظریف و حساس است و با یک نوازش مادرانه دل پررنج کودک را تسکین می‌دهد و با یک زمزمه و رفتار کوچک خود، انسان می‌پرورد.

طفل و علی‌الخصوص دختر خود را از عالم ناپاکیها، دورویی‌ها و حسدها دور میدارد، در او خیرخواهی و خیراندیشی نسبت به دیگران و شاکله‌ی وجودی او «حجاب و عفاف» را به وجود می‌آورد.

حجاب و عفاف همواره به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و به ویژه جوامع اسلامی مطرح است. این دو واژه در کنار هم به کار برده میشوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشد. اما با جستجو در متون دینی به تفاوت آنها پی می‌بریم. در قرآن کریم خداوند متعال عفت را از صفات مؤمنین شمرده و چهار بار از ریشه‌ی عفاف استفاده شده است.

لکن یکی از دغدغه‌های اصلی والدین تربیت فرزندان به خصوص فرزند دختر است.

و در تربیت آنچه بیش از همه نمود دارد، عفت میباشد که خود مفهوم گسترده‌ای دارد و همه ابعاد تربیت را تحت تأثیر خود قرار میدهد. عفت یعنی: «خودنگهداری در قلمرو شهوات و خواسته‌های نفسانی»⁽¹⁾ در اینجا مادر که از جنس دختر است نقش تربیتی اش موثرتر می‌باشد.

ص: 14

1- نقش

جمع این کلمه «نقوش» (1) است و این واژه در مواقع مختلفی مثل شکل و «صورت کسی یا چیزی را کشیدن» (2) استفاده میشود.

معنی لغوی: واژه ی «نقش» در معنی متعدد و زیادی به کار رفته است از جمله «تصویر، نگاش، خلقت، لیاقت» (3) رنگ آمیزی کردن (4) و...»

معنی اصطلاحی: در توضیح و تفسیر این کلمه باید گفت که این واژه مهمترین و اصلیتین زمانی به کار میرود که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد. (5)

2- مادر

کسی است که امر پرورش فرزندان را در دوران حمل و بعد از آن بر عهده دارد.

معنی لغوی: واژه ی «مادر» در واقع ترجمه ی «ام» است که «والده» باشد. (6)

البته «مام و ماما و مار» هم گفته شده است. (7)

معنی اصطلاحی: کلمه ی «مادر» مفهوم گسترده ای دارد و وصف ناشدنی

ص: 15

1- فرهنگ عمید، ص 1066.

2- همان.

3- لغت نامه دهخدا، ش مسلسل 134 حرف ن ج 46 صص 696 الی 698.

4- فرهنگ عمید (شماره 1).

5- فرهنگ عمید، ص 698.

6- لغت نامه دهخدا، شماره مسلسل 195، شماره حرفم (بخش ن) ج 40 ص 20.

7- فرهنگ عمید، ص 914.

است ولی آنچه در کتب لغت به صورت معنای قالبی آمده این است که «مادر یعنی زنی که فرزند دارد(1)»، زنی که یک یا چند بچه به دنیا آورده باشد». (2)

اما مراد ما در این پژوهش از واژه «مادر» یعنی؛ کسی که پرورش فرزند را به عهده دارد چه در دوران حمل یا بعد حمل تا شامل زنی که فرزند را به دنیا نیاورده و تنها در تربیت او نقش دارد بشود.

3- دختر

معنی لغوی: واژه دختر در مقابل مفاهیم بسیاری قرار دارد مثل: «ابنه، بنت، ولیده، شعرة، نافجة(3)، دوشیزه، دخت و دخ هم گویند». (4)

معنی اصطلاحی: دختر در مقابل پسر است که فرزند نرینه ی آدمی است(5) به تعبیر دیگر دختر فرزند مادینه انسان است و زنی است که مرد ندیده و باکره است. (6)

4- عفت

جمع آن «اعفّه و اعفّا» میباشد. (7) و به شخصی که این صفت را دارد عفیف میگویند. (8)

ص: 16

-
- 1- . عمید، حسن: همان.
 - 2- . دهخدا، علی اکبر: همان.
 - 3- . لغت نامه دهخدا. ش مسلسل 68، حرف د، ج 22، ص 282
 - 4- . فرهنگ عمید، ص 466.
 - 5- . همان.
 - 6- . فرهنگ فارسی معین، ج 2، ص 1498.
 - 7- . المعجم الوسیط، ج 2، ص 611
 - 8- . فرهنگ لغات قران، ص 362

معنی لغوی: واژه عفت، مفهوم وسیعی دارد؛ هیچ واژه‌ی دیگر نمیتواند در مقابل آن قرار گیرد که هم سنگ آن باشد ولی از باب نمونه، چند واژه که در راستای معنای کلمه‌ی «عفت» هستند آورده میشود از جمله:

(پرهیزکاری(1)، پارسایی و پاکدامنی(2))

این واژه هنگامی به کار میرود که انسان از محرّمات مخصوصاً شهوات حرام احتراز کند(3)

و از آنچه جایز و نیکو نباشد خواه، در گفتار و خواه در کردار، امتناع ورزد. (4)

معنی اصطلاحی؛ بهترین توضیح و تفسیری که درباره‌ی این واژه میتوان گفت: این است که:

«حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله‌ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری میشود(5) به خصوص شهوت جنسی و امور مالی»

چنانکه در اخبار هم بیشتر به خودداری از شهوات مربوط به فرج و شکماطلاق میشود. (6)

امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: 17

1- . فرهنگ فارسی معین، ج 2، ص 1498

2- . همان.

3- . همان ص 2319

4- . همان، ج 32، ص 331

5- . ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قران کریم مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، ج 2، ص 618.

6- . معارف و معاریف، ج 4، ص 1568

«ما عبدالله بشیء افضل من عفه بطن و فرج»(1)

یعنی: عفت بطن و فرج نزد خداوند از هر عبادتی بالاتر است.

در آیات قرآن کلمه «عفت» به کار برده نشده ولی مشتقات آن یعنی؛ «تعفف و يستعفف» آمده که در جای خودش - فصول بعدی - به آن پرداخته می شود.

نقش مادران در عفاف دختران

گفتار اول: زمینه سازی مادر در ایجاد و حفظ عفت دختر

الف - نقش مادر در عفت دختر قبل از تولد

بعد از آن که مادر، چارچوب عفت و عوامل مؤثر بر آن را شناخت نوبت به آن می رسد که آن ها را عملی سازد. نحوه عملی سازی نیز نیاز به آگاهی های لازم و صحیح دارد و گرنه بدون آن یا راه برایش مشکل می شود یا حتی به بیراهه می رود. آن چه که یک مادر در ایفاء نقش خود در این مسیر باید بداند این است که شکل گیری عفت یک دختر نیازمند مراحل است که در نگاه اول به خود او برمی گردد و همواره باید در این راه مراقب او بود و عوامل مثبت و منفی عفت را تقویت کرد و عوامل منفی را از او دور سازد چه در محیط داخل خانواده و چه محیط بیرون؛ به این ترتیب نقش مادری خود را در زمینه عفت دخترش انجام داده است. لذا در این فصل به هر سه مرحله ی ایجاد، تقویت، زائل کردن عوامل منفی عفت پرداخته می شود.

ص: 18

آن چه که قبل از هر موردی لازم است یک مادر بدانند، این است که از نحوه زمینه سازی عفت در دخترش آگاهی یابد. بعد از آن کار راحت تر می شود چون وقتی این آگاهی را پیدا کرد و عفت را به خوبی در فرزندش ایجاد کرد، تقویت عوامل مثبت و زائل کردن عوامل منفی در عفت آسان تر می شود. حال یک مادر اگر بخواهد این زمینه سازی به نحو احسن انجام گیرد باید هم قبل از تولد و هم بعد از آن، بدان اهمیت دهد.

قبل از تولد

یکی از مراحل بسیار مهم تربیت، دوران زندگی پدر و مادر قبل از ازدواج است؛ گر چه هنوز ازدواج نکرده اند اما در آینده نزدیک مسئولیت پدری و مادری را می پذیرند. حال باید به مسائلی توجه کرد که نقش سرنوشت سازی در آینده کودکان دارند از قبیل:

1 - سیستم فکری زن و مرد (ایمان و عقیده)

2 - شخصیت فردی و اجتماعی

3 - باورهای دینی و سیاسی

4 - سمبل ها و الگوهای اجتماعی

5 - علم و آگاهی و شناخت لازم در امور تربیتی

6 - حالات روانی و اخلاقی و میزان تعهد و مسئولیت پذیرایی تحقق معیارهای صحیح تربیت و ازدواج، از پدر و مادر باید شروع کرد و لیاقت ها و شایستگی های آن ها را باید در نظر گرفت.

ایمان و عقیده و ارزش های اخلاقی پدر و مادر در رأس همه مسائل قرار

یکی دیگر از مراحل مقدماتی تربیت توجه و دقت مادران در هنگام بارداری است. در دوره حساس بارداری، 9 ماه رابطه مخصوص بین مادر و فرزند برقرار است. همان گونه که کودک از تنفس مادر، غذای مادر استفاده می کند، حالات روانی و اخلاقی مادر نیز در کودک اثر می گذارد. تأثیر خوبی و بدی، زشتی و زیبایی مادر از نظر جسم و روح قابل ملاحظه است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«سعادت و شقاوت هر کس از زمانی شروع می شود که در رحم مادر زندگی می کند.» (2)

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود:

«غذای کودک از آن چه می خورد و می آشامد تأمین می گردد.» (3)

از این رو درباره غذای روحی و جسمی مادر سفارشات زیادی شده است که زن باردار هر غذائی نخورد و از غذای حرام یا شبهه ناک پرهیز نماید. (4)

طفل در رحم مادر تحت تأثیر دو دسته عوامل است: عوامل مادی و معنوی

عوامل مادی: منظور از آن تغذیه مادر، داروها، امراض میکروبی یا ویروسی، فشار خون مادر، سن مادر، فشار رحم، حجم رحم، نوع خون و از

ص: 20

1- . مسئولیت تربیت، صص 34 - 35.

2- . بحار الانوار، مترجم، جمعی از محققان، ج 5، ص 157.

3- . بحار الانوار، ج 10، ص 150.

4- . مسئولیت تربیت، صص 39 - 40.

این قبیل است. بررسی ها نشان داده است نوع غذایی که زن در دوران حمل مصرف می کند در جنین اثر می گذارد. و بدین نظر حتی در روایات اسلامی از نوع غذای حامله نام برده اند.

سوء تغذیه مادر در دوران حمل ممکن است زخم های دیر پا در کودک ایجاد کند و حتی افراط در مصرف ادویه تند ممکن است موجب آگزاما در طفل شود. الکل و مرفین و سایر مواد مخدر در خون و در نتیجه در جنین مؤثر است.

عوامل معنوی: منظور از آن اضطراب ها، اندیشه های صواب و ناصواب، غم ها و شادی ها، هیجانات شدید، خشم ها، بدبینی ها، فریب ها و... است که در جنین مؤثر می باشد. (1)

این چنین است که دین اسلام با برنامه ریزی های دقیق و صحیحی برای عقیف شدن یک انسان دارد حتی قبل از این که اصلاً پدر و مادری داشته باشد و هم چنین قبل از انعقاد نطفه، این باریک بینی دین ماست.

وقتی چنین دستورها بی داده شده، مسئولیت زن به عنوان یک مادر سنگین تر می شود. بنابراین عرایض فهمیده می شود دوره ی قبل از تولد، از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است و هم چون خشت اول ساختمان خواهد بود که اگر کج نهاده شود، ساختمان را دچار آسیب جدی می کند و اصلاح چنین ساختمانی، بسیار طاقت فرسا و مشقت بار است، اگر نگوئیم ناشدنی و چه بسا غیرقابل تحمل خواهد بود؛ مثل این که فرزند کور یا لال یا... به دنیا بیاید.

ص: 21

مناسب تر آن است برای نتیجه گیری بهتر، این بحث در 3 قسمت مجزاً یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مورد بررسی قرار گیرد:

کودکی

یکی از عوامل مؤثر در زمینه سازی عفت در کودکان هنگام تولد و بعد از آن، تغذیه حلال است چه در مراحل شیر دهی و چه بعد از آن. (1)

یکی دیگر از نکاتی که باید در این زمینه سازی مورد توجه قرار بگیرد، اهمیت به آموزش اخلاق در فرزندان است. از لحاظ روان شناسی ثابت شده است که رشد اخلاقی از کودکی آغاز می شود، پس باید آموزش اخلاقی از این دوران آغاز گردد. (2) شاید دلیلش این باشد که شاکله ی وجودی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی به خصوص در سال های اولیه عمر پایه ریزی می شود و ویژگی های اخلاقی که در این دوران تحصیل می گردد، به طور ریشه دار و مستحکم و عمیق در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و شاکله ی وجود او را تشکیل می دهد. (3) رشد شخصیت نیز از دو سالگی به بعد ملاحظه می شود. (4)

یکی از مسائل مهم در زمینه رشد شخصیت، توجه به عزت نفس کودک است. اولیاء موظفند سبب عزت نفس را که از تمایلات فطری بشر است، در

ص: 22

1- . سیری در مسائل خانواده، ص 79.

2- . بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات ، ج 1، ص 120.

3- . راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، ص 33.

4- . روان شناسی کودک، ص 105.

نهاد فرزندان شان پرورش دهند؛ باید با آنان طوری رفتار کنند که عزیز النفس بار بیایند و از تن دادن به ذلت و خواری منزجر باشند. (1)

علاوه بر آن، خود نیز دارای شرافت اخلاقی باشند، از کارهای پست و سخنان موهوم بپرهیزد و عملاً شخصیت یک دیگر را محترم شمارند تا کودکان نیز این شرافت اخلاقی را یاد بگیرند که اگر این گونه نباشند، فرزندان نیز به فرومایگی عادت کرده و از ارتکاب کارهای پست ایا ندارند. (2)

این مسئله برای دختران به دلیل عواطف سرشار آنان اهمیت بیش تری دارد.

در تربیت دختران، به خاطر نقش حساس آن ها در مسئولیت های خانوادگی و تأثیر آن ها در اجتماع باید مراقبت بیشتری نمود.

از موارد مهم تربیتی دیگر در پرورش شخصیت کودکان، تکریم آن هاست. مقصود از تکریم کودک این است که والدین، فرزند خود را یک انسان واقعی به حساب بیاورند و او را مانند سایر انسان ها محترم بشمارند و او را با دید محبت بنگرند. (3) ناگفته نماند افراط و تفریط در تکریم کودک نیز مانند بی احترامی به کودک باعث سوء تربیت و فساد اخلاق است و سبب می شود که از خود راضی و پر توقع بار بیاید. (4)

ص: 23

1- . جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 283 و 284.

2- . همان، ج 1، ص 288.

3- . همان، ج 1، ص 120.

4- . روان شناس اجتماعی، ص 200.

همه صحبت هایی که تا الآن شد اعم از عزّت نفس دادن تکریم کودک، همگی به نوعی به جنبه روانی و شخصیت طفل بر می گردد که پشتوانه آن همان رشد اخلاقی است که در ابتداء بحث، صحبت شد. حال برای رشد اخلاقی بهتر آموزش هایی هم لازم است از جمله: آموزش های مذهبی، قبل از هر چیز باید در آن ها ایجاد علاقه و رغبت نسبت به مسائل دینی و مذهبی کرد و باید روش های متناسب با آن را به کار برد از قبیل:

1 - استفاده از عواطف کودکان برای ایجاد شور و شوق گرایش به مذهب

2 - استفاده از الگو

3 - قرار دادن کودکان در جوّ مذهبی و محیط معنوی

4 - پرسش و ایجاد سؤال در ذهن کودکان

5 - آموزش عملی دین و رفتارهای مذهبی کودکان

6 - افزایش تجارب موفقیت آمیز کودکان در رفتارهای دینی از طریق مثلاً تشویق های مناسب

7 - یادآوری نعمت های خداوند. (1)

بعد از آشنایی با روش های ایجاد علاقه و گرایش مذهب در کودکان، نوبت به انجام عملی آموزش های مذهبی و تربیت دینی می رسد. در این مرحله، عادت دادن کودکان نقش مهمی را ایفا می کند. این که گفته اند:

«أَلْعَلِمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»

اختصاص به علم ندارد بلکه باید گفته شود:

«التَّربِيَةُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ». (2)

ص: 24

1- . تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج 1، صص 40 الی 52.

2- . کودک و نوجوان و جوان در آثار شهید مطهری به انجمن اولیاء و مربیان، ج 3، ص 40.

عادت از مسائل مهمتی است که از دیدگاه علم اخلاق و آموزش و پرورش مورد توجه بسیار بوده است. آن چه در علم اخلاق در تعریف خلق و ملکه و تعیین فضائل و رذائل گفته اند، به ارزش عادات بستگی کامل دارد.(1)

یکی از نکاتی که باید در آموزش های مذهبی بیش تر رعایت شود این است که؛ باید همراه با صبر و حوصله اما جدیت و قاطعیت باشد.

مسائل دینی از آن جا که با قلب و روح انسان ارتباط دارند باید روش هایی در پیش گرفت که در دل کودکان و نوجوانان راه پیدا کند و مورد محبت و دل بستگی آنان واقع شود و به ایمان قلبی تبدیل گردند.

به موازات آموزش تعالیم دینی لازم است عواطف دینی نیز در آن ها رشد و گسترش یابد. شرکت در مراسم مذهبی در پرورش عواطف دینی بسیار موثر است. علاوه بر آن در تربیت دینی باید توجه کرد که دین منحصر به برخی واجبات عبادی نیست، فرزندان باید به راستگویی، امانتداری، وظیفه شناسی و... نیز بهاء دهند و آن ها را وظایف دینی خود بدانند.(2) یادگیری این آموزش ها در کودک هنگامی تسریع می شود که همه کسانی که با کودک سرو کار دارند، هماهنگ عمل کنند، این هماهنگی ابتدا، باید از درون خانواده و توسط پدر و مادر صورت گیرد.(3) زیرا در روان شناسی ثابت شده که در رشد اخلاقی که یکی از پایه های تقویت آن، همین آموزش ها و تربیت دینی است، معمولاً یک شیوه آموختن، تقلید و سرمشق گیری از بزرگ ترها، به ویژه والدین

ص: 25

1- . نقش آزادی در تربیت کودکان، ص 95.

2- . راهنمای پدران و مادران، ج 1، ص 128 الی 131.

3- . راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، ص 35.

است. شیوه آموزش دیگر، آموزش های غیر مستقیم با تکیه بر داستان ها و مثل هاست. (1)

هنگام آموزش مذهبی کودک، گاهی اوقات از تشویق یا تنبیه نیز می توان استفاده کرد. تشویق یا تقویت در مواردی به کار می رود من جمله؛

1 - رفتارهای مطلوب موجود در کودک افزایش یابد.

2 - رفتارهای تازه و جدید را بیاموزد.

3 - رفتارهای نامطلوب را کاهش دهد.

تنبیه در مواردی به کار می رود که رفتاری ناپسند و بر خلاف مقررات است و مادر می خواهد آن را تضعیف و خاموش سازد این روش باید به طرز صحیح و بجا به کار رود تا موجب آرامش خاطر و تعادل کودک گردد. (2) تنبیه باعث نابودی رفتار تنبیه شده نمی شود بلکه تنها اثر آن این است که رفتار نامطلوب را موقتاً واپس می زند ولی رفتار تقویت شده را نیرومند می سازد و به ایجاد رفتار تازه کمک می کند و خزانه رفتار فرد را غنی می سازد. (3)

لذا باید به تقویت، اهمیت بیش تری نسبت به تنبیه داد. تردیدی نیست که سهم عمده در انجام این وظایف مهم از آن مادر است. وجود مادر پاک نهاد، مادری که سرشت پاک زنانه خود را حفظ کرده، محیط خانه را گرم و فرزندان را از لحظات آغازین زندگی، با ارزش های عاطفی و دینی آشنا می سازد. (4)

ص: 26

1- . روان شناسی اجتماعی، ص 200.

2- . روان شناسی اجتماعی، ص 50.

3- . همان، ص 61.

4- . راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، ص 145.

این چنین مادری فرزند دختر خود را تغذیه حلال می کند. از همان دوران کودکی به فکر رشد اخلاقی او از طریق آموزش های لازم است. مخصوصاً آموزش از طریق عمل کرد مثبت اخلاقی خودش که الگویی مناسب تر است.

در این میان فرزند دخترش را از آموزش های مذهبی به نحو صحیح نیز بهره مند می سازد تا وی رشد اخلاقی بهتری داشته باشد که نتیجه آن شکل گیری شخصیت و شاکله وجودی فرزند دلبنده براساس اخلاق است. بعد هم برای رشد شخصیت بهتر او سعی می کند با تکریم و عزت نفس دادن، زمینه پرورش هر چه بیش تر آن را فراهم کند. مادر به این طریق دختری با شخصیت اخلاقی و به تعبیر دیگر با عفت تحویل جامعه می دهد که هرگز دست خوش فرومایگی و بی عفتی قرار نخواهد گرفت انشاء الله.

نوجوانی

نوجوانان دلی پاک و روحی پر شور دارند. آنان در حساس ترین و بحرانی ترین دوران زندگی خود به سر می برند و نیازمند هدایت، حمایت و همدلی اند. نوجوان نهال نورسیده ای است که برای رشد و بالندگی به باغبانی دل سوز و روشن بین نیاز دارد تا او را از آفت ها و حادثه ها در امان دارد. بها دادن به نوجوان و در تربیت و ارشاد آنان کوشیدن بی گمان یکی از نشانه های آشکار رشد فرهنگی یک جامعه است. (1)

ایام کودکی در دوازده سالگی پایان می پذیرد و دوران تحوّل و انقلاب بلوغ و نوجوانی که دوره طوفانی و پرتشنجی است آغاز می شود که چهار سال طول می کشد و بعضی دانش مندان آن را ولادت

ص: 27

این دوره مرحله انتقال از دوران کودکی به دوران بزرگ سالی است نوجوان از یک سو در حال هجرت از وابستگی های دوران کودکی است از سوی دیگر توانایی لازم را برای حل بسیاری از مسائل زندگی ندارد و همین نوسان فکری و روانی در او پریشانی و درماندگی ایجاد می کند و آرامش روحی او را می گیرد این دوره نه تنها انگیزه های غریزی و در رأس آن ها میل جنسی را در وجود نوجوان بیدار می کند بلکه گرایش های عاطفی و روانی او را نیز به ظهور می رساند. (2)

به طور کلی تحولات بلوغ دختران را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

1 - تحولات جسمانی: دگرگونی های بدنی در دوره بلوغ دختران بسیار زیاد است. هورمون هایی ترشح می شوند که باعث این تغییرات می شوند و در پی آن قاعدگی می آید.

2 - تحولات روانی: با شروع دوره بلوغ ترشح غدد و هورمون ها افزون بر اثر ظاهری در بدن اثرهایی بر روی احساس و انگیزه نوجوان می گذارد که یکی از این اثرها آشفتگی است. (3)

بزرگ ترین حامی و پناهگاه نوجوانان در این دوران بحرانی خانواده است. اگر خانواده نتواند این وظیفه را به درستی انجام دهد فرزندان از حوزه جاذبه خانواده خارج می شوند و در معرض جذب عوامل محیطی قرار می گیرند و راه انحراف را در پیش می گیرند اما زمانی که فرزندان با پیوندهای محکم به کانون

ص: 28

1- . جوان از نظر عقل و احساسات، همان، ج 1، ص 9.

2- . راهنمای پدران و مادران، ص 18.

3- . سن ازدواج دختران، صص 149 - 153.

خانواده تعلق داشته باشند و جذب محیط گرم و روابط صمیمانه خانواده خویش باشند، از بسیاری آفت‌ها در امان هستند گفتگو کردن با آن‌ها در زمین‌های گوناگون بها دادن به نظر آن‌ها گذراندن اوقاتی به شوخی و تفریح با آن‌ها البته به نحو متعادل و مراعات اصول دیگر به برقراری روابط صمیمانه و بی‌تکلف به فرزندان کمک می‌کند. این روابط صمیمانه برای فرزند دختر از اهمیت بیش‌تری برخوردار است مخصوصاً وقتی از طرف مادر باشد، زمانی این روابط نتیجه بهتر می‌دهد که والدین با طرز فکر فرزندان خود که وابسته به فصل جدید بوده و یک نسل با آن‌ها فاصله دارند آشنا باشند و علاقه‌ها، حساسیت‌ها افکار و احساسات آن‌ها را بشناسند. (1)

قال علی (علیه السلام):

و اعرف النَّاسَ بِالزَّمانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَائِهِ. (2)

یعنی داناترین مردم به مقتضیات زمان کسی است که از تحولات آن دچار آشفتگی نشود و خویشتن را نبازد.

لذا یک مادر خوب علاوه بر آگاهی به مقتضیات زمان باید ویژگی‌های دختر نوجوانش را نیز بشناسد که به طور خلاصه عبارتند از: 1 - به همراه رشد سریع بدن و بیداری فطرت و غریزه، عواطف و احساسات هم به وجهی دیگر بیدار می‌شوند و شدت و جهت دیگری پیدا می‌کند.

2 - دختران خیلی زود اهل محبت می‌شوند.

ص: 29

1- راهنمای پدران و مادران و شیوه‌های برخورد با نوجوانان، صص 25 - 29.

2- غررالحکم و درالکلم، همان، ص 209.

3- در این سنین علائق و رغبت ها نسبت به جنس مخالف بیدار می شود.

4- زیبایی در آن ها لذتی ایجاد می کند زیرا پسندی وی تنها در جنبه جسم نیست بلکه در جنبه کمالات هم مطرح است.

5- به همان گونه که احساس غرور و تکبر دارند، احساس شرم و حیا هم دارند و این نعمتی بزرگ برای آن ها و عامل امنیت است.

6- در دوستی ها چنان افراطی هستند که حتی سلیقه و عقیده و طرز لباس پوشیدن شان را با دوستان شان واحد می کنند و دوست دارند هویت شان را مشترک سازند. (1)

این ها گوشه ای از ویژگی های دختران نوجون بود، حال یکی از نکات بسیار مهم که در دوره نوجوانی وجود دارد و مادر در برخورد با دختر باید به آن توجه کند این است که محوری ترین انگیزش این دوره کوشش برای به دست آوردن استقلال است.

برای هدایت صحیح این حس باید مواردی را رعایت کرد از قبیل:

1- باید آزادی های مشروع و معقول آن ها را محترم شمرد و زمینه برای دستیابی آن ها به زندگی مستقل فراهم کرد.

2- در انتقاد نباید زیاده روی شود. 3- احساس شخصیت اخلاقی و عزت و کرامت نفس در او تقویت شود.

4- مشورت کردن با نوجوان که نتیجه دیگر آن یاد دادن تصمیم گیری به وی می باشد. (2)

ص: 30

1- . دنیای نوجوانی دختران، انتشارات امیری، صص 63 - 67 و 82..

2- . راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، صص 30 الی 41.

خلاصه این که یک مادر با آگاهی از تحولات جسمی و روانی و ویژگی های دوران نوجوانی دخترش و مقتضیات زمان و هم چنین با روابط صمیمانه به راحتی می تواند با تکیه بر همان آموزش های مذهبی و رشد اخلاقی که در قسمت قبل توضیح داده شد. دختر نوجوانش را عقیف سازد و در این مسیر نگره دارد.

جوانی

ایام پرشور و طوفان جوانی که گاهی به «مستی شباب» تعبیر شده، خیلی کوتاه مدت است. بعضی آن را 5 سال می دانند و می گویند دوران جوانی از 16 سالگی شروع و در 20 سالگی تمام می شود، بعضی حداکثر 10 سال و پایان آن را 25 سالگی می دانند. (1)

در این دوره نیز مادر باید با ویژگی های دختر جوانش آشنا باشد. مهم ترین ویژگی های این دوره از نظر اسلام عبارتند از:

1 - ضمیر بسیار پذیرا و مستعد: امام علی (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّمَا الْقَلْبُ الْحَدِيثُ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (2)

قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

2 - تنش های روانی شدید به دلیل فوران انگیزه های مختلف که باعث جذب سریع او حتی به عقاید باطل می گردد. (3)

ص: 31

1- راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، ج 1، ص 14.

2- نهج البلاغه، (صبحی صالح) همان، ص 393.

3- روان شناسی رشد 2، ص 1185.

3- گرایش به دین و معنویت

4- سرشار از نیروی جسمی

5- برخورداری از استعدادها و توانایی های عقلی و ادراکی زیاد

6- علم و دانش اندک

7- حساسیت و زودرنجی

8- زیبا خواهی و زیبا جویی

9- استقلال خواهی و مشارکت جویی

10- نرم دلی و انعطاف پذیری

11- آرزومندی که نمونه بارز آن تقلید کورکورانه از فرهنگ بیگانگان است. (1)

یکی دیگر از چیزهای که مادر باید بداند این است که انقلاب صنعتی روی اخلاق و آداب مردم تأثیر عمیق گذارده و جوانان بیش تر از بزرگ سالان تحت تأثیر آن قرار گرفته اند قبح اعمال زشت از دست رفته بدبختانه دنیای امروز در اکثر موارد قبول ورد مردم را میزان شناخت خوب و بد های اخلاقی و اجتماعی می داند و این خود یکی از خطرناک ترین نقاط انحراف جهان کنونی است. این فکر نادرست بر اساس اخلاق نسبی پایه گذاری شده است مقصود از نسبییت اخلاق در غرب این است که خوبی و بدی در مورد اخلاق یک امر مطلق و ثابت نیست بلکه با اختلاف شرائط محیط و تفاوت زمان و مکان نیک و بدی های اخلاقی تغییر می کند. (2) نکته

قابل توجهی که اخلاق نسبی

ص: 32

1- . بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص 27 الی 43.

2- . بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات ، ص 323-327.

اسلام را از اخلاق نسبی دنیای امروز متمایز می سازد آن است که معیار خوب و بد اخلاق در اسلام، صلاح و فساد فردی و اجتماعی و تعالی و انحطاط بشر است و به مردم دستور داده شده در شرایط خاص، روش صحیح اخلاقی خود را به دلیل مصلحت فرد و اجتماع تغییر دهند ولی دنیای کنونی خوب و بد اخلاق را با قبول و ردّ مردم می سنجد و همین اختلاف بین نسبیّت اخلاق اسلام و دنیای حاضر، یکی از علل اختلاف در خانواده و اجتماع است. والدین اخلاق نیک و بد را با معیار صلاح و سعادت فرزندان می سنجد ولی فرزندان، اخلاق نیک و بد را با ردّ و قبول دنیای امروز اندازه گیری می کنند. (1)

راه حل این است که والدین در حفظ سنن و اصولی که به مصلحت قطعی جامعه و پایه ی اساس سعادت بشر است، با قاطعیت ایستادگی و پافشاری کنند ولی در اموری که سعادت اجتماع و فرد وابسته به آنها نیست، بی تفاوت باشد و برای نگهداری آنها تعصب از خود نشان ندهد (2) یعنی

در آداب و رسوم اجتماعی طبق مقتضیات زمان با فرزند خود برخورد کنند و آسان بگیرند. اما نکته ای که به طور کلی یک مادر در هنگام بروز این اختلافات با دختر خود در هر مقطع سنی باید به آن توجه کند این است که اگر محتوای آموزه های تربیتی مجموعه ای از سلبها ممنوعیت ها بدون جایگزین مناسب باشد به تدریج مرتبی را از میدان به در می کند پس نباید از ارائه این جایگزین ها غافل بماند زیرا:

اولاً: ارائه جایگزین های دلنشین می تواند رغبت آفرین باشد.

ص: 33

-
- 1- . بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات ، ج 1، صص 333 - 340.
 - 2- . دنیا گریزی چرا، دین گرایی چه سان، ص 267.

ثانیاً: بسیاری از ممنوعیت های دینی لذا ید مادی است که مثلاً جوان به طور غریزی در پی آنهاست هدایت جوان باید با رانه طریق مناسب و جایگزین برای ارضاء همراه شود.

ثالثاً: ترک عادات غلط تنش آفرین است در صورتی می توان از این تنش های طاقت فرسا جلوگیری کرد که عادات، جایگزین حاصل شود.

رابعاً: منع ها غالباً دقت آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضر اوقات فرد خالی شود لازم است به وجهی نیکو پر شود و گرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند. (1)

علاوه بر جایگزین مناسب اصول دیگری نیز در اصلاح بینش ها و رفتارهای ناپسند دختر وجود دارد که به طور خلاصه عبارتند از:

1 - تأمین منطقی و شروع نیازهای وی.

2 - هدایت و کنترل با کم ترین محدودیت

3 - ترغیب بر خویشتن داری و نظارت درونی

4 - گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به ویژه درون خانواده

5 - آگاهی بخشی نسبت به رفتارهای ناصواب و پیامدهای سوء آن.

6 - هشدار دادن به فکر و حيله منحرفان 7 - مثبت درمانی و برجسته ساختن ویژگی ها و رفتارهای پسندیده و عزت نفس دادن به او.

8 - استفاده از اصل تعامل در خطاهای جزئی تا حدی که منجر به تکرار آن نشود.

ص: 34

1- . دنیا گریزی.

در مجموع دوران کودکی نوجوانی و جوانی مشخص شد که آگاهی مادر از ویژگی های مختص هر دوره و هم چنین آگاهی از شیوه های صحیح تربیتی و آموزشی و اصلاح رفتارها همراه با روابط صمیمانه و نیز با خبر بودن از مقتضیات زمانی و اخلاق نسبی اسلامی باعث می شود که بتواند راحت تر و با مشکلات کمتری ریشه های عفت و اخلاق را در فرزند دخترش بارور سازد زیرا فطرت اولیه فرزند بر پایه طینتی پاک نهاده شده که نباید منحرف شود و بر عکس باید هر چه بیش تر بارو شود و به فعلیت برسد.

گفتار دوم: تقویت عوامل مثبت در عفت

اشاره

فرزندان و نونهالان امروز را باید نیکو تربیت کرد، هم از آن بابت که چنین تربیتی حق و حقوق آن هاست و هم از آن جهت که اینان مردان یا زنان فردای جامعه ما هستند، ضمن گرداندن چرخ های جامعه می بایست به پرورش نسل های بعدی پردازند. والدین می بایست فرزندانشان را مورد حمایت خود قرار داده و با بینش و دقت عوامل مثبت در عفت فرزندانشان را شناسایی کرد و موانعی که در سر راه رشد اوست از میان بردارد و عوامل پیش برنده و سازنده را در اختیارش قرار دهد.

تربیت صحیح را از همان دوران خردسالی باید بر کودک اعمال کرد و این خود مستلزم آگاهی از شیوه های درست آن است این خطاست که به گمان آگاهی از طی راه به دنبال کسب اطلاعات در این زمینه نرویم، بلکه باید در این راه آگاهانه پیش رویم در گفتار قبل 3 دوره کودکی، نوجوانی و جوانی مورد

ص: 35

بحث و بررسی قرار داده شد. در این گفتار نیز بناست ابتدا دوره تربیتی اسلام بیان شود که توجه به آن ها برای مادر حائز اهمیت است.

فرایند تربیت در روایات به 3 مرحله تقسیم شده است:

1- در هفت سال نخست زندگی به علت رشد عواطف کودک باید احساسات و نیازهای او را درک کرد و به او آزادی و اختیار کافی داد تا به مراحل بالاتر رشد و شناخت عقلانی برسد. بازی های کودکانه او از بهترین اسباب آموزش می باشد. پیامبر فرمود:

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ»⁽¹⁾

هر کس کودکی دارد باید با او کودکانه رفتار کند.

تعبیر پیامبر از این دوران چنین است طفل در هفت سال اول آقائی و سیادت دارد.⁽²⁾

هفت سال اول زندگی دوره ای است که در آن کودک از آموزش جدی و رسمی معاف است. در این دوره وی از آزادی عمل بیش تری برخوردار است و نباید تکلیف منظم و شاقی بر او تحمیل کرد؛ از این رو گفته می شود در این دوره تکلیف پذیر نیست.⁽³⁾

2- در هفت سال دوم با در نظر گرفتن پیشرفت هایی که کودک از نظر شناختی عقلانی و جسمانی به دست آورده است آمادگی درک خوب و بد در او ایجاد شده است ولی هنوز صلاح و فساد را به درستی تشخیص نمی دهد؛ باید وظایفی را به او محول کرد تا با موضوعات و واقعیات زندگی در حد

ص: 36

1- . وسائل الشیعه، همان، ص 486.

2- . هدایه المله الی الاحکام الائمه، ص 195.

3- . راهنمای پدران و مادران، همان، ج دوم، ص 55.

به تعبیر پیامبر:

کودک در هفت سال دوم بنده و فرمانبردار پدر و مادر است. (2)

3 - هفت سال سوم که از 15 سالگی آغاز می شود، دوران بلوغ و جوانی است که اندام و افکار فرزند به کلی دگرگون می شود و تحولات چشم گیری در جسم و جانش پدید می آید. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این دروه را با کلمه وزیر تعبیر نموده است. (3) و با این تعبیر تشخص طلبی و استقلال جویی جوان را مورد توجه قرار داده و از طرف دیگر به پدر و مادر فهمانده که با جوان امروز همانند بچه ی دیروز رفتار نکنید او وزیر و مشاور شماست. (4) از کلمه ی وزیر در حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محدودیت آزادی جوانان به خوبی استفاده می شود، زیرا وزارت به معنای یاری و معاونت است.

فرزند جوان گرچه با وزارت، شخصیتش مورد تکریم و احترام قرار می گیرد ولی نباید فراموش کند او وزیر پدر و مادر است و خود آزادی و استقلال کامل ندارد و تصمیم نهایی در انجام امور خانواده مربوط به والدین است.

بر خلاف دنیای غرب که جوان را کاملاً آزادی می دادند. (5)

حال که سه مرحله تربیتی از نظر اسلام با ویژگی های آن تبیین شد، بهتر می توان فهمید که در هر مقطع سنی چگونه و چه کارهایی را برای تقویت و یا

ص: 37

-
- 1- . تقویت نظام خانواده و آسیبشناسی آن، صص 37 - 38.
 - 2- . هدایه المله الی الاحکام الاثمه، ص 195.
 - 3- . هدایه المله الی الاحکام الاثمه، ج 15، ص 203.
 - 4- . بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، ج 1، ص 41.
 - 5- . همان، ص 44.

زائل کردن در زمینه عفت دختران باید انجام داد.

الف) محیط داخل خانواده

محیط، تمام عوامل خارجی است که از آغاز رشد، یعنی از آن لحظه ای که انسان به صورت نطفه ای در رحم قرار می گیرد و منعقد می شود، بر او اثر می گذارند. پس برای جنین نیز محیطی است و آن عبارت از حالات داخلی رحم از نظر حرارت و برودت و غیره است و نمو جنین تحت تأثیر این عوامل از خارج و عامل وراثت از داخل قرار دارد. به عبارت دیگر محیط عبارت از هر امری است که انسان را احاطه کرده است. بنابراین هر چه که انسان رشد می کند دایره محیط او وسعت می یابد. عوامل محیطی بسیار است و در تقسیم اولیه می توان به دو قسم عوامل انسانی و غیرانسانی تقسیم نمود:

محیط انسانی

منظور از محیط انسانی، کلیه افرادی هستند که فرد را مورد تربیت و احاطه قرار می دهند. از قبیل پدر، مادر، برادر و خواهر تا معلم و مدیر و رهبر و غیره... که این مبحث را تحت عنوان محیط داخل خانواده مورد بررسی قرار می دهیم. (1) خانواده اولین نهادی است که کودک با قدم گذاشتن در آن به اولین مدرسه و مهد اصلی تربیت خویش گام می نهد. (2)

مرحله کودکی که دوران نوزادی تا دوازده، سیزده سالگی را در بر می

ص: 38

1- . تعلیم و تربیت اسلامی، ص 56-58.

2- . تقویت نظام خانواده و آسیبشناسی آن، ص 31.

گیرد، دوران وابستگی به خانواده مخصوصاً مادر است. (1) امروزه ما در خیابان و کوچه و بازار و گاهی در کنار یک مادر با حجاب، یک دختر بد حجاب را می بینیم، این پدیده به معنای این است که خانواده این دختر در انتقال فرهنگ حجاب به فرزندشان موفق نبوده اند.

و حال آن که خانواده به عنوان اولین محیط رشد و نمو فرزند در شکل گیری و تکوین عادات او تأثیر بسیار عمیقی دارد فرزندان نه تنها از طریق تشویق های کلامی و غیرکلامی بلکه از طریق الگوسازی نیز خود را با نقش های ایده آل خانواده هماهنگ می کنند. اگر در خانواده ای والدین، مخصوصاً مادر مقید به ارزش های اسلامی باشند و فرزندان خویش را تربیت و تشویق کنند پایه های مستحکمی برای تربیت دختران پی ریزی می کنند. (2)

محیط خانه شامل برادران و خواهران و احیاناً دیگران نیز می شود. (3)

پایه های اخلاق و سازندگی در زمینه شخصیت کودک در خانه گذارده و آغاز می گردد و در این زمینه مادر نقش اول را داراست زیرا با کودک، روابط متعددی از قبیل خشم و مهر، تنبیه و تشویق و... را دارد. کار مادر تنها ساختن شخصیت نیست بلکه ترمیم آن هم مد نظر است. برای ساختن شخصیت کودک باید او را شناخت که آن هم تعمق و دقت نیاز دارد. شناخت او از راه افعال، رفتار، بازی ها، گفتارها و روش های وی امکان پذیر است. نکته قابل توجه این است که تمام ابعاد شخصیت طفل متعادل و متوازن باید پرورش یابد جنبه های

ص: 39

1- . سیمای کودک و نوجوان و جوان در آثار استاد مطهری، ص 21.

2- . پرسمان حجاب، ص 129.

3- . تعلیم و تربیت اسلامی، ص 59.

شخصیتی شامل شخصیت؛ فردی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی، علمی، معاشرتی، دینی، مذهبی، سیاسی و... است. (1)

بعد از ایجاد شخصیت کودک نیز نکاتی در تثبیت آن باید مورد توجه قرار گیرد که به طور مجمل عبارتند از:

1 - کنترل درونی و معنوی از طریق محافظ قرار دادن هاله های دینی و اخلاقی که یکی از راه های تثبیت شخصیت است.

2 - ایجاد عادات خوب از راه تکرار هوشیارانه عمل، نه این که قالبی و بدون اندیشه باشد. (2)

یکی از مصداق های عادات خوب، عادت کردن کودک به انجام عبادات است که دانش مندان اسلامی با به کار بردن (عبادات تمرینی) اهمیت تمرین را در انجام دادن تکالیف دینی در خصوص اطفال خاطر نشان ساخته اند.

اگر تمرین دینی کودکان از همان دوران کودکی که بیش تر در اختیار والدین و مربیان هستند آغاز شود. نتایج بسیار درخشانی به بار می آید. (3) که من جمله با عفت شدن فرزند دختر است. در همه مسیر ایجاد عادت ها و صفات حسنه و تربیت صحیح دختر برای این که فردی عقیف باشد، باید با تشویق مورد توجه قرار گیرد تا این حالت عفت تقویت شود، اما نکاتی هم باید در آن رعایت شود از قبیل:

1 - باید اخلاق و رفتار نیک وی مورد ستایش قرار گیرد نه خود او.

ص: 40

1- . نقش مادر در تربیت، همان، صص 119-121.

2- . همان، ص 123.

3- . نسل نوحواسته، ص 167.

2- تعریف و تمجید باید به صورت جزئی و به مقدار واقع و گاه باشد نه به صورت کلی و بیش از مقدار واقعی و دائمی؛(1)

3- از تشویق باید به عنوان کمک انگیزه در انجام کارهای شایسته استفاده کرد نه اصل انگیزه.

4- رضایت و تشویق و پاداش خداوند باید به تدریج جایگزین رضایت و تشویق والدین شود، این معنای اخلاص است.(2)

5- باید توجه داشت که طبق مقدار سن و درک فرد مورد تربیت و اوضاع و شرایط خاص زندگی ارزش و اهمیت کار او نوع تشویق و مقدار آن را باید انتخاب کرد.(3)

که گاهی هم از نصیحت باید استفاده کرد ولی باید دانست که:

1- لزوم آمادگی پند گیرنده و پند دهنده از مهم ترین ارکان پند است مثلاً نباید هیچ کدام خشم گین باشد.

2- پند عملی: کودک و نوجوان بیش از آن که با گوش خود مطالب رافراگیرد با چشم و فهم خود آن ها را درک می کند و می آموزد.(4)

اما برای تقویت بهتر عادت های نیکو که منتهی به شخصیت عفیف کودک دختر می شود آموزش های مذهبی لازم است که در گفتار قبل نیز به عنوان عاملی برای رشد اخلاقی بهتر درباره ی آن بحث شد. این آموزش ها هم در

ص: 41

1- . اسلام تعلیم و تربیت، ج 2، صص 38-40.

2- . عوامل انحراف انگیز در کودکان و نوجوانان، صص 23-24.

3- . اسلام و تعلیم و تربیت، ج 2، ص 137.

4- . عوامل انحراف انگیز در کودکان و نوجوانان، صص 25-26.

ایجاد و هم در تقویت عفت مؤثرند پس باید مداومت بر آن‌ها شود. در این زمینه نیز مادر باید مواردی را رعایت کند مثلاً این که کودک از راه لمس و حواس ظاهری با جهان خارج ارتباط برقرار می‌کند. ایجاد ایمان در کودک نیز بر این اساس باید استوار باشد. مادر با زبان ساده می‌تواند به کودک تفهیم کند که خدا او را می‌بیند و هیچ‌کس از نظرش پنهان نیست تا نتیجه‌اش این شود که او آن‌چه که عنوان حلال دارد در زندگی خود مورد پذیرش قرار دهد و آن‌چه حرام و ممنوع است از زندگی طرد کند.

این آموزش‌ها باید از سنّی آغاز شود که هنوز ذهن او به عوامل آلوده محیط، انس نگرفته و برای درک حقایق، راستی و درستی آمادگی دارد.

این آموزش‌ها عملاً از طریق رفتار مادر و انجام برنامه‌های عبادتی او و نیز از راه ذکر داستان‌ها و بیان کیفیت آفرینش امکان‌پذیر است. یکی از نکات مهم در این آموزش‌ها، این است که تا قبل از حدود 7 سالگی دائماً از مهر و لطف و محبت خداوند و جنبه‌هایی که زائیده این احساس است بحث می‌شود. از حدود 7 سالگی کوشش بر این است که خوف خداوند در دل او انداخته شود و ضرورت مجازات برای گناه گوشزد شود و به او گفته شود که خداوند همان‌گونه که برای خوبان، مهر و عطاء دارد برای بدان، کیفر و عقوبت دارد. (1)

و اما مهم‌ترین آموزش‌های دینی و مذهبی دوران نوجوانی و جوانی که در قرآن و روایات به آن اشاره شده عبارتند از:

1- باید و نبایدهای فقهی، حقوقی، واجبات و محرمات.

2- آموزش مستحبات و مکروهات همراه با رعایت اولیّت‌ها.

ص: 42

3- آموزش اصول تربیت دینی و دین‌مداری و پرهیز از افراط و تفریط.

4- آموزش قرآن...

5- آموزش معارف دینی که نتیجه اش خارج شدن تربیت دینی از حالت عادت انفعالی به عادت فعال و همراه با منطق و استدلال است.

6- آموزش مفاهیم اخلاقی. (1)

مسئله مهمی که در همه این موارد و آموزش‌ها باید مد نظر قرار گیرد، نوع برخورد با دختران است که باید بر پایه مهر و محبت و صمیمیت باشد. (2)

علاوه بر این حتماً در دوران جوانی و نوجوانی توجه داشته باشد که فرزندش دوران کودکی را طی کرده و عاشق استقلال و تشخیص است و اساس روابط در این سنین مخصوصاً از 7 سال سوم از روی تکریم و احترام به شخصیت اوست. خلاصه باید با نرمی و انس موجباتی را فراهم آورد که دختر هویت شخصیتی خود را دریابد و حیات خود را به صورت انسانی سالم در آورد. به دختران باید شرایط و موقعیت شان و ارزش عفت را تفهیم کرد. (3)

یکی از مواردی که به حفظ عفت دختران کمک می‌کند، تربیت مسائل زنانه است که تعبیر به تربیت جنسی می‌شود.

تربیت جنسی عبارت از دادن آگاهی درباره‌ی مسائل زناشویی و عشق و روابط با جنس مخالف و موافق نیست، بلکه غرض دادن اطلاعات و آگاهی‌هایی به آنان در رابطه با مسائل زنانه است مثل قاعدگی چرا که اصل بر کنترل

ص: 43

1- . بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، صص 99 الی 104.

2- . دنیای نوجوانی دختران، ص 389.

3- . همان، ص 391-404.

احساس و عواطف برای دچار شدن به بلوغ زودرس و دادن آگاهی هائی در زمینه رشد و شرایط آن هاست. (1)

این میل را می توان به آتشفشانی تشبیه کرد که از اعماق وجود انسان بر می خیزد و اگر به روشی صحیح کنترل و مهار نشود هر آن چه که بر سر راهش باشد از بین می برد. (2)

با توجه به آن چه گفته شد مادر باید در محیط درون خانواده به نقش الگویی خود و رشد همه ابعاد شخصیت کودک و اعمال روش های صحیح تربیتی و آموزش های مذهبی و اخلاقی او اهمیت دهد و محیط درون خانواده را هماهنگ سازد تا زمینه بهتر رشد اخلاقی دختر در محیط داخل فراهم شود.

(ب) محیط بیرون خانواده

این محیط هم شامل محیط انسانی و هم غیر انسانی می باشد بر خلاف محیط خانواده که شامل افراد انسانی کردیم. محیط انسانی شامل رفاقت ها و دوستی هایی است که به صورت کلی در محیط بیرون خانواده، فرزندان و از جمله فرزند دختر با آن سر و کار دارد. محیط غیر انسانی کلیه عوامل غیر انسانی است که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم در امر تربیت مؤثرند. در بین عواملی پدیده های غیر انسانی عوامل وجود دارد که نشأت یافته از انسانند مثل وسائل ارتباط جمعی و یا مجلات و روزنامه ها.

وسائل ارتباط جمعی: که به دو دسته جدید و قدیم قابل تقسیم اند. از وسائل جدید می توان رادیو، تلوزیون و فیلم و سینما را نام برد که نقشی

ص: 44

1- . اسلام و تعلیم و تربیت، ج2، صص 114-115.

2- . راهنمای پدران و مادران، همان، ص 87.

حیرت انگیز در ایجاد تحول و تغییر در فرد دارند. تلویزیون و سینما برای کودک دنیای دیگری را غیر از محیط خانواده مأنوس می کند و او را در زندگی جهت می دهند. تحقیقات نشان داده شده که بسیاری از جرائم و جنایات و صلاح و سداء کودکان مربوط به این دو وسیله است. از وسائل قدیم می توان کتاب، روزنامه، مجله و نوشته ها را نام برد که تأثیر آن ها در برخی موارد کمتر از تأثیر وسایل جدید نیستند. (1)

اینترنت و فضای آن اگر چه در دسته جدید می گنجد لکن جداگانه نام بردیم که کنکاش خانواده و والدین در این مهم طلب می کرد.

محیط رفاقت و معاشرت: فرزندان بشر در تمام ادوار زندگی از ایام کودکی و جوانی تا روزگار کهولت و پیری همواره نیازمند رفاقت و دوستی دیگران هستند. همان طور که آدمی از داشتن رفیق موافق و دوست یک دل احساس مسرت می کند از نداشتن هم صحبت شایسته و مناسب آزرده خاطر می شود. (2)

همسالان و دوستان از راه های خاصی در شکل گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش ها و نگرش های یک دیگر دخالت دارند. هر چه مقدار دوستان بیش تر و روابط آن ها به فرزند نزدیک تر باشد تأثیر آن ها بیش تر می شود. بنابراین یک مادر باید در انتخاب دوستان مناسب به فرزند خود کمک کند تا علاوه بر تأمین نیاز او به دوستی به حفظ و تقویت عفت در بیرون از خانه، یاری رسانش باشد. در این بین باید نکاتی را هم مد نظر قرار دهد:

1 - نیاز دختر را به درستی درک و تأیید کند.

ص: 45

1- . تعلیم و تربیت اسلامی، ص 59.

2- . تعلیم و تربیت اسلامی، ص 63.

2 - راه هایی برای نزدیک شدن به دختر و دوستانش فراهم کند.

3 - وقتی دوستی او با دیگران مشکل و رنج آور می شود، از او حمایت کند.

4 - با دختر خود درباره ارزش دوستی با صراحت و صداقت گفتگو کند و از دوستی های سالم و تعهد او نسبت به دوستان قدیم و جدیدش حمایت کند. (1)

از موارد دیگری که به حفظ عفت دختر در بیرون کمک می کند، آگاهی دادن به اوست. دختر باید به ارزش وجودی خود آگاه شود. او باید بداند که از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، کانون خانواده مهم ترین وسیله تحکیم توان و سلامت اخلاق و روان جامعه است و بیش ترین نقش در حفظ رابطه ای مقدس و صمیمی و وحدت میان اعضای خانواده نیز برعهده ی زن قرار داده شده چرا که وجود زن سرشار از عواطف انسانی است و تجلّی گاه این احساس، نقشمادری است. (2) و این مسیر نیست مگر با حفظ عفت زن در مقابل هوس ها و گناهان از طرفی دیگر باید آگاهی های لازم درباره منحرفان و خطرات آن ها و چگونگی مقابله با آن ها و دوری جستن از عوامل و محیط های آلوده به گناه به وی داده شود.

لذا مادر باید نیاز به حمایت های اجتماعی و میل به دوستان و همسالان را که از نیازهای فطری فرزند دخترش است درک کند و آن ها را بر آورده سازد و تحت نظارت های مختلف خود قرار دهد. علاوه بر این که ارزش وجودی او و

ص: 46

1- . کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، مترجم: اکرم کرمی، صص 115-117.

2- . روانشناسی زن، ص 79.

عفتش را برایش روشن می سازد در عین حال آگاهی های لازم را به او می دهد. به این طریق عفت دختر را در محیط بیرون از خانواده هم حفظ و هم تقویت می کند.

ج) الگوسازی مناسب

تأثیر شخصیت الگو در شکل گیری رفتار و منش کودکان و نوجوانان و تشکیل یا تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق العاده چشم گیر است. امام علی (علیه السلام) در ضمن حدیثی اهمیت نقش الگو را این چنین بیان می فرماید:

پندی که هیچ گوشی آن را بیرون نمی افکند و هیچ نفعی با آن برابری نمی کند. (1)

روش یادگیری از الگو به طور غیر مستقیم و گاه از طریق مشاهده انجام می گیرد که از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری ها محسوب می شود و این یک امر طبیعی است که یکی از نیرومندترین غرایز بشری یعنی از غریزه تقلید سرچشمه می گیرد. (2)

توان تقلید یک ویژگی فطری است. برخی برای فرایند تقلید سه مرحله قائل شده اند:

1 - مرحله محاکات: فرایند تقلید در مراحل اولیه یعنی نوزادی، امری غریزی و بدون توجه و آگاهی تلقی می شود.

2 - مرحله ای که با اندکی توجه و آگاهی همراه است: همانند تقلیدهای کودکان در 2 یا 3 سالگی.

ص: 47

1- غرر الحکم و در الکلام، مترجم رجایی، سید مهدی، فصل نهم، شماره 162.

2- اسلام و تعلیم و تربیت، ج 2، ص 98.

3- فرد به مرحله ای می رسد که الگوگیری های او آگاهانه و توأم با انتخاب و گزینش است، همانند آن چه در سنین نوجوانی و جوانی روی می دهد که اگرچه اساس توان تقلید در این مرحله ذاتی است، اما انگیزه مؤثر در رفتار تقلیدی او آموخته و آگاهانه است و به دنبال تجزیه و تحلیل های ذهنی می رود. در واقع تقلید نوعی تطابق با محیط است نه رفتاری غریزی و نا آگاهانه و بی هدف بلکه رفتاری است که هم چون بسیاری از ادراکات از قبیل ادراک اصل علیت نخست حالت ارتکازی و نیمه آگاهانه دارد و به مرور زمان رشد می کند و آگاهانه می شود. (1)

در راستای استفاده از الگوها برای تربیت باید به نکاتی چند توجه داشت.

الف: هر اندازه الگو محبوب تر باشد میزان تأثیر گذاریش بیشتر است.

ب: الگوهای غیرمستقیم تأثیر بیشتر دارد.

ج: الگو باید تجارت مذهبی را خوش آیند جلوه دهد مثلاً برای اولین نماز برنامه ای بسیار آسان و لذت بخش طراحی کند.

د: مؤثرترین و عام ترین الگوها، والدین هستند. زیرا آن ها اولین و آشنا ترین چهره هایی هستند که کودک با آن ها برخورد می کند و نیازمندی هایش را تأمین می کند. لذا آن ها را بهترین و خیرخواه ترین اشخاص می داند که می تواند سرمشق خود قرار دهد. بعد از پدر و مادر، معلم جاذب ترین و بانفوذترین افراد مؤثر در کودک و نوجوان است چون با روح و جان آن ها سر و کار دارد. (2)

برای بررسی فرایند تقلید و همانندسازی مناسب تر است مقاطع سنی به

ص: 48

1- . تقویت نظام خانواده و آسیبشناسی آن، صص 41-44.

2- . اسلام و تعلیم و تربیت، ج2، صص 100 - 103.

کودکی: بعضی روان شناسان دوره کودکی را به 3 دوره ی مجزاً تقسیم کرده اند:

دوره اول: از تولد تا 3 سالگی دوره دوم: از 3 تا 7 سالگی دوره سوم: از 7 سالگی تا بلوغ

دوره اول: همانندسازی، در این هنگام به صورت محبت و مهربانی از طرف پدر یا مادر می باشد. (1)

در این میان نقش مادر و جنبه الگویی او بسیار مهم است زیرا مادر بیش تر در کنار او و نخستین سرمشق وی می باشد.

دوره دوم: در همانندسازی توجه به رشد فرا خود و وجدان کودک دارای اهمیت است. علائم رشد فرا خود و وجدان در دوره دوم کودکی آشکار می گردد. کودک رفتار خود را با معیارهای والدینش همگام می سازد. دوره سوم: پایه و اساس معیارهای اخلاقی که قبل از ورود به دبستان بنا شده در دوره سوم کودکی با سرعت زیاد توسعه می یابد. این معیار، ابتدا به واسطه ترس از والدین یا جلب محبت آن ها اجرا می گردد، تدریجاً جزء خصوصیت شخصیت کودک می گردد، چنان چه معیارهای اخلاقی در طفولیت به وجود نیایند در نوجوانی و بزرگ سالی، فرزند تابع تمایلات و غرایز خودش گردیده و از عهده ضبط رفتار خود بر نخواهد آمد. (2)

نوجوانی و جوانی: در سنین نوجوانی، اعتمادی که کودکان نسبت به

ص: 49

1- . روانشناسی کودک، ص 174.

2- . همان، صص 174-247.

بزرگ ترها دارند؛ وجود ندارد و آن ها رفتارهای والدین را زیر ذره بین نقادی و کنجکاوی قرار می دهند و حتی شاید زیاده روی کنند و اگر تضاد بین رفتار و گفتار آن ها مشاهده کنند نسبت به توصیه های آن ها بی اعتماد می شوند.⁽¹⁾

نکته قابل توجه این است که در معرفی الگوها باید دقت شود که مخصوصاً الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر باشد بلکه باید بشر ما فوق تلقی شود. زیرا فوق بشر نمی تواند الگوی نیکویی برای آدمی باشد.

یکی از عوامل مهم مؤثر در این عرصه، مطالعه زندگی شخصیت های برجسته اسلامی مانند نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) و علمای بزرگ است. همان طور که تحقیقات در خصوص کسانی که به اسلام و شیعه گرویده اند، این سخن را تأیید می کند. به هر حال روش الگویی، بهترین و مؤثرترین و طبیعی ترین وسیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است.⁽²⁾ طبق آن چه گفته شد یک مادر باید چه در مرحله ای که ویژگی فطری تقلید به صورت غریزی و نا آگاهانه است و چه آگاهانه، در همه این مراحل باید معیارها و اصول و ارزش های اخلاقی را به نحو احسن رعایت کند تا دخترش نیز به نحو مجسم و عینی یاد گرفته و این ارزش ها در دختر فراهم شود.

گفتار سوم: راه کار در از بین بردن عوامل منفی در عفت

اشاره

همان طور که ایجاد و تقویت عفت در دختر، اهمیّت دارد نگه داری از آن نیز در مقابل طوفان حوادث اهمیّت زیادی دارد؛ چرا که ممکن است در مسیر

ص: 50

1- . راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، ص 113.

2- . همان، ص 117.

آن بعضی انحرافات به صورت عمدی یا سهوی پیش آید. وظیفه مادر در وحله ی اول پیش گیری است، چرا که پیش گیری بهتر از درمان است. حال اگر این اتفاق ناگوار افتاد و دختر در مسیر حفظ عفتش مشکلاتی برایش پیش آمد مادر باید از علل و مسائل و راه هایی آگاه باشد تا به نحو احسن آن ها را درمان کند و نگذارد پیش روی کنند. بنابراین مادر نیاز به آگاهی های دارد که به طور مختصر و مفید بررسی می شود.

الف) راه کار محیط داخل خانواده

از روش های اصلاحی در تربیت، روش تذکر و القاء است. اثر تذکر از سوی مادر بر کودک بیش تر است و موجب اصلاح یا لااقل مقدمه اصلاح است و اگر آن را نپذیرفت باید به صورت دیگری مثل داستان، قصه گویی و یا حتی تنبیه در آید. (1) البته در تذکر دادن هم باید نکاتی را رعایت کرد من جمله:

1 - تذکرات باید آرام و لطیف باشد نه توأم با خشونت. 2 - گاهی باید توأم با امر و نهی باشد ولی بدون خرد کردن شخصیت او.

3 - تذکر باید با سطح فکر و رشد کودک مطابقت داشته باشد و گاهی باید از استدلالات کودکانه استفاده کرد.

4 - تذکر مجدد و تکرار به شرطی که از حد اعتدال نگذرد و باعث سرخوردگی و تضعیف اعتماد به نفس فرزند نشود، ضروری است. البته علت تکرار اشتباه را هم باید جستجو کرد.

5 - تذکر و القاء گاهی باید قبل از وقوع یک عمل باشد و گرنه بعدها

ص: 51

1- . نقش مادر در تربیت، ص 169.

کمتر مؤثر واقع می شود. (1)

یکی از موارد مهم در حفظ عفت فرزند، مخصوصاً دختر توجه به غریزه جنسی و احتیاط های لازم در آن است که قبلاً نیز گفته شد. جلوگیری از تحریک و هیجان میل جنسی: اگر این میل در نوجوانی به هیجان آید جلوگیری از عواقب بعدی کاری بسیار دشوار است؛ از این رو برای این منظور محیط خانواده نباید چنان باشد که به این انگیزه نیرومند دامن بزند، یا آن را به هیجان در آورد. طرز لباس پوشیدن و آرایش مادر و خواهران نباید چنان باشد که زمینه انحراف را در پسران نوجوان و یا دختران فراهم آورد. معمولاً بیش تر مادران به این مهم توجه نمی کنند. (2)

در این جا می بایست از خطا و اشتباه والدین در روابط خود یاد کرد گاهی در حضور کودک و به گونه ای بی پروا و با این تصور که او طفل است و از این موارد سر در نمی آورد، رفتارهای بد آموزی در نظر فرزندان نمود پیدا می کند که به بیداری نابهنگام جنسی منجر می شود لذا باید از این رفتارها اجتناب کنند. (3)

مؤثرترین روش برای پیش گیری از کجروی های برخاسته از میل جنسی و سایر بزه کاری ها در سنین نوجوانی و جوانی، پرورش تقویت ایمان دینی است. (4)

حال اگر احیاناً فرزند به راه اشتباه رفت باید اقداماتی انجام داد از قبیل:

ص: 52

- 1- . همان، صص 171-172.
- 2- . راهنمای پدران و مادران، ج اول، ص 89.
- 3- . خانواده و فرزندان، صص 175-177.
- 4- . راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، صص 99-101.

1 - دادن آگاهی لازم به فرد که دریابد در مسیر ناروا و لغزش قرار گرفته و افزایش بصیرت وی درباره محرک ها و عوامل انحراف.

2 - دادن تذکرات خیرخواهانه به صورت غیر مستقیم و گاهی اوقات مستقیم

3 - آموزش مذهب و تقویت نیروی ایمان و روشن کردن ارزش پاکی عفت.

4 - تغافل نسبت به مسئله به شرطی که برایش درس آموز باشد به ویژه وقتی شرمنده باشد.

5 - تأمین اوقات فراغت از طریق ایجاد سرگرمی هایی مثل فعالیت ورزشی.

6 - دادن عزت نفس به فرزند و تقویت حیای عاقلانه و احترام به شخصیت او به گونه ای که حاضر نشود خود را در معرض تحقیرها و تخفیف ها قرار دهد. (1) علاوه بر این ها، والدین باید علت لغزش فرزند خود را بیابند چه بسا علت اصلی در نهایت ریشه در رفتار خود آن ها داشته باشد. (2) از علل دیگری که می تواند باعث لغزش دختر شود می توان موارد زیر را برشمرد.

1 - نامه های عاشقانه و مزاحمت های تلفنی.

2 - مطالعه کتاب و مجلات فاسد و گمراه کننده. (3)

ص: 53

1- . خانواده و مسائل جنسی در کودکان، صص 244-246.

2- . راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، ص 101.

3- . برای ریحانه، صص 42-46.

بیداری نا به هنگام غریزه جنسی.

4- تأخیر امر ازدواج. (1)

5- فیلم های مبتذل.

6- اوقات فراغت.

7- موسیقی های مطرب؛ موسیقی های مبتذل که مناسب مجالس لهو و لعب است علاوه بر ضررهای معنوی و اخلاقی مانند؛ قرار گرفتن در مسیر شهوات و افکار شیطانی، مردن دل ها، محروم شدن از لذت انس با خدا، پاره شدن پرده های عصمت، سبک شدن عقل، فراهم شدن زمینه گناه و استجابت نشدن دعا، بر جسم و اعصاب هم آثار سوئی دارد که امروزه از نظر علمی ثابت شده است. (2)

8- تجدد و نوظللی: این گرچه یک امر طبیعی و فطری در جوانان است اما نباید به نام تجدد، معیار خوبی و بدی را جدید و قدیمی بودن قرار دهند که این همان اخلاق نسبی غربی است، بر عکس باید بدانند این نوع گرایش در حد طبیعی خود باید در امور متغیر زندگی باشد نه در امور ثابت و جاوید مثل احکام الهی. (3)

والدین هم باید مقتضیات زمان را در نظر بگیرند. امام علی (علیه السلام) در حدیثی می فرمایند:

آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش

ص: 54

1- . خانواده و مسائل جنسی کودکان، ص 232.

2- . جوانان در طوفان غرائز، صص 71-73.

3- . همان، ص 34.

تحمیل نکنند زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. (1)

9- اینترنت؛ مطالعات اخیر نشان می دهد که فعالیت نوجوانان ما روز به روز خصوصی تر می شود و پشت درهای بسته اتاق خواب به دور از جمع خانواده شکل می گیرد. روش استفاده از اینترنت به بافت خانوادگی استفاده کننده که به صورت مثبت یا منفی از اینترنت استفاده می کنند و هم میزان ارتباط و نظارت آن ها بستگی دارد. مادر هم باید به نحوه استفاده از اینترنت توسط دخترش و هم به مکانی که کامپیوتر در آن جا قرار می گیرد، توجه داشته باشد. (2)

شک نیست که در امر تربیت فرزندان، پدران و مادران هر دو وظیفه دارند. اما از جهات گوناگون وظیفه ی مادران سنگین تر و تعهد و مسئولیت آن ها درباره دختران بیش تر است مادر باید بیدار و هوشیار باشد.

تربیت دختران به هنگامی امکان دارد که مادر شناخت نسبتاً جامعی درباره ی آن ها داشته باشد و این شناخت به هر میزان که وسیع تر و پر دامنه تر باشد توفیق بیش تر است. (3) این شناخت در سایه ارتباط صمیمانه و هر چه نزدیک تر مادر با دختر پدید می آید. (4)

ب) محیط بیرون خانواده

طفل از زمان ولادت تا پایان ایام بلوغ دوران متعددی از زندگی خود را

ص: 55

1- . شرح نهج البلاغه، ج 20، کلمة 102، ص 267.

2- . کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، صص 48-49.

3- . دنیای نوجوانی دختران، صص 367-377.

4- . کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، ص 76.

طی می کند و در خلال این مدت طولانی ضمن این که قوای جسمی او نیرومند می گردد استعداد اجتماعی اش نیز تدریجاً فعلیت می یابد و عامل بسیار مؤثر در آن که شخصیت کودک را هم به صفات خوب یا، بد اجتماعی متصف می سازد، محیط تربیتی اوست. فرزندان بیش تر، صفات اجتماعی خود را از کسانی فرا می گیرند که از دوران کودکی تا ایام جوانی در محیط های مختلف خانواده، آموزش گاه، کوی و برزن، به طور متناوب با آن ها در تماس و از رفتار و گفتارشان سرمشق گرفته اند. (1)

رشد و توسعه محیط اجتماعی در دوره سوم کودکی یعنی سن دبستان اهمیت بسیار دارد. پس از ورود کودک به دبستان، همسالان تدریجاً در رشد و نمو شخصیت او نقش مؤثری دارند. (2) که در گفتار قبل نیز بدان اشاره شد.

در این دوره علاقه مندی پسرها به تلفیق شدن به گروه همسالان بیش تر از دخترهاست. دختران بیش تر تمایل دارند وابستگی های خانوادگی خود را حفظ کنند ولی در ضمن، علاقه مند به ایجاد روابط دو نفری هستند از همین روی احساسات و عواطف دختران در روابطی که با یک دوست برقرار می سازند به مراتب شدیدتر از علائق پسرها در روابط بین خودشان می باشد. (3)

در دوره نوجوانی نیز از یک سوی عواطف نوجوان نسبت به دوران کودکی عمق بیش تری پیدا می کند و دوستی ها، عمیق و انتخابی می شوند و از سوی دیگر نوجوان در پی کسب استقلال از بزرگ سالان به گروه همسالان

ص: 56

1- . جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 75.

2- . روانشناسی کودک، ص 248.

3- . همان، ص 247.

توجه پیدا می کند و اثرپذیری از آن ها به بیش ترین حدّ خود می رسد، بررسی های علمی نیز این مطلب را نشان می دهد.

به همین علت خطر دوستی های نامناسب در این دوران بسیار بیش تر و عواقب وخیم تری دارند. مراقبت خانواده در این دوران از اهمیتی ویژه برخوردار است. والدین باید به نحوی متقاعدشان سازند که از مراقبت بی نیاز نیستند و این مراقبت ناشی از علاقه و مسئولیتی است که خانواده در برابر فرزندان دارد نه این که به آن ها بی اعتمادند. (1)

یکی دیگر از مواردی که پدر و مادر می توانند به کمک آن فرزند خود را از عوامل زائل کننده عفت در محیط بیرون مصون نگه دارند، آگاهی و آموزش کنترل نگاه در فرزندان است زیرا اولین قدم اساسی و علمی در کنترل خواسته های نفسانی، مراقبت از نگاه و بی بندباری و دوری از صحنه های مهیج است.

از عوامل بسیار مؤثر دیگری که نقش مهمی در تحریک فرزند مخصوصاً دختر به سوی گناه و بی عفتی دارد نیروهای تخیل و فکر است. این نیروی فطری در دوران جوانی و نوجوانی ممکن است تحت تأثیر و تسلط غریزه جنسی و وسوسه های شیطانی قرار بگیرد و فرد را به ایجاد روابط ناسالم بکشاند. باید به وی فهمانده شود تا آن جا که می تواند از یاد خدا غفلت نرزد و اوقات خود را با برنامه های سودمند مثل مطالعه و تحقیق، فعالیت های هنری و ورزش مناسب پر کند تا دیگر مجالی برای وسوسه های بی جا و تخیل و توهم درباره ی صحنه های شهوت انگیز باقی نماند چرا که بیکاری منشاء همه انحرافات است.

ص: 57

مادر باید فرزند را آگاه سازد که در هر اقدام که خواهان انجام آن است باید ریشه تمایلات خود را بررسی کند.

اگر موافق عقل و قوانین شرع بود آن را دنبال کند وگرنه صرف نظر نماید. این مسأله برای دختر به خاطر احساسات و عواطف قوی او از اهمیت بیش تری برخوردار است. از طرفی دیگر باید دختر را از شرکت در بعضی برنامه های تفریحی یا میهمانی هایی که او را اجباراً به رفت و آمد و برخورد با نامحرمان وادار می سازد، منع کرد زیرا این برخوردها اولین زمینه اختلال روحی و انحراف او را فراهم می سازد. (1) ممکن است زمینه روابط نامشروع با جنس مخالف و دوستی با آن ها را فراهم کند.

بنابراین مخصوصاً اگر فرزند دختر در سنین ازدواج باشد باید آگاه شود که معمولاً دوستی های قبل از ازدواج با جنس مخالف برای کامیابی های جنسی در اثر غلبه شهوات صورت می گیرد. در این جا مناسب است علل روابط دختر و پسر بیان شود که بدین شرح است:

1 - عدم ارضای غریزه جنسی به دلیل بالا رفتن سن ازدواج.

2 - احساس نیاز به محبت به دلیل ارضا نشدن آن در خانواده.

3 - الگو گرفتن از فرهنگ بیگانه که طبق فرهنگ آن ها، این گونه روابط عامل رشد و نشانه کمال و شخصیت است.

در این زمان وظایف والدین عبارت است از:

1 - ارضای صحیح و مشروع این غریزه.

2 - تحکیم روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مثبت؛

ص: 58

1- . جوانان و پرسشها و پاسخها، صص 325-330.

3 - گسترش روابط صمیمانه و دوستانه وی بین همسالان هم جنس که البته افرادی ارزش مند و با ایمان باشند.

4 - آگاه کردن آن ها به مسأله خود کنترلی از طریق کنترل حواس ظاهری و افکار و پر کردن اوقات فراغت برخورد روشن گرانه و مهرورزانه والدین به خصوص مادر در مورد دختر می تواند به تغییر رفتار آن ها بیانجامد. (1)

یکی از مواردی که درباره محیط بیرون مادر باید مد نظر قرار دهد این است که متأسفانه در جهان کنونی یعنی دنیای صنعت و ماشین روش های اجتماعی به سرعت عوض می شود در خلال این تحولات چه بسیار نارواها در نظر مردم روا می شود و رواها، ناروا می گردد. در چنین وضعی بیش تر جوانان دچار کشمکش های درونی می شوند و از تضاد و ناسازگاری تربیت های خانوادگی با روش های نوین اجتماعی، ناراحت و نگران می گردند. (2)

در این موقع این مادر است که باید به کمک فرزند بشتابد و با آگاهی از مقتضیات زمان، خواسته های مثبت و به صلاح دختر خویش را جامعه ی عملپوشاند و خواسته های منفی و غیر صلاح آن ها را با روش منطقی رد نماید و راه حق را به وی نشان دهد.

ج) مبارزه با الگو برداری نامناسب

از ابتدای ولادت، تقلید شیوه ای برای تعدیل الگوهای رفتار اجتماعی کودک است. همه کودکان به ویژه کودکان با هوش تر، تلقین پذیرتر هستند و

ص: 59

1- . جوان از نظر عقل و احساسات ، ج 2، صص 77-78.

2- . همان، ص 82.

عاداتی را الگوگیری می کنند. (1) یکی از مهم ترین راه های الگوگیری فرزندان، وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون است. میزان توجه و تقلید کودک از برنامه تلویزیون با رشد او تغییر می کند. (2)

این وسایل همانند مدرسه ایست که در تمام نقاط و در تمام زمان ها در دسترس است. نفوذ این وسایل ارتباطی از خانواده و مدرسه و همسالان هم بیش تر است؛ بنابراین امتیاز خاصی دارند.

الگوهای تلویزیونی از طریق مجریان برنامه ها، گویندگان اخبار، فیلم و دیگر برنامه ها به جامعه ارائه می شود.

رفتارهای اجتماعی مطلوب از قبیل: همکاری، همدردی و ایثار و... هم چنین رفتارهای ضد اجتماعی نظیر: پرخاشگری و جنایت همگی از طریق تلویزیون القاء می شود. یکی از عوامل موفقیت تلویزیون، سمعی و بصری بودن آن است و این بعد تلویزیون با سایر وسایل ارتباط جمعی تفاوت بسیار دارد. (3)

لازم به ذکر است که این حس الگوپذیری در دوره ی نوجوانی و جوانیبه اوج خود می رسد؛ زیرا یکی از ویژگی ها دوران جوانی حس الگوپذیری است و با نظر به فطری بودن حس کمال طلبی، جوانان برای تکوین شخصیت روحی و فکری و اجتماعی خویش همواره سعی می کنند افرادی را که از نظر مادی یا معنوی به کمال رسیده اند الگوی خویش قرار دهند.

دنیای غرب که به این خواسته و نیاز جوانان پی برده در اشاعه ی الگوهای

ص: 60

1- . روانشناسی رشد، ج2، ص 845.

2- . همان، ص 847.

3- . روانشناسی رشد، ج2، صص 931-933.

کاذب و شخصیت های دروغین می کوشد تا جوانان را از هویت انسانی جدا کند؛ به همین دلیل به معرفی هنرپیشه های فاسد سینما، ورزش کاران بی بندوبار، قهرمانان بی شخصیت و خوانندگان پست می پردازد و آنان را الگو معرفی می کند. البته همه این ها در پرتو امور مقدسی مانند ورزش و هنر، دفاع و نشاط روحی به خورد جوانان می دهند.

پس مهم است که جوانان بدانند باید از فردی که در جامعه نمونه است و می خواهند او را الگوی خود قرار دهند، شناخت کافی داشته باشند، از الگوپذیری های جاهلانه برحذر باشند و به امید رسیدن به مقامات فردی یا اجتماعی، نباید اعمال و افکار نادرست شخصیت های معروف را سرمشق قرار دهند. (1) یکی از نکات قابل توجه این است که: گسترش الگوهای غلط و رواج بینش ها و روش های نامناسب در ارتباط با زن در اغلب فرهنگ ها، بازنگری اساسی در زمینه پرورش روحیه ی سالم زنان در دختران را می طلبد. (2)

لذا خانواده ها به خصوص مادران در این زمینه باید دختران خود را با ارزش های وجودی خود و مواهبی که خداوند در درون آن ها به ودیعت نهادهاشنا سازند و از هرگونه برخوردی که به ایجاد عقده حقارت در آن ها بینجامد، خودداری کنند، آن ها باید احساس کرامت را درون دختران خود زنده و بیدار سازند تا آن ها به سادگی تسلیم روش های غلط که نتیجه ای جز تحقیر زن و از بین رفتن سرمایه های درونی او ندارد نشوند.

حیا یکی از عالی ترین ویژگی های اخلاقی زنان است که باید در همه

ص: 61

1- . جوانان در طوفان غرائز، ص 26.

2- . راهنمای پدران و مادران، جلد اول، همان، ص 78.

حالات و حرکات آن‌ها نمود داشته باشد و پرواضح است که دختران این درس را قبل از همه باید از مادران خود فراگیرند. (1)

از آن‌چه در این فصل گفته شد این نتیجه را می‌توان گرفت که یک مادر برای عفت فرزند دختر باید تا جایی که امکان دارد هم خودش پاک دامن باشد و هم همسر مناسبی از هر جهت خصوصاً از جهت ایمان و اخلاق برگزیند.

در قبل و حین بارداری مسائل تأثیرگذار در جنین را رعایت کند و بعد از تولد هم غذای پاک و حلال به بچه بخوراند و نیازهای اقتصادی او را تا حد امکان تأمین کند و هم در جنبه معنوی باید به رشد اخلاقی دختر خود از دوران کودکی توجه کند و برای نتیجه‌گیری بهتر در مسیر این رشد، دختر را از آموزش‌های مذهبی و دینی بهره‌مند سازد؛ در سایه این تلاش‌ها شخصیت دخترش بر اساس، اخلاق مذهبی و با عفت شکل می‌گیرد، البته باز در زمینه رشد شخصیت وی از توجه کردن به وی عزت نفس دادن و تکریم فرزند و در کنار آن از الگوی خوب بودن خود غافل نماند.

مادر باید ویژگی‌های روحی، روانی و جسمانی دختر خود را در مقاطع سنی مختلف بداند و بر اساس آن تدبیر و چاره‌اندیشی کند؛ روابط صمیمانه با او داشته باشد مقتضیات زمان را هم مد نظر قرار دهد در نتیجه مصلحت‌های فردی و اجتماعی را در تصمیم‌گیری خود اعمال نماید، لذا در آداب و رسوم معمول اجتماعی، سهل‌گیر و در اصول ثابت اسلام سخت‌گیری شود البته تا حد اعتدال و با شیوه‌های مناسب. او باید به روش‌های تربیت صحیح اسلامی آگاه باشد چه در جهت ایجاد معیارهای اخلاقی و دینی در فرزند و چه حفظ

ص: 62

و تقویت و هم چنین اصلاح آن‌ها مثل تذکر، نصیحت، تنبیه و تشویق و... که هر کدام را به جا و به اندازه باید استفاده کند. یک مادر خوب ویژگی‌های فطری فرزند را در نظر می‌گیرد مثل تقلید کردن، عزت نفس خواستن، حس دوست‌یابی و حمایت‌های اجتماعی که این امور در همه سنین وجود دارند و مثل حس کمال‌طلبی، خودنمایی یا استقلال‌طلبی و میل به جنس مخالف، گزینه جنسی و... که در سنین نوجوانی و جوانی وجود دارند.

مادر باید این ویژگی‌های فطری را در مسیر صحیح هدایت و رهبری همه جانبه کند و همه جوانب شخصیتی دختر و نیازهای او را به نحو متعادل و هماهنگ بر طرف سازد که در درجه اول رضایت خداوند متعال و در درجه بعدی رضایت فرزند و اجتماع را در پی دارد و نباید اجازه دهد این غرایز فطری دچار افراط و تفریط شوند و فرزند خویش را نیز آگاه سازد.

البته کنترل این غرایز و آموزش راه‌های صحیح به فرزند مخصوصاً دختر باید به نحو «درون‌فکنی» باشد.

که از طریق روابط صمیمانه الگوی جامع بودن و فراهم کردن زمینه‌های مناسب و نمونه‌الگویی و هم‌چنین به کار بردن روش‌های آموزشی و تربیت صحیح به دست می‌آید تا فرزند دختر هم در حضور و هم در غیاب مادر، عفت خود را حفظ کند. البته آگاهی‌های لازم هم باید به فرزندش بدهد مثل ارزش عفت و مضرات بی‌عفتی، عوامل انحرافی و نحوه مبارزه با آن‌ها، خودکنترلی و تقویت ایمان و...

در کنار مادر، پدر هم باید هم‌کاری و هم‌راهی و حمایت کند ولی مادر نقش اصلی را ایفا می‌کند.

بنا بر آن چه که در کلیه فصول گذشت می توان این نتیجه را گرفت که مادر برای این که نقش و اثر ماندگاری در عفت فرزند دوشیزه و باکره خود داشته باشد و خود نگه داری در مقابل گناهان را در او ایجاد کند مراحل را باید طی کند که به ترتیب ذکر می شود.

البته باید دانست عفت هم در مسائل مادی مثل نیازهای اقتصادی و هم غیرمادی مثل امور جنسی مطرح است، و اما مراحل عبارتند از:

1 - مرحله ی اول: مادر در درجه ی اول خودش باید عقیقه باشد و عفت در همه ابعاد آن یعنی: نگاه، کلام، حجاب و پوشش، اخلاق و رفتار در ظاهر و باطن او نمود داشته باشد. عوامل مؤثر در عفت مثل ایمان به خدا و معاد، عزت نفس، خودکنترلی... و هم چنین عوامل مؤثر در بی عفتی مثل چشم چرانی، تهاجم فرهنگی، بیکاری و... را بشناسد و نسبت به تقویت یا زائل کردن آن ها تا جایی که می تواند بکوشد.

2 - مرحله ی دوم: این مرحله انتخاب همسر عقیف است که در شکل گیری جنین نقش اساسی دارد و بعد از آن هم از حمایت های مادی و معنوی او برخوردار می گردد.

3 - مرحله ی سوم: مرحله ی بارداری است که با رعایت تغذیه مناسب و پرهیز از داروهای غیر مجاز و اعتیاد و... که در سلامت جنین بسیار مهم است و نیز حالات روحی نامناسب و تغذیه حرام و... را از خود دور سازد و در عوض حالات روحی مناسب را که همراه با معنویت است در خود ایجاد و تقویت نماید.

4 - مرحله ی چهارم: مرحله ی بعد از تولّد است. در این مرحله نیز هم بعد مادی و هم بعد معنوی عفت را باید در نظر گرفت زیرا یک انسان متشکل از جسم و روح است. در هر کدام که کوتاهی کند باعث می شود که انسان کاملی نباشد انسان کاملی که «خلیفه الله» است.

مادر اگر با تمام توان در عفت خود بکوشد و معیارهای اخلاقی و دینی را رعایت کند و خودش را مجسمه عفت سازد و هم چنین تضاد بین گفتار و رفتارش نباشد، دختر نیز از او یاد می گیرد و او را اسوه ی خود قرار می دهد.

محیط بیرون از مواردی است که نباید از آن غفلت نمود چرا که محیط بیرون مثل مدرسه و دیگر محیط های اجتماعی بر فرزند مؤثر هستند پس باید از تأثیر همسالان نیز غافل نباشد و او را هدایت کند.

همان طور که مادر در محیط خانه باید جو مناسب ایجاد کند. در محیط بیرون نیز اهتمام لازم را انجام دهد باشد که جامعه ای سالم و سعادت مند داشته باشیم. انشاء الله.

ص: 65

اقداماتی که مادر عفیف برای عفت فرزند دختر بعد از تولد می تواند انجام دهد عبارت است از:

- الف: در بعد مادی: نیازهای اقتصادی او را اعم از غذا، مسکن، پوشاک و... تا حد امکان تأمین کند و به فکر سلامت جسم و تن او باشد.
- ب: در بعد معنوی باید به فکر سلامتی روح او باشد. مادر باید بداند همان طور که در تعریف گفته شده، دختر تا موقعی که ازدواج نکرده و باکره است و تحت مسئولیت پدر و مادر می باشد، وظیفه ی حفظ عفت او به دست آن هاست بعد از ازدواج، همسرش این مهم را برعهده می گیرد، اما به صورت نامحسوس باز هم مادر باید او را کنترل کند تا از جاده عفت، منحرف نگردد.

نکته هایی که در بعد معنوی عفت حائز اهمیت اند عبارتند از:

1 - مادر باید شیر و غذای حلال به او بخوراند که اثر وضعی دارد.

2 - عفت از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست بنابراین، برای تقویت آن باید در درجه ی اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه که در حکم و ریشه ی اخلاق و رفتار است توجه شود.

3 - در توسعه فرهنگ عفت عمومی لازم است به تحکیم ارزش ها و مفاهیم اخلاقی خاصی از قبیل؛ تقوا، عفت، حیا، غیرت که با عفت رابطه نزدیک و با واسطه دارند و از ثمرات ایمان محسوب می شوند و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یک دیگر در جامعه و خانواده، توجه کافی مبذول شود.

4 - توضیح و تبیین دائمی فلسفه و فواید عفت در زندگی فردی و اجتماعی و بیان آثار و نتایج سوء عدم رعایت عفاف امری ضروری است.

5 - عفاف یکی امر تربیتی مرتبط با خانواده است، بنابراین تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفاف در اندیشه و روح افراد نقش اصلی و عمده را ایفا می کند برای این که خانواده بتواند نقش تربیتی خود در زمینه عفت را در بین دختران به خوبی ایفا نماید لازم است دلایل عفت دختران به والدین آموزش داده شود. خوشبختانه کتاب هایی که در زمینه تربیتی و نقش مادران می باشد فراوان است البته علاوه بر خانواده نباید از نقش مؤثر مدرسه و دانشگاه در مقوله عفت غفلت نمود.

6 - لازم است عموم افراد خصوصاً جوانان را از نقش عفاف در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت آگاه کرد و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ بی عفتی را که خود یکی از راه های هجمه فرهنگی است با ذکر شواهد و نمونه تشریح نمود.

7 - در توسعه و ترویج عفاف باید بر فعالیت های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی و ارشادی تأکید گردد و سعی شود فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط به نحوی ساخته شود که افراد به صورت طبیعی در آن فضا به رعایت عفاف رغبت نمایند و بدان عادت کنند و از برخوردهای تند و خشونت آمیز که موجب بدبینی به اسلام می گردد، پرهیز شود.

8 - در توسعه و ترویج فرهنگ عفاف نباید تنها زنان مخاطب قرار گیرند و نقش و مسئولیت مردان فراموش شود، بلکه باید عفاف به عنوان امر مشترکی که به زن و مرد مربوط می شود، تبیین گردد.

9 - لازم است در انتخاب و معرفی اسوه ها و الگوها در جامعه به عفاف آنان به عنوان یک ارزش توجه کافی شود و در تبلیغات و در تجلیل از آثار ادبی و هنری زنان، شان و منزلت انسانی آنان و رعایت عفت مورد توجه قرار گیرد و بدون تردید صدا و سیما به عنوان یک دانشگاه عمومی در این زمینه نقش بسیار

- 10 - تبلیغ عفاف باید چنان باشد که موجب بدآموزی نشود و در این زمینه باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. مثلاً برای آموزش عفت به دختران خردسال از قالب های ادبی مثل داستان استفاده شود.
- 11 - در توسعه فرهنگ عفاف لازم است میان فعالیت های فرهنگی ارشادی و اجرایی، هم سویی و هماهنگی وجود داشته باشد و برنامه ها و اقدامات انجام شده به صورت مستمر مورد نظارت و ارزیابی و آسیب شناسی قرار گیرد.
- 12 - در تبلیغ و ترویج عفاف باید بیش تر بر جنبه های مثبت تکیه شود و شیوه های ارشادی دوستانه و مودبانه به کار گرفته شود و واکنش در برابر عدم رعایت عفاف باید تابع مقررات و محدود به حدود قانون باشد.
- 13 - مدیران و مسئولان باید درباره ی مسئله عفاف از آگاهی و حساسیت لازم برخوردار باشند و مخصوصاً باید به آموزش صحیح مجریان تبلیغ و پاسداری از عفاف اولویت داده شود.
- 14 - در شهرسازی و معماری باید فرهنگ عفاف مدّ نظر قرار گیرد و محیط کار و نوع برنامه ها و استفاده از وسایل و امکانات به نحوی باشد که خود موجب اختلاط غیرضروری و نامناسب زن و مرد نشود.
- 15 - ضروری است به ریشه ها و زمینه های اجتماعی و اقتصادی ضعف عفاف از قبیل روحیه اشرافی گری و تجمل پرستی از یک سوء و فقر و استیصال مادی از سوی دیگر و نیز دشواری های موجود بر سر راه ازدواج شرعی و قانونی و تشکیل خانواده در مورد صیانت از عفت عمومی توجه ویژه کرد.

1- قرآن کریم، ترجمه ی ناصر مکارم شیرازی.

2- نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی.

الف) منابع عربی

1- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه ابی الحدید، مترجم ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، 1404.

2- الشریف ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی، نهج البلاغه صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه، چاپ اول، قم، 1374.

3- امینی، ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، ناصر خسرو، چاپ دوم، تهران، بی تا.

4- تمیمی، عامدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و در الکلام، مترجم رجایی، سید مهدی، ناشر دار الکتاب الاسلامی، نوبت چاپ دوم، قم، 1410 ق.

5- حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، هدایه المله الی الاحکام الاثمه، مترجم آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی گروه حدیث، چاپ اول، مشهد، 1414 ق.

6- حرعاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مترجم موسسه آل البیت 7، ناشر موسسه آل البیت 7، چاپ اول، قم، 1409.

7- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مترجم جمعی از محققان، ناشر دار التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، 1403 ق.

ب) منابع فارسی

1- استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان : در دوره ابتدایی، ویراستار: احمد به پژوه، ناشر: انجمن اولیاء و مربیان، تهران، 1383.

2- اسنایدرمن، نانس و استریپ، پگ، کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، مترجم

اکرم کرمی، صابری، چ 3، تهران، 1386.

3- اکبری، محمود، برای ریحانه، گلستان ادب، چاپ 21، قم، 1386.

4- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت (2)، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول، تهران، 1372.

5- بهشتی، احمد، نسل نو خاسته، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم، 1377.

6- بیابان گر، اسماعیل، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ 6، تهران 1386.

7- بی ریا، ناصر و دیگران، روان شناسی رشد (2)، با نگرش به منابع اسلامی، دفتر هم کاری حوزه و دانشگاه چاپ اول، قم 1375.

8- پرفسور عباس شوشتری، مهرین، فرهنگ لغات قرآن، انتشارات دریا، چاپ سوم، تهران، بی تا.

9- حاجی ده آبادی، محمد علی و حسینی زاده، سیدعلی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، پژوهشگاه قم و دانشگاه، چاپ سوم، قم، 1386.

10- حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، اسماعیلیان، چاپ اول، قم، 1369.

11- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، سال های 1361، 1352 و 1341.

12- دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، بی نا، بی چا، بی جا، 1364.

13- راغب اصفهانی، ترجمه تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی چاپ دوم، بی جا 1374.

14- رجالی تهرانی، علیرضا، سیمای کودک و نوجوان و جوان در آثار استاد

مطهری، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم تهران، 1383.

15- رجبیان، زهره و آیت اللهی، زهرا، گدازگر، مریم، سن ازدواج دختران، سفیر صبح، چاپ اول، تهران، 1380.

16- ساجدی، ابوالفضل، دنیا گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟، موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی 1، چاپ سوم، قم، 1386.

17- سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران، 1372.

18- سجادی، سید محمد کاظم، عوامل انحراف انگیز در کودکان و نوجوانان، انتشارات دانشجو، بی جا، بی تا.

20- سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرائز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم، 1379.

21- شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ گلشن، تهران، 1378.

22- طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، تهران، 1381.

23- عظیمی، سیروس، روان شناسی کودک، کتابفروش دهخدا، چاپ دوم، بی جا، 1363.

24- عمید، حسن، فرهنگ عمید، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ هفتم، بی جا، 1353.

25- فلسفی، محمد تقی، بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات جلد 1، هیئت نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، تهران، 1352.

26- فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات جلد 2، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران، 1382.

- 27- قائمی، علی، دنیای نوجوانی دختران، انتشارات امیری، چاپ دوم، بی جا، 1373.
- 28- قائمی، علی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دهم، تهران، 1376.
- 29- قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، چاپ سوم، تهران، 1363.
- 30- کارن هورنای، روان شناسی زن، مترجم محمدحسین سروری، ناشر دانژه، تهران، 1389.
- 31- کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، نشر ارسباران، چاپ نهم، تهران، 1380.
- 32- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره ای، انتشارات اسوه، چاپ سوم، تهران، قم، 1375.
- 33- لقمانی، احمد، جوانان و پرسش ها و پاسخ ها، بهشت بینش، چاپ اول، قم، 1382.
- 34- مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، چاپ پنجم، قم، زمستان، 1388.
- 35- معاونت پژوهشی، گروه روان شناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، قم، 1386.

چکیده

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان زن و مرد آغاز می شود و با تولد فرزندان، توسعه و استحکام می یابد. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده زیرا در خانواده است که والدین با بهره گیری از روش های صحیح و اطمینان بخش و با رعایت حقوقی که دین مبین اسلام فرموده، فرزندان خود را در تربیت یاری نموده تا فرزندان شایسته و با ایمان به جامعه تحویل داده و آن ها را به سر منزل مقصود رسانند. در این تحقیق با استناد به آیات و سیره معصومان به برخی از حقوق فرزندان در والدین مورد بحث و بررسی قرار گرفته که از مجموع مباحث حاضر چنین نتیجه ای به دست آمد که والدین در انتقال ارزش های دینی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی به فرزندان نقش مهمی دارند. والدین با بهره گیری از این روش ها می توانند فرزندان خود را از انواع مفسد اخلاقی، اجتماعی و... مصون دارند و زندگی شیرین و سالمی برای خود و فرزندان به ارمغان آورند. روش تحقیق در جمع آوری اطلاعات، توصیفی - کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی:

خانواده، سیره، تربیت، حقوق، فرزندان.

ص: 73

خانواده کوچک ترین اجتماع انسانی است که روابط اعضای آن در درجه نخست از پیوند عاطفی و خونی نشأت می گیرد و هر یک از اعضای خانواده نقشی دارند و بر اساس این نقش ها، تکالیف و حقوق خاصی برای هر یک از اعضا ایجاد می شود. نقش همسری، پدری، مادری و فرزندگی نقش هایی هستند که در خانواده وجود دارند و وابستگی جدایی ناپذیری با یک دیگر دارند، اما در این بین، نقش پدر و مادر، نقش های مهم تری هستند، اجرای احکام حقوقی که بر عهده والدین است، حافظ نظم و استحکام و پایداری خانواده به عنوان جزئی از جامعه است و هم چنین شناخت احکام دینی، عاطفی، اجتماعی، و اخلاقی و عمل به آن ها، خانواده را سالم و بارور نگاه می دارد و در سایه باروری این نهال، نظم خانوادگی استوار می ماند. هرگاه زمینه های رشد دینی و اخلاقی فراهم شود به راحتی می توان فرزندان را به اجرای احکام حق، در همه مراحل وادار کرد و به طور کلی در همه مراحل تربیت باید به این نکته توجه داشت که بدون تزکیه نفس، نمی توان فرزندان را به اجرای حقایق، عمل به فرائض و رعایت حقوق واجب کرد. پس در وهله اول لازم است والدین خود عامل به رعایت ارزش های اسلامی باشند و در مرحله دوم فرزندان را در راه رسیدن به ارزش ها و کمال حقیقی یاری نمایند. برای رسیدن به این هدف متعالی لازم است، زمینه سازی دینی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی را فراهم کنند که به بخش ها و زیر فصل های انتخاب مناسب همسر، انتخاب نام نیک، آموزش تعالیم دینی مانند قرآن و نماز، تقویت عزت نفس و تکریم و احترام فرزند، موعظه و راهنمایی، رفق و مدارا در انجام فرائض دینی

توسط فرزندان، آموزش مهارت مسئولیت پذیری و ... تقسیم می شود. هدف این پژوهش، شناخت و بیان چگونگی نقش والدین در انتقال ارزش ها به فرزندان است و روش تحقیق در جمع آوری اطلاعات، توصیفی - کتابخانه ای است.

موضوع شناسی نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

نقش

به معنای انتظاراتی است که شخص دارنده موقعیت و پایگاه اجتماعی باید آن را برآورده کند و به دو دسته محول (واگذاری) و محقق (اکتسابی) تقسیم می شود(1).

جایگاه

در لغت به معنای مقام و رتبه و در اصطلاح، هر نقطه و محلی که کسی یا چیزی در آن قرار می گیرد، جا و مکان(2).

شیوه

راه و روش؛ طریقه، سبک، حرکت کردن، رفتن(3). روش

راهی است که باید آن را برای حل کردن مسأله ای و نتیجه ای با ارزش پیمود(4).

ص: 75

1- . علی، باقی نصرآبادی، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، قم، یاقوت، 1382، 186.

2- . محمد، معین، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386، 882.

3- . همان.

4- سووه توماس، فرهنگ، اصلاحات اجتماعی اقتصادی، م. آزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، 1354، ص 254.

اثر گذاشتن در چیزی؛ اثر کردن، نفوذ، قدرت تأثیر گذاری(1).

وظایف

کاری که انسان مکلف به انجام دادن آن باشد، کار و خدمت(2).

حقوق

دانش شناسایی و بررسی قانون، مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است. علمی که از قواعد و مقررات حاکم بر روابط افراد، سازمان ها، جوامع و کشورها بحث می کند. علم شناسایی و بررسی قوانین و انطباق آن با مصادیق آن ها(3).

سیره

سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار، در منابع دینی اصطلاح سیره کاربرد زیادی دارد و آن چه معمولاً در اصطلاح سیره مدنظر است، شناخت سبک رفتار بزرگان دین است(4).

ص: 76

1- . محمد، معین، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386، 752.

2- . همان، 3473.

3- . حسن، عمید، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر اشجع، 1390، 696.

4- . مرتضی، مطهری، سیری در سیره نبوی، چاپ پنجاهم، قم، صدرا، 1388، ص 45_46

از دیدگاه لغت شناسی می توان گفت سیره و سنت در یک معنا آمده و آن عبارت است از روش و طریقه پیموده شده. تفاوتی که سیره و سنت در اصطلاح فقهی - اصولی وجود دارد این است که سنت، اعم از اقوال و افعال است؛ در حالی که سیره تنها بر افعال صدق می کند(1).

تربیت دینی

عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف دار، به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پایبند گردند(2).

اخلاقیات

از منظر جامعه شناسی، اخلاق شامل هنجارهای مهمی است که جامعه نقض آن ها را ناپسند می شمارد. اندیشمندان اسلامی نیز تعاریفی از اخلاق ارائه کرده اند که کلیت آن ها، اخلاق را هیبتی استوار و راسخ در نفس انسان ها می داند که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می شود(3).

ص: 77

-
- 1- . محمد بن مكرم، ابن منظور، لسان العرب. ذیل واژه سنن، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، 1414ق.
 - 2- 1. محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص26.
 - 3- مصباح یزدی، 1388، 14

واژه ارزش در اصطلاح، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می دهد(1).

خانواده

فیروزآبادی در تفسیر و تعریف خانواده در لغت می گوید: (خانواده سپر آهنین است و برای مرد، نیروی مطمئن(2)).

بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشان او که با آن ها قدرتمند می شود، نیز هست(3).

در اصطلاح خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آن ها، آن را تشکیل می دهند. خانواده شامل مجموعه ای از افراد است که با هدف مشترک و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند، که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهد. نکاح، عقدی است که بر اساس آن رابطه

ص: 78

1- فرامرزی، رفیع پور، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش، 1378، 111.

2- باقر، شریف قریشی، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386، 1.

3- باقر، شریف قریشی، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386، 1.

زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می گردند(1).

تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان

زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان

اشاره

کودک حساس ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده می گذراند و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می روند از این رو برای تربیت فرزند که به نوعی انتقال ارزش ها به اوست باید به رعایت عوامل زمینه ساز آن اهتمام ویژه داشته باشند. عوامل زمینه ساز تربیت فرزند در سیره معصومین به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند که برخی جنبه پیشینی و برخی جنبه پسینی دارند، که زمینه های پسینی مربوط به بعد تولد مربوط است؛ ولی به دلیل اهمیت زمینه های پیشینی در ابتدای این فصل مورد بررسی قرار می گیرد.

1. عوامل زمینه ساز پیشی از تولد

1-1- انتخاب همسر

در سیره معصومین هنگام آغاز تربیت فرزند، از زمان انتخاب همسر دانسته شده، با انتخاب همسر زمینه های مؤثر در تربیت فرزند صرف نظر از فطرت که اختیار آن به دست انسان نیست، شامل عوامل ارثی و محیطی است. با انتخاب همسر پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته

ص: 79

1- علی، قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، 1384، 20.

می شود زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می دهند در این میان مهم ترین نقش را خانواده ایفا می کنند. از این رو اگر همسران از لحاظ جسمی، سالم و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت یافته باشند به جد می توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند سامان یافته و تضمین شده است(1).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: « أنکحوا الاکفاء و أنکحوا منہم و اختاروا لنطفکم(2) ». به هم شأن خود زن بدهید و از هم شأن خود زن بگیریید و برای نطفه های خود (جایگاهی مناسب) انتخاب کنید.

انتخاب مناسب همسر در تربیت فرزند از این روست که با ایجاد تفاهم بین زن و شوهر و ثبات و آسایش خانواده، محیط امن و سالمی برای تربیت فرزند فراهم می آید، زیرا عدم تفاهم همسران و اختلاف و درگیری آن ها، موجب ایجاد اختلال در کانون تربیت شده و مهم ترین و اثر گذارترین عامل انحراف و انتقال نادرست یا انتقال ضد ارزش به فرزندان می شود(3). از دیگر ویژگی های که در سیره معصومین برای انتخاب همسر به توجه شده است رفتار نیکو و ادب همسر است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: « حسن الخلق برهان کرم الأعراق(4) » اخلاق نیک نشانه سرشت خانوادگی است.

ص: 80

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 45.

2- محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 20، چاپ اول، قم، موسسه آل بیت، 1409ق، ص 48، ش 2.

3- سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص 50.

4- . محمد، خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج 3، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1366ش، ص 329.

از دیگر اموری که رعایت آن‌ها زمینه مناسبی را برای انتقال ارزش‌ها به فرزند فراهم می‌کند مباشرت و روابط صحیح پدر و مادر با یکدیگر است، که شامل تأثیر معنوی در روح و روان فرزند و تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند می‌گردد. «آن‌چه از سیره معصومین در این باره آمده است شامل سفارش‌هایی است که پیامبر در زمینه زمان، مکان و حالت روحی حاکم بر همسران در زمان آمیزش فرموده است. حالات روحی و روانی انسان و حتی نوع غذای او به قدری در آسان‌سازی امر تربیت فرزند مؤثر است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قبل از پیدایی تنها یادگار خود، به امر پروردگار چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت. در آخر هم از غذاهای بهشتی که جبرئیل برای او آورد، تناول کرد و نتیجه آن فرزندی که یازده امام معصوم علیه السلام از نسل او پدید آمدند(1)».

3-1- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند

رعایت آدابی چون ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعاکردن پیش از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان می‌شود. قرآن کریم پس از ذکر اینکه شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد و فرصت طلبید(2)، می‌فرماید: «و استَفْرَزَ مِنْ اسْتِطْعَتٍ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رِجْلِكَ وَ شَارَكَهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ(3)». هرکدام از آن‌ها را که

ص: 81

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 55-54

2- همان، ص 56.

3- . اسراء، 64.

توانستی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده ات را بر آن ها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی. در این آیه به شیطان اجازه شریک شدن در مال و فرزند انسان داده شده است. مسئله شرکت در اموال روشن است اما چگونه شیطان در فرزندان انسان شریک می شود؟ در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: هنگام آمیزش و تشکیل نطفه اگر نام خدا برده شود شیطان دور می شود ولی اگر نام خدا برده نشود شیطان داخل می شود و عمل از ناحیه شیطان و فاعل به طور مشترک واقع می شود(1). مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت رعایت تقوا و ترک محرّمات توسط پدر و مادر و پرهیز از غذای حرم در به وجود آمدن نطفه است. اگر لقمه ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کند و از طریق آمیزش به فرزند انتقال یابد، موجودی با امراض و ناپاکی شکل می گیرد که پالایش و تهذیب نفس او پس از تولد بسیار مشکل است(2). امام صادق علیه اسلام در این باره می فرماید: « ما کان من مالٍ حرامٍ فهو شزکُ الشیطان(3)» یعنی آن نطفه ای که از مال حرام به وجود می آید شیطان در آن شریک است. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: «الشقی من شقی فی بطنِ أمّه و السعید من سعید فی بطنِ أمّه(4)». انسان بدبخت در شکم مادرش بدبخت است و انسان خوشبخت، در شکم مادرش

ص: 82

-
- 1- . سیدعلی، حسینی زاده، همان.
 - 2- . جمال، فرزند وحی، طاهره حیدر نژاد، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی"، فصل نامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، چاپ پنجم، نشر حسنا، قم، شماره هفدهم، 1392، ص 107_108.
 - 3- . علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، ج 2، قم، دارالکتاب، 1404ق، ص 22.
 - 4- . محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج 5، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403ق، ص 9.

خوشبخت است. باتوجه به آن چه گفته شد می توان به این نتیجه رسید که دوران حمل برای طفل سرنوشت ساز است و مادر باید توجه داشته باشد که تمام روحيات وی در بچه ای که در شکم دارد اثر می گذارد و باید بکوشد بهترین شرایط را در این مرحله به کار گیرد(1).

4-1- تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند

طبق سیره معصومین رفتار و آداب مباشرت والدین هنگام انعقاد نطفه بر سلامتی و چهره ظاهری فرزند هم اثر گذار است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به زنی که به عدالت خداوند اعتراض داشت، به تأثیر رفتار پدر در جسم فرزند نیز اشاره می کند، پیامبر صلی علیه و آله پس از لحظه ای تأمل فرمود: « آیا شوهرت هنگام مباشرت با تو شراب خورده بود؟ زن عرض کرد آری ای رسول خدا، حضرت فرمود: پس در این صورت کسی جز خودت را ملامت مکن(2)». در روایتی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت خود به حضرت علی علیه السلام می فرماید: « یا علی، در اول، وسط و آخر ماه با همسرت هم بستر نشو، زیرا احتمال جنون، جذام و فساد عقل او و فرزندش را در این روزها زیادت است(3)».

ص: 83

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 56.

2- محمدعلی، کریمی نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، ص 37.

3- طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، شریف رضی، 1370 ش.

1-2- گزینش نام شایسته

انسان به مقتضای فطرت از نام زیبا و خوش معنا لذت می برد و وقتی مورد خطاب قرار می گیرد، احساس شخصیت و سربلندی می کند ولی اگر نام زشت و بد معنایی داشته باشد موجب آزار روانی او شده و هرگاه مورد خطاب قرار گیرد، احساس شکست و سرشکستگی خواهد کرد. او یک عمر با نام خود در اجتماع زندگی می کند و همه جا با آن مورد خطاب قرار می گیرد، از این رو لازم است نام انسان محبوب، زیبا، پر معنا و شایسته باشد(1). معصومین بر همه فرزندان خود نام هایی با معانی عالی می نهادند و همواره سعی می کردند جامعه و محیط از نام های نیکو و با معنا بهره مند و از نام های بی معنا و زشت خالی باشد(2).

اما نام چه تأثیری می تواند در انتقال ارزش ها به فرزندان داشته باشد؟ نام نیک از چند جهت در انسان تأثیر می گذارد:

1. تأثیر در رفتار دیگران؛ نام هر انسانی نمادی از او و بیانگر هویت و شخصیت او برای دیگران است. اگر یک ایرانی با یک خارجی برخورد کند، همین که نام خود را برای او بگوید، ملیت او برای فرد خارجی روشن می شود. مخاطب، هویت فرد را به همراه نام و مفهوم آن می شناسد و بر طبق آن رفتار می کند.

ص: 84

1- . امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 172.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 70.

2. اثر تلقینی؛ نام انسان برجسبی است که از آغاز تا پایان عمر و حتی در قیامت همراه انسان است و اثر تلقینی دارد، زیرا همه افرادی که با انسان سر و کار دارند او را بدین نام می خوانند و توقع دارند که او مطابق نام خویش عمل کند(1).

3. اثر انگیزی؛ انسان به طور ناخود آگاه می خواهد با بزرگانی که نام او از آن ها گرفته شده است همانند شود و خود را مشابه آن سازد بنابراین می کوشد، چنان رفتار کند که آنان رفتار کرده اند(2).

2-2- آموزش فرزند

با رشد جسمانی کودک لازم است، آموزش های دینی نسبت به فهم و درک آنان، گذشته از این که فرزندان را با مبدأ حقیقی آفرینش مرتبط می سازد، در آنان روحیه اعتماد به نفس و نیروی استقامت و پایداری در مقابل مشکلات کمرشکن زندگی نیز ایجاد خواهد کرد(3). امام صادق علیه السلام زمان شروع تربیت دینی و آموزش احکام شرعی از هفت سالگی می داند و می فرماید: « در هفت سالگی بر والدین لازم است حلال و حرام را به کودکان بیاموزند(4)». فرزندان در آستانه نوجوانی و دوران بلوغ تمایل به مذهب پیدا کرده و زمینه ای مساعد برای آموزش احکام و اعتقادات دینی دارند(5). روزی حضرت رسول

ص: 85

-
- 1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 71.
 - 2- همان، ص 72.
 - 3- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 28.
 - 4- محمدبن یعقوب، کلینی، ج 5، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا، ص 202.
 - 5- عبدالکریم، پاک نیا، همان.

صلی الله علیه و آله نگاهش به بعضی از کودکان افتاد، آن گاه فرمود: « وای بر فرزندان آخر الزمان از بی توجهی پدرانشان، گفتند: یا رسول الله از طرف پدران کافر؟ فرمودند: نه، بلکه از طرف والدین مؤمن آنان؛ که واجبات احکام دین شان را به آنان یاد نمی دهند و هرگاه فرزندان به تعلیم دین بپردازند، مانع می شوند این گونه والدین به مبلغ اندکی از متاع دنیا راضی می شوند که فرزندانشان برای آنان کسب می کنند، من از آنان بیزارم و آنان از من (1)». طبق آن چه گفته شد آموزش ارزش ها به فرزندان جایگاه پر اهمیتی دارد و والدین در این مورد لازم است اهتمام ویژه داشته باشند والدینی که فرزندان را به حال خود رها کرده و ارزش ها را به آن ها انتقال نمی دهند نباید توقع داشتن فرزند صالح و سالمی از نظر روحی و روانی داشته باشند (2).

3-2- تعلیم قرآن

قرآن کلام الهی و جلوه ای از قدرت و علم و حکمت پروردگار است و آیات نورانی آن نشانگر عظمت خداوند متعال می باشد و برنامه زندگی یک مسلمان و معارف آن گنجینه ای بی پایان است. بر این اساس لازم است که والدین مسلمان، فرزند خود را با معارف حیات بخش و انسان ساز این عهد نامه و حیاتی آشنا سازند و آیات و مفاهیم آن را به صورت اندیشه های پویا در اذهان فرزندانشان در آورند. بنابراین اگر والدین این حق مسلم فرزند را رعایت نمایند، آنان در آینده فرزندان پاکیزه، همدل، متفکر، و آینده نگر خواهند شد. جامعه ای که افراد معمولی و کارگزاران حکومتی آن از چنین

ص: 86

-
- 1- میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل، ج 15، چاپ اول، بیروت- لبنان، موسسه آل البیت، 1408 ق، ص 164.
 - 2- عبدالکریم، پاک نیا، همان، ص 34.

نسلی تشکیل یابند، در تمام زمینه ها موفق خواهند بود. چرا که ترقی و توسعه و استقلال یک جامعه در گرو داشتن افرادی تربیت یافته در مکتب قرآن است (1). علی علیه السلام در این باره به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: « و ان ابتدئک بتعلیم کتاب الله (2) ». و این که نخست تورا کتاب خدا بیاموزم. اهمیت آموزش قرآن به کودکان و فرزندان به گونه ای است که معصومین آن را از حقوق فرزند و والدین شمرده اند (3).

4-2- آموزش نماز

سن شروع نماز به کودکان بر اساس سیره معصومین هفت سالگی است (4)، امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: « ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم؛ شما فرزندانمان را از هفت سالگی امر به نماز کنید (5) ». معصومین در آموزش نماز به کودکان توانایی و ظرفیت آن ها را در نظر می گرفتند؛ از این رو در آموزش نماز و عادت دادن کودکان به نماز بر آنان سخت نمی گرفتند و رعایت بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از آن ها نمی خواستند و به طور کلی روش معصومین روش عملی بود؛ یعنی خود آنان به صورت عملی نماز می خواندند تا دیگران شیوه نماز خواندن را بیاموزند (6).

ص: 87

-
- 1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 34.
 - 2- نهج البلاغه، نامه 31.
 - 3- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 75.
 - 4- محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج 2، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387، ص 125.
 - 5- گلچین صدوق، گزیده من لایحضره الفقیه، ج 1، چاپ اول، فیض کاشانی، 1276ش، ص 149.
 - 6- محمد، داوودی، همان، ص 126.

به طور کلی در انجام فرایض دینی مانند نماز آن چه مهم است، نحوه آموزش ماست. مهم ترین نکته ای که لازم است فرزندان بدانند این است که این نماز خواندن برای خودشان چه سودی دارد. فرزندان باید به این آگاهی و باور برسند که اگر دستورات دینی را اجرا کنند و به آن ها احترام بگذارند، به چه آرامش روحی و ذهنی می رسند، اگر نماز بخوانند چه حالتی دارند و اگر نخوانند چگونه اند و به طور کلی حضور در یک حال و هوای معنوی تا چه حد در تأمین و تعمیق بهداشت روانی به آن ها کمک می کند و این فقط به سود خود فرد است، والدینی که اصرار دارند فرزندانشان نماز را اول وقت و با دقت و حوصله بخوانند در حالی که فرزندان آن ها هنوز به سن تکلیف نرسیده اند باید توجه داشته باشند که وظیفه آن هاست که فضای خانه را ملکوتی کنند؛

همین که فرزند می بیند پدر و مادر نماز می خوانند کار بسیار مهمی صورت گرفته است(1). اگر فرزندان در سنی هستند که می توانند مطالعه کنند، کتاب در مورد نماز به آن ها معرفی کند و آن ها را همراهی کنند، در ضمن باید به این نکته هم توجه داشت که اگر والدین اصرار و سخت گیری زیادی در این امور دینی داشته باشند نتیجه عکس می دهد(2).

5-2- دعا برای نیک بختی کودک

افزون بر رعایت حقوق مادی و معنوی فرزندان، یکی دیگر از مهم ترین وظایف والدین، دعا برای نیک بختی و سعادت فرزندان است(3). شایسته است

ص: 88

1- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر ساپین، 1388، ص 92.

2- . همان. ص 93.

3- . عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 15.

والدین بر این امر مهم توجه خاصی داشته باشند و در شرایط مساعد روحی و فرصت های ویژه به فرزندان خود دعا کنند. از مطالعه شرح حال برخی از بزرگان چنین به دست می آید که رمز موفقیت آن ها مرهون دعای پدر و مادرشان بوده است(1). امام سجاد در رساله حقوق خویش، وظیفه والدین را در این مورد این گونه بیان می کند. « حق فرزندان به تو آن است که بدانی وجود او بخشی از وجود توست و نیکی و بدی های او در این دنیا وابسته به تو است، باید بدانی که تو در مقام سرپرستی او مسئول هستی که وی را با ادب و تربیت صحیح پرورش دهی و او را به پروردگارش راهنمایی کنی و در اطاعت و فرمانبرداری حضرت حق یاری اش دهی، پدری باش که به وظیفه خود آشنا و به مسئولیت خود آگاه است؛ پدری که می داند اگر نسبت به او نیکی کند اجر و پاداش خواهد داشت و اگر درباره او بدی کند مستحق مجازات و کیفر خواهد بود(2)». به طور کلی دعا برای سلامتی و رستگاری کودک، در هر لحظه و مرحله ای از تربیت او مؤثر است، دعا برای فرزند صرف نظر از تأثیرات روحی، معنوی و جسمی، تأثیرات روانی و تلقینی نیز دارد؛ زیرا وقتی فرزند با والدینی رو به روست که باور به خدا و استمداد از او را هر دم زمزمه می کنند او نیز بدان سو کشیده خواهد شد. دعا در سیره معصومین از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ حتی هنگامی که انسان تصمیم بر امر ازدواج می گیرد، بر دعا کردن برای برخورداری از فرزند صالح تأکید شده است(3). امام صادق علیه

ص: 89

1- همان، ص 17.

2- محمد بن علی، ابن بابویه، ج 2، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، 1413ق، ص 662.

3- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 67.

السلام می فرماید: وقتی قصد ازدواج کردید، چنین دعا کنید، «اللهم واقدر لی منها ولداً طیباً تجعله خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی(1)». خدایا از آن ها (زنان) برای من فرزندی پاک، مقدر کن و او را جانشین صالحی برایم در زندگانی و پس از مرگم قرار ده.

6-2- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر

معصومان فرزند خود را به دعا و ذکر عادت می دادند، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «پدرم ما را جمع می کرد و امر می کردند ذکر خدا بگوییم تا خورشید طلوع کند(2)». همچنین زید پسر امام زین العابدین علیه السلام می گویند: « امام زین العابدین علیه السلام در شب نیمه شعبان همه ما را جمع می کرد شب را به سه قسمت تقسیم می کرد، پس در قسمت آن را با ما نماز می خواند؛ آن گاه دعا کرده و ما آمین می گفتیم؛ سپس استغفار می کرد و ما هم استغفار می کردیم و از خدا طلب بهشت می کردیم تا فجر طلوع کند(3)».

ص: 90

-
- 1- . محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج20، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، 1409ق، ص113، ش1.
 - 2- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج4، چاپ اول، قم، دارالحیث، 1439ق، ص366.
 - 3- محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج80، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403ق، ص115، ش32.

اهمیت تربیت اخلاقی

علم اخلاق که در آن بحث از فضایل و رذایل اخلاقی می شود، هدفش رساندن آدمی به کمالات و کسب فضائل اربعه « عفت، شجاعت، حکمت و عدالت است (1) ». پیامبر گرامی اسلام هدف خود را در بعثت، اتمام بزرگی های اخلاقی دانسته و می فرماید: « انما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق (2) ». به همین دلیل والدین باید فرزندان خود را پرورش دهند زیرا این اخلاق است که رمز تداوم و حیات ملت هاست. برای اخلاقی بودن فرزندان باید به آن ها مبارزه با نفس اماره را آموخت که امر به بدی ها می کند. اخلاق نیک دوستی ها را تسری و توسعه می دهد، آرامش درونی فرد را بالا می برد، روحیات اجتماعی را امیت می بخشد و تعرضات آدمیان را نسبت به یک دیگر کنترل می کند، پس انسان، بدون برخورداری از تربیت اخلاقی درنده خوست و آن گاه رنگ آدمی به خود می گیرد که با اخلاقیات بر خلق و خوی خود غلبه کند. فرزندان با فراگیری اخلاقیات به وجدانی بسیار دست می یابند و هرگاه عمل خلاف اخلاقی مرتکب شدند، به فریاد وجدان گوش می سپارند و در صدد جبران بر می آیند (3). بدین ترتیب، اخلاق و تربیت اخلاقی مورد تأکید دیانت، فلسفه،

ص: 91

1- محسن، ایمانی، " جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، چاپ اینترنتی نور مگز، خرداد 1389، ش 368، ص 20.

2- حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی، 1412ق، 1370ش، ص 8.

3- محسن، ایمانی، همان.

ادبیات و همه انسان های شایسته است از این رو نباید به فراموشی سپرده شود(1).

عامل بودن والدین

والدین اگر خواستار مصلح بودن هستند ابتدا خود باید صالح باشند و به صلاحیت های اخلاقی و زینت های رفتاری آراسته باشند. به طور کلی این یک قانون است که « نمی شود غلط زندگی کرد و درست تربیت نمود(2)». الگو های رفتاری فرزندان باید انسان های والایی باشند که شخصیت ایشان آمیزه ای از صداقت، خلوص، صفا، محبت، عطف، ایثار، گذشت، منطق و استواری و اعتماد به نفس باشد. زمانی که فرزندان در جریان زندگی و کنار هم بودن ها، نشست و برخاست ها و گفت و شنود ها با افرادی که به عنوان الگو و مروج خوبی ها و نیکی ها هستند مواجه می شوند، ویژگی های آن ها را در شرایط سهل و دشوار می آزمایند و اخلاص، درستی، محبت و صداقت شخصیت پدر و مادر خود را باور می کنند و اگر والدین حقیقتاً اهل عمل و صادق باشند از هوای دل مرید آن ها می شوند و با همه وجود ایشان همانند سازی کرده، سعی می کنند به گونه ای بیاندیشند که آن ها دوست دارند و به صورتی رفتار کنند که خوشایند آنان باشد(3).

ص: 92

1- همان.

2- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 31.

3- همان.

از مهم ترین حقوق فرزندان راهنمایی آنان توسط والدین است. از آن جایی که نوجوان در مراحل اولیه زندگی راه پر فراز و نشیبی در پیش دارد و راهزنان زیادی در کمین او نشسته اند والدینی که راه زندگی را پیموده اند و سرد و گرم روزگار را چشیده اند و تجاربی در این زمینه اندوخته اند لازم است در این زمینه با نصیحت ها و راهنمایی های خود فرزندانشان را از پیمودن در راه خطا و انحراف منع کنند(1).

به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم نصیحت های یک پدر مهربان و فرزانه را به فرزندش نقل کرده و آن را بعنوان اسوه و الگو برای فرزندان و والدین معرفی می کند(2). لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: «پسرم! چیزی را همتای خداوند قرار مده که شرک ظلم بزرگی است. پسرم اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کارنیک یابد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد و خداوند دقیق و آگاه است. پسرم نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است(3)». امیر المؤمنین نیز در سفارشی راه گشا فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) را راهنمایی کرده و او را در پیمودن راه صحیح زندگی یاری می کند و می فرماید: «ای فرزند عزیزم! تو را به رعایت تقوا سفارش می کنم و این که پیوسته در فرمان خدا باشی و دلت را با یاد خدا

ص: 93

1- . عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 37.

2- . همان.

3- . سوره لقمان، آیات 19-13.

زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست؟ اگر سر رشته آن را در دست گیری. دلت را با موعظه و پند های نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی اعتنایی به حرام بمیران، جان خود را با یقین به ارزش های الهی نیرومند ساز و با یاد مرگ خودت را آرام کن، با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش و از دگرگونی روزگار و زشتی های گردش شب و روز او را بترسان، تاریخ گذشتگان را بنما، در دیار و آثار ویران شده رفتگان بگرد و بیندیش آنان چه کرده اند؟ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمده اند؟(1)».

زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه

یکی از مسائل تربیتی مهم در دوره جوانی از نظر تعالیم اسلامی پرهیز از گناهان و حفظ عفت و نجابت است. در این تعالیم بر تشکیل خانواده و روابط زناشویی سالم نیز تأکید شده و راه حل مهم برای جلوگیری از انحرافات و انتقال بخش مهمی از ارزش های اخلاقی به فرزندان را فراهم آوردن امکانات برای ازدواج آن ها دانسته اند. در این دوران اگر والدین بتوانند نیازهای جوان را به موقع شناسایی کنند و به آن پاسخ دهند می توانند در جریان تربیت آن ها مداخله مؤثری داشته باشند(2).

ص: 94

-
- 1- . محمد، دشتی، نهج البلاغه، نامه 31، ص 370.
 - 2- . جمال، فرزند وحی، طاهره حیدر نژاد، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی"، فصل نامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، چاپ پنجم، نشر حسنا، قم، شماره هفدهم، 1392، ص 116.

یکی از روش های مهم در تربیت راستگویی و صداقت در رفتار و گفتار با کودک و پرهیز از دروغ، تزویر و حيله است. کودک هم راستی و صداقت را خوب درک می کند هم دروغ و حيله و تزویر را. کسانی که گمان می کنند کودک این مسائل را درک نمی کند و آن ها بدون ایجاد درد سر بر خود و فرزندانشان، تنها با دادن وعده ای دروغین، به خواسته خویش و صلاح فرزندانشان دست یافته اند در اشتباه اند، والدین با این کار بزرگ ترین مشکل را برای خود و فرزند آفریده اند، زیرا فرزند از همان سنین کودکی بی صداقتی والدین را درک کرده و این الگویی برای آینده او خواهد بود(1).

بی صداقتی با کودک از سه جهت آثار ضد تربیتی دارد :

1. والدین الگویی عملی برای کودکان محسوب می شوند و کودکان در رفتار های خلاف و انحرافی از بزرگتر ها تقلید می کنند و صداقت نداشتن والدین درس عملی برای فرزندان است که آثار آن از درس گفتاری بسیار بیشتر است(2).
2. والدین از این طریق اعتماد فرزندان خود را از دست می دهند، فرزندى که با بی صداقتی والدین مواجه می شود به حرف و قول آن ها اعتمادی نخواهد داشت و با دیده تردید به آنها می نگرد و کارهای تربیتی در او بی اثر خواهد بود(3).

ص: 95

1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 149

2- . همان، ص 150

3- . همان.

3. والدین از این طریق به شخصیت کودک لطمه می زنند، کودکی که با بی صداقتی، تزویر و دروغ با او رفتار شده، احساس می کند ارزش او همان است؛ زیرا اگر ارزش، احترام و شخصیت داشت این گونه با او برخورد نمی شد(1).

رفق و مدارا در تربیت

معصومان (علیهم السلام) به آثار و پیامد های تربیتی اختلاف سنی افراد توجهی خاص داشتند؛ آنان در تربیت دینی، میان کودکان و بزرگسالان تفاوت قائل می شوند و از هر یک انتظارات خاصی داشتند(2)؛ امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «ماکودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه ای که توان آن را دارند، تا نصف روز، بیشتر یا کمتر دستور می دهیم، هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد افطار می کنند تا به روزه عادت کنند و توان روزه داری بیابند؛ شما کودکان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می توانند امر کنید، هرگاه تشنگی بر آنها غلبه کرد افطار کنند.»(3)

در مقابل، معصومان از بزرگسالان انتظارات بیشتری داشته اند؛ از کسی که عمرش را در اسلام گذرانده است، انتظار داشتند اعمال خود را با رعایت تمام یا اکثر مستحبات انجام دهند(4). اخلاق در والدین ایجاب می کند توقع انتظاراتی که از جوانان هست از کودکان نباشد، کودکان هنوز به آن حد از رشد جسمانی

ص: 96

1- همان.

2- محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص253.

3- محمد بن علی، ابن بابویه، ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج1، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، 1367ش، ص426.

4- محمد، داوودی، همان، ص253.

نرسیده اند که بتوانند از عهده کارهایی که بزرگسالان انجام می دهند بر آیند؛ شاید برای یک بزرگسال خواندن نماز در پنج وقت مشکل نباشد، اما برای یک کودک ده ساله خواندن نماز در پنج وقت مشکل باشد و چه بسا فراموش کند نماز عصر یا عشاء را بخواند؛ کودکان و نوجوانان، به خلاف بزرگسال، هنوز چنان که باید با آداب و معارف و احکام اسلام آشنا نشده و به همین سبب، آمادگی روحی و جسمی برای انجام کامل آن ها را پیدا نکرده است(1). به سخن دیگر، انجام وظایف دینی مانند انجام فعالیت های ورزشی است؛ کسی که سابقه ای طولانی در فوتبال یا وزنه برداری وارد می تواند مدت زمان طولانی تری فوتبال بازی کند مسیر بیشتری را بدود و وزنه سنگین تری را بردارد؛ در حالی که فرد تازه کار از عهده آن کارها بر نمی آید و باید به تدریج این توانایی را در خود ایجاد کند؛ حال اگر فرد تازه کار درصدد بر آید آن کارها را انجام دهد، چه بسا دچار مشکلاتی نیز بشود(2). اعمال و وظایف دینی نیز دقیقاً از همین قاعده پیروی میکنند؛ از این رو نباید از یک کودک همان انتظار را داشت که از یک فرد سالخورده، این کار نه تنها در اخلاق روا نیست، بلکه اگر کودک مجبور شود آن انتظارات را برآورد، چه بسا آثار نامطلوبی نیز در او بر جای بگذارد(3).

ص: 97

1- . همان، ص 254.

2- . همان.

3- . همان، ص 255.

- رفق و مدارا با فرزندان موجب جذب آنان به والدین و شخصیت و منش و آرا و عقاید آن‌ها می‌گردد.

- رفق و مدارا با فرزندان موجب می‌شود آنان آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به بهترین وجه درک و جذب کنند و به تدریج به مدارج بالای ایمان و کمال برسند، بدون آن که از اعمال دینی خسته یا دلزده شوند(1). پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیه ای به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن؛ که زیاده رو و افراط کار نه مرکب خود را سالم می‌گذارد و نه راه را طی می‌کند(2)».

این روایت بیان می‌کند که رعایت نکردن رفق و مدارا در مقام تربیت، حتی اگر در مورد خود فرد باشد، موجب می‌شود خود از عبادت و سایر اعمال دینی خسته و در نتیجه متنفر گردد و بدین سبب از طی مسیر کمال بازماند(3)، چه رسد به این که از کودکان و نوجوانان که در ابتدای راه هستند این انتظارات وجود داشته باشد.

ص: 98

-
- 1- . محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص259.
 - 2- . محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ترجمه کسره ای، ج4، چاپ سوم، قم، نشر اسوه، 1375ش، ص265.
 - 3- . محمد، داوودی، همان، ص260.

تربیت اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم تربیت است که بزرگان دین برای بالندگی و تعالی آن همت گمارده‌اند. رساله حقوق حضرت سجاد علیه السلام حاوی دستورها و توصیه‌های فراوان در خصوص نحوه برقراری روابط اجتماعی با علمای دین، همسایگان، همسر و دیگر مسلمانان است. که رعایت این حقوق ابتدا باید توسط والدین انجام شود تا آن‌ها بتوانند آن را به فرزندان انتقال دهند. آیات قرآن کریم نیز بر امر اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی تأکیدات فراوان دارد، چنان‌که بیشتر آیات قرآن دارای جنبه اجتماعی است تا جنبه فردی (1). قرآن بر پیوند‌های اجتماعی میان مسلمانان و برقراری ارتباط میان آنان توصیه کرده است. وی می‌فرماید: « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (2) ». یعنی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید. اگر همین‌باور در فضای خانواده پدید آید، اعضای آن را همواره در کنار یک‌دیگر نگاه می‌دارد و زن و شوهر نیز به سوی جدایی نمی‌روند (3). اگر خانواده از یک‌دیگر دور شوند زمینه زوال، ناکارآمدی و سقوط خانواده را فراهم کرده‌اند، حال آن‌که با هم بودن در کنار هم، از دست‌ان پر از رحمت و برکت خداوند بهره می‌گیرند. در چنین شرایطی، زن و شوهر، به عنوان دو هم‌پرواز، در آسمان

ص: 99

-
- 1- محسن، ایمانی، "جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، خرداد 1391، ش 371-369، 1389، ص 2.
 - 2- آل عمران، 103.
 - 3- محسن، ایمانی، همان مقاله، ص 2.

معنویت و کمال اوج می گیرند و با دست در دست فرزندان خویش نهادن و در پرتو معنویت الهی، آنان را نیز به کمال رسانند(1).

نقش پدر در تربیت اجتماعی

والدین نقش اساسی در تربیت اجتماعی فرزندان ایفا می کنند در این میان پدر ها نقش بیشتر نسبت به مادر دارند، آن ها ضمن حضور در جامعه می توانند با هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی آشنایی بیشتری حاصل کنند و در پرتو این شناخت و بصیرت، در جهت اجتماعی کردن بهتر فرزندان خویش گام بردارند و ضمن آموختن آداب و رسوم اجتماعی آنان را با هنجارها و ارزش ها آشنا کنند. آموختن مهارت های اجتماعی نیز وظیفه دیگری است که به دلایل ذکر شده عمدتاً بر عهده پدر است و مادر نیز نقش یاور و همکار را در این زمینه بر عهده دارد. پدر می تواند زمینه رفت و آمدها را با خانواده های اقوام و خویشاوندان فراهم کند و با انجام دید و بازدید، اعضای خانواده خود را از مواهب مربوط به صله ارحام برخوردار نموده، بدین ترتیب بر رشد اجتماعی فرزندان خویش بیافزاید. آموختن مهارت های اجتماعی مانند مشورت با دیگران، توان متقاعد ساختن آن ها، همکاری، سازگاری، توافق، برقراری روابط همدلانه و مؤثر بین فردی و... به فرزندان امری ضروری است(2)، چرا که برخورداری از مهارت های اجتماعی مانع انزوای فردی می گردد و به رشد بیشتر فرزند کمک کرده، سطح رضایت وی از زندگانی را بالاتر می برد.

ص: 100

1- همان، ص 3.

2- . همان.

پس زمانی می توان یک فرد را فردی اجتماعی نامید که از روابط اجتماعی، دلیل و ضرورت آن مطلع باشد. خود را با رعایت موازین اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه ملتزم بداند و ضمن اهمیت دادن به ارزش های اجتماعی و پای بندی به آن ها، بتواند مدافع ارزش های اجتماعی و هنجارهای حاکم بر آن باشد(1).

پدر با حفظ وحدت در فضای خانواده، فرزند خود را برای یک پارچگی و انسجام اجتماعی آماده می کند این در حالی است که پدران مبتلا به حالت انزوا طلبی، اهل معاشرت نیکو با همسرانشان نیستند و گاه عملکرد آن ها چیزی جز بریدن افراد خانواده از یک دیگر و جدا زیستن در عین بودن در یک خانه و خانواده اثر دیگری ندارد. اما پدرانی که با همسران خود بر اساس دستورات خدای تعالی معاشرت نیکو دارند و با آن ها صمیمی اند، همه اعضای خانواده بسان پروانه بر گرد وجودشان جمع می شوند زیرا روابط نیکوی میان همسران است که به فرزندان تسری می یابد و مجموعه از افراد صمیمی گرد هم می آیند بدین ترتیب فرزندان خانواده فرایند رشد و بالندگی اجتماعی را به خوبی پشت سر گذاشته و افرادی اجتماعی خواهند شد(2).

مسئولیت پذیری

یکی از مهارت های اجتماعی که فرزندان باید از سنین کودکی از آن برخوردار باشند، احساس مسئولیت است که بر والدین لازم است ان را از

ص: 101

1- محسن، ایمانی، " جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، خرداد 1391، ش 371-369، ص 3.

2- . همان، ص 4.

سنین خردسالی به فرزندان آموزش دهند. به طور کلی ابتدا والدین خود باید افرادی مسئولیت پذیر باشند تا در وهله بعد بتوانند با استفاده از روش های گوناگون و عملی و مفید این مهارت اجتماعی را به فرزندان آموزش دهند. برای ایجاد مسئولیت پذیری در فرزندان روش های بسیاری وجود دارد که در این تحقیق به چند مورد از آن اشاره و شرح داده می شود.

آموزش مهارت مسئولیت پذیری

والدین در ابتدا باید از موارد بسیار کوچک و ابتدایی شروع کنند. فرزند از همان کودکی باید مسئولیت نگه داری و مراقبت از وسایل شخصی خود را بر عهده بگیرد و در این میان طبق مسئولیتی که بر عهده گرفته باید خود پاسخ گو باشد به طور مثال: باید تکالیف دروس را خود انجام دهد و اگر انجام نداد مسئولیت پاسخ گویی به آموزگار با خودش است (1).

- مسئولیت ها باید در حیطه توانایی فرزند باشد، نباید از او انتظار داشت که کاری انجام دهد که از توانش خارج است، به طور کلی والدین باید به سن و جنس فرزند خود و هم چنین شرایط زندگی او توجه داشته باشند (2).

- دیدگاه و نظر والدین درباره مسئولیت پذیری باید به صورت مشخص برای فرزندان توضیح داده شود (3).

- یکی از مهم ترین اقدامات برای مسئولیت پذیری فرزندان این است که

ص: 102

-
- 1- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر سابرین، 1388، ص 103.
 - 2- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر سابرین، 1388، ص 103.
 - 3- میشله، بوربا، کتاب جامع تربیت کودک، ترجمه محمد، بهشتیان، ج2، چاپ اول، تهران، بهشتیان، 1389، ص 93.

وظایفی توسط والدین به آن‌ها محول شود و از آن‌ها خواسته شود که این وظایف را انجام دهند. یکی از راه‌ها این است که ابتدا والدین همه کارهایی را که می‌خواهند به فرزندشان محول کنند را یادداشت کرده و پیامدهای انجام ندادن هر یک از وظایف را نیز تعیین کنند(1).

- والدین باید به فرزندان یاد دهند که چگونه تصمیمات مسئولانه بگیرند: بخش مهمی از مسئولیت این است که کودک بتواند تصمیم بگیرد و مسئولیت تصمیماتش را بپذیرد.

- برای داشتن انتخاب صحیح و فکر کردن درباره عواقب هر تصمیمی باید به فرزندان یاد داده شود که قبل از هر انتخابی از خود پرسند اگر من الآن این کار را انجام دهم آیا فردا هم در نظر من انجام این کار صحیح است؟ هفته آینده چطور؟ به طور کلی باید این قانون به فرزند آموزش داده شود: « هر انتخابی که ممکن است بعداً به خاطر آن پشیمان شوی را حذف کن»(2).

- باید به فرزندان آموزش داده شود که مزایا و معایب انتخاب خود را یادداشت کند تا ببیند تعداد کدامیک بیشتر است و بر اساس آن تصمیم‌گیری کند.

- والدین نباید از این نکته غافل شوند که نباید به جای فرزندان مسئولیت‌های آن‌ها را انجام دهند زیرا فرزندان بی‌مسئولیت معمولاً تلاش می‌کنند با عذرخواهی، دروغ گفتن، توجیه و... بی‌مسئولیتی را از سر خود باز کنند، بنابراین آن‌ها باید بدانند اگر مسئولیتی که بر عهده آن‌هاست انجام نشود با

ص: 103

1- همان، ص 94.

2- همان، ص 95.

عذر خواهی حل نمی شود و باید به دنبال راهی برای جبران باشند(1).

- اگر او علی رقم روش های فوق باز هم بی مسئولیتش را ادامه داد، باید پیامدی برای این رفتارش تعیین شود فرزندان باید یاد بگیرند که هر عملی پیامدی دارد و باید عواقب بی مسئولیتی را تحمل کنند(2).

به طور مثال: والدین به فرزندشان گفته اند وقتی تلویزیون نگاه می کند غذا نخورد چون اتاق را کثیف میکند، در صورتی می تواند این کار را انجام دهد که پس از غذا خوردن آن جا را مرتب کند(3).

برای انجام این روش ها توسط والدین به بهترین وجه و شکل ممکن لازم است آن ها با یک دیگر هماهنگ باشند بدین ترتیب دستوراتی که از طرف مادر صادر می شود و یا روش هایی که از طرف پدر به کار گرفته می شود توسط سایر افراد خانواده تأیید شود(4).

تهیه رزق حلال

پدر گذشته از این که می بایست نیاز های روحی همسر و فرزندان را تأمین نماید، باید با تهیه رزق حلال و توسعه در زندگی برای رشد سالم و صحیح جسمی فرزندان زمینه سازی نماید. همان طور که در فصل اول به آن اشاره شد فرزندان قبل از این که به این عالم قدم بگذارند اثر غذا در روح و

ص: 104

1- همان، ص 96.

2- . همان، ص 97.

3- میشله، بوربا، کتاب جامع تربیت کودک، ترجمه محمد، بهشتیان، ج 2، چاپ اول، تهران، بهشتیان، 1389، ص 97.

4- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 183.

جسم آن ها امری سلیم و تردید ناپذیر است و در طول تربیت هم باید کاملاً مراعات شود. تهیه رزق حلال خواص متعددی دارد که یکی از آن ها به وجود آمدن زمینه رشد فضایل اخلاقی و خصال پسندیده در فرزند است(1). از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام غذایی که مصرف می شود علاوه بر آثار طبیعی که در جسم می گذارد، آثار دیگری هم در روح و روان و شخصیت معنوی ما ایجاد می کند، این نوع آثار را آزمایش های مادی و تجربه های علمی و عینی نمی تواند به اثبات برساند اما در منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام امری کاملاً واضح و پذیرفته شده است(2).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آن ها طلب روزی حلال است(3)». همچنین امام باقر علیه السلام به کسانی که تلاش می کنند سفره منازل خود را با روزی حلال بیاریند مژده می دهد که «لقی الله عزوجل: يوم القيامة وجهه مثل القمر ليلة البدر(4)». آنان در روز قیامت با سیمای نورانی، همانند شب چهارده، با خداوند ملاقات خواهند کرد. توسعه در امر معاش بر هر پدری لازم است تا علاوه بر این که از راه حلال معاش خانواده اش را تأمین کند در صورت امکان به فرزندانش سخت نگیرد و معاش آنان توسعه دهد. امام صادق علیه السلام در

ص: 105

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 22.

2- همان.

3- حسین، بروجردی، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع الاحادیث، ج 22، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1386ق، ص 77.

4- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج 5، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق، ص 78.

این باره می فرماید: « هر میوه ای که همه مردم از آن می خورند لازم است یک شخص مسلمان برای خانواده اش تهیه کند و خوراکی هایی را که مخصوص ایام عید است و در غیر ایام عید به آن ها نمی رساند در روز های شادی و عید به آنان برساند(1).

تبیین نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان

1. توجه به نیازهای اساسی کودک

اشاره

در دایره امکان، بی نیازی راه ندارد. فلسفه می گوید: امکان، مساوی با نیاز است؛ یعنی نیاز، از ممکنات جدا شدنی نیست. ممکنات، نخست، محتاج به اصل وجود اند و پس از آن، نیازمند استقرار وجود و نیازهای فراوان دیگری برای ادامه حیات خود و یا بهتر زیستن دارند، اما درجه نیازهای موجودات متفاوت و مختلف است، در این میان نیازمند ترین انسان ها کودکان اند که به تنهایی حتی قادر به تغذیه خود نیستند. بر والدین در رفع نیازهای مادی کودکان سعی و تلاش بیشتری دارند، اما نیازهای روحی و روانی معنوی وجود دارد که از نیازهای مادی با اهمیت تر است(2). لذا در این فصل تلاش شده برخی از این نیازها که توجه به آن ها می توانند عامل مهمی برای انتقال ارزش های عاطفی به فرزندان باشد بیان شود.

ص: 106

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 23.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 83.

بی شک یکی از اساسی ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت است؛ به گونه ای که اگر این نیاز کودک برآورده شود، کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. لازم است والدین به این نیاز فرزند توجه خاص داشته باشند و بدانند پاسخ گویی صحیح به این نیاز فرزند، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می دهد؛ زیرا ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس و اعتماد به والدین و حتی سلامتی جسمی او می شود و ارضای نشدن آن باعث فروپاشی آرامش روحی و روانی، بی اعتمادی به خود و دیگران، احساس عجز و حقارت، بیماری های جسمی و روانی متعدد و انحرافات اجتماعی بسیاری خواهد شد(1).

امام صادق علیه السلام می فرماید: « موسی از خدا پرسید: خدایا! برترین اعمال نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا من آن ها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آن ها را بمیرانم همه آن ها را به رحمت خود، به بهشت وارد می کنم(2)».

برخی از آثاری که محبت کافی به کودک می تواند در برداشته باشد به این شرح است:

1. رفع و ارضای نیاز طبیعی؛ پاسخ گویی به نیازهای عاطفی کودک افزون بر آن که او را از عوارض ناشی از ارضای نشدن آن مصون می دارد، او را

ص: 107

1- . همان، ص 84.

2- طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، شریف رضی، 1370ش، ص 237.

در حالت اعتدال روحی - روانی قرار خواهد داد. اما اگر این نیاز فرزند ارضا نشود مشکلات بسیاری خواهد آورد(1).

2. اعتماد به نفس؛ از دیگر آثار محبت به فرزند و از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی، اعتماد به نفس است؛ زیرا با محبت به فرزند، وی احساس ارزشمندی می کند در مقابل اگر به او محبت نشود، گرچه در زندگی موفق هم باشد، احساس بی ارزشی و خود کم بینی کرده و به خود و دیگران بی اعتماد خواهد شد(2).

3. یادگیری شیوه محبت به دیگران؛ کودکی که مورد محبت واقع نشود، علاوه بر این که دچار اختلافات جسمی، روحی و روانی خواهد شد، در یادگیری محبت نیز دچار مشکل می شود و در آینده در محبت به فرزندان دیگر ناتوان خواهد بود.

4. جلب اعتماد فرزند به والدین: با محبت به کودک می توان علاقه او را به محبت کننده جلب کرد. در نتیجه این علاقه، فرزند به والدین محبت و اعتماد پیدا کرده و از آن ها حرف شنوی خواهند شد، همچنین از این طریق زمینه تربیت های بعدی نیز فراهم خواهد شد؛ زیرا انسان ها به ویژه کودکان در قبال شخصی که به آن ها محبت می کند احساس احترام دارند و محبت کننده به خود را دوست داشته و مطیع فرمان او هستند(3).

ص: 108

1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 89.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 89.

3- 2. همان.

انسان، گل سرسبد موجودات است و اسلام، همواره حریم او را محترم شمرده است. این حرمت، صرف نظر از ویژگی های هر امت و گروه برای تمامی انسان ها وجود دارد و جنسیت، قومیت، نژاد، سن و حتی ایمان در آن دخالت ندارد. بدون در نظر گرفتن ملاک های ثانوی، کودک و بزرگسال با هم مساوی و از کرامت یکسان برخوردارند. از این رو باید از احترام یکسان بدون در نظر گرفتن دیگر ملاک ها نیز برخوردار باشند. از این رو اسلام حتی برای جنینی که در رحم مادر است و هنوز دیده به جهان نگشوده نیز احترام و کرامت قائل است چنان که حتی از ارث سهم می برد و اگر هم سقط شد، مانند دیگر انسان ها باید غسل و کفن شده و به خاک سپرده شود و حتی اگر کسی باعث قتل او در رحم مادر شده، باید به ولی او دیه پردازد؛ این برخورد، با انسان ها در اسلام نشانه تساوی آن ها در کرامت است (1). از سوی دیگر کودکان بر فطرت الهی آفریده شده اند و این فطرت گرچه هنوز به فضایل مزین نشده، به خبائث نیز آلوده نیست، پس، از این حیث نیز کودکان دارای کرامت اند و شاید کرامتی بیش از برخی بزرگسالان دارند؛ پس احترامی بیشتر را نیز می طلبند (2). اکثر کودکان، خود را چنان می شناسند که دیگران در رفتار خود با آن ها می نمایانند و بر طبق این شناخت از خود، عمل می کنند و اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می شوند (3).

ص: 109

1- همان، ص 102.

2- همان، ص 103.

3- . همان، ص 104.

1. انسان دارای حب ذات است و هر انسانی خود را دوست دارد و در جهت حفظ حرمت خود می کوشد و موقعیتی که در آن احساس بی حرمتی کند، پرهیز کرده، با آن به مقابله بر می خیزد(1). امام صادق علیه السلام می فرماید: « طبع القلوب علی حبّ من أحسن علیها و بُغض من اساء الیها(2) ». قلب های (انسان ها) بر دوستی با کسی که با آن ها نیکی کند و دشمنی با کسی که به آن ها بدی کند سرشته شده است(3).

بنابراین اگر کودک از والدین خود احساس بی احترامی کند سخنان و تعلیمات آن ها، نه تنها بر او اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز به بار خواهد آورد زیرا ممکن است بغض آن ها را در سینه داشته و پذیرای حرف آن ها نباشد.

2. احترام به کودک در خود پنداره او تأثیری ژرف بر جای می گذارد و این تأثیر در رفتار شخص بروز می یابد؛ زیرا رفتار انسان ها بر اساس شناختی است که از فرد دارند و این شناخت از خود، به طور معمول از طریق نگاه دیگران به انسان حاصل می شود(4).

ص: 110

1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 103.

2- . محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 20، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، 1409ق، ص 184، ش 4.

3- . سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص 103.

4- . همان.

رعایت هر اصلی مستلزم انجام شیوه ها و راهکار هایی است، تکریم و احترام فرزند که اهمیت آن در انتقال ارزش های عاطفی به فرزند بازگو شد هم شیوه های زیادی دارد که در این تحقیق به چند مورد از آن ها اشاره می شود.

برخاستن و استقبال از فرزند به هنگام ورود او به مجلس، سلام کردن، اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از حقوقشان، پذیرش دعوت و دعوت از آن ها برای میهمانی، جای دادن آن ها در صفوف نماز جماعت، شرکت دادن آن ها در جلسه دعا برای آمین گفتن، شخصیت دادن به آن ها؛ یکی از شیوه هایی که به وسیله آن ائمه به فرزندان خود شخصیت می دادند این بود که برخی کسانی را که سؤال داشتند، برای دریافت پاسخ به فرزندان خود ارجاع می دادند و این کار هم تمرینی بود برای فرزندان در شکوفایی استعدادها و هم معرفی آن ها به دیگران(1).

عدم افراط در تکریم فرزند

البته در محبت و تکریم فرزند نباید افراط کرد، زیرا در این صورت نه تنها نمی توان نتیجه صحیح تربیتی گرفت، بلکه شخصیت فرزند، در اثر زیاده روی والدین در ابراز محبت های نابجا لطمه جبران ناپذیری خواهد خورد. چرا که این فرزند از خود راضی و از جامعه توقعات و انتظارات زیادی خواهد داشت و در صورت بی اعتنائی دیگران به این خواسته های بی مورد، فرزند نازپرورده

ص: 111

3-1- تقویت عزت نفس

بسیاری از مشکلات نسل جدید و جوانان از نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خودباوری ریشه می گیرد. ترس از ورود به اجتماع و اظهار اندیشه ها، عدم پذیرش مسئولیت ها و بسیاری از ناکامی ها و عدم موفقیت ها، از جمله عوارض حقارت و نداشتن عزت نفس است. بنابراین تقویت شخصیت فرزندان موجب به وجود آمدن بسترهای مناسب برای ایجاد خصصت های نیکو و صفات ستوده خواهد شد. تکریم شخصیت فرزند و احترام به او یکی از مهم ترین راه های تقویت عزت نفس در آنان است که قبلا توضیح آن آورده شد(2). از منظر امام علی علیه السلام: « فرزند همانند گل ظریف است و روحیه ای لطیف و حساس دارد (معاشرت با وی باید حساب شده و از روی احترام باشد(3)» . حال اگر والدین در دوران شکل گیری شخصیت فرزند، با او با بی احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش برخورد کنند، شخصیت فرزند به صورت شخصیتی ذلیل، حقیر، وابسته و منفی شکل خواهد گرفت و اگر با احترام و بزرگداشت با او برخورد کنند، شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت رقم خواهد خورد و در خود به دیده احترام خواهد نگریست و در نتیجه رفتار او، رفتاری سالم و بهنجار خواهد بود(4). امیر

ص: 112

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 20.

2- همان، ص 18.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، چاپ اول، مکتب آیت المرعشی النجفی، 1404ق، ص 342.

4- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 104.

المؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید: « من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصية(1) ». کسی که از احترام نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه، بی ارزش نمی کند. یا امام سجاد علیه السلام می فرماید: « من کرمت علیه نفس هانت علیه الدنيا(2) ». کسی که از احترام نفس، برخوردار باشد، دنیا نزد او بی ارزش می شود. عزت نفس یک ارزش به شمار می آید و برای ایجاد این ارزش در کودکان باید به صورت عملی آن را به ایشان آموخت و ایجاد چنین ارزشی، میسر نیست مگر این که والدین به او احترام بگذارند و حقوق او را رعایت کنند. چرا که تحقیر شخصیت کودک؛ آثار تربیتی بسیاری را متوجه شخصیت فرزند می کند و هرگز نمی توان از کودکی که همواره به او بی احترامی شده، انتظار نیکی داشت(3).

فرزندانی که به طور واقعی عشق و محبت می بینند، ناخودآگاه درک می کنند که به آن ها ارج گذاشته شده است. احساس ارزشمند بودن برای سلامت روانی ضروری و پایه عزت نفس در کودکان است. این کیفیت نتیجه مستقیم عشق پدر و مادر به فرزند است. فرزندان به این اهمیت نمی دهند که والدین چقدر آگاهی دارند بلکه برایشان مهم است که چقدر به آن ها توجه می شود(4).

ص: 113

-
- 1- . میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل، ج 11، چاپ اول، بیروت- لبنان، مؤسسه آل البیت،؛ 1408ق، ص 339، ش 13208-14.
 - 2- حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1363ق، ص 278.
 - 3- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 105.
 - 4- . امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 198-199.

عموم مردم به ویژه کودکان و نوجوانان به ارتباط کلامی بسیار حساس هستند. لحن و صوت والدین در ارتباط کلامی باید دارای بار عاطفی مثبت باشد، والدین می توانند با سخنان نرم، نیکو و محبت آمیز از مشکلات روحی و ناهنجاری های کودکان و نوجوانان بکاهند و رنج های درونی آنان را آرامش بخشند. بسیاری از تندخوئی ها، خشونت ها، لجبازی ها و زورگویی ها را می توان با ارتباط کلامی صحیح و نیکو حل نمود(1). نمونه هایی از ارتباط کلامی سرور و سالار آزادگان امام حسین علیه السلام با فرزند در حساس ترین روزهای زندگی: در هنگام گفتگو با دخترش سکینه و خواهران، برای تسکین آلام روحی وی فرمود: «یا نور عینی! چگونه تسلیم مرگ نباشد کسی که یآوری ندارد(2)». و همچنین در موقع خداحافظی با فرزندان و خواهران، امام سجاد علیه السلام را به آغوش کشیده و با این کلمات دلنشین او را یاری دادند، «پسرم تو پاکیزه ترین فرزندان من هستی و بهترین خاندان من می باشی و تواز طرف من سرپرست این زنان و کودکان خواهی بود(3)». سخنان محبت آمیز و دلربا تا عمق جان مخاطب تأثیر می گذارد و با ایجاد محبت بیشتر در قلب وی او را به سوی گوینده جذب می کند. والدینی که در به کارگیری الفاظ و عبارات خود، کمال ادب و عفت را رعایت کنند، در منظر فرزندان

ص: 114

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 29.

2- محمد، محمودی شهری، موسوعه امام حسین، فی الکتاب و السنه و التاریخ، به ترجمه عبدالهادی، مسعودی، قم، دارالحدیث، 1389، ص 490.

3- همان، ص 486.

عزیز و مکرم بوده و دیگران نیز به آنان با دیده احترام می نگرند. در حقیقت رعایت ادب، عفت و داشتن صمیمیت در گفتار ناشی از کرامت نفس گوینده است و در تحکیم روابط گوینده و مخاطب تأثیر فراوان دارد(1).

5-1- هدیه دادن

یکی دیگر از راه های جذب فرزندان که انتقال ارزش های عاطفی را به آن ها تسهیل می کند دادن هدیه به آن هاست. هدیه دادن علاوه بر این که عشق و محبت هدیه شونده را به انسان زیاد می کند و موجب استحکام ارتباط قلبی می شود، نشانه احترام به شخصیت طرف مقابل است و هدیه شونده از این که مورد توجه و عنایت قرار گرفته، احساس لذت و نشاط می کند. والدین برای تقویت ارتباط صمیمانه با فرزندان می توانند با اهدای هدیه مناسبی در وجود آنان نفوذ کرده و خصلت های ستوده و نیک را در آنان ایجاد کنند(2). طبق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله: « بهتر است در دادن هدیه، فرزندان دختر را مقدم بدارد، زیرا هرکس دختر خود را خوشحال نماید همانند این است که یک انسان ارزشمندی را از بند رهانیده است و هرکس به پسرش چشم روشنی داده است و او را شاد کند در ردیف بهشتیان خواهد بود(3)». هدیه، دل ها را پر از صفا و صمیمیت کرده و غبار کدورت را از دل ها می زداید به ویژه آن که تقدیم هدیه در مناسبت های خاصی باشد که خاطرات خوش آن روز با شادمانی تحفه عجین گردیده و تأثیر نشاط آور آن را چندین

ص: 115

1- عبدالکریم، پاک نیا، همان.

2- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 24.

3- محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 21، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، 1409ق، ص 514.

برابر می کند(1). البته تأثیر و لذت هدیه و بخشش به فرزندان زمانی بیشتر می شود که بدون درخواست قبلی انجام گیرد، تا ضمن حفظ شخصیت و کرامت، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در آنان تقویت می شود(2).

6-1- تشویق و تحسین

یکی دیگر از روش هایی که در سیره معصومین در تربیت فرزند از آن بهره گرفته می شود روش تشویق و تحسین است(3). از این رو علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید: « مبادا نکوکار و بدکار در دیده ات برابر آید که آن رغبت نیکوکار را در نیکی کم می کند و بدکار را به بدی وادار می نماید(4)».

به طور کلی در سیره معصومین تشویق، بیشتر به صورت تشویق های معنوی و یا تحسین بوده است و کمتر از تشویق و پاداش مادی استفاده شده است(5). والدین باید سعی کنند بر کوشش ها و موفقیت فرزندان تمرکز داشته باشند نه بر ضعفیات آن ها. والدین با تشویق باعث می شوند تا فرزندان از لحاظ روحی و روانی و معنوی رشد کنند و زندگی متعادلی داشته باشند(6).

ص: 116

1- عبدالکریم، پاک نیا، همان.

2- همان، ص 25.

3- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 153.

4- ترجمه جعفر، شهیدی، نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1378، ش، ص 328.

5- سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص 154.

6- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 205-207.

شالوده هر جامعه، خانواده ها هستند و در واقع، هسته اولیه تشکیل جوامع نیز محسوب می شوند. نیروهای حرکت دهنده هر جامعه در خانواده ها متولد شده و رشد می یابند. روابط اولیه افراد در خانواده، زمینه ساز نوع فعالیت های آینده آنان در ابعاد مختلف دینی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است. تجارب افراد در خانواده می تواند سال ها آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی خانواده سالم، خانواده ای که با تربیت افراد موفق و کوشا و تحویل آن ها به جامعه در رشد و تعالی آن مؤثر باشند. با توجه به این نکته و سایر مباحثی که تاکنون بیان شد، نقش والدین در انتقال ارزش ها به فرزندان روشن می شود. از فصل انتقال ارزش های دینی نتیجه گرفته می شود که اصل ازدواج در درجه اول بیشترین تأثیر را در تربیت فرزند دارد و به تبع آن آموزش های مختلفی که باید به فرزندان داده شود، از فصل انتقال ارزش های عاطفی نتیجه گرفته می شود والدین برای پرورش فرزندان با عزت نفس و مقاوم در برابر مشکلات لازم است به نیاز های اساسی کودک خود مانند تکریم و احترام و تقویت عزت نفس در او توجه و اهتمام ویژه داشته باشند، از فصل انتقال ارزش های اجتماعی به این رسیده که در درجه اول باید فرزندان مسئولیت پذیر پرورش داد تا بتوانند در آینده نقش هایی که بر عهده آن ها گذاشته می شود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند و از زیر بار آن ها شانه خالی نکنند و در فصل آخر که انتقال ارزش های اخلاقی است که مهم ترین مسئله در تربیت و پرورش اخلاقی کودک، عامل بودن والدین است و در مراحل بعد راستی و

صداقت و فراهم کردن موقعیت ازدواج برای فرزندان، تبیین و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا در عصر کنونی دورسالت، ضروری به نظر می‌رسد: در مرتبه اول تقویت نهاد خانواده و در مرتبه دوم، کمک به اصلاح روابط اعضای خانواده با یک دیگر و افزایش کارایی و تعالی اخلاقی خانواده‌ها، که علاوه بر اهتمام خود والدین به این رسالت، اهتمام و توجه نهاد آموزش و پرورش و نقش پررنگ رسانه‌ها را نیز می‌طلبد.

ص: 118

* قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای،

* سید رضی، نهج البلاغه،

1. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق غفاری، علی اکبر، ج 1 و 2، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین قم، 1413ق.

2. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، به تحقیق غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1404ق.

3. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب. ذیل واژه سنن، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، 1414ق.

4. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع الاحادیث، به تحقیق جمعی از فضلاء، ج 22، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1386ق.

5. باقی نصرآبادی، علی، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، قم، یاقوت، 1382.

6. بوربا، میشله، کتاب جامع تربیت کودک، به ترجمه بهشتیان، محمد، ج 2، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1389.

7. پاک نیا، عبدالکریم، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382.

8. حسینی زاده، سیدعلی، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388.

9. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، به تحقیق مؤسسه آل البیت، ج 20 و 21، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت، 1409ق.

10. خوانساری، محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق حسینی ارموی محدث، جلال الدین، ج 3، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1366 ش.
11. داوودی، محمد، تربیت دینی، زیر نظر اعرافی، علیرضا، ج 2، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388.
12. رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفستگی اجتماعی، تهران، سروش، 1378.
13. سووه توماس، فرهنگ، اصلاحات اجتماعی اقتصادی، م. آزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، 1354.
14. شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386.
15. شیخ صدوق، گزیده من لایحضره الفقیه، ج 1، چاپ اول، فیض کاشانی، 1276 ش.
16. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی، 1412 ق/ 1370 ش.
17. عمید، حسن، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر اشجع، 1390.
18. فردوسی، سیما، کلید های تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر صابرین، 1388.
19. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، 1384.
20. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج 2، قم، دارالکتاب، 1404 ق.
21. کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده الکافی، ترجمه بهبودی، محمد باقر، ج 5، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
- _____، اصول کافی، ترجمه کسره ای، ج 4، چاپ سوم،

23. محمودی، امیر ملک، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، شهاب الدین، 1386.

24. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386.

25. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، چاپ پنجاهم، قم، صدرا، 1388.

26. محمودی شهری، محمد، موسوعه امام حسین، فی الكتاب و السنه و التاريخ، به ترجمه عبدالهادی، مسعودی، قم، دارالحدیث، 1389.

27. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 5 و 80، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.

28. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، به تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البیت، ج 11 و 15، چاپ اول، بیروت- لبنان، مرسسه آل البیت، 1408 ق.

29. ایمانی، محسن، "نقش پدر در تربیت فرزندان"، مجلات تخصصی نور، پیوند، خرداد 1389.

30. فرزند وحی، جمال، حیدر نژاد، طاهره، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی، فصل نامه تخصصی قرآن و حدیث، چاپ پنجم، قم، نشر حسنا، 1392.

کبری کریمی (1)

چکیده

مادر به عنوان محور اصلی زندگی دختر، عمده ترین نقش را درباره ی او ایفا می کند در همه ی فرهنگ ها مادر نخستین کسی است که دختر از او سرمشق می گیرد و از او نخستین اثرات ذهنی را کسب می کند. برای دختر، مادر همه چیز است که موجبات آرامش و رفاه نسبی او می شود و به دلیل همانند بودنش می تواند نفوذ بیشتری بروی داشته باشد و مادر، آموزنده ی درس عفت و تقوا، عبادت و خلوص، پاکی و خداترسی برای دخترش می باشد نقش الگویی او برای دخترش آن چنان است که آثار نیک رفتار برای مادام العمر در ذهن او باقی می ماند. در او خیرخواهی و خیراندیشی نسبت به دیگران و شاکله و جودی او از هر جهت بوجود می آورد.

بر این اساس که تصویر شد «نقش عفت مادر» در تربیت دختر اگر با معیارهای تقوا و فضیلت همراه باشد نقطه حیاتی و مرکزی جامعه آینده کلید می خورد.

واژگان کلیدی:

نقش، عفت، تربیت فرزندان

ص: 123

برای پرورش فرزندان صالح و شایسته به خصوص دختر در درجه اول، پرورش دهنده و مربی او، باید از خصوصیات ویژه ای برخوردار باشد تا از آغوش پاک و از محیط سالم زندگی برخوردار باشند و این گلهای قشنگ و آراسته و امیدبخش (فرزندان) برای جامعه پرورنده شوند.

هدف اصلی این تحقیق، آگاهی از نقش عفت مادر در تربیت دختر، از دیدگاه اسلام، روان شناسی و علوم تربیتی است و این که مادران عقیقه تا چه اندازه در تربیت دختران اثر گذارند و چگونه می توانند از دختران خود، مادرانی شایسته را پرورش و تحویل جامعه دهند.

بی تردید، اگر مادران به نقش مهم خود در تربیت فرزندان به ویژه دختران آگاه باشند و از شیوه های سازنده در این زمینه بهره گیرند می توانند افرادی شایسته و مفید را تعلیم و تربیت کنند.

طبیعی است با تحقق بخشیدن به عفت دختران، بسیاری از مشکلات اجتماعی که امروزه تا حد زیادی وبال جوامع شده است، رفع خواهد شد؛ زیرا بیشتر ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی در جهان کنونی ناشی از بی توجهی مادران به وظایف خود و آشنا نبودن آنان با روش درست تربیت فرزندان است. لذا از مهم ترین ضروریاتی که در این تحقیق به آنها می پردازد عبارتند از:

1 - شناخت مادران نسبت به مسئله عفاف

2 - آگاهی مادران از تفاوت بین حجاب و عفاف

3 - پرداختن به موضوع عفت به طور مستقل

4 - پی بردن به ابعاد عفت

موارد یاد شده از ضرورت های این تحقیق است.

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه ی بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح بوده و هست. این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند. اما با جستجو در متون دینی به تفاوت آن ها پی می بریم. در قرآن کریم خداوند متعال عفت را از صفات مؤمنین شمرده و چهار بار از ریشه ی عفاف استفاده شده است.

درباره ی موضوع «نقش عفت مادر در تربیت دختر» مستقلاً کتابی نگاشته نشده است. لیکن تألیفاتی از واژگان کلیدی آن یعنی نقش، مادر، تربیت - برای دختران و غیره نگاشته شده که در این کتاب ها به موضوع عفت به طور کلی پرداخته اند و در خصوص نقش عفت مادر در تربیت دختر به صورت مختصر و گذرا صحبتی به میان آورده اند.

یکی از دغدغه های اصلی والدین تربیت فرزندان به خصوص دختران است.

و در تربیت آنچه بیش از همه نمود دارد، عفت می باشد که خود مفهوم گسترده ای دارد و همه ابعاد تربیت را تحت تأثیر خود قرار می دهد. عفت یعنی «خود نگهداری در قلمرو شهوات و خواسته های نفسانی»⁽¹⁾

در این جا مادر که از جنس دختر است نقش تربیتی اش مؤثرتر می باشد. به همین خاطر باید به نحوه ی نقش آفرینی عفت خود در زمینه ی تربیت دخترش آگاهی بیشتر پیدا کند که یکی از راه های آن مطالعه و آگاهی از رهنمودهای دینی است.

ص: 125

1- . حسین، مهدی زاده، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، چاپ پنجم، قم، 1388، ص 30.

برای اینکه دید خواننده نسبت به واژه ها و کلمات موضوع روشن تر و وسیع تر گردد باید هر واژه را در معنای لغوی و اصطلاحی تعریف و توضیح و تفسیر کرد در معنای لغوی، واژه هایی که می توانند به جای کلمه مورد نظر بکار روند، می آید و در معنای اصطلاحی به توضیح و تفسیر بیشتر واژه ی مورد نظر پرداخته می شود در این گفتار، واژه های کلیدی موجود در موضوع بررسی می شود که به ترتیب عبارتند از: «نقش - عفت مادر - تربیت - فرزند»

1 - نقش

لغوی: واژه «نقش» در معنای متعدد و زیادی به کار رفته است از جمله «رنگ آمیزی کردن(1)، تصویر، نگارش، خلقت، لیاقت(2) و...» اصطلاحی: واژه «نقش» توضیح و تفسیر آن در مواقع مختلفی استفاده می شود مثل «شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن(3)» اما مهمترین و اصلی ترین زمانی که این واژه به کار می رود هنگامی است که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.(4) جمع این کلمه نیز نقوش است. در تحقیق مورد نظر مراد از «نقش» معنای اخیر است یعنی «اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.»(5)

ص: 126

-
- 1- . حسن، عمید، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384، ج دوم، ص 1915
 - 2- . علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، 1352، شماره مسلسل 134، حرف (ن)، ج 46، صص 696 الی 698
 - 3- . حسن، عمید، همان، ص 1915
 - 4- . علی اکبر، دهخدا، همان، ص 698
 - 5- . حسن، عمید، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384، ج دوم، ص 1915

لغوی: پارسائی، نهفتگی، پاکدامنی، خویشتن داری

اصطلاحی: عفت عبارت از: «ترک شهوات پست و پاکی جسد»⁽¹⁾

3. مفهوم شناسی حجاب

کاربرد کلمه حجاب درباره پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار می رفت. حجاب به معنای پرده، چادر، روپوش، روبندو آنچه با آن چیزی را بپوشانند و چیزی که مانع بین دو چیز دیگر باشد، آمده است. مقصود از حجاب اسلامی آن نوع پوششی است که بر اساس دستور قران کریم، زیباییهای بدن زن را بپوشاند، خداوند در قران خطاب به زنان مسلمان می فرماید:

«لا یبدین زینتهن»⁽²⁾

زینت هایشان را آشکار نسازند.

برخی مفسران مصداق زینت را در این آیه شریفه، بدن زن می دانند. در اینجا ذکر نکته ای ضروری خواهد بود آن اینکه هنگامی که از حجاب سخن به میان می آید، بی درنگ پوشش و نوع آن به ذهن می رسد و کمتر به حقیقت و روح حجاب و ریشه ها و مراحل شکوفائی آن پرداخته می شود. این در حالی است که برای یافتن راهکارهای مناسب و ترویج فرهنگ حجاب باید به

ص: 127

1- . علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی جا، تهران، 1352، شماره مسلسل 195، شماره حرف

(م)، بخش اول، ج 40، ص 20

2- . نور/34

رابطه عفاف و حجاب

عفاف بدون رعایت پوشش قابل تصور نیست. نمی توان به زن یا مردی عفیف گفت، در حالی که بدون پوشش یا با پوشش نامناسب در انظار عمومی ظاهر می شود. گرچه تفاوت های رفتاری انسانی ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش ها و منش ها دارد، در اسلام از نشانه های برجسته عفاف می توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره کرد. شهید مطهری: در ذیل آیه 61 سوره نور چنین می نویسد: از جمله «ان یستعففن خیر لهن» می توان یک قانون علی را استنباط کرد و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر (پوشش) را مراعات کند پسندیده تر است. میان حجاب و عفاف نیز ارتباط وجود دارد. عفت، حالتی نفسانی و درونی است که نمودها و جلوه های گوناگونی در نگاه، گفتار، راه رفتن و... دارد. حجاب در حقیقت همان نمود و ظهور عفاف، در چگونگی و مقدار پوشش است. از سوی دیگر، میان این دو واژه رابطه معنایی نیز وجود دارد.

حجاب در لغت به معنای پوشش، پرده و مانع است. به نگهبان، حاجب می گویند؛ چون مانع ورود بیگانگان در حریم و محیط خاص می گردد. بنابراین، حجاب و پوشش زن به منزله حاجب و مانعی در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند از سوی دیگر، مفهوم «منع و امتناع» در ریشه لغوی عفت نیز وجود دارد. (2)

ص: 128

1- . اعظم، وفائی، صدف عفاف، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، 1390، ص 19

2- . اعظم، وفائی، صدف عفاف، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، 1390، ص 19

بنابراین می توان گفت دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک اند.

تفاوتی که میان منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت میان ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به حفظ ظاهر است، ولی منع و بازداری که در معنای عفت اخذ شده مربوط به باطن و درون است؛ چرا که عفت حالتی درونی است با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر یکی از ویژگیهای عمومی انسان است، معمولاً میان حجاب و پوشش ظاهری با عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تاثر متقابل وجود دارد. بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس، هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر می گردد بر این اساس، این دو معمولاً با هم رابطه تنگاتنگی پیدا می کنند. به عبارت دیگر، درون پاک بیرونی پاک می پروراند و هرگز قلب پاک موجب باور شدن میوه ناپاک بی حجابی نخواهد شد و آیه قرآن به خوبی به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا»

زمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ اما سرزمین های بد طینت (وشوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید. (1)

4 - مادر

لغوی: واژه «مادر» در واقع ترجمه «ام» است که «والده» باشد. البته «مام و

ص: 129

1 - اعراف 58

اصطلاحی: کلمه «مادر» مفهوم گسترده ای دارد و وصف ناشدنی است ولی آنچه که در کتب لغت به صورت معنای قالبی آمده این است که «مادر» زنی که فرزند دارد، زنی که يك یا چند بچه به دنیا آورده باشد.» اما مراد ما در این تحقیق از واژه «مادر» یعنی؛ کسی که پرورش فرزند را به عهده دارد چه در دوران حمل یا بعد از حمل تا شامل زنی که فرزند را به دنیا نیاورده و تنها در تربیت او نقش دارد نیز بشود.(2)

5- تربیت

لغوی: «تربیت مصدر باب تفعیل از ماده (ربی - یربو)، رشد دادن - پروردن، آموختن، پروردن کودک تا بالغ شود.»

اصطلاحی: «تربیت ادب و اخلاق به کسی یاد دادن یا فراهم کردن زمینه رشد یا شکوفائی استعدادها و به رساندن قوای نهفته یک موجود به فعلیت»(3)

6- فرزندان

لغوی: واژه فرزند پسر یا دختر هر مرد یا زنی نسبت به خود او

اصطلاحی: «فرزند نرینه و مادینه انسان است.»

ص: 130

1- . علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، 1352، شماره مسلسل 195، شماره حرف (م) بخش اول، ج 40، ص 20

2- . حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384، ج دوم، ج 2، ص 1526

3- . محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ 16، تهران، 1384، ج 1، ص 559. حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، همان، ص 559

گفتار اول: مادر بعنوان عامل مؤثر در ایجاد عفت و مراقبت از عفت

اشاره

مادر شدن تنها زائیدن فرزند و تأمین غذا و پذیرائی از کودک نیست. چه بسیار زنان که چنین وظیفه ای را انجام می دهند ولی لایق عنوان مادری نیستند. مادر شدن پذیرش مسئولیت و توجه به جنبه های تربیت و اخلاق است، سلامت روح، آگاهی، احساسات رام، فضائل انسانی، تقوا، عفت، شرف و عاطفه، اخلاق خوش و قلب مهربان می باشد. و تازه با داشتن این خصائص باز هم نمی توان او را مادر خواند مگر آنگاه که این زمینه ها را بکار ببندد و کودک را رهبری و تربیت نماید.

مادر موجد تحول در جسم و روان کودک است. اوست که با رفتار الگویی خود انسان می پروراند، طفل را از عالم ناپاکی ها، دورویی ها، دور می دارد، در او مهر و صفا، خیرخواهی، خیراندیشی نسبت به دیگران بوجود می آورد.

مادر کودکی می سازد با شخصیت و بزرگ منش یا سرافکننده و زبون، پاک و با عفت یا آلوده و ناپسند. و در همه حال در تگون شخصیت طفل سهم او فوق العاده است.

در این فصل مادر به عنوان عامل مؤثر در ایجاد عفت و مراقبت از عفت، قبل از تولد، بعد از تولد، الگوسازی، تعامل مادر و دختر در عفت و توجه مادر به فرق عفت دختر و پسر و مراقبت های سازنده از قبیل: مراقبت اجتماعی، آمد و شد و خلوتها، در معاشرت ها، ابراز محبت، دقت در روابط خود و همسرش، تقویت ایمان و عقیده و توجه به تهاجم فرهنگی و در آخر توصیه های اسلام به

نقش مادر در ایجاد عفت

1. قبل از تولد

یک روانشناس آمریکایی به نام «دکتر سیلوانوس استال» در یکی از کتاب های خود می گوید: از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟

«حکیم در پاسخ گفت: از بیست سال قبل از تولد! و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می شود که باید زودتر از آن شروع می کردید.»

این سخن حکیمانه در خور توجه است و معنای آن حضور معنوی نسل پیشین در زندگی روانی نسل حاضر است. در آموزش های دینی ما نیز شواهدی وجود دارد که انتقال زمینه های روحی و اخلاقی را از والدین به فرزندان تأیید می کند. تجربه های فراوان موجود نیز گواه بر این مساله هستند هر چند از لحاظ علمی نتوانسته اند حد و مرز آن را بدقت تعیین کنند؛ بنابراین کودکی که امروز بدنیا می آید، زمینه های گوناگون ارثی را با خود به همراه دارد.

بنابراین، در یک نظریه دقیق، تربیت کودک سال ها قبل از تولد طفل آغاز می شود و بذره های اولیه شخصیت او را باید در وجود والدین به خصوص مادر جستجو کرد. (1)

اگر مادر عقیف باشد قطعاً دختری عقیف تربیت می کند و در صورتی هم اگر مادر بی عفت باشد، بچه از همان دامن مادر، منحرف بیرون می آید و چون

ص: 132

1- . محمدعلی، سادات، رهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با کودکان، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ 18، تهران، 1387، ج دوم، ص 21.

دختران علاقه ی شدیدی به مادر دارند. بدون شك اولین الگوی تربیتی او مادر است.

در حقیقت مادر اصل، ریشه و سرچشمه وجود کودک است و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر و میوه ای از آن شجره مبارکه است. مدت اقامت نطفه در صلب پدر، بسیار اندک ولی در رحم مادر نزدیک به دوپست و هفتاد روز مهمان است. آثار وجودی مادر از جسم و روان در وجود کودک ظهور می کند. بنابراین تمام یا اغلب گیرندگی و اثر پذیری او از مادر است و به همین دلیل است که اسلام برای زن که در آینده نقش مادر خواهد داشت اهمیت ویژه ای قائل شده است.

دختر قبل از اینکه ازدواج کند باید توجه داشته باشد که در غذا، رفت و آمد، معاشرت، برخورد، تربیت، ادب و ایمان دقت نماید تا موجد و مولد نسلی پاک، سالم، باارزش و مؤدب به آداب باشد. (1)

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

طوبی لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛

خوشا به حال کسی که مادرش عقیفه (پاکدامن) باشد. (2)

انعقاد نطفه:

اساسی ترین راهکار تربیت فرزند، پاک و طاهر بودن نطفه از حرام است.

ص: 133

-
- 1- . محمود، حسین پور علویه، نقش مادران در تربیت فرزندان، انتشارات جوانان موفق، چاپ اول، قم، 1388، ص 16
 - 2- . محمدبن علی، ابن بابویه، علل الشرائع، مصحح ندارد، انتشارات کتابفروشی داوری، چاپ اول، قم، 1385 ش و 1966 م، ج 2، ص 564

لذا مهمترین مسئله ای که باید پدر و مادر ملاحظه نمایند، رعایت در خوردن حلال و پرهیز از محرّمات است. کسانی که به ظواهر شرع احترام نگذاشته و مرتکب محرّمات می شوند و در کسب و کار دقت لازم را انجام نمی دهند، و یا حقوق شرعی مثل خمس و زکات را پرداخت نمی نمایند، همچنین بهداشت و سلامت ظاهری را در خوردن و آشامیدن مراعات نمی کنند، اولین دسته ای هستند که باید پدر و مادر از لقمه ی آنها پرهیز کنند و مراقبت در این موارد، سود آن به خود ایشان بر می گردد. گرچه رعایت موارد مذکور، مشکل است و تا انسان شروع نکرده، شیطان روحیه ی انسان را تخریب می کند، ولی به مجرد آنکه انسان بر خدا تکیه و توکل کند قدرتش زیاد می شود و سخت ترین ها هم آسان می گردد. در هر حال تربیت فرزند صالح آسان نیست و گوهری است که آن را به هر کس نمی دهند. (1)

پس باید هنگام انعقاد نطفه همواره ذکر و یاد خداوند، پدر و مادر فرزند داشته باشند چرا که اگر شیطان دخیل شد و شریک، هنگام منعقد شدن نطفه باعث می شود فرزند از دشمنان ائمه معصومین شود خلاصه اینکه برای تولد فرزندان مؤمن و مفید، طرفین باید در هنگام انعقاد نطفه دارای وضو و طهارت ظاهری و باطنی باشند چرا که در این صورت است که هیچ گاه وسوسه های شیطانی به این فرزند زیان نمی رساند. (2)

گرچه در اصل انعقاد نطفه از پدر است ولی ظرف و محل پرورش نطفه رحم مادر است. از روزهای اولیه انعقاد نطفه در رحم، زحمات و مشکلات

ص: 134

1- . محمود، حسین پور علویه، نقش مادران در تربیت فرزند، همان، ص 26

2- . همان، ص 28

مادر رسماً شروع می‌شود. بی میلی به غذا خوردن و گاه حالت تهوع، ضعف و حساس شدن روحیه و... از جمله این نشانه‌هاست از همین زمان اضطراب مادر شروع می‌شود. دایم در این فکر است که چه کند فرزندش سالم باشد و سالم به دنیا بیاید. (1)

2. زمان بارداری

یکی دیگر از مراحل تربیت که مادر باید دقت کافی را داشته باشد مرحله ی بارداری وی می‌باشد.

در این دوران علاوه بر بهداشت جسمانی به بهداشت روانی خود نیز توجه کند و از محیطی آرام و پر نشاط برخوردار گردد؛ زیرا تنش‌های روانی و تألمات روحی تأثیری بد بر جنین می‌گذارد در این دوران وظیفه پدر حساس و خطیر است. او باید توجه داشته باشد که: مادرانی که در ارتباط با همسران خود از جهت روحی و عاطفی ارضاء می‌شوند بهتر می‌توانند کودک خود را در لحظات اولیه زندگی اش از چشمه جوشان عواطف خود سیراب سازند و زمینه را برای پیدایش کودکان سالم و متعادل فراهم آورند.

در تعالیم دینی ما توصیه شده است که مادر در دوران بارداری مراقب شرایط روحی و معنوی حاکم بر خود باشد و از یاد خدا - که سرچشمه نور و صفاست - و تلاوت آیات قرآنی و انس با کلام الهی غفلت نکند؛ زیرا تقویت حالات روحانی در مادر علاوه بر تأمین آرامش روحی و درونی، به القاء این نور معنوی در جنین نیز می‌انجامد و زمینه های روحانی را در او تقویت می‌کند؛ در این دوران مادر باید به بهداشت جسمی خود نیز اهمیت دهد تغذیه

ص: 135

صحیح و کافی، استفاده از هوای سالم، پرهیز از فعالیت شدید و خستگی زیاد، در سلامت جسمی و روانی کودک آثاری عمیق دارند. (1)

نکته مهم دیگر در تغذیه دوران بارداری، رعایت تنوع غذایی است بهترین راه، استفاده از مواد غذایی قابل دسترس در محل و سفره خانواده است. و البته باید توجه داشت که نیازهای غذایی در این دوران افزایش می یابد.

دوران بارداری

پس وضع تغذیه مادر در زمان بارداری، حتی در اخلاق و مقدار ضریب هوشی و استعداد کودک نیز تاثیر فراوان دارد؛ زیرا رشد اعصاب و مغز کودک از غذای مادر است، پس هر نوع غذای جسمی و روحی بر روی کودک اثر خواهد گذاشت. لذا اسلام برای این مسئله اهمیت خاصی قائل شده و سفارشهای فراوانی نموده است.

بر این اساس هر مادری باید توجه داشته باشد که دوران حمل برای طفل او سرنوشت ساز است و تمام روحیات وی روی فرزندی که در شکم دارد اثر می گذارد.

همچنین باید به نوع غذا و حلال بودن آن توجه خاصی داشته باشد، زیرا تاثیر بسیار زیادی بر روی اخلاق، رفتار و ایمان کودک می گذارد. (2)

ص: 136

1- . محمدعلی، سادات، راهنمای پدران و مادران، همان، ص 24

2- . میخبر، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، ناشر نورالزهرا، چاپ 23، قم 1385، ص 72

3. بعد از تولد

از نظر علمی رابطه مادر با طفل از سوئی رابطه رهبری و رهروی است قانون وراثت بسیاری از حالات کودک را به گونه ای ناخودآگاه ناشی از مادر می داند و در جنبه اجتماعی نیز گفته مادر و حالت مادر در مواجهه با يك امر برای کودک سند است. ترسش، مهرش، حیاتش، سخت سری و لجبازیش، خیرخواهی، و بدخواهیش، کینه توزی و حسادتش تا حدود زیادی در طفل مؤثر است. از مادر تنها نسل زشت یا زیبا باقی نمی ماند بلکه زشتی و زیبایی روان هم به مادر بستگی دارد. در اینجاست که مادر باید بسیار محتاطانه در نقش رهبری خود عمل کند چرا که نقص و یا سلامت شخصیت روانی کودک مخصوصاً در 6 سال اول زندگی بستگی به مهر مادر و یا محرومیت از آن دارد و ممکن است اثراتش تا پایان عمر باقی بماند. نتیجه اینکه مادر منشأ سعادت یا بدبختی فرزند است اگر او مریض باشد اعضای جامعه بیمارند و انحطاط و فساد همه جا را می گیرد و اگر او به معنای علمی کلمه در جنبه مادی و معنوی سالم باشد امید به سلامت جامعه بسیار است. تمدن حقیقی و کامل در دست مادران تربیت شده و عاقل است و تأثیرات همه از سوی آنها شروع می شود. (1)

4. کودکی

این دوره از آغاز تولد تا حدود 13 - 12 سالگی را دوران کودکی می نامند و این دوره از دو بخش عمده تشکیل می شود دوره قبل از دبستان و دوره ی دبستان.

در تعالیم اسلامی نیز مراحل کودکی را 7 سال اول که تقریباً مطابق با دوره

ص: 137

قبل از دبستان است، دوره سیادت نامیده اند؛ و 7 سال دوم را دوره ی اطاعت یا دوره ی تأدیب و تعلیم نامگذاری کرده اند و بالاخره 7 سال سوم را دوره ی وزارت نام نهاده اند. دوره ی کودکی که شامل 7 سال اول زندگی کودک است به مرحله های کوچکتر دیگر تقسیم می شود.

دو هفته اول را مرحله نوزادی، 2 یا 3 سال اول را مرحله طفولیت و 3 تا 7 سالگی را مرحله خردسالی نامیده اند. روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت از این دوره (کودکی) به دوره اساسی و پایه یاد می کنند. زیرا در این دوره و به ویژه در سال های نخستین آن شخصیت کودک شکل می گیرد و زمینه نگرش ها، عواطف، و الگوی رفتاری آینده او به وجود می آید. تحقیقات نشان داده است که از 6 ماهگی تا 3 سالگی حضور مادر نه تنها در رشد عاطفی کودک بلکه در رشد عقلی و بدنی او تأثیری بسزا دارد. مادر برای کودک الگوی تدلیس و ریا و یا عفت و صداقت است اگر ناپاک باشد قطعاً آن حالت را به کودک منتقل خواهد کرد به همان گونه که اگر پاک و عفیف باشد همان را به کودک خویش خواهد آموخت. به عقیده روانشناسان تقلید در کودک خردسال آنقدر قوی است که هر عملی را مادر انجام دهد توسط کودک تکرار خواهد شد. این تأثیر بدان خاطر است که کودک با مادر بیش از پدر مأنوس است.

5. نوجوانی

در اینجا نکته ای را نباید از نظر دور داشت وجود نسل نوجوان و فاصله ی میان والدین امری انکارناپذیر است سرعت تحولات اجتماعی فرهنگی در جهان تفاوت بین دو نسل را بسیار عمیق و چشمگیر می سازد در گذشته سرعت تحولات تا این اندازه زیاد و چشمگیر نبود زندگی انسان ها ساده و به

دور از پیچیدگی‌ها و اختلاف میان دو نسل در یک خانواده محسوس و عمیق نبود در زمان حاضر که عصر سرعت نام گرفته است پیشرفت صنعت و تکنولوژی سبب شده است که صحنه‌های زندگی پیوسته تغییر کند و مسائل جدیدی با خود به همراه آورد باید تلاش کنیم تا با گسترش دید فرهنگی خود قدرت هم‌زمانی و همراهی و تفاهم با فرزندان خود را از دست ندهیم و نسبت به آنها غریبه و بیگانه نشویم.

در این مرحله نوجوانی با چالش‌های جدی روبه‌روست از یک سو تغییرات فیزیولوژیک بلوغ (شامل علایم ثانویه و به هم خوردن نظم پیشین هورمونی) ظاهر می‌شود و نوجوان را سردرگم خویش می‌کند که این تغییرات را نوجوان هر روز در برابر آینه می‌بیند از سوی دیگر لییدو مجدداً بر دستگاه تناسلی متمرکز می‌شود و نوجوان به جنس مخالف علاقه مند می‌شود انرژی جنسی نوجوان را تحت فشار قرار می‌دهد و او برای گریز از این فشار به ریاضت طلبی و عقلی سازی پناه می‌برد با ریاضت طلبی (سختگیری همه جانبه بر خود) نوجوان می‌کوشد تا از هجوم ناگهانی کشاننده جنسی ایمن شود. (1)

نوجوان به ناگاه تغییر می‌کند و بر خلاف سابق دیگر به آنچه بزرگسالان می‌گویند گردن نمی‌نهد او گاهی طرز راه رفتن خود را عوض می‌کند لهجه خود را تغییر می‌دهد رویایی و عشق طلب می‌شود نسبت به زیبایی‌ها با حساسیت می‌نگرد و اندک اندک قدم به دنیای درون خویش می‌گذارد افکار

ص: 139

وی بیشتر متوجه مسائلی می شود که مربوط به زمان حال نیستند و با واقعیات همان لحظه تناسبی ندارند در خلال این تحول نوجوان به آرامی نسبت به قدرت فکر هوشیار می شود و در کمند ارزش های فردی خود می غلتد.

تحول روانی در دوره نوجوانی در وحله نخست رنگ جنسی و تناسلی دارد و در وحله ی دوم به شکل يك بحران نمایان می شوند و سرانجام به صورت يك دوره ی ساخته شدن و شکل گرفتن و آماده شدن در می آید.

البته نمی توان بی آنکه از شرایط اجتماعی و فرهنگی که در آن نوجوان تحول می یابد نادیده گرفت. (1) بی شك، مادر در هفت سال دوم و سوم زندگی نیز (نوجوانی) نقش تربیتی قابل توجهی دارد و نباید نقش خود را تمام شده انگارد. چرا که نقش مادر بیشتر جنبه هدایت گری و راهنمایی دارد که در اینجا به صورت - اختصار بیان می کنیم - ضرورت استمرار از نقش های گذشته؛

دوره نوجوانی دوره استقلال خواهی فرزندان است؛ و آنها خود را مستقل از والدین می پندارند با این حال نباید پدر و مادر این گونه فکر کنند و فرزندان را در این سن به حال خود رها کنند اگر مادر نسبت به رفتار و اندیشه های نوجوان بی توجه باشد و جنبه های روحی و جسمی فرزند را نادیده بگیرد به شخصیت نوجوان آسیب خواهد زد. ارتباط برقرار نکردن والدین با نوجوان به خصوص مادر موجب می شود که وی به افراد دیگری مانند دوست و همسالان روی آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: *الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ*

ص: 140

يُخَالِلُ(1)؛ آدمی بر آيين دوست خود است، پس هر يك از شما مواظب باشد كه با چه کسی دوستی می کند.

6. جوانی

این دوره از حدود 20 سالگی شروع می شود اگر دوره نوجوانی در محیطی مناسب طی شده باشد، فرد به سطحی معقول و رضایت بخش از رشد یافتگی می رسد. از نقطه نظر تحولی، یکی از امکاناتی که در دوره نوجوانی گسترش می یابد تعهدات - یعنی ظرفیت پیگیری بی کم و کاست ارزشها، آرمانها و روابط پایدار - است. تعهد نسبت به خود، تمام تعهدات دیگر را تحت سیطره خویش قرار می دهد. جوان در جستجوی يك ارزش است، ارزشی که با شناخت واقع نگرانه، ظرفیتهایش، با سودمندی بالقوه اش ارتباط دارد.

از دیدگاه (اریکسون) ویژگی اصلی جوانی عبارتند از: (در تحلیل روابط بین خود و جامعه، جوان در مقابل تغییرات سریع اجتماعی روابط قبلی خود را با اشخاص مورد بررسی مجدد و بازنگری قرار می دهد و با از نو مشخص ساختن آنها به گذشته فرهنگی خود توحید می بخشد.) (2)

ص: 141

1- . محمد، محمد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی و دیگران، انتشارات دارالحدیث، چاپ سوم، قم،

1383 = 1425 ق، صص 315 - 314

2- . مسعود، آذربایجانی و دیگران، روانشناسی عمومی، همان، صص 95 و 96

در هفت سال سوم زندگی (جوانی) که دوره نتیجه گیری است وظیفه سنگین تر و ظریف تر است. آنها باید به گونه ای عمل کنند که فرزندان در پایان این مدت افراد شایسته پرورده باشند و بتوانند در جامعه اسلامی خود را سرپا نگه دارند.

مادر می تواند دختر جوان خود را در جهت پرورش و هدایت بیشتر در زمینه عفت و پاکدامنی راهنمایی کند؛ از جمله:

1. بالا بردن سطح آگاهی جوان

دختران ما در این سن نیاز به آگاهی هایی در زمینه زندگی حال و آینده شان دارند که باید از طریق مادران در اختیارشان گذاشته شود. (1)

از قبیل:

الف) آماده کردن او برای تشکیل خانواده. ب) آموزش مسائل زندگی. ج) اداره خانواده. د) هدف از ازدواج و انتخاب همسر. ه) تربیت جنسی و آگاهی های جنسی و همچنین در انجام وظایف شخصی باید به جوانش اطلاعات بدهد. (2) اگر دختر عامل عفت باشد مسلماً در انتخاب همسر و زندگی زناشویی دچار انحراف نمی شود و زندگی توأم با سعادت مندی خواهد داشت.

ص: 142

1- . علی، قائمی، اسلام و تربیت دختران، انتشارات امیری، چاپ یازدهم، تهران، 1386، ص 307

2- . همان، ص 30

الف. خانواده (مادر)

مادران در حقیقت، الگوی فرزندان هستند و فرزند از مادر بیشترین الگو را می‌پذیرد. هر چند حس الگوپذیری فرزند از مادر، در دوران کودکی بسیار قوی است، ولی این الگوپذیری با افزایش سن کاهش می‌یابد. فرزند در دوره نوجوانی، هم‌زمان با الگوپذیری از مادر، از همسالان و دوستان نیز الگو می‌گیرد. حتی ممکن است نوجوان از همسالان و دوستان خود بیشتر از مادر اثر بپذیرد؛ زیرا الگوپذیری نوجوانان از هم‌دیگر، به دلیل هم‌سن و سال بودن آنان و اشتراکشان در عواطف و احساسات، قوی و عوامل مخالف آن ضعیف است. از این رو، تقویت روحیه الگوپذیری فرزند از مادر لازم و ضروری است. تشویق فرزند به پیروی از مادر و الگو گرفتن از رفتار وی، به روش‌های گوناگونی اجرا می‌گردد و شاید یکی از مؤثرترین روش‌ها، اشاره به آثار همراهی فرزند می‌باشد. بدین معنا که نتایج مثبت هدایت‌های مادر و تأثیر سودمند دعاهايش در زندگي فرزند و نقش مادر در رسيدن فرد به موفقيت را به وي گوشزد كنيم.

یکی از بهترین شیوه‌ها در تربیت اخلاقی، روش الگویی و آموزش عملی است. در این روش والدین با رفتار و کردار خود فرزندان خویش را با اخلاق پسندیده آشنا می‌سازند و بذل ارزش‌های اخلاقی را در وجود آن‌ها پرورش می‌دهند. کودکان به شدت تحت تأثیر رفتار والدین می‌باشند که بر این اساس باید اولیا دقت لازم را داشته باشند. کودکان با رشد سنی، نتیجه‌های نامرتب بر رفتارشان را به سرعت فرا می‌گیرند و این فراگیری نتیجه‌ی مرتبط‌انی، سریع‌تر

از فراگیری نتیجه های بعدی می باشد. بر این اساس مسئولیت بزرگی از نظر آموزش فرزندان از نتیجه های دور و اصلی متوجه پدر و مادر است بسیاری از مشکلات تربیتی در سنین بزرگسالی از این جا ناشی می شود که پدر و مادر در سنین خردسالی برای فرزندان خود وقت نمی گذارند و در تربیت درست فرزندان صبر و حوصله نمی کنند و ناملايمات رفتاری آن ها را با تدبیر و مدارا بر خود هموار نمی سازند، از این رو با بزرگ شدن فرزندان و درونی شدن عادت های ناپسند و تربیت های نادرست در آن ها، در تربیت اخلاقی دچار مشکل می شوند.

آشنا سازی فرزندان با اخلاق اسلامی و صفات انسانی و ایجاد عادت های پسندیده در آن ها از جمله وظایف والدین به ویژه مادران است، مادران باید تلاش کنند تا فرزندان با اعمال پسندیده و نتایج مثبت آن ها آشنا شوند. پدر و مادر باید از شکل گیری صفات رذیله در فرزند جلوگیری نمایند. کودک باید به گونه ای تربیت شود که زمینه ی شکل گیری رذایل در او به حداقل برسد. والدین وظیفه دارند زمینه ی پیدایش صفات ناپسند و عادت های زشت را در فرزندان خود از بین ببرند. خودخواهی و خودپسندی، تکبر، بد اخلاقی، حسادت، بخل و مانند آن اخلاقیاتی هستند که از آغاز کودکی باید با آنها مبارزه کرد با آموزش تقویت خود باوری در دانش آموزان توسط خانواده، آنان خود را باور می کنند و با اطمینان و اتکای به خود در مسئولیت های اجتماعی شرکت می جویند مقدمه ی خود باوری، خویشتن شناسی است و خویشتن شناسی نردبان معرفت است. (1)

ص: 144

1- . محمد، احسانی، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، همان، (سایت مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما)

بررسی و مطالعه در آیات قرآن این واقعیت را آشکار می سازد که ارتباط مستقیمی بین تعلیم و تزکیه وجود دارد، هر کجا اشاره به تعلیم شده بلافاصله پس از آن سخن از تزکیه به میان آمده است:

«يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (1)

«آیا ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد»

«يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ» (2)

آیات خدا را بر آنان بخواند و سپس آنان را تزکیه نماید.

چنین به نظر می رسد که تعلیم مقدمه بر تزکیه است، اگر معلم در ضمن درس دادن که بصورت مستقیم انجام می پذیرد، کمالات روحی و اخلاقی خود را در قالب افعال و کردار در ارتباط با شاگردان، ظهور و بروز می دهد و شاگرد نیز بدون اینکه خود توجه داشته باشد تحت تأثیر روحیات معلم قرار می گیرد.

بدیهی است وقتی شاگردی جذب کمالی از کمالات معلم شود، به سوی آن کمال و صاحب کمال کشانده خواهد شد و همین کشانده شدن، تزکیه و تربیت پذیری است و به اصطلاح روانشناسی این ارتباط را (هماندی) گویند یعنی «شاگرد» می کوشد همانند معلم شود؛ از این مقدمه بخوبی آشکار می گردد که شاگردان بدون اختیار تحت تأثیر خلقی و رفتاری معلمان خود قرار می گیرند و بدان سمت کشانده می شوند.

به این نکته باید توجه داشته باشیم که تغییرات اخلاقی، با گفتار و پند و

ص: 145

1- . سوره بقره آیه 151

2- . سوره آل عمران آیه 164

اندرز صورت نمی پذیرد بلکه کردار و رفتار انسانها است که موجب دگرگونی در دیگران می گردد. در روایات اسلامی، روش تربیتی که بدان تکیه شده «روش عملی» است نه «روش گفتاری» لذا امام جعفر صادق (علیه السلام) در فرازی می فرماید:

«کونوا دعاة الناس بأعمالکم و لا تکنوا دعاة الناس بالسینتکم»⁽¹⁾

«مردم را با اعمال و رفتار خود به خوبیها دعوت نمایید و توجه داشته باشید که دعوت زبانی، فاقد ارزش و بها است». پس اخلاق و خوی معلم است که انسان را می سازد.

روش الگویی که معلم می تواند در شاگردان بکار گیرد می تواند بطور غیر مستقیم انجام گیرد و بزرگترین فایده ای که این روش عاید می گردد حفظ شخصیت متربی است. زیرا در این روش سعی بر این است که شاگرد به معلم نزدیک شود. اگر معلم خود از تهذیب نفس برخوردار باشد، در این صورت کمالات معنوی و روحی، خود عامل جذب بوده و شاگردان را به هدایت و ارشاد رهنمون خواهد کرد.⁽²⁾

معلم خود نقش الگو و اسوه را به عهده دارد، یعنی شاگرد دیدگاهش درباره معلم الگو و اسوه بودن است و بدون تردید هیچ الگو و اسوه ای منهای عفت نمی تواند عامل دگرگونی و تحول اخلاقی گردد و بقول سعدی رطب خورده منع رطب چون کند. اول باید به تقوای واقعی دست یافت، پس از آن

ص: 146

1- . عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد (ط - الحدیثه)، مصحح مؤسسه آل البیت، انتشارات مؤسسه آل البیت، چاپ اول، قم 1413 ق، ج 1، ص 77

2- . مجید، رشید پور، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر روش ها، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ نهم، تهران، 1386، ص 53

باید به الگو و اسوه بودن پرداخت.

معلم با عفت، نشستن و سخن گفتن و کلاس رفتن و درس دادنش همه بر اساس تقوی است، لباس پوشیدن و غذا خوردن او، همه و همه از پرهیزگاری او نشأت می گیرد. (1)

پس مادران دقت کافی و وافی در نقش این الگو هم داشته باشند تا به نتیجه دلخواه و مطلوب خود دست یابند.

گفتار دوم: توصیه های اسلام به مادران در مورد عفت

اشاره

توجهی را که اسلام به زنان و دختران معطوف داشته، در هیچ آیین و مکتبی سراغ نداریم و برای روشهای برخورد اسلام با زنان نظیری را نمی یابیم. زن را به همان گونه که هست از حقوق و مزایایی برخوردار کرد و در عین حال به پدران توصیه کرد که ضمن رعایت عدالت اگر قصد برتری دادن داشته باشند آن را برای دختران قائل گردند. با دقت در مضامین آیات و روایات در می یابیم که اسلام در همه زمینه ها چه فردی و چه اجتماعی سفارش ها و توصیه هایی دارد و فواید و آثار آن و همچنین عواقب زیانبار آن را هم متذکر شده است در زمینه عفت دختران هم توصیه هایی به مادران دارد که با توجه به آیات و احادیث الهی به بررسی آن می پردازیم. توصیه هایی در زمینه ازدواج، نقش مربی دختران، تفهیمها که شامل انس دینی و معارف دینی و معرفت دینی و تعدیلهای و تحملها، باشد که مادران برای سعادت و خوشبختی فرزندانیشان به خصوص دخترانشان پذیرای این توصیه ها باشند تا دخترانی عقیفه تحویل جامعه اسلامی بدهند. انشاء الله.

ص: 147

یکی از زیباترین کانون‌هایی که به حفظ نفس و مصونیت انسان در مقابل مفساد و منکرات جنسی کمک می‌کند ازدواج است.

امام رضا (علیه السلام) درباره ضرورت و تسریع در ازدواج می‌فرماید:

نَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرئُكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ: إِنَّ الْإِبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ فَلَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتِنَاؤُهُ لَهَنَّ إِلَّا الْبُعُولُ، وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنَ عَلَيْهِنَّ الْفِتْنَةُ، فَصَدَّ عِدَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الْمَجْبِرَ فَجَمَعَ النَّاسَ ثُمَّ أَعْلَمَهُمْ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ. (1)

جبرئیل نزد پیامبر آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوه‌ی روی درخت هستند. میوه چون برسد برای آن دارویی جز چیدن نباشد و گرنه آفتاب آن را فاسد و باد آن را خراب می‌کند، دوشیزگان نیز هر گاه به مرحله رشد زنان برسند، آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد و گرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود. پس، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند را به آگاهی آنان رساند.

به همین جهت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ (2)

ص: 148

1- . محمد، محمد ری شهری، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی و دیگران، انتشارات دارالحدیث، چاپ سوم، قم،

1384، صص 252 - 253

2- . همان، صص 252 - 253

هر گاه کسی ازدواج کند، نصف دین را کامل کرده است و برای (حفظ) نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند.

همچنین پیامبر خدا درباره اهمیت و محبوبیت ازدواج در نزد خداوند می فرماید:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما بُئِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَأَعَزَّ مِنَ الزَّوْجِ؛ (1)

در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد، که نزد خداوند محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد.

2. مربی دختران

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (2)

«چنان که رسول خود را فرستادیم که آیات ما را بر شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی منزه گرداند و به شما تعلیم شریعت و حکمت دهد و به شما بیاموزد آن چه را که نمی دانید.»

ارزش های وجودی انبیاء در کار تعلیم و تربیت انسان ها است. معلمی کار انبیاء است و معلم شغل و کار پیامبران را بعهدده گرفته است. قوانین و برنامه های صحیح زیست و زندگی بشر بطور مستقیم و غیرمستقیم با تعلیم و تربیت صورت می پذیرد و انسان رشد و تکامل خویش را از راه آموزش و پرورش بدست می آورد و انسان از آغاز زندگی به شناخت خوبی ها و بدی ها بدون معلم نمی تواند راه پیدا کند، با آموزش و کمک انسان های دانا و فهمیده در

ص: 149

1- . همان

2- . بقره، 151

تمام شئون زندگی انتخاب خوبی ها و پرهیز از بدی ها برای او آسان خواهد شد. (1)

در مورد هدایت دختران به سوی رشد و حرکت شاید هر مادری نتواند آن چه را که لازم و ضروری آن هاست به آنان تفهیم کند، بنابراین به غیر از مادران، معلمان و مربیان نیز نقش هدایت دختران به سوی رشد و تکامل را بر عهده دارند.

معلم به شاگرد خود نفوذ و سیطره دارد بطوری که نمونه این سلطه را از بین پدرها و کودکان نمی توان مشاهده کرد و بدیهی است هر قدر کمالات علمی و روحیات انسانی «معلم» گسترده تر باشد به همان نسبت نفوذ و سیطره اش عمیق تر خواهد بود.

3. تفهیمها

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«الْتَّصِيْحَةُ مِنَ الْاِخْلَاقِ؛ پندگویی از اخلاق نیکان است. (2)»

از وظایف مادران و مربیان دختر تفهیم اموری است که او نیازمند به آگاهی از آن هاست.

آگاهی از مراحل و مراتب تربیت دینی که به شرح زیر هستند:

الف) انس دینی ایجاد تعلقات از طریق شرطی شدن اعمال و افعال مذهبی

ص: 150

-
- 1- . سید حسن، موسوی راد لاهیجی، پدر - مادر - معلم - مرا خوب تربیت کن، ناشر، امام شناسی و آثار الحجّة، چاپ اول، بی جا، تابستان 1379، صص 112 و 114
 - 2- . عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، همان، ص 77

در مرحله انس دینی: مادران، باید چادر و یا مقنعه و روسری برای او (دختر) خود تهیه نمایند.

هیچ گاه در حضور او از پوشش خود گله نکرده مگر حدود آن را رعایت کنید. با نظر او برایش چادر، مقنعه یا روسری تهیه نمایید.

از دوره های مختلف (مانند جشن تولد) حداقل يك عكس با حجاب تهیه نمایید. عكس او با پوشش مناسب را در آلبوم گذاشته و یا قاب کرده و نصب نمایید. از علاقه او به پوشش در میان جمع صحبت نمایید و رضایتمندی خود را نیز اعلام نمایید.

چادر، مقنعه و روسری او را همواره تغییر نمایید و معطر کنید. با روحانی محل، اقوام متدین و... ارتباط بیشتری برقرار نمایید.

قال امام علی (علیه السلام):

جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّدَ عِلْمُكَ، وَيَحْسُنُ أَدَبُكَ وَ تَرَكُ نَفْسُكَ؛

با دانشمندان بنشین تا بر دانشت افزوده گردد، تربیت و ادب نیکو شود و روانت پاکیزه گردد. (1)

قال امام زین العابدین (علیه السلام):

مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ؛

مجالس پاکان، فراخوان به سوی صلاح و پاکی است. (2)

ص: 151

1- . علی بن محمد، لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسینی بیرجندی، حسین، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، قم، 1376، ج 1، ص 223

2- . محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، مصحح جمعی از محققان، انتشارات دارالتراث العربی، چاپ دوم، بیروت، 1403، ج 57، ص

شعر و سرود مربوط به پوشش، عفت و حیا به او یاد دهید

برای اماکن و موقعیت های مختلف، پوشش مناسب آنان را در نظر بگیرید.

جشن تکلیف باشکوه بگیرید و اثرات آن را با هدایای سالانه تداوم ببخشید.

از او بخواهید خاطرات مربوط به عبادت، زیارت، مجالس و مراسم هایی که شرکت داشته است را بیان نماید.

در نمازهایتان و در زمان های مناسب و حضوری او را دعا کنید.

به حضور خانوادگی و یا گروه همسالان در مراسمهای مذهبی اهمیت دهید.

پس طبق فرموده امام علی (علیه السلام) :

صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ اَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ اَدْوَمُ لِجَمَالِهَا؛

صیانت زن او را شادابتر و زیبایی اش را پایدارتر می کند. (1)

(ب) عادت دینی

ایجاد عادت مذهبی به کمک تکرار اعمال و احساس مسئولیت در عبادات.

با توجه به ایجاد تنوع در پوشش و علاقه مندی او، سعی کنید از محیط بیرون از خانه رعایت پوشش را آغاز نمایید.

برای رفتن به بیرون از خانه، همراه با شادی و نشاط به او کمک کنید که با پوشش مناسب حاضر شود.

اقامه نماز که در ارتباط مستقیم با پوشش است را مورد تاکید قرار دهید.

ص: 152

1- . علی بن محمد، لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، همان، ص 303

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (1)

ای پیامبر به همسران و دختران و همه زنان مسلمان بگوی که روسری ها را به خویش نزدیک سازند تا (به عفاف) شناخته شوند و مورد آزار اویشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است.

عادت به نماز، عادت به پوشش را تسهیل می کند مراقب نماز او باشید.

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (2)

در انجام همه نمازها کوشا باشید.

به صورت منظم و متنوع در اماکن زیارتی حضور یافته و در مراسم ها و نمازهای جماعت او را شرکت دهید.

ج) معرفت دینی

فهم و استنباط معارف دینی به کمک تفکر، تعقل، و تحلیل مسائل مذهبی.

در جمع های خانوادگی و یا دوستانه موضوع پوشش را مطرح نموده و بحث نمایید.

کتاب های مناسب سن او را تهیه نماید. و یا او را در کتابخانه ها عضو نمایید.

برای طرح پرسش های او فضای محبت آمیزی فراهم آورید.

او را با مراکز پاسخ به سئوالات، روحانیون، بانوان مبلغ و کتاب های پاسخ به پرسش ها آشنا نمایید.

ص: 153

1- . احزاب، آیه 59

2- . بقره آیه 238

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (1)

سوال بگیرید از اهل ذکر آنچه را نمی دانید.

حجاب و پوشش را با مفاهیم دیگر دین مطرح نمایید.

در مورد انواع پوشش و لزوم آن برای زنان و مردان، توضیح دهید.

باورهای غلط پیرامون حجاب و پوشش را برای او توضیح دهید تا رفع شود.

از ویژگی های انسان با حجاب با او گفتگو نمایید.

در مورد تاثیرات حفظ حجاب در دیگر ابعاد زندگی با او گفتگو نمایید.

او را با ادبیات مقوله حجاب و مفاهیم مرتبط با آن آشنا نمایید. (2)

[يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ] (3)

ای فرزندان آدم، همانا بر شما جامه ای فرو فرستادیم که شرمگاه شما را بپوشاند.

4. تعدیله‌ها و تحملها

نقش الگوها و برخوردها در زندگی دختران بسیار مهم است. آنها حساسیتی عجیب نسبت به روابط مشترك والدین دارند. رعایت مرزها بین

ص: 154

1- . نحل آیه 43

2- . سی دی، نرم افزار حجاب

3- . اعراف آیه 26

والدین در روابط بطور شگفت آوری در آنان اثر می گذارد. (1)

و پدر و مادر مخصوصاً در رابطه با خود باید هشیار باشند کنترل غریزه و رعایت عفت برای دختران امری بسیار مهم است و در صورت عدم ازدواج باید عفت بورزند. (2)

کنترل اخلاقی عاملی برای جلوگیری از بسیاری از مفساد است و در این امر محروم کردن مطرح نیست بلکه فرض ایجاد زمینه برای حفظ عفت و سعادت است. باید به آنها تفهیم کرد که روابط نامشروع آتش عشقی را که دائماً باید برافروخته باشد خاکستر می سازد.

خوشبختانه در دختران به مناسبت نوع آفرینش آنها و مخصوصاً در بعد حیات جنسی وضع به گونه ای است که تحمل محرومیت و قدرت به تأخیر انداختن خواسته وجود دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةٍ؛ (3)

خداوند برای زن صبر ده مرد را مقرر کرده است.

از آنچه در این فصل گفته شد، این نتیجه را می توان گرفت که يك مادر برای عفت فرزند دختر باید تا جایی که امکان دارد هم خودش عقیفه باشد و هم همسر مناسبی از هر جهت مخصوصاً از جهت ایمان و اخلاق برگزیند. در قبل و حین دوران بارداری مسائل مادی و معنوی تأثیرگذار در جنین را رعایت

ص: 155

1- . علی، قائمی، سازندگی و تربیت دختران، همان، صص 146 - 145

2- . نور، آیه 33

3- . محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی،، اصول کافی، مترجم غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران،

1407 ق، ج 5، ص 338

کند و بعد از تولد هم در بعد مادی، غذای پاک و حلال به بچه بخوراند نیازهای اقتصادی او را تا حد امکان تأمین کند و هم در جنبه معنوی باید به رشد اخلاقی دختر خود از دوران کودکی توجه کند و برای نتیجه گیری بهتر در مسیر این رشد، دختر را از آموزش های مذهبی و دینی نیز بهره مند سازد، در سایه این تلاش ها شخصیت دخترش براساس اخلاقی مذهبی و با عفت شکل می گیرد؛ مادر باید ویژگی های روحی - روانی و جسمانی دختر خود را در مقاطع سنی مختلف بداند و بر اساس آن تدبیر و چاره اندیشی کند، روابط صمیمانه با او داشته باشد، مقتضیات زمان را هم در نظر قرار دهد در نتیجه مصلحت های فردی و اجتماعی را در تصمیم گیری خود اعمال نماید؛ مادران باید خود الگوی مناسبی برای دخترانشان باشند و همچنین در انتخاب الگوهای مناسب اعم از معلم و معرفی الگوهای مناسب برای دخترانشان توجه کافی داشته باشند. در تعامل عفت بین خود و دختر دقت و آگاهی کامل از فرق عفت دختر و پسر را نیز داشته باشند. و اقدامات مربوط به حجاب و عفاف و مراقبت های از آن باید از ابتدای رشد و به برنامه تربیتی افراد در خانه و اجتماع توجه خاصی مبذول شود و روابط خانوادگی باید از روی ضابطه باشد و در پایان مادر باید توجه داشته باشد که توجهی که اسلام به زنان و دختران معطوف داشته، ما در هیچ آیین و مکتبی سراغ نداریم و برای روش ها و توصیه های اسلام نظیری نمی یابیم. توصیه هایی که از بدو تولد تا پایان عمر فرد در نظر دارد، توصیه هایی که برگرفته از کلام وحی و معصومین می باشد که نقش بسزایی در عفت دختر می تواند داشته باشد البته ناگفته نماند در کنار مادر، پدر هم باید همکاری و همراهی و حمایت کند ولی مادر نقش اصلی را ایفا می کند.

بنابر آن چه که در کلیه ی فصول گذشت می توان این نتیجه را گرفت که عفت مادر خود زیر بنای تربیت دخترش می باشد و برای آنکه مادر نقش عفت را در فرزند خود ماندگار کند و خود نگه داری در مقابل گناهان را در او ایجاد کند، مراحل را باید طی کند که به ترتیب ذکر می شود.

البته باید دانست که عفت هم در مسائل مادی مثل نیازهای اقتصادی و هم غیر مادی مثل امور جنسی مطرح است، و اما مراحل عبارتند از:

1- مرحله اول: مادر در درجه اول باید خودش عقیفه باشد و عفت در همه ابعاد آن یعنی نگاه، کلام، حجاب و پوشش، اخلاق و رفتار در ظاهر و باطن او نمود داشته باشد. عوامل موثر در عفت مثل تقویت ایمان - شناخت خود - همنشینی با افراد با حیا - و... و همچنین عوامل موثر در بی عفتی که در دنیا و آخرت دارای آثار سوء و منفی زیادی مثل اختلالات روانی، خشونت و آزار جنسی و... (آثار دنیوی) و آتش دوزخ و آویزان شدن با مو و چیدن گوشت بدن و... (آثار اخروی) را بشناسد و نسبت به تقویت و ذائل کردن آن ها تا جایی که می تواند بکوشد.

2- مرحله دوم: این مرحله انتخاب همسر عقیف است که در شکل گیری جنین نقشی اساسی دارد و بعد از آن هم از حمایت های مادی و معنوی او برخوردار می گردد.

3- مرحله سوم: مرحله بار داری است در این دوران علاوه بر بهداشت جسمانی به بهداشت روانی خود نیز باید توجه کند و از محیطی آرام و پر نشاط برخوردار گردد. از بعد جسمانی مادر باید تغذیه صحیح و کافی و....

داشته باشد چرا که سلامت جنین بسیار مهم است و در بعد روانی مادر می تواند با استفاده از تلاوت آیات قرآنی و انس با کلام الهی از نظر روحی خود را تقویت کند و القاء آرامش درونی داشته باشد بر این اساس هر مادری باید توجه داشته باشد که دوران حمل برای طفل او سر نوشت ساز است و تمام روحيات وی روی فرزندی که در شکم دارد اثر می گذارد و باید به نوع غذا و حلال بودن آن توجه خاصی داشته باشد.

4- مرحله چهارم: مرحله بعد از تولد است. در این مرحله نیز هم بعد مادی و هم بعد معنوی عفت را باید در نظر گرفت زیرا يك انسان متشکل از جسم و روح است در هر کدام که کوتاهی صورت گیرد باعث می شود که مادر نتواند دختری با عفت تربیت کند.

لذا اقداماتی که مادر عفیف برای عفت فرزند دختر خود بعد از تولد می تواند انجام دهد عبارتست از:

الف) نقش مادر در انتقال میراث اجتماعی

كودك وقتی به دنیا می آید مغزش چون كاغذی سفید و ننوشته است، نخستین کلمات و حروف را مادر بر روی این صفحه می نویسد و اوست که نقوش زشت و زیبا بر آن صفحه ترسیم می کند. اصول و قواعد زندگی را به كودك خود می آموزد طرز بر خورد و آداب و رسوم یاد می دهد و.... بنابر این مادر شالوده اساسی انتقال فرهنگ از سوی مادر است.

اوست که بسیاری از اصالت ها و یا كجرویهها را در ذهن طفل وارد می سازد و نقش اصلی را در انتقال میراث اجتماعی دارد.

ص: 158

ب) نقش مادر در تأثیرات اخلاقی

از نظر علمی ملکات اخلاقی و چگونگی حیات مادر به وسیله خون و شیر به طفل منتقل می شود مادر می تواند آموزش اخلاق را از دوره به دختر خود بیاموزد.

1- آموزش از طریق الگو 2- آموزش از راه عمل.

چون تماس کودک در سال های اولیه با مادر بیشتر است و او مستقیماً شاهد رفتار مادر و طرز عمل های اوست پس از او بیشتر تأثیر می گیرد پس می توان نتیجه گرفت اگر مادری دارای عفاف باشد و اخلاق ملکات فاضله داشته باشد فرزندی خوب تربیت می کند.

ج) نقش مادر در تأثیرات روانی

از نظر علمی رابطه مادر با طفل از سوئی رابطه رهبری و رهروی است. قانون وراثت بسیاری از حالات کودک را به گونه ای نا خود آگاه ناشی از مادر می داند. بنا بر این اگر مادری روحیه کینه توزی و حسادت یا خیر خواهی و... داشته باشد تا حدود زیادی بر طفل تأثیر می گذارد نتیجه این که مادر منشأ سعادت یا بدبختی فرزند است؛ نقص و یا سلامت شخصیت روانی کودک مخصوصاً در 6 سال اول زندگی بستگی به مادر دارد.

نکته هایی که يك مادر عفيف برای تربیت دختر خود باید در نظر داشته باشد عبارتند از:

1 - شیردادن فرزند مطابق دستورات اسلامی باشد

2 - دادن غذای حلال و ترك هرگونه غذای حرام به کودک

3 - نام نیکو گذاردن بر روی کودک.

4- تمرین و تشویق کودک به خوبی ها و منع تنبیه و مجازات های ناروا

5- آموزش و تمرین در مسائل دینی و اخلاقی و عمل به دستورهای دینی

اگر آموزش مادر به فرزند در زمینه احکام و معارف دینی صحیح و آگاهانه باشد بسیاری از مشکلات دینی وی رفع می شود و والدین باید هماهنگ و هم فکر، باید ها و نبایدهای دینی را به کودک خود آموزش دهند.

6- مادر باید از روش های تربیتی صحیح که باعث ایجاد و حفظ و اصلاح عفت در فرزند دختر می شود آگاهی داشته باشد و بداند در کجا و به چه شیوه ای و تا چه میزان باید عمل و بر خورد کند و از حد افراط و تفریط نگذرد.

7- مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی فرزند به وی امر و نهی کنند و شیوه ی رفتار و گفتار مادر با توجه به سطح فکری فرزند باشد.

8- فرزند خود را از عوامل مؤثر در عفت و بی عفتی و ارزش عفت و مضرات بی عفتی آگاه سازد و او را یاری نماید.

9- در اصلاح عفت او باید علت را جستجو کند و به شیوه های مناسب آن را رفع کند؛ البته به صورت کامل

10- در همه روشهای تربیتی مثل نصیحت، تشویق و تنبیه، الگو برداری و... در تمام مراحل ایجاد، حفظ و اصلاح عفت دختر، نقش الگویی و رهبری مادر از همه مهم تر است مخصوصاً از این بابت که هم جنس دختر است و فرزندان معمولاً سعی می کنند که خود را با هم جنس خود هماهنگ سازند.

لذا مادر اگر با تمام توان در عفت خود بکوشد و معیار های اخلاقی و

دینی را رعایت کند و خودش را مجسمه عفت سازد و همچنین تضاد بین گفتار و رفتارش نباشد، دختر نیز از او یاد می گیرد و او را اسوه ی خود قرار می دهد.

اما مادر باید هوشیارانه و به طور غیر مستقیم راهنمای دختران خود باشند که مبادا راه را به بیراهه بروند. پس تعامل مادر و دختر نقش بسزا و مؤثری در زمینه عفت دارد که برای روابط نزدیک با دختر خود رعایت این اصول ضروری می باشد، از قبیل:

1 - مادران باید دخترانشان را درك کنند و به شخصیت او احترام بگذارند.

2 - هر روز با دخترانشان صحبت کنند.

3 - ایراد از او نگیرند.

4 - مرتب عشق و علاقه شان را به آنها نشان بدهند و بگویند چقدر دوستشان دارند متقابلاً دختران نیز سعی می کنند مادران خود را درك کنند و مشکلات خود را با راحتی با مادر خود در میان می گذرانند و به این باور می رسند که بهترین دوست در زندگی شان مادر است و هر نصیحت و تذکری که از جانب مادر ارائه می شود از روی خیر خواهی می باشد علاوه بر مادر افراد دیگری هم هستند که نقش الگویی برای عفاف دختران دارند که به طور غیر مستقیم بر کردار و رفتار آنان تأثیر می گذارند از جمله این الگوها معلم است که با اخلاق و کردار خود در ارتباط با شاگردان بدون این که آن ها متوجه باشند تحت تأثیر افعال و کردار معلم قرار می گیرند و سعی در تقلید از معلم خود دارند و تلاش می کنند که خود را شبیه او سازند اگر معلم با عفت، نشستن و سخن گفتن و کلاس رفتن و درس دادنش همه بر اساس تقوا باشد می تواند

ص: 161

الگوی خوبی برای دختران ما باشد و مادران باید دقت کافی و وافی در نقش این الگو برای فرزندان خود داشته باشند تا نتیجه‌ی دلخواه و مطلوب دست یابند در ضمن مادران از همکلاسی و همسالان فرزند خود نیز نباید غافل باشند به خصوص در دوران نوجوانی که دوران تغییرات بحران برای دختران است. بنابر این با مراقبت از فرزند خود در روابط و برخوردها و جلوگیری از روابط آزاد با نا محرم و راهنمایی کردن فرزند خود در انتخاب دوست شایسته و او را به موقع برای ازدواج آماده و به او محبت کرده و خود کنترلی را در او تقویت نماید و همچنین آگاهیهای لازم در مورد خطرات احتمالی محیط اجتماعی را به دختر خود گوشزد نماید پس مادر باید در تمام زمینه‌ها چه فردی، چه خانوادگی و اجتماعی باید تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرد اگر همه مادران جامعه ما به اهمیت عفاف در تربیت دختر خود پی ببرند در آینده مادرانی با عفاف در نتیجه جامعه‌ای سالم و سعادتمند خواهیم داشت.

1 - قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی

2 - نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی

الف) منابع فارسی

1 - آقا یوسفی، علی رضا، روانشناسی عمومی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، تهران، 1386

2 - آذربایجان، مسعود و دیگران، روانشناسی عمومی، انتشارات زمزم هدایت، چاپ ششم، قم، 1388

3 - حسین پور علویه، محمود، نقش مادران در تربیت فرزند، انتشارات جوانان موفق، چاپ اول، قم، 1388

4 - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی جا، تهران، 1352

18 - رشید پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر روش ها، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ نهم، تهران، 1386

19 - سادات، محمدعلی، رهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با کودکان، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ 18، تهران،

1387

5 - عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384

6 - قائمی، علی، اسلام و تربیت دختران، انتشارات امیری، چاپ یازدهم، تهران، 1386

7 - مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، چاپ پنجم، قم، 1388

8 - معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ 16، تهران، 1379

ص: 163

9 - محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی و دیگران، انتشارات دارالحدیث قم، 1425 ق = 1383

10 - میخبر، سیما، ریحانه بهشتی (فرزند صالح)، انتشارات نورالزهراء، چاپ بیست و سوم، قم، 1385

11 - موسوی راد لاهیجی، سید حسن، پدر - مادر - معلم - مرا خوب تربیت کن، ناشر، امام شناسی و آثار الحجة، چاپ اول، بی جا، تابستان 1379

12 - نفری، یدالله، زیباترین واژه هستی مادر، ناشر نفری، چاپ اول، قم، 1389

13 - وفائی، اعظم، صدف عفاف، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، 1390

ب) منابع عربی

1 - ابن بابویه، محمدبن علی، الامالی شیخ صدوق، مصحح ندارد، ناشر کتابچی، چاپ ششم، تهران، 1376

2 - حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد (ط - الحدیثه)، مصحح مؤسسه آل البیت، انتشارات مؤسسه آل البیت، چاپ اول، قم 1413 ق

3 - کلینی، محمد بن اسحاق، کافی، مصحح غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1407 ق

4 - لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسینی بیرجندی، حسین، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، قم، 1376

5 - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مترجم جمعی از محققان، ناشر دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، 1403 ق.

سی دی (صلی الله علیه و آله و سلم) (d)، نرم افزار حجاب.

ص: 164

1. عنوان: نقش مادر در عفت دختران

توضیح: این کتاب در چهار فصل مفاهیم بنیادین، عفت از نگاه قرآن و احادیث و ابعاد و عوامل عفت و نقش مادران در عفاف دختران پرداخته است.

عکس

□

ص: 165

2. عنوان: نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

موضوع: این کتاب در شش فصل کلیات تحقیق، مفهوم شناسی، تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان، بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان، توضیح و شرح نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان و بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای اخلاقی پرداخته است.

عکس

□

ص: 166

3. عنوان: نقش پدر در تربیت دینی فرزندان

موضوع: این کتاب در نه فصل به موضوعاتی چون پدر و فرزند از دیدگاه قران و احادیث، نقش پدر در تربیت فرزند، زمینه ها در ارتباط با وظایف تربیتی پدر و وظایف پدر در گونه های مختلف تربیت، نقش پدر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان، انتظارات فرزندان از پدران، نقش نماز و تربیت فرزندان و تعلیم قران و نقش پدر می پردازد.

عکس

□

ص: 167

4. عنوان: نقش مادر در تربیت دینی فرزندان

موضوع: این کتاب در شش فصل با موضوعاتی چون کلیات، مادر در قرآن و روایات، مادر در ادیان گذشته، مادر در اندیشه بزرگان دین، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان پرداخته است.

عکس

□

ص: 168

5. عنوان: عفت مادر و تربیت فرزندان

موضوع: این کتاب در پنج فصل با موضوعاتی چون مفهوم شناسی، ضرورت عفت از منظر آیات و روایات، ابعاد و عوامل ایجاد و تقویت کننده عفت، آثار و مصادیق عفت، نقش مادر در ایجاد و حفظ عفت پرداخته است.

عکس

□

ص: 169

سرشناسه: حسینی نژاد، سیدمجتبی، 1359-

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز... / گردآورنده سیدمجتبی حسینی نژاد.

مشخصات نشر: قم: اثر قلم، 140 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج. 3-07-5450-622-2978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد دوم؛ 1401.

یادداشت: کتاب حاضر جلد دوم کتاب "پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش مادر در عفت دختران، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان..." در نظر گرفته شده است که در سال 1400 به صورت مستقل منتشر شده است.

عنوان دیگر: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز...

عنوان دیگر: پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان: نقش مادر در عفت دختران، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان...

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام* Domestic education -- Religious aspects -- Islam

اخلاقی -- جنبه های مذهبی -- اسلام Moral education -- Religious aspects -- Islam خانواده ها -- جنبه های مذهبی --

اسلام Families -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: BP253/4

رده بندی دیویی: 297/644

شماره کتابشناسی ملی: 9111875

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان (جلد دوم)

▪ نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز

▪ نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

▪ نقش پدر در غیرت دینی پسران

▪ داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان

▪ خیرگوای زادگاه خوب من

▪ معرفی کتاب

گردآورنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

ص: 3

امام خمینی (ره):

با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفت‌هایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است.

(صحیفه امام خمینی (ره)، جلد 21، ص 138)

عکس

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی):

هدف پژوهش دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری، دوم حلّ مسائل کنونی و آینده‌ی کشور.

(<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4209>)

ص: 5

سخن اول. 15

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز / 17

چکیده 17

مقدمه. 18

مفهوم شناسی.. 19

- مفهوم نماز. 20

گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز. 21

مقدمه. 21

- فطرت... 21

- نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز. 22

- تأثیر دوستان و همسالان. 23

- نقش مدارس.... 24

- اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه. 25

- نقش رسانه ملی.. 26

- نقش مسجد. 27

- داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان. 29

- توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان. 30

گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز. 31

مقدمه. 31

- علل مربوط به خانواده 31

- تعارضها واختلافات الدين .. 32

ص: 7

- سایر عوامل خانوادگی.. 33

- رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی.. 37

- نقش رسانه ملی.. 37

- شیطان بزرگترین بازدارنده از نماز. 38

گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز. 39

مقدمه. 39

- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف... 39

- روش عاطفی، همچون محبت و احسان. 40

- روش جلب، مانند احترام و تکریم. 41

- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت... 42

- روش اقتناعی، همچون برهان و حجت... 44

- روش برانگیزاننده، مانند تشویق.. 45

- انواع تشویق.. 45

- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است... 47

- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت... 48

- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان. 50

- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن. 53

- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی.. 54

- روش فعال بجای روش انفعالی.. 56

گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند 58

مقدمه. 58

- گفتن اذان و اقامه در خانه. 60

- تنظیم برنامه خواب بچه ها 60

- صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز. 61

ص: 8

- آسان گیری در عبادت فرزندان. 62

- گرفتن جشن تکلیف.... 64

- همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز. 65

گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز. 66

مقدمه. 66

- اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) 66

- سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز. 67

- اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) 68

- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز. 68

نتیجه گیری.. 69

فهرست منابع. 70

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن / 75

چکیده 75

این حق چگونه ادا می شود؟. 78

مقدمه. 78

اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان. 79

آموزش قرآن به فرزند. 79

العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر. 81

تعلیم قرآن و نقش مادر. 82

فواید خواندن قرآن در بارداری.. 83

تاثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار. 83

تأثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزندان. 83

خوردن (میوه ها و غذاها) 84

از نظر روانی و عاطفه. 85

ص: 9

نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند. 86

اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند. 87

سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری.. 87

دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی.. 88

نقش قرآن در زیبا شدن کودک... 88

نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند. 88

نورانیت فرزند با تلاوت قرآن کریم. 89

تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک... 89

نقش قرآن در صالح شدن فرزند. 89

تعلیم قرآن و نقش پدر. 90

شیوه های آموزش قرآن به کودکان. 91

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است... 93

روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن. 93

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن. 95

شیوه های آموزش قرآن به کودکان. 96

آموزش مسائل دینی به کودکان. 98

حقی فرزند بر پدر. 98

نتیجه گیری.. 100

فهرست منابع. 102

نقش پدر در غیرت دینی پسران / 105

چکیده 105

مقدمه. 106

ریشه غیرت دینی.. 109

مفهوم شناسی.. 109

ص: 10

1- نقش.... 110

2. پدر. 110

3. غیرت... 111

منشأ غیرت... 114

فلسفه غیرت... 115

نمونه هایی از غیرت مندی.. 115

4. پسران. 117

نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت... 117

1- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید. 118

2- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید. 118

3- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید. 119

1- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید. 120

2- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید. 121

3- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید. 122

4- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید. 123

5- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید. 124

6- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید. 125

7- لباس هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید. 125

تربیت دینی فرزند. 127

تربیت اعتقادی.. 127

تربیت عبادی.. 128

تربیت اخلاقی .. 129

نتیجه گیری .. 130

فهرست منابع. 131

ص: 11

چکیده 135

مقدمه. 136

قصه در لغت... 137

قصه در اصطلاح.. 138

اهمیت قصه و قصه گویی.. 140

انواع قصه ها 141

ویژگی قصه چیست؟. 143

معیارهای انتخاب قصه. 143

ارزش های تربیتی قصه و قصه گویی در تعلیم و تربیت کودک... 144

اهمیت قصه در تربیت کودک... 145

قصه در قرآن. 162

اهمیت قصه در قرآن. 163

ویژگی های قصه در قرآن. 164

شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن. 166

داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان. 169

نمونه داستان های پندآموز. 169

حکایت آن درخت... 169

نتیجه گیری.. 170

فهرست منابع. 173

خیرگوی زادگاه خوب من / 177

جمعیت... 177

موقعیت... 177

وجه تسمیہ. 177

ص: 12

چکیده 178

مقدمه. 178

شناسایی کلی شهر. 180

الف- شناسایی محیط جغرافیایی.. 180

ب- تاریخچه شهر. 184

سیمای شهر. 186

1- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده 186

2- محله های شهر و مشخصات آن ها 187

قوم سادات... 187

3- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر. 189

4- مسکن و تسهیلات زندگی.. 189

دورنمایی از مساکن قدیمی.. 189

جمعیت شناسی.. 190

تعریف جمعیت شناسی.. 190

الف- ساخت جمعیت... 191

ب- حرکت جمعیت... 203

ترکیب جامعه. 207

1- توزیع شغلی.. 207

2- روابط میان قشرها 209

3- روابط سالخوردگان و جوانان. 210

4- روابط با روستاهای اطراف... 210

آداب و رسوم و اعتقادات... 211

الف- اعتقادات... 211

1- اعتقادات خرافی.. 211

2- اعتقادات پراکنده 213

ص: 13

- 3- اعتقادات پزشکی.. 215
- 4- اعتقادات مذهبی.. 217
- ب- ضرب المثل ها 218
- ج- آداب و رسوم ازدواج.. 223
- د- تولد نوزاد 229
- ه- ختنه سوران. 231
- و- مراسم حج و زیارت خانه خدا 232
- ز- مراسم عید فطر. 233
- ح- جشن پیروزی انقلاب اسلامی.. 233
- ط- عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان. 234
- ی- مرگ و مراسم آن. 236
- ک- زبان و لهجه. 238
- اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها) 238
- سازمان ها و تأسیسات روستا 245
- تعاون، همکاری و نوع معیشت... 253
- نوع معیشت... 255
- نتیجه گیری.. 257
- پیشنهادات... 258
- محدودیت های تحقیق.. 259
- فهرست منابع. 260
- معرفی کتاب / 263

یکی از اساسی ترین نیازها برای نیل به پیشرفت و توسعه همه جانبه یک کشور پژوهش است. و قدرت و استقلال هر کشوری بر پژوهش و تولید علم استوار است.

اگر پژوهشی صورت نگیرد، دانش بشری افزایش نخواهد یافت و دچار سکون و رکود خواهد شد. بدون انجام پژوهش، امور آموزشی نیز از پویایی و نشاط لازم برخوردار نخواهد بود. از این رو یکی از عوامل اساسی پیشرفت در کشورهای توسعه یافته، توجه خاص به امر پژوهش است. اصولاً پیشرفت و توسعه، ارتباط مستقیمی با تحقیقات علمی دارد و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته در نتیجه سرمایه گذاری در بخش پژوهش است. حجم وسیع پژوهش های علمی در کشورهای توسعه یافته صنعتی گویای این واقعیت است.

با توجه به پنج کتاب منتشره و دیدن پژوهشنامه موسسه دارالثقلین امام عصر روحی فداه ایده ذهنی برای جمع کردن این آثار به صورت مقاله و کتاب پژوهشنامه تداعی ذهن شد که بحمدالله جلد اول چاپ شد.

بعد از چاپ دیگر آثار هم اکنون مقاله این کتاب ها در قالب پژوهشنامه تربیت دینی فرزندان جلد دوم پیش روی شماست.

قابل ذکر است مقاله کتاب خیرگوی زادگاه خوب من نیز در ذیل مقالات مستقل در این پژوهشنامه گنجاندم.

از خداوند توفیق بیش از پیش در این راه خواهانم.

سیدمجتبی حسینی نژاد

تیرماه 1400

ص: 15

از آنجا که نماز، نخستین واجب الهی و سفارش معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین است، همواره دغدغه والدین، بویژه والدین مذهبی، این بوده که چه عواملی می تواند در گرایش فرزندان به این فریضة مقدس الهی، مؤثر باشد، تا بتوانند با شناخت و آگاهی از آنها، در جلب و جذب فرزندان به نماز کمک گیرند.

چکیده

برای انسان همواره این پرسش مطرح بوده است که چگونه می تواند به زندگی خویش معنا بخشد، و این معنا جویی و معنا خواهی یکی از نیازهای بنیادی انسان است که چنانچه بدرستی هدایت شود به دین باوری و خدا پرستی می انجامد. از اینرو جایگاه دین و تربیت دینی در عصر جدید با توجه به چالش های نهفته در درون آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و پرورش حس دینی در نسلی که توان مقابله و کنار آمدن با تضادها و چالش های عصر جدید را داشته باشد مستلزم دگرگونی در روشهای تربیتی و در عین حال دگرگونی در مبانی و منابع آسیب شناختی تربیت دینی است.

مراحل کمال انسان، و فراهم نمودن زمینه های مناسب برای رشد و تکامل، یکی از بحثهای مهم روانی، علمی و تربیتی است. در مسائل تربیت اسلام، اجداد و نیاکان، خانواده، جامعه، دوران قبل از ازدواج پدر و مادر، دوران بارداری مادر، دوران کودکی و نوجوانی، معلم و استاد، دوستان و انتخاب و اختیار انسان، از آن گذشته

ص: 17

های دور تا آینده ای بسیار مهم و سرنوشت ساز، همگی به عنوان مراحل کمال انسان مورد بررسی و دقت لازم قرار گرفته است.

باورهای مذهبی و گرایش عمیق تر به آموزه ها و تکالیف دینی، زمانی برای کودک معنی دار می شوند که با نیازهای واقعی و رویدادهای زندگی روزمره او پیوند طبیعی و عمیق داشته باشند. و این وظیفه والدین است که با روشهای فعال، در پیوند میان نیازها و تکالیف دینی، فرصتهای مناسب و رخدادهای سازنده را شناسایی کرده و در سنین مناسب، بکار گیرند.

خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری دارد. بنابراین یکی از رسالتهای ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندان، بیدار سازی نیازهای فطری آنها از همان دوران کودکی می باشد، تا آنها انجام تکالیف مذهبی از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند.

علاوه بر خانواده عوامل بسیار دیگری نیز در گرایشهای مذهبی فرزندان مؤثرند که از آن جمله می توان به دوستان، جامعه، رسانه و... اشاره کرد، که هر یک به طور اجمال در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

والدین اگر می خواهند فرزندان نمونه، پر نشاط، معنوی و عاری از گناه داشته باشند، باید شوق به اقامه نماز را در فرزندان نشان نهادینه نمایند. همچنین به راهکارها و روشهای صحیح و اصولی تشویق فرزندان به نماز، که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) و سیره ایشان و بزرگان و علمای بزرگ است پرداخته و آنها را سرلوحه خویش قرار دهند.

مقدمه

آدمی در دنیای امروز در جلوه نمایی آزمندیها و مطامع، محتاج فرصتی است که از برون خسته و افسرده اندکی گریخته و سری به درون متعالی خویش بزند. پرده های غفلت و عصیان را کنار زده چشمی به روشنایی باز کند، و واسطه این کار جز

نماز نیست.

نماز عالی ترین و مؤثرترین ابزار تربیت و هدایت در انسان است که توجه به آن، سالم سازی فکری و روحی فرزندان را بدنبال دارد. نماز فریضه ای است که اساس فلسفه آن تربیت است و تأکید بر اقامه آن به صورت جماعت، نشان دهنده ی اجتماعی بودن این فریضه است. نماز از ملزومات تربیتی و هدایتی است که نقش مؤثری در سالم سازی فکری و روحی فرزندان دارد و رشد و اعتلای معنوی آن در محیط های مختلف بویژه در خانه و توسط والدین با توجه به تأثیر اقامه نماز محقق می شود.

براساس کتب نوشته شده، برخی از عوامل عدم گرایش فرزندان به نماز چنین است: بیان نامعقول از برخی مفاهیم دینی، عملی نشدن توصیه های والدین (تعارض بین گفتار و کردار والدین)، نبود برنامه ریزی درست فرهنگی برای تشویق فرزندان به نماز، رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی و... .

موفقیت در تأثیر تشویق فرزندان به نماز توسط والدین و جذب آنان به این امر مهم، توجه به روشهای مناسب، جذاب و اصولی تبلیغ و تشویق نماز، عدم اصرار بر تنبیه های سخت و ارایه ی الگوهای عملی در این خصوص است که این عوامل باید مورد توجه والدین گرامی قرار گیرد.

مفهوم شناسی

اشاره

- مفهوم تأثیر: اثر گذاشتن در چیزی؛ اثر کردن؛ نفوذ؛ قدرت تأثیرگذاری. (1)
- مفهوم تشویق: به شوق آوردن؛ آرزومند ساختن؛ راغب ساختن؛ (2) کار کسی را ستودن و او را دلگرم کردن. (3)

ص: 19

-
- 1- . فرهنگ فارسی عمید؛ حسن عمید؛ ج 1.
 - 2- . فرهنگ معین؛ محمد معین؛ ج 1؛ فرهنگ عمید؛ ج 1.
 - 3- . همان.

- مفهوم والدین: پدر و مادر؛(1)

آدم (علیه السلام)؛(2) حامل و کسی که بچه ها را آشکار می کند؛(3)

- مفهوم گرایش: قصد و آهنگ؛ تمایل و میل؛ خواهش؛ سرپیچی و نافرمانی.(4)

- مفهوم فرزند: پسر یا دختر هر مرد یا زنی نسبت به خود او؛ کودکان؛(5)

زاده، چیزی که از دیگری تولید شده باشد؛(6) نسل، بچه هنگام تولد؛ بر دختر و پسر هر دو دلالت می کند.(7)

- مفهوم نماز

نماز در لغت: خدمت و بندگی؛ فرمانبرداری؛ رکوع و سجود؛ سر فرود آوردن برای تعظیم؛(8) نماز از طرف خدا رحمت است و از طرف ملائکه دعا و استغفار؛(9) عبادت مخصوص و واجب مسلمانان که به طور وجوب پنج بار در شبانه روز ادا می کنند.(10)

نماز در اصطلاح: عملی است عبادی که با کیفیت و آداب خاصی در مواقع معین برگزار می شود، که روح آن ارتباط با خدا و یاد و تسبیح اوست. نیایش و ستایشی

ص: 20

1- فرهنگ معین؛ ج 4؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

2- مجمع البحرین؛ شیخ فخرالدین طریحی؛ ج 3؛ ص 164.

3- لسان العرب؛ محمد بن مکرم ابن منظور؛ ج 2، ص 469؛ العین؛ محمد بن احمد فراهیدی؛ ج 18؛ ص 71.

4- فرهنگ معین؛ ج 3؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

5- همان؛ ج 2.

6- فرهنگ معین؛ ج 2.

7- لسان العرب؛ ج 3؛ ص 467؛ لغت نامه دهخدا؛ علی اکبر دهخدا؛ ج 11.

8- لغت نامه دهخدا؛ ج 14.

9- لسان العرب؛ ج 14؛ ص 464.

10- فرهنگ معین؛ ج 4؛ فرهنگ عمید؛ ج 2.

است با کیفیت و حالاتی خاص، از روی خضوع و خشوع که در ادیان مختلف به صورتهای متفاوتی انجام می شود. این عبادت در اسلام بر اساس تقسیم بندی به رکعتهاست و در هر رکعت به صورت یک واحد و در آن ذکر و عمل و آداب است. در شبانه روز پنج بار و در مجموع هفده رکعت است که دارای جنبه الزام و وجوب می باشد. محتوای نماز، ذکر خدا، تسبیح خدا، استعانت از خدا و... است. (1)

گفتار اول: عوامل تأثیر گذار در گرایش فرزندان به نماز

مقدمه

از آنجا که نماز، نخستین واجب الهی و سفارش معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین است، همواره دغدغه والدین، بویژه والدین مذهبی، این بوده که چه عواملی می تواند در گرایش فرزندان به این فریضة مقدس الهی، مؤثر باشد، تا بتوانند با شناخت و آگاهی از آنها، در جلب و جذب فرزندان به نماز کمک گیرند.

بنابراین آنچه در این فصل به آن خواهیم پرداخت، عوامل مؤثر در گرایش فرزندان به نماز می باشد.

- فطرت

اقامة نماز و با نماز زندگی کردن، نیاز فطری انسان است. زیرا نماز تمام خواسته های فطری را تأمین می کند و به استعداد حقیقت یاب انسان توجه دارد و او را با خویش، با خدا و با کمال مطلق مربوط می کند. (2)

به همین دلیل کودکان تا زمانی که به دوره بزرگسالی منتقل نشده اند، بهترین و مساعدترین شرایط برای پرورش حس دینی، باورها و اعتقادات مذهبی از جمله گرایش به نماز را دارند؛

ص: 21

1- . نماز در سیمای خانواده؛ انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران؛ ص 240 و 241.

2- . نماز در قرآن؛ محمد اخوان؛ ص 97.

چون میثاق کودکان با فطرت خویش، تازه تر و شفاف تر از دوره بزرگسالی است. (1)

در واقع روح عبادت در فطرت انسان نهفته است، و اگر درست رهبری شود، در آینده جایگاه «عرش الرحمن» می شود و گرنه به عبادت طاغوت و بت می گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی وجود دارد، اما اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می خورد و از آن لذت هم می برد، بدون هدایت صحیح این گرایش فطری نیز، انسان به عشقهای زودگذر یا پرستش های بی محتوای انحرافی دچار می شود. (2)

- نقش خانواده در گرایش فرزندان به نماز

خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری دارد. بنابراین یکی از رسالتهای ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندان، بیدار سازی نیازهای فطری آنها از همان دوران کودکی می باشد، تا آنها انجام تکالیف مذهبی از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند. (3)

همانطور که گفته شد باید تربیت، بویژه آموزش نماز، از دوران کودکی و بتدریج آغاز گردد؛ همچنان که راه و رسم تربیتی خاندان پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) در مورد فرزندانشان چنین بوده است. آن بزرگواران، نونهالان خویش را پیش از رسیدن به سن بلوغ، با نماز و آداب آن آشنا می کردند و با روشهای لطیف آموزش و تربیت، طعم شیرین عبادت و بندگی خدا را به آنان می چشانند. (4)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقش تربیتی خانواده در گرایش فرزند به نماز، به وضوح بیان شده است که فرموده اند:

ص: 22

- 1- . نکته های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 78.
- 2- . راز نماز؛ حجت الاسلام محسن قرائتی؛ ص 16.
- 3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 53.
- 4- . رسالت و جایگاه نماز جمعه؛ سید رضا تقوی؛ ص 49.

«هنگامی که کودک سه ساله شد جمله (لا اله الا الله) را به او بیاموزید و از او بخواهید آنرا بازگو کند. وقتی که سن او از سه سالگی گذشت، به او گفته شود جمله (محمداً رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)) را باز گو کند و هنگامی که چهار سالش گذشت به او گفتن (صلی الله علی محمد و آل محمد) گفته شود جمله (محمداً رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)) را باز گو کند و هنگامی که چهار سالش گذشت به او گفتن (صلی الله علی محمد و آل محمد) را یاد داده و در پنج سالگی از دست چپ و راست او سؤال نمایید. آنگاه رویه قبله نشستن را یادش بدهید و از او بخواهید سجده نماید و هنگامی که هفت سالش کامل شد به او بگویید دست و صورتت را بشوی و نماز بخوان» (1).

آری خانواده مهمترین پایگاه گرایش فرزندان به نماز است؛ البته اگر این خانواده لبریز از ذکر و یاد و محبت خدا باشد و کودک از همان لحظه میلادش در خانواده ای که مشحون از ذکر خداست پرورش یابد، این کودک نه تنها هرگز از خدای متعال نمی گریزد، بلکه انس با خدا را در ذکر با خدا پیدا می کند. (2)

- تأثیر دوستان و همسالان

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیر گذار در تربیت انسان، دوستان و معاشران هستند. در دنیای امروز نمی توان درب منزل را بست، اما باید دقت داشت فرزندان با چه کسانی ارتباط دارند؟

بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان بعد از اراده و تصمیم او، امور مختلفی است که از اهم آنها، همنشین، دوست و معاشر است. چراکه انسان خواه ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش یاد می گیرد. گاهی نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر

ص: 23

1- . بحار الانوار؛ ج 88؛ ص 131.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 103.

عاملی مهمتر می شود و او را تا سر حد فنا و نیستی می برد و گاه تا اوج افتخار می رساند. (1)

تأثیر پذیری از دوستان، در منطق دینی و اسلام امری پذیرفته شده می باشد، بطوریکه روایات فراوانی در امر انتخاب دوست مناسب از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است. از آن جمله روایتی است از امام صادق (علیه السلام) که می فرماید:

«خصلتان من کانتا فيه و الآ فاعزب، ثم أعزب، ثم أعزب. قيل و ما هما؟ قال الصلاة في مواقيتها و المحافظة عليها و المواساة؛ هر که دو خصلت در او بود، قابل معاشرت و دوستی است، وگرنه از او دوری کن، از او دوری کن، از او دوری کن. گفته شد آن دو خصلت چیست؟ فرمودند: یکی نماز را به وقتش خواندن و به آن مواظب بودن و دیگری همدردی». (2)

اینکه امام (علیه السلام) سه بار فرمودند دوری کنید، نشانه شدت تأثیر گذاری صفات اخلاقی افراد در یکدیگر است. در واقع مفهوم این کلام نورانی آن است که اگر با غیر دوستانی که بی توجه به نماز و عبادتند نشست و برخاست داشته باشید، آنان شما را از مسیر سعادت منحرف می سازند و اخلاقشان را در شما تسری می بخشند. (3)

- نقش مدارس

مدرسه مهمترین کانون تربیتی بعد از خانواده است. مدرسه پلی است که فرزندان را با جامعه مرتبط می کند و از آنها فردی مؤثر، فعال و مفید به حال جامعه می سازد.

نقش تربیتی مدرسه را می توان به عوامل متعددی تقسیم کرد که القای

ص: 24

1- . آثار تربیتی نماز؛ ص 138 و 139.

2- . بحار الانوار؛ ج 71؛ ص 391.

3- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 85.

ارزشهای معنوی و بیان امور عبادی از جمله نماز، می تواند از زمرة آنها باشد. با برگزاری فریضة الهی نماز به شکل جماعت در مدارس، زمینه ای فراهم می شود که فرزندان می توانند در یک فضای معنوی در کنار هم سن و سالن وهم کلاسی های خود، مشغول خواندن نماز شوند و این احساس نشاط بیشتری به آنها می دهد. (1)

اگر مدارس شرایط را برای نماز خواندن مساعد کنند و به همراه اجرای برنامه های آموزشی نماز، برنامه تشویق نماز خوانها را هم داشته باشند، تأثیر مدارس در گرایش فرزندان به نماز دو چندان خواهد شد. وقتی حضور در برنامه نماز، عملی مهم بشمار آید، و از این مسأله چنان با عظمت یاد شود، بچه ها خود اصرار خواهند داشت که در صف نماز خوانان حاضر شوند. (2)

- اقامه نماز توسط حاکم اسلامی در جامعه

«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ اگر در روی زمین به آنان تمکین دهیم، نماز را بپا داشته و زکات داده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها به دست خداست». (3)

این آیه کریمه سرلوحه برخی کارهای مهم است، و وظایف اصلی زمامداران و حاکمان را بیان می کند، و اولین عملی که به عنوان وظیفه حاکمان اسلامی گوشزد می نماید، اقامه نماز است. جمله «اقاموا الصلاة» به معنای خواندن نماز نیست، زیرا مسلمان در هر شرایطی باید نمازش را بخواند، چه تمکن داشته باشد چه نداشته باشد؛ بلکه معنا این است که حاکم اسلامی باید در برپایی و ترویج نماز بکوشد و

ص: 25

1- . آثار تربیتی نماز؛ ص 149 و 150.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 172 و 173.

3- . حج؛ آیه 41.

آنرا تبلیغ کند. (1) همانند پیشوایمان امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، آنجا که در فرمان الهی - سیاسی شان به مالک اشتر می فرمایند:

«از مسائلی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است. پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به خدا اختصاص ده... هنگامی که نماز به جماعت می خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را پراکنده ساز و نه آنکه آنرا تباه ساز». (2)

این سفارش امام علی (علیه السلام) اشاره به جایگاه مسؤولان حکومت دینی در قبال تشویق و ترغیب به اقامه نماز در جامعه دارد، و اینکه نظام اسلامی و حاکمان آن موظفند علماً و عملاً راهها و فرآیندهای مربوط به اقامه نماز را در جامعه اسلامی، در هر عصری بیابند و در جهت توفیق روز افزون و ترغیب به اقامه نماز قدم بردارند. تنها در جامعه ای که به سفارشات پیشوایان دین و قرآن عمل شود، ما شاهد فرزندانی تربیت یافته و تعلیم دیده دینی خواهیم بود. (3)

- نقش رسانه ملی

بعد از خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان عوامل تأثیر گذار در تربیت ذکر شده اند، اما نباید تصور شود که رسانه ملی نقش کمتری از آنها دارد؛ بلکه شاید بتوان گفت نقش آن بیشتر و پررنگ تر است. از جمله رسانه های ملی، صدا و سیما است که به عنوان بازوی قدرتمند و رسانه ای پرطرفدار، می تواند نقش بسیار سازنده ای در گرایش فرزندان به نماز داشته باشد.

مُسَلِّمًا ساختن برنامه هایی که مفاهیم نماز و تأثیرات آن بر زندگی انسان را نشان می دهد، در این زمینه ها بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود. پخش اذان با

ص: 26

1- . نماز در آینه وحی؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ ص 92.

2- . نهج البلاغه؛ نامه 53.

3- . آثار تربیتی نماز؛ ص 142.

صدایی گیرا و جذاب، ساختن سرودهای زیبا برای نماز و اذان و پخش آنها لحظاتی قبل از اذان، در جذب فرزندان به نماز مؤثر است. قطع برنامه های صدا و سیما موقع پخش اذان، فعالیت دیگری است در یادآوری وقت نماز و گرایش به آن.

برخی صاحب نظران معتقدند، امروزه پس از گسترش این ابزار، تلویزیون بصورت عضوی بدیل جامعه و حتی خانواده ها در آمده است، به همین دلیل درباره کارکرد این وسیله دیدگاههای متفاوتی داشته و تعریف واحدی از آن ندارند. اما با وجود همه این تفاوتها در تعریف، نمی توان نقش مهم و مؤثر رسانه ها را در شکل دادن ابعاد تربیتی جامعه، بخصوص مسائل مذهبی نادیده گرفت؛ زیرا اثر آن بسیار زیاد و فراگیر است. (1)

- نقش مسجد

- مسجد به عنوان کانون تربیت و ترغیب فرزندان به نماز: یکی از عوامل مؤثر در گرایش فرزندان به نماز، بدون شک مسجد است. مسجد عهده دار نقش مهمی در عرصه های عبادی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است. از چهره های شاخص و تأثیر گذار مسجد، امام جماعت است که به عنوان یک راهنما نقش حساسی در هدایت فرزندان یک ملت ایفا می کند. وی به عنوان پرچمدار اسلام و مبلغ و ترویج دهنده احکام آن، همواره نقش بسزایی در گرایش و جذب همه اقشار و مخصوصاً نوجوانان و جوانان به نماز و دین دارد. (2)

- همراه بردن بچه ها به مسجد: قرآن کریم می فرماید:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ زینتهایتان را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید» (3)

ص: 27

1- . همان؛ ص 153 و 154.

2- . همان؛ ص 156 و 157.

3- . اعراف؛ آیه 31.

«المال و البنون زينة الحياة الدنيا؛ مال و فرزند زینت زندگی دنیایی است».(1)

با توجه به این دو آیه شریفه، شاید بتوان گفت: که هرگاه به مسجد می روید فرزندان خود را به مسجد ببرید تا با محیط عبادت خوبگیرند و مقداری از مال خود را ببرید تا محرومان بهره ببرند.(2) در واقع وقتی والدین کودک را به مسجد می برند، او را با اجتماعی آشنا می سازند که آنان را هدفی مقدس جمع داشته است(نه مال و شهوت)؛ و همه برای سالم بودن و بهتر شدن و بندگی حق و کار خیر در آنجا گرد آمده اند. نظام نماز جماعت، احترام به بزرگتر به صورت علمی و عملی، و انضباطی است که در عمل دارند، همه آموزنده و تأثیر گذار در وجود فرزند خواهند بود. بنا به قولی مسجد روح دینی را از فردی که متدین و مؤمن است به فردی که می خواهد متدین شود منتقل می نماید.(3)

- نقش جذابیت و پاکیزگی فضای مساجد: برای اینکه مسجد در گرایش نوجوان و جوان به نماز مؤثر باشد، باید از همان سردر، تا درون مسجد، آراسته و پیراسته باشد. اگر جاذبه های هنری و علمی و تابلوها و نوشته های زیبا و جذاب در مسجد استفاده شود، تأثیر گذاری آن در جذب به نماز بیشتر خواهد بود.(4)

مسجد به عنوان یک سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام، خود باید نمونه ای از به کارگیری علمی آموزشهای اسلامی باشد. پاکیزگی سنگر خداپرستان، موجب پاکیزگی جسم و روح نماز گزاران می شود و نوجوانان و جوانان را بسوی هدایت رهنمون می شود. چون ذات جوان و نوجوان، پاکیزگی را دوست دارد. وقتی کسانی که به مسجد

ص: 28

1- . کشف؛ آیه 46.

2- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ جمشید احمدی؛ ص 87.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 210.

4- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 88.

می آیند، لباس تمیز و سفید و معطر را برای نماز خواندن انتخاب می کنند، از یک سو خوب خود را آماده ملاقات با خدا کرده اند، و از سوی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می دهند و در آنها رغبت آمدن به مسجد و گرایش به نماز خواندن را زیاد می کنند. (1)

- داستانی شیرین و آموزنده برای ایجاد عشق به نماز در کودکان

روزی از سهل شوشتری که اهل کرامت بود پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ ایشان پاسخ دادند: من در کودکی نزد دایی ام زندگی می کردم، وقتی هفت ساله بودم، یک نیمه شبی از خواب بیدار شدم برای قضای حاجت. وقتی که برگشتم بخوابم، دایی ام را دیدم که روبه قبله نشسته و عبابی به دوش کشیده، عمامه ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آنگاه از من پرسید: پسر چرا نشسته ای؟ برو بخواب. گفتم از کار شما خوشم آمده و می خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایی ام به من گفت: برو بخواب. گفتم دوست دارم هرآنچه شما می گوئید من هم تکرار کنم. دایی ام مرا روبه قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو یا حاضر و یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر و یا ناظر را چند بار تکرار می کردم. کم کم وضو گرفتن را هم آموختم و پس از آنکه وضو می گرفتم، هفت مرتبه می گفتم: یا حاضر و یا ناظر. بالاخره کار به جایی رسید که من بدون اینکه نزد دایی ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می شدم و پس از نماز تسبیح بدست می گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می کردم و از اینکار بی نهایت لذت می بردم. اکنون این رسیدن به این مقام را از لطف رفتار

ص: 29

دقیق و منصفانه دایی ام در آن دوران حساس زندگی می دانم.

این داستان حقیقی به ما می فهماند که طرز رفتار مناسب با فرزندان در هر دوره ای، بهترین عامل مؤثری است، برای آنکه فرزندانمان در آینده، شب زنده داران واقعی به حساب آیند و ذخیره معنوی برای ما باشند. (1)

- توصیه های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رفتار با جوانان

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در رابطه با شیوه های رفتار با جوانان، توصیه های مهم فراوانی را بیان نموده اند که در قسمت پایانی این فصل، یک نمونه از آن توصیه ها را بیان می کنیم، به امید آنکه مسئولان و بویژه والدین به این توصیه حیات بخش جامعه عمل بپوشانند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، بخصوص در چند سال اخیر، دشمنان اسلام و انقلاب، جوانان را مورد هجوم و شبهات قرار دادند و سعی کردند با شبه افکنی اذهان پاک جوانان را نسبت به اسلام مخدوش نمایند، و این وظیفه ماست که باید آنان را نجات دهیم و آنها را با چشمه سار زلال و پاک اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) آشنا کنیم. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بخشی از توصیه های ارزشمندشان در مورد حفظ جوانان در برابر شبهات می فرمایند:

«من یک بار عرض کردم که ما در برابر شبهات نباید همیشه به صورت تدافعی عمل کنیم؛ بنشینیم تا شبه ای بیاید، خوب جاگیر بشود و اذهان را پر کند، بعد مردم زبان باز کنند و به ما بگویند که این شبه وجود دارد، بعد ما تازه به فکر بیافتیم این شبه را برطرف کنیم. اینکه درست نیست، باید زمینه های ایجاد شبه را شناخت.

امروز، جوانهای ما احتیاج دارند که از لحاظ فکری دستگیری شوند، هم آن کسانی که در حال شبه هستند، هم آن کسانی که شبه در آنها کار گر شده و از حیطة اعتقاد صحیح خارج شده اند، می شود. هم کسانی که جزو معتقدان و متعبدانند، که

ص: 30

در اینها باید فکر را عمق داد و شبهه را از آنها زدود. امروز حرفهای غلط نسبت به مبانی اسلامی و علمی دینی به صورت عامیانه اما در قالبهای آرایش شده و در قالب فکر نو ادا می شود که باید با آن برخورد علمی شود. امروز باید با شبهات ذهنی جوانان، برخوردی متفکرانه و کارشناسانه بشود، زیرا دشمن درصدد شبهه پراکنی است و در نقطه مقابل برای مجاهدت علیه دشمن اسلام لازم است، کارشناسان دین و مبلغان اسلامی با بیان حجت و منطق درست و محکم به تشریح افکار اسلامی و تبیین مواضع اسلامی بپردازند و این کار را به عنوان وظیفه ای بسیار مهم و خطیر در نظر بگیرند» (1).

گفتار دوم: عوامل تأثیر گذار در عدم گرایش فرزندان به نماز

مقدمه

چرا در میان فرزندانمان برخی از آنان بویژه جوانان، آنچنان که باید به نماز اهمیت نمی دهند و یا اینکه چرا بعضی از آنها ارتباط چندانی با نماز ندارند و یا عده ای در حالیکه از خانواده های مذهبی و مسلمان هستند نماز نمی خوانند.

اینها سؤالاتی است که همواره ذهن اکثر والدین متعبد و دیندار را به خود مشغول می کند و ما بنا داریم در این فصل، علل و عوامل آنرا تا حد امکان.

- علل مربوط به خانواده

- بی توجهی والدین نسبت به نماز فرزندان: بی توجه بودن یا کم توجهی والدین نسبت به فرزندان در محیط خانه، و سطحی نگری آنان و یا احیاناً بی مبالاتی اعضای خانواده نسبت به مسائل شرعی و دینی، خصوصاً نماز، تأثیر بسزایی در تربیت فرزندان بجای می گذارد. به عنوان مثال: فرزند اگر در خانه ای رشد نماید که در آن خانه کسی به نماز اهمیت ندهد و یا در قبال مسائل دینی خود را مسئول

ص: 31

ندانند، و یا خود اهل نماز باشند ولی فرزند را تشویق به نماز ننمایند، قطعاً فرزند آن خانواده، اهل نماز نخواهد شد؛ البته شاید در آینده بر اثر عوامل دیگر به نماز روی آورد که این احتمال ضعیفی است.

برخی والدین هستند که اصلاً به نماز اهمیت نمی دهند و طبعاً فرزندانشان از آنان تقلید می کنند. گروهی دیگر از والدین هم هستند که خود دیندار و اهل عبادتند ولیکن نسبت به فرزندان خود در این امر هیچ ارزشی نمی نهند؛ نماز خود را می خوانند و روزه شان را می گیرند، اما اینکه فرزندان به مسائل دینی پای بند باشند یا نه برای آنها یکسان است. (1) رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره چنین سرپرستانی فرموده اند:

«وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان؛ عرض شد یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، بلکه مسلمانشان که هیچ چیز از فرائض دینی را به آنها نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسائل دینی را فرا گیرند، آنها را از این وظیفه باز می دارند و تنها به درآمد کم آنها قانع اند. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند». (2)

- تعارض ها و اختلافات والدین

الف) تعارض دینی والدین: وجود تعارض در بین والدین، بویژه تعارض در باورها و عملکرد آنها، مانع استحکام ارزشها و هویت دینی در فرزندان می شود. (3) تفاوت مراتب ایمانی و برداشتها از دین، که گاهی در اثر شناخت ناکافی زن و شوهر در ابتدای زندگی زناشویی دیده می شود، پس از مدتی با درک تفاوتهای عقیدتی،

ص: 32

1- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 52 و 53.

2- . مستدرک الوسائل؛ محدث نوری؛ ج 15؛ ص 164.

3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 80.

باعث ناسازگاری و کشمکش های رفتاری بین والدین می شود(1)،

که در نتیجه موجب اختلاف والدین در تشویق فرزندان به مسائل دینی می گردد، چراکه هر یک می خواهند اعتقادات خود را به فرزند تحمیل کنند و این منجر به تزلزل اعتقادی کودک و گریز او از دین و مسائل دینی از جمله نماز می گردد.

ب) تعارض میان گفتار و کردار والدین: ما همواره به کودک و نوجوان می گوئیم نماز بازرنده انسان از زشتی و گناه است. در حالی که او در حاشیه زندگی خویش، بسیاری از نماز گزاران گناهکار را می بیند، رفتار بد والدین را می بیند، در وقت نماز والدین را می بیند که نمازشان از خضوع ظاهری نیز بی بهره است. این تعارض و دوگانگی، شعله تردید را در جان کودک می افروزد که نماز قربانی بی تردید آن است.(2)

توصیه های اخلاقی و دینی والدین در فرزند مؤثر واقع نمی شود، اگر بین آنچه قصد می شود با آنچه که در عمل از خود نشان می دهند، یگانگی و یکپارچگی حاکم نباشد. زیرا عمل همان نصیحت است و پند و اندرز همان کردار، بنابراین اگر گفتار و کردار والدین با یکدیگر وحدت نداشته باشد، مرز میان نصیحت و عمل، وسیع می شود و دیگر در چنین خانواده ای تکالیف دینی از جمله نماز به سهولت از جانب فرزندان انجام نمی گیرد.(3)

- سایر عوامل خانوادگی

علاوه بر عوامل خانوادگی که در مباحث قبلی بیان شد، عوامل متعدد دیگری را که مربوط به خانواده و تأثیر آن در عدم گرایش فرزندان می باشد، در این نوشتار به صورت اجمالی بیان می کنیم، که عبارتند از:

ص: 33

- 1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 226.
- 2- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 73.
- 3- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 86.

- عدم ایجاد عادت به نماز خواندن در فرزندان، از دوران خردسالی، به این حساب که هنوز وقت نماز او نشده است.
- عدم دعوت او به نماز، و کار و برنامه او را در اختیار خود او قرار دادن.
- دعوت کودک به نماز از روی خشونت و قهر و عقده سازی و آزردن او.
- سلب اعتماد او از افراد مذهبی خانواده، و احساس ریاکاری در والدین و یا تقدس خشک و تحجّر در آنان.
- آلودگی در غذای خانواده از نظر طیب بودن، که رابطه ای مستقیم بین غذای پاک و عبادت وجود دارد.
- احساس این مسئله که والدین او ستمکارند و عبادتشان بی حاصل است. (1)
- ترجیح دادن خواب شیرین صبح، به شیرینی نماز صبح توسط والدین.
- انتظار والدین از فرزندان خود در خردسالی برای بجا آوردن نماز صحیح و کامل.
- بی توجهی والدین به زمان و لباس نماز فرزندان.
- محروم کردن فرزندان از نماز جماعت و مسجد.
- مشغول شدن والدین به کارهای جانبی، در هنگام اول وقت نماز. (2)
- علل مربوط به خود فرزندان: در این زمینه نیز عوامل مؤثر بسیاری در عدم گرایش فرزندان به نماز وجود دارد، که شناخته ترین آنها عبارتند از:
- جهل از اهمیت مسأله: عدم درک تعلیم مذهبی و ارزش آن، ناآشنایی به وظیفه و تکلیف، از مهمترین عوامل گرایش به نماز می باشد.
- غرور و تکبر: اثبات وجود، و نشان دادن اینکه کسی است و میتواند یاغی و

ص: 34

1- . هدایت نوجوان به سوی نماز؛ ص 26 و 27.

2- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 348.

عاصی باشد. (1) این صفت، ناشی از غرور جوانی، تکبر و بزرگ منشی برخی افراد است؛ و هرگاه این صفت در کسی پا بگیرد او را به مهلکه های بزرگی می کشاند و فرد چنین می پندارد که اگر در مقابل خدای خود سجده کند کوچک می گردد.

- تنبلی و سستی: غالباً این خصالت در نوجوانان و جوانان وجود دارد که به آسانی تن به فعالیت نمی دهند مگر در اموری که بیشتر جنبه احساسی و هیجانی داشته باشد و یا در اموری که با انگیزه و شناخت قبلی همراه باشد. فردی که چند سال است به سن تکلیف رسیده ولی تا آن زمان نماز نخوانده، برایش سخت است که در هوای سرد زمستان، آستین بالا بزند و با آب خنک وضو بگیرد، به همین دلیل گاهی از نماز خواندن طفره می رود.

- مزاحم دانستن نماز برای کارهای شخصی: برخی افراد چون در وقت نماز مشغول به کار هستند، فرصت خواندن نماز در اول وقت را از دست می دهند، و تدریجاً بعد از استراحت، چون دوباره مشغول کار می شوند، اقامه نماز را مانعی برای انجام کارهای خود می دانند.

- تسویف (واگذاری امور به آینده): برخی فرزندان وقتی به سن تکلیف می رسند، با اینکه عمل به احکام دینی بر آنها واجب شده، اما با این توجیحات که ما هنوز جوانیم و اول عمر ما است و بهانه هایی از این قبیل، اعمال دینی را ترک می کنند و می گویند بعداً قضای آنرا بجا می آورم، غافل از اینکه عمر در دست خداست. (2)

- عدم آگاهی و بینش کافی از فلسفه و معانی نماز: نماز تجسم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین انجام این فریضه، مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه آن است. وقتی فرزند ما از جایگاه نماز در زندگی اش آگاهی کافی نداشته

ص: 35

1- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 26.

2- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 55-59.

باشد، طبعاً نسبت به این عبادت، بی انگیزه خواهد بود؛ چون نمی داند چرا باید نماز بخواند و این گفتگوهای مکرر در او چه تأثیری می گذارد.

- گناه آلودگی: فساد اخلاقی، دنیا زدگی و گناه آلودگی اگر در کسی باشد، در چنان تاریکی به سر می برد که زیباییها و لذتهای معنوی عبادت از ذائقه او رخت بر می بندد. (1) تأثیر این عوامل را می توان در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به خوبی درک کرد که فرموده اند:

«کیف یجد لذة العباد من لا یصوم عن الهوی؛ چگونه ممکن است لذت عبادت را درک کند، آن کس که از هواها خودداری نمی کند». (2)

- نقش دوستان و همسالان: همانطور که در فصل پیش اشاره شد، دوستان نقش بسیار مهمی در شکل دهی شخصیت انسانی دارند. به همان اندازه که دوستان خوب و شایسته در سوق دادن انسان بسوی سعادت و کمال مؤثرند، همان اندازه نیز دوستان ناشایست در انحراف آدمی به سمت ناهنجاریهای اخلاقی مؤثرند. چه بسا نوجوانان و جوانانی که در مسائل دینی علاقمند و به دینداری خود راغبند ولیکن در محیط های مختلف از قبیل محله ای که در آن زندگی می کنند، یا محیط کار و تحصیل که در آن ساعاتی از عمر را سپری می کنند، با افرادی آشنا می شوند که بتدریج او را در دام بی دینی و لابلالی گری گرفتار می سازند. (3) نقش دوست به حدی است که گاهی می تواند اندیشه ای را واژگون سازد و در دین و اعتقاد فرد رخنه کند، چراکه اکثر افراد، دوست خود را الگو و سرمشق خود قرار می دهند. (4)

ص: 36

1- . پرستش آگاهانه؛ محمد رضا رضوانطلب؛ ص 205 و 206.

2- . غررالحکم و دررالکلم؛ ص 562.

3- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 56.

4- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 28.

- رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی

گاهی جوانان و نوجوانان به خاطر دوستی و صمیمیت و ارتباط نزدیکی که با طلاب و روحانیون پیدا می کنند، از آن روحانی رفتاری را مشاهده می کنند و یا سخنانی می شنوند که موجب سستی آنها در دین می شود. به عنوان مثال: اگر جوانی مشاهده نماید که یک روحانی در محفلی نشسته و مشغول صحبت کردن است و توجهی به نماز اول وقت ندارد و یا در رفتار با کسی تندی می کند، این اعمال تأثیر منفی اش را بر روحیه او باقی می گذارد و با خود می گوید: اگر واقعاً نماز در اول وقت آن همه فضیلت دارد پس چرا یک روحانی به عنوان مبلغ دین به آن توجه ندارد. (1)

بنابراین مبلغین باید در رفتار خود با دیگران خصوصاً جوانان و نوجوانان، ظرافت و دقت بیشتری را بکار گیرند.

- نقش رسانه ملی

وسایل ارتباط جمعی علاوه بر محاسنی که دارد، می تواند معایب بسیاری هم داشته باشد، چراکه با یک هجوم پر قدرت و فراوان، والدین را از فرزندان جدا کرده؛ یعنی در حین اینکه والدین در خانه اند و فرزندان هم در خانه، اما انسی با هم ندارند. اگر فرض کنیم که برنامه تلویزیونی صد درصد هم مفید باشد، اما انس با پدر و مادر و مهمان و بزرگترها را بکلی از میان می برد و روز جمعه ای هم که پدر در منزل است و می تواند یک لبخند و صمیمیت با بچه اش داشته باشد، مانع این انس می شود. وقتی والدین تا دیر وقت بیدارند، و فرزند هم بیدار می ماند، بنابراین او دیگر نمی تواند سحر برخیزد و نماز صبح بخواند و باید او را با سختی بیدار کنند، و شاید خود والدین هم دیر بیدار شوند و گاهی هم خواب بمانند. (2)

ص: 37

1- . نقش نماز در شخصیت جوانان؛ ص 61.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 99 و 100.

مبارزه شیطان با نماز با اشکال و روشهای مختلفی می باشد، که از جمله آنها شراب و قمار است، بطوری که در قرآن کریم نیز این مطلب آمده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» شیطان قصد دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما دوری می کنید؟» (1).

طبق این آیه شریفه، شیطان علاوه بر اینکه به واسطه شراب و قمار، دشمنی، خشم و کینه را در جامعه ایجاد می نماید، اثر مخرب تری هم دارد و آن بازداری از یاد خدا و نماز است. آن نمازی که به عنوان نیاز فرد و جامعه مطرح است و بدون آن انسان به سعادت نمی رسد، شراب و قمار مانع آن می گردد. زیرا کسی که با پیمانۀ پیمان بست، با خدا نمی تواند پیمانی داشته باشد. (2).

اما آنچه روشن است، منظور از شیطان در این آیه، تنها آن موجودی که بر آدم (علیه السلام) سجده نکرد، نمی باشد؛ بلکه شامل همه قدرتهایی که انسان را از مسیر حق منحرف می کند می شود، و این شیاطین همواره با هر کار اساسی که انسان در مسیر حق انجام می دهد متناسب آن با سلاح خاصی به مقابله بر می خیزند.

از آنجا که ابزار اصلاح گاهی همیشگی و گاهی موقت است، ابزار فساد نیز گاهی دائمی و گاهی موقت است، و چون نماز از ابزارهای همیشگی صلاح و رستگاری است، شیطان برای مقابله با یاد خدا و نماز، از سلاحهایی که همیشه

ص: 38

1- . مائده؛ آیه 91.

2- . نماز زیباترین الگوی پرستش؛ 86 و 87.

کاربرد دارند، یعنی میگساری و قمار استفاده می کند. (1)

گفتار سوم: انواع روشهای ترغیب فرزندان به نماز

مقدمه

اقامة نماز و احکام و آثار گوناگون آن، فراوان در قرآن کریم ذکر شده است، و منظور از تعبیر «اقامه» در تمامی آیات این است که، تنها خودتان نماز خوان نباشید، بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود.

از آنجا که والدین، نقش اول تربیتی فرزند را دارا هستند، لازم است روشهایی را برای ترغیب فرزندان به نماز بکار گیرند که نه تنها عبادت آنها از روی تقلید نباشد، بلکه عبادتی همراه با تفکر و آگاهی و عشق باشد. یعنی همان عبادتی که انسان را از منکر باز می دارد. والدین باید توجه داشته باشند که تنها با روشهای سازنده و برخوردار از اطلاعات فراوان دینی است که می توانند انگیزه عبادت را در فرزندانشان به وجود آورند تا آنها خود در پی عبادت بروند. بنابراین آنچه در این فصل ارائه می گردد، روشهای تشویق فرزندان به نماز، توسط والدین گرامی است که حداقل امکان آنها را بیان می نماییم، به امید آنکه مفید و مثمر ثمر واقع گردد.

- روش آگاهی بخشی، مانند روش امر به معروف

احیای فرهنگ نماز در خانواده در قالب امر به معروف، امری است که در چند آیه قرآن به آن اشاره شده است؛ از جمله آیه شریفه ای که خداوند متعال در آن حضرت اسماعیل (علیه السلام) را معرفی می کند و می فرماید:

«و کان یأمر أهله بالصلوة و الزکوة و کان عند ربّه مرضیاً؛ او (حضرت اسماعیل) خانواده اش را به نماز و زکات دستور می داد و خدایش از او راضی بود». (2)

ص: 39

1- . نماز در آینه وحی؛ ص 74.

2- . مریم؛ آیه 55.

از سخن قرآن کریم و ماهیت امر به معروف آشکار می شود که محور و سرپرست خانواده این حق و ولایت را از سوی خداوند دارد تا افراد خانواده را به نمازگزاری وادارد، و این نشان از اهمیت فوق العاده نماز دارد. (1)

از جمله «کان یأمر» نیز استنباط می شود که حضرت اسماعیل (علیه السلام) در فرمان دادن خانواده اش به نماز استمرار داشته است. این روش یک روش اساسی در تشویق و ترغیب فرزندان به نماز است چراکه خداوند متعال در همین آیه شریفه آنرا به عنوان یک رفتار پسندیده برای حضرت اسماعیل (علیه السلام) نقل می فرماید. همچنین از جمله «و کان عند ربه مرضیا» استفاده می شود که، امر کردن فرزندان به نماز توسط حضرت اسماعیل (علیه السلام)، با روش پسندیده و مناسب روحیه آنان انجام می شده، نه آنطوری که برخی والدین با روشهای غلط و تذکرات ناپسند و با عصبانیت و توهین و تحقیر انجام می دهند. (2)

- روش عاطفی، همچون محبت و احسان

ایجاد انگیزه نماز خواندن باید از همان دوران کودکی با کلمات محبت آمیز آغاز شود. این روش نیز به زیبایی در قرآن مجید بیان شده است؛ آنجا که لقمان حکیم به فرزندش می فرماید:

«یا بُنَّیَّ اقم الصلوة؛ پسر من نماز را برپا دار». (3)

در این آیه شریفه لقمان حکیم صریحاً فرزندش را سفارش به نماز نموده است، اما نکته حائز اهمیت در این آیه، بکار بردن لفظ «یا بُنَّیَّ» است که به صورت اسم تصغیر آمده و حکایت از محبت و دلسوزی دارد، نه تحقیر و کوچک شمردن. (4)

ص: 40

-
- 1- . نماز در قرآن؛ سید ابراهیم سید علوی؛ ص 72.
 - 2- . آثار تربیتی نماز؛ ص 98 و 99.
 - 3- . لقمان؛ آیه 17.
 - 4- . تفسیر مجمع البیان؛ فضل بن حسن طبرسی؛ ص 319.

محبت از مهمترین نیازهای فرزندان است. از قدیم گفته اند: از محبت خارها گل می شوند؛ والدین باید هر انتظار و توقعی که از فرزند خود دارند، از طریق اظهار محبت بدست آورند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این رابطه می فرمایند:

«امروز بچه های شما به یک کوره محبت احتیاج دارند و آن کانون خانواده است... بهترین پدرها آنهایی هستند که با پسر و دختر خود رفیقند، هم بزرگتری، ارشاد، راهنمایی و محبت کارگشای پدری را دارند هم همدلی یک رفیق»⁽¹⁾.

در حقیقت، سفارش و نصیحت به فرزندان اگر همراه با محبت و مهربانی و دلسوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه با اطاعت خواهد بود. اما اگر با سرزنش و تحکم یا زور همراه باشد، فرزندان را به جبهه گیری و مقاومت و اخواید داشت و نتیجه مطلوب نیز حاصل نخواهد شد.⁽²⁾

- روش جلب، مانند احترام و تکریم

فرزندان ما در هر سنی که باشند برای شخصیت خود احترام قائلند. دوست دارند به شخصیت آنان توجه شود و مورد احترام قرار گیرند. از اینرو سزاوار است پدر و مادر به این گرایش فطری، توجه نمایند و روحیه کودکان را با عزت نفس و اعتماد به نفس تربیت و تحکیم کنند. روح کودک چون گل، بسیار ظریف و حساس است و ممکن است با کوچکترین حرکت ناهنجار پژمرده شود. برخی از والدین به غلط تصور می کنند که چون پدر و مادر شده اند پس حق هرگونه اعمال نظر جابرانه و سلطه جویانه را بر فرزندان خود دارند و می توانند با آنها به هرگونه ای که بخواهند رفتار کنند، در صورتی که در این میان، حد و مرزهای باریکی نهفته است و موازین شرعی و تربیتی و اخلاقی دقیقی وجود دارد.

ص: 41

1- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429> .

2- آثار تربیتی نماز؛ ص 100 و 101.

یک نمونه از جاهایی که باید به شخصیت کودک احترام گذاشت و نقش بسیار مهمی در تشویق و جلب او به نماز دارد، زمان برگزاری نماز جماعت است. اگر هنگام حضور کودک در صف نماز جماعت، والدین یا هر کس دیگر با عصبانیت با آنان رفتار کنند، و کودکان را از صف جماعت خارج نمایند، این برخورد غلط که از سر ناآگاهی است، روحیه مذهبی کودک را تضعیف می کند و در نتیجه او را نسبت به اعمال مذهبی و مراکز عبادی از جمله نماز بی رغبت می سازد. (1) اهمیت این مسأله به حدی است که وقتی جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر (علیه السلام) درباره کودکی که در نماز جماعت شرکت می کردند پرسید، آن حضرت فرمودند:

«آنان را در نماز به صفهای آخر واپس نرانید، بلکه با ایستادن بزرگترها در میانشان جدایی افکنید». (2)

- روش خیر خواهانه؛ همچون وصیت و حکمت

روشن است آخرین سخن انسان- که از آن به وصیتنامه تعبیر می شود- بسیار مورد توجه و اهمیت است و غالباً عموم مردم نسبت به وصیتنامه و محتضری که در حال وصیت کردن است عنایشها داشته و اهمیت می دهند. در سفارشهای دینی تأکید شده که انسان در وصیتنامه خود به مطالب با اهمیت، بویژه مطالبی که مربوط به آخرت انسان است توصیه نمایند. (3)

نماز هم یکی از مسائلی است که هم به دنیا و هم به آخرت انسان مربوط است، بطوریکه در قرآن کریم چهار بار امر و وصیت به نماز شده است؛ از جمله آیه:

«وَجَعَلْنِي مَبْرُكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ و مرا هر

ص: 42

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 105-107.

2- . اصول کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ ج 3؛ ص 409.

3- . نماز در آینه وحی؛ ص 62 و 63.

کجا باشم برکت داده، و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است»⁽¹⁾.

نکته مورد نظر ما در این آیه کریمه این است که، اولین برنامه عملی که حضرت عیسی (علیه السلام) در گهواره برای کسانی که سخن او را می شنوند بیان می کند، وصیت الهی نسبت به نماز است، که نشان از اهمیت این روش می دهد. و در ادامه میفرماید «مادمت حیا»، یعنی این سفارش و وصیت، دوام داشته و همیشگی باشد.⁽²⁾

وصیت به نماز خواندن، در سیره معصومین (علیهم السلام) از مهمترین مسائل بوده و همواره در سفارشهای آن عزیزان به چشم می خورد. به عنوان نمونه، امام علی (علیه السلام) در یکی از مشهورترین وصیتنامه های خویش به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

«والله والله في الصلاة فإنها عمود دينكم؛ خدا را درباره نماز سفارش می کنم، زیرا نماز ستون دین شماست»⁽³⁾

و یا آنجا که در روایات متواتر آمده است که آخرین جمله امام صادق (علیه السلام) در لحظات پایانی عمر شریفشان، توصیه به نماز بوده است که فرموده اند:

«إن شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلوة؛ همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد»⁽⁴⁾.

بنابراین، والدین عزیز باید به این روش که طریق قرآن و سنت است، توجه کاملی داشته و آنرا بکار گیرند. برآستی چرا باید تمامی دلهره و نگرانی های آنها برای مسائل مادی باشد؟ آیا بهتر نیست در وصیتنامه های خود نیز بنویسند: دخترم،

ص: 43

1- . مریم؛ آیه 31.

2- . نماز در آینه وحی؛ ص 44.

3- . نهج البلاغه؛ نامه 47.

4- . بحار الانوار؛ ج 47؛ ص 2.

پسرم، من آنچه دارم از برکت مسجد و نماز است، اگر می خواهید از شما راضی باشم و روحم شاد باشد، سعی کنید نمازتان را در اول وقت بخوانید. (1)

- روش اقناعی، همچون برهان و حجت

این روش بیشتر در سن یازده سالگی و شانزده سالگی که مصادف با دوره نوجوانی است و نوجوان احکام دینی را از روی الگو برداری و برهان عقلانی می پذیرد، کاربرد دارد. در این دوره، نوجوان مفاهیم دین و اعمال مذهبی از جمله نماز را با استدلال شخصی و از روی عقلانیت می پذیرد. (2)

نوجوانی سن مباحث بی پایان فلسفی، دینی، سیاسی و ادبی است. نوجوان در این دوره آمرانه استدلال و اثبات می کند. آراء و همه نو هستند و به آن آراء چنان دلبستگی دارد که کاشفی به کشف خود. با این حال، نوجوان در عین جدیدین بودن، نپخته و خام است و از استحکام خوبی برخوردار نیست، اما این تحول درونی، آغازی برای سازندگی و رشد اوست. (3)

نوجوان در این دوره تمایل بیشتری به مذهب پیدا می کند بویژه اگر در خانواده ای متدین باشد این احساس در او شدیدتر می شود. (4) از اینرو این دوره، از نظر تربیت دینی و رعایت اصول اقتناع سازی، بسیار مهم است. و اگر زمینه های مساعد تربیتی فراهم باشد و از آن مهمتر، عوامل آسیب زای تربیت دینی از صحنه و محیط خانوادگی و اجتماعی حذف شود، با سهولت و تمامیت شاهد شکوفایی حس دینی به زیباترین وجه خواهیم بود. (5)

ص: 44

- 1- . نماز زیباترین الگوی پرستش؛ ص 100.
- 2- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 46 و 47.
- 3- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 14 و 15.
- 4- . آثار تربیتی نماز؛ ص 41.
- 5- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 47.

- روش برانگیزاننده، مانند تشویق

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه های تربیت کودک بشمار می آید. فرزندان از تحسین و تشویق لذت می برند و این از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه برای گرایش دادن آنها به فعالیتهای ارزشمند استفاده کرد. (1)

فرزندان در مقابل هر عمل نیکی که انجام می دهند انتظار پاداشی را دارند، و والدین باید این انتظار آنها را به بهترین شکل پاسخ دهند. (2) با توجه به اهمیت روش تشویق، در این قسمت از نوشتار با بیان نکاتی درباره تشویق، انواع تشویق و شرایط مشوق، این بحث را بطور مفصل تری بررسی می نماییم.

- انواع تشویق

تشویق فرزندان به سه صورت انجام می گیرد:

1- توجه عاطفی؛ نگاه محبت آمیز، لبخند و هرگونه احساس تأیید و ملاحظت از طرف والدین در تشویق کودک در او نقش مؤثری دارند. این امور جنبه غیر کلامی دارند و نوعی رابطه واقعی و حقیقی بین کودک و والدین ایجاد می کنند و در این حالت است که کودک به تکرار رفتار مورد نظر تمایل پیدا می کند.

2- تشویق زبانی؛ تعریف و تمجید، تشکر و قدر دانی زبانی، ابزار ساده و کم هزینه ای است که می تواند کودک را به رفتارهای مناسب سوق دهد.

3- تشویق عملی؛ دادن جایزه، هدیه و مانند آن، بردن به گردش و تفریح، اجازه بازی یا بیرون رفتن با دوستان، از موارد تشویق عملی است که به مقتضای سن کودک می توان آنها را بکار بست.

- نکاتی که درباره تشویق باید در نظر گرفت: والدین گرامی باید در نظر داشته

ص: 45

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 131.

2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 231.

باشند، برای آنکه تشویق‌های آنها مفید واقع شود، یکسری نکات را رعایت نمایند؛ از جمله اینکه:

- 1- تشویق برای برانگیختن و تقویت است و نباید خودش بصورت هدف درآمد و همه فکر و همت کودک را مشغول کند.
- 2- تشویق نباید حالت رشوه پیدا کند، به این صورت که چیزی را به کودک بدهیم تا کار مورد نظر را انجام دهد، بلکه پس از انجام عمل او را تشویق کنیم و علت تشویق را نیز برای کودک روشن نماییم. مثلاً: نگوئیم اگر نماز بخوانی، فلان مبلغ پول به تو می‌دهم، بلکه اولاً: کودک باید خواندن نماز را مانند دیگران وظیفه خود بداند و ثانياً: تشویق ما از او به عنوان ابراز رضایت از انجام وظیفه اش باشد. (1)
- 3- تشویق‌ها نباید مکرر باشند، زیرا ارزش واقعی خود را از دست می‌دهند. همچنین تشویق نباید بی اندازه زیاد باشد، بگونه ای که اگر کودک عملی مهمتر و ارزنده تر انجام داد دیگر لغتی برای وصف رضایت بسیار خود از آن عمل نداشته باشیم.
- 4- تشویق باید تأیید درونی طفل را در پی داشته باشد، بگونه ای که خود را واقعاً مستحق آن بداند، نه اینکه وسیله ای برای دلخوش کردن لحظه ای او نباشد.
- 5- موقعیت مناسب تشویق نیز اهمیت بسزایی دارد، بخصوص اگر بخواهیم از این طریق عمل و رفتار نیکی به کودک بیاموزیم.
- 6- تشویق باید واجد ضوابط و حدود باشد، یعنی اینکه نباید فرد برای هر عملی تشویق شود، بلکه شایسته است که رفتارهای خاص و برجسته او مورد ستایش قرار گیرد.
- 7- باید توجه داشت که زمینه ای برای طفل به وجود آورد که از آن احساس

ص: 46

1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 137 و 138.

غرور کند و به ادامه عملش بپردازد، نه به گونهای که اتکای طفل به تشویق باشد، یعنی هرگاه که تأییدش کردند فعالیتش را ادامه دهد و هرگاه از تشویق خودداری نمودند، او هم عمل را ترک کند. (1)

- شرایط و صفات کسی که مشوق نماز است

کسی که کودکان را به خواندن نماز تشویق می کند، پدر باشد یا مادر یا هر کسی که می خواهد متولی امر دین و اجرای نماز فرزندان باشد، باید واجد صفات و شرایطی باشد که اهم آنها عبارتند از:

1- آگاهی و معرفت؛ دامنه آگاهی یک مربی در این زمینه، وسیع و گسترده است و شامل: آگاهی درباره مذهب و مبدأ، آگاهی درباره کودک و شرایط ذهنی، روانی، علائق او و...، آگاهی درباره وظایف انسان نسبت به خود، خدا و...، آگاهی درباره شرایط و جو جامعه ای که در آن زندگی می کند و کلاً هر آگاهی دیگری که برای گذراندن زندگی متعارف در این سرا و سعادت فرزند در آن سراسروری است.

2- ایمان و باور داشت؛ مربی باید مؤمن به آن چیزی باشد که دیگران را بدان دعوت می کند و دل او به آنچه می گوید باید آرام باشد. دعوت و تشویق هنگامی مؤثر است که نشأت گرفته از درون باشد و این نیاز به باوری راستین و عمیق دارد و نیز ایمانی لازم است که آدمی را به تقوا بکشاند.

آری هنگامی که ایمان در اعضا و جوارح نفوذ کند می تواند پرتوافکن و نور دهنده باشد و کودک و بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد.

3- عمل و کار؛ از عمل سخن است نه از فعل، چراکه فعل بر کار آسان و دشوار هر دو اطلاق می شود، ولی عمل عبارت است از آن فعلی که در آن سختی و

ص: 47

دشواری باشد. و اسلام هم دین عمل است. در اغلب آیات قرآن، پس از کلمه ایمان، لغت عمل را می بینیم، آنچنان که ایمان بدون عمل، و دعوت بدون عمل را کاری بیهوده و بی حاصل می داند.

کودک پیش از آنکه مطلبی را از راه سخن بیاموزد، از راه عمل خواهد آموخت و الگو و اسوه برای او کارسازتر است. به عنوان مثال: والدینی که می خواهند فرزندانشان را به نماز خواندن تشویق کنند، خود ایشان باید به هنگام نماز، همه کارهای خود را تعطیل کنند و با شنیدن اذان، آماده نماز خواندن شوند. اینگونه رفتار عبادی اگر مکرر گردد زمینه ساز آموزش عملی دین خواهد شد و در جان و فکر کودک چنان رسوخ کند که بیرون رفتنی نباشد.

4- اخلاق و انس؛ برای اینکه د کودک نفوذ کنیم، اخلاق خوش، مانوس شدن با او و رفتاری جلب کننده شرط لازم است. برای آنکه کودک از عمل کسی درس بگیرد، لازم است آن شخص بگونه ای عمل کند که طفل وی را دوست بدارد و از مصاحبت با او احساس غرور و لذت کند. زبان خوش، برخورد خوب، در برگرفتن کودک و کشیدن دست بر سر او به هنگام بیدار کردنش برای نماز صبح در این راه فوق العاده مؤثر است. مجموعه این شرایط است که زمینه را برای مذهبی کردن و نماز خوان ساختن کودک فراهم می آورد. (1)

- روش امید ساز، همچون وعده و بشارت

در مورد این روش، ابتدا به قرآن کریم که راهگشای تمامی انسانهاست رجوع می کنیم، تا ببینیم این کتاب عزیز چه تعلیماتی را فراروی ما قرار داده است؛ یکی از صدها آیه ای که به شخص نمازگزار وعده می دهد و ما می توانیم آنرا فرا گرفته و برای فرزندانمان تبیین کنیم، آیه شریفه:

ص: 48

«أتل ما أحي إليك من الكتاب وأقم الصلوة إن الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله أكبر والله يعلم ما يصنعون؛ ای رسول ما، آنچه را که از کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن و نماز را بجای آر، که همانا نماز از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هر چه انجام می دهد آگاه است» (1).

آنچه در این آیه مهم است، وعده به این دو مطلب است: یکی اینکه نماز مهمترین وسیله یاد خداست و دوم اینکه از آثار مهم نماز جلوگیری از فحشا و منکر است؛ و این از دقت در فرازهای اذان روشن می شود، آنجا که چندین بار دعوت به فلاح و نیز بهترین اعمال می کند. (2) حقیقت امر هم همین است، نماز آیتی امید بخش است و برترین چهره های قیامت هم نمازگزاران حقیقی اند. (3)

با توجه به مطالب فوق، و دانستن اینکه انسان موجودی است که با این دنیای مادی و ظاهری سیراب و اقناع نمی شود و به هر چیزی رو می کند چراکه خود را غریب و تنها احساس می کند، و تا وقتی که به آن چیز نرسیده گمان می کند که او آرزوهایش را برآورده می کند، اما وقتی به آن رسید دچار یأس می شود. والدین باید تصویر سراب گونه جهان را برای فرزندانشان ترسیم کنند و به آنها بگویند در این دنیا مادام که دل شما متوجه خدا نشد به هر چیزی که روی آورید ناکام می مانید. (4)

با توجه به روایات می توان فهمید، یکی از روشهای ائمه (علیه السلام) در تشویق مردم به نماز، استفاده از روش وعده و بشارت بوده است، بطوریکه در روایتی آمده است: روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از یاران و حاضران در

ص: 49

1- . عنكبوت؛ آیه 45.

2- . نماز در آئینه وحی؛ ص 110.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 257.

4- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 33.

مجلس پرسیدند: به نظر شما کدام آیه از قرآن امیدوار کننده تر است؟ هر کدام از حاضرین آیه ای را ذکر کردند، اما امام در پایان نظرات همه افراد فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که امیدوار کننده ترین آیات این آیه است (1):

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ لِذِكْرِي لِذَكَرْتَنِي؛ و نماز را در اول و آخر روز بپادارید و هم در تاریکی شب، که حسنات و نیکوکاریهای شما، سیئات و بدیهایتان را محو می کند و این یادی است برای یادآورندگان» (2).

این روایت یکی از هزاران روایاتی است که به نمازگزاران امید و بشارت زندگی سعادتمند را در سایه نماز خواندن می دهد، و والدین می توانند با نقل چنین روایاتی فرزندان را به نماز ترغیب نمایند.

- روش ترغیبی، همچون داستان گویی و ذکر صالحان

یکی از آسان ترین روشهای تشویق فرزندان به نماز توسط والدین، بیان داستانهای نماز بزرگان دین و انسانهای الهی است. داستان گویی از زمانهای دور، همیشه مورد توجه کودکان و حتی بزرگسالان بوده و هست؛ و اگر داستان پرمغز، غنی و مطابق با حقیقت باشد، بیشترین تأثیر را در روح و روان انسان می گذارد؛ چون با بازگویی جایگاه و اهمیت نماز در زندگی صالحان، فرزندان می فهمند که انسانهای وارسته و نامی جهان اسلام، چقدر به این امر الهی اهتمام داشته اند و تا چه حدی نماز در زندگی دنیویشان تجلی داشته است.

یکی از مؤثرترین داستانهای حقیقی در روح و جان هر مسلمان و بلکه هر انسان آزاده ای، داستان کربلا و قیام عاشورا است. از آنجا که کربلا و روز عاشورا، قرآنی است به تصویر کشیده شده، بنا داریم در این قسمت از نوشتار، داستان نماز

ص: 50

1- . تفسیر نمونه؛ آیه الله مکارم شیرازی؛ ج9؛ ص235.

2- . هود؛ آیه 114.

روز عاشورا را به عنوان پیشکش بیان کنیم، به امید آنکه خواندن آن، به پدران و مادران متعهد، در تشویق فرزندانشان بسوی فریضة جانبخش نماز کمک نماید.

«آفتاب، راست ایستاده بود که راست ترین قامت ها به نماز شکسته ایستادند. خورشید اذان می گفت. آسمان قامت می بست. غبار برخاسته سرِ خضوع داشت. شمشیرها شیهه نمی زدند و اسبان شیهه زن، گوش افراشته و خاموش به دستهای افراشته برای تکبیر، چشم دوخته بودند. خشکیده ترین لبها دلنشین ترین ترنم را به گوش تشنه ریگزاران تفتیده می بخشید. هیچکس خودش نبود، در سرزمین بی خویشی، سرزمین خویشاوندی با دوست، سرزمین نیاز و سرزمین نماز، فرشتگان گردن کشیده بودند تا خوب ترین انسان، زیباترین نماز و برگزیده ترین نمازگزاران را ببینند. نسیم داغ بوی تازه خون می آورد، سکوت آنقدر به گوشها فرصت می داد تا سیلی موج را بر ساحل فرات احساس کنند؛ تشنه کامان اما در التهاب و عطش دیگری می سوختند، حریق بزرگ عشق، دامن دلها را گرفته بود و تا لبها بالا می آمد؛ و اگر جز این، زمزمه های سوزناک و آتشگون در این لحظه ها چه تفسیری؟»

امام عاشورا تکبیر نماز را گفت و دستهایی که دمی پیش نوازشگر شمشیر بود در رهاترین حالت از سفر آسمان برگشت و در آرامش داغ صحرا قرار گرفت. اینک رکوع فرصت کم کردن فاصله با دوست، قنوت، فرصت در دست نهادن هستی و به دست تقدیم کردن؛ سجود، تمرین بر خاک افتادن بود و سلام آمادگی برای ورود به دار سلام، دار سلام محبوب.

در خیمه تب و تاب دیگری بود، اشک برگونه سوخته کودکان سجده می کرد. پیشانی سینه ها در جستجوی خنکای خاک و کاهش عطش، بر خاک نهاده می شد و مادر در جزر و مد گهواره، زمزمه نافرجام خویش را به امید آرامش کودک تشنه، با آه و اشک همساز می کرد.

میدان گُر گرفته بود. دو شعله تا کرانه هایی دور دامن می کشید؛ شعله آفتاب و

شعله عشقی متبلور در زمزمه های آخرین صحابه نماز. پیش روی صف نماز گروهی به پاسداری جان نمازگزاران صف کشیده بودند، چشم در چشم دشمن، با سینه هایی که به پیشواز تیر و نیزه و شمشیر می رفت. هنوز جزر و مد قامت ها به پایان نرسیده بود که صفیر تیرها، موج در هوا افکنده و پاسداران پشتتاز چونان مرغکان خونین پر، با پر و بالی از تیر بر خاک داغ و خارستان تفتیده به سجده افتادند.

سعید و هانی دو یار پاکباز و هم پرواز، مسیر تیرها را پی می گرفتند و مگر مقصد نخستین همه تیراندازها امام نبود؟ اگر مقصد، تیر چشم امام بود، چشم می گشودند و اگر قلب امام، قلب خویش را هم تپش با نبض لرزان هوا در تیررس قرار می دادند. نماز به پایان رسید و قربانیان نماز در لحظه شکوهمند پرواز، چشم بر امام عاشورا داشتند تا به نوازش، سرهایشان را بر دامن گیرد، را دامن گیرد و در آخرین لحظه ها از دامن او به فراخنای بی مرز ملکوت پر گشایند.

اینک سعید سر بردامان امام داشت با بدنی که چوبه تیرهای نشسته بر آن، میان بدن و زمین فاصله انداخته بود. دست مهربان امام میان موی خیس و خون آلود سعید دوید. سعید آرام و نرم، تمام توان خویش را به لبها رسانی و در پرسشی شکوهمند از امام خویش پرسید: آیا به عهد خویش وفا کرده ام؟ تبسمی دلپذیر بر لبان امام نشست و سپس امتزاج دو لبخند و پرواز روحی دو نمازگزار که وسعت بهشت را پوشاند و هفت آسمان را از هیاهوی بالهایش لبریز کرد.

سیمای نمازگزاران گل انداخته بود. شوق لطیفی در آوندها می دوید. پرواز ساده تر شد بود، عشق با قلبها همسایه تر و بهشت در همین نزدیکی، بی تاب وصل یاران. صدایی عجیب کربلا را پر کرده بود. اینک جبرئیل میان زمین و آسمان پر می زد و در صف حسین (علیه السلام) و صحابه اش می سرود: «أشهد أنك قد أقم الصلاة...» همه گواهند که تو نماز را بپا داشتی و خویش را برای پاسداری نماز به

ای روح نماز، ای تمامیت نیایش و نیاز، بی تو هیچ پیشانی، آشنای خاک نمی شد، هیچ لبی به زمزمه عاشقانه نمی ایستاد و هیچ قامتی اقامه راستی و درستی نمی کرد. اگر نماز تو در اذان تیر باران نبود. امروز طنین اذان، آسمان دلها را صیقل نمی داد و آغوش باز محراب، میان و ملکوت پل نمی بست. ای برپا کننده عاشقانه ترین نماز در عطش و آتش و شرارت و شماتت، نگاه مهربانیت را دمی دلهايمان بخش تا نمازی از آنگونه که خواندی آشنای زندگیمان شود». (1)

- روش عنایت آمیز، مانند عبور کریمانه و مهلت دادن

والدین باید بدانند که طرح درست و به موقع مفاهیم دینی از جمله نماز، و فرصت دادن به کودک برای درک آن، بیش از انتقال مستقیم اطلاعات، موجب پرورش حس دینی و گرایش و جذب فرزند آنها به امور مذهبی می شود. (2) چراکه فرزندان ما در دوران کودکی، بسیاری از حالات و رفتار و معنی عبارات ما را نمی فهمند. بنابراین والدین هنگامی که به همراه خردسالان نماز می خوانند باید بگونه ای عمل کنند که کودک احساس جبر و خستگی و دلزدگی نداشته باشد.

کودک مکن در سنین خردسالی در وسط نماز به دنبال شیء جاذبی بدود، یا پرنده ای و حیوانی نظر او را جلب کند و او به دنبالش روان شود. طبیعی است که در چنین صورتی نماز او باطل می شود، اما والدین نباید پس از نماز، وی را مورد بازخواست قرار دهند، بلکه بعدها در فرصتی مناسب به صورت دوستانه و حتی با خنده و شادی به او تفهیم کنند که اشتباه کرده و نمازش باطل شده است. (3)

والدین برای تشویق فرزندان به نماز وظیفه دارند از اقدام به جریحه دار کردن

ص: 53

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 136-139.

2- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 87.

3- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 165.

عواطف، مثل افشاگری، رسوا کردن، تحقیر و تخطئه و نیشخندها بخصوص در مقابل دیگران پرهیزند. (1)

- روش تنبیهی، قهر و قطع محبت و تنبیه بدنی

روشهای تنبیهی باید زمانی بکار برده شوند که کودک بخواهد تنها مجری نظرهای خود باشد، که در اینصورت والدین باید اعمال قدرت کنند- ابتدا بطور مستقیم و پس از آن بصورت غیر مستقیم نقش پند گویی و تذکر و تسلط و اقتدار خود را حفظ نمایند- در روایات اسلامی برای کودکان متمرّد از دستورات والدین سخن از تنبیه به میان آمده است، اما اغلب به معنای لغوی آن، یعنی آگاه کردن. تنبیه لازم نیست همیشه زبانی و بدنی باشد، بلکه گاهی یک نگاه ملامت بار، بی اعتنایی و... می تواند برای طفل سازنده باشد. (2)

تنبیه به صورتهای گوناگون انجام می گیرد و منحصر به کتک زدن نیست. یکی از روشهای مناسب تنبیهی، که از درسهای تربیت اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) است، قهر کردن با کودک می باشد. این عمل در روحیه کودک تأثیر بسزایی دارد و کودک احساس می کند با قهر کردن مادر یا پدر از او، گویی تمام درها به رویش بسته می شود، در نتیجه هیچ راهی جز اطاعت از والدین نمی بیند. (3)

از روشهای دیگر تنبیه، جریمه کردن، توبیخ و بی اعتنایی است که هریک روش مناسبی برای تشویق فرزند به عمل نیک به حساب می آیند. مثلاً در جریمه، نگذاریم کودک برنامه تلویزیونی مورد علاقه اش را تماشا کند، یا با دوستان بازی کند. البته محروم کردن یا قهر، باید به گونه ای باشد که کودک تصور نکند پدر و مادر بکلی او را طرد کرده یا دوستش ندارند. از اینرو باید در مدت زمان مناسبی اعمال شوند، تا کودک آسیب

ص: 54

- 1- . هدایت نوجوان بسوی نماز؛ ص 53.
- 2- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 233 و 234.
- 3- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 143.

جدی نبیند، هر چند از لحاظ عاطفی تحت فشار قرار گیرد. (1)

اما تنبیه بدنی، آخرین مرحله ای است که در روایات در رابطه با نماز به چشم می خورد، که آن هم بخاطر سستی کودک در امر نماز است. اما باید دید تنبیه بدنی در چه مواردی جایز و در چه مواردی ممنوع است؛ و این امر در توصیه های رهبران الهی به وضوح آمده است و هر پدر و مادر مسلمانی وظیفه دارد قبل از اقدام به تنبیه فرزند خود، این توصیه های ارزشمند را مطالعه کند.

اما آنچه مربوط به استفاده از روش تنبیه بدنی برای تشویق فرزند به نماز است و در روایات نیز آمده، این است که: نباید فرزند را قبل از ده سالگی برای نماز کتک زد. از جمله روایتی که می توان به آن اشاره کرد روایتی است از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرموده اند:

«أدب صغار اهل بیتک بلسانک علی الصلاة و الطهور، فإذا بلغوا عشر سنین فأضرب و لاتجاوز ثلاثاً؛ فرزندان خردسالان را با زبان بر نماز و وضو انس و عادت دهید، و آنگاه که به ده سالگی رسیدند آنها را بخاطر سستی و سهل انگاری در نماز بزیند ولی از سه ضربه فراتر نرود». (2)

همانطور که از این روایت فهمیده می شود، در واداشتن کودکان به نماز خواندن، که از تأدیبات زبانی آغاز می شود و در نهایت به تنبیه عملی می انجامد، والدین گرامی باید به این نکته توجه داشته باشند، که در سنین پایین تنها باید تشویق، نرمی و مهربانی، فرزندان خود را به نماز وادارند، و بر آنان سخت نگیرند که یکباره از نماز بریده و از آن منزجر شوند، اما هرچه سن آنها بالاتر می رود، قدری لحن آمرانه بخود بگیرند و بطور کلی در زدن فرزندان بدلیل کوتاهی در نماز- بویژه در سنین کمتر از ده سالگی- با احتیاط و دوراندیشی بیشتر عمل کنند و یقین داشته باشند که

ص: 55

1- . در آمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ ص 141.

2- . مجموعه ورام؛ ورام بن ابی فارس؛ ج 2؛ ص 155.

راههای تربیتی بهتر و مؤثرتری هم هست که می‌توانند با کسب آگاهی بیشتر و مطالعه کتابهای تربیتی و گفتگو با فرزندان و مشاوره با مربیان و آگاهان در امر تربیت و همچنین تأمل و تفکر شایسته به آنها پی ببرند. والدین باید به یاد داشته باشند که، استمداد از خدای متعال در این میان نقش بسزایی دارد. (1)

- روش فعال بجای روش انفعالی

یکی از روشهای مؤثر برای اینکه والدین بتوانند از همان ابتدا فرزندان خود را با آداب صحیح نماز خواندن آشنا کنند این است که، والدین روشهای آموزش نماز و شیوه‌های برخورد را با فرزندان بگونه‌ای انتخاب کنند که آنها به طرز فعال و از روی میل و اختیار خود، به فلسفه، شرایط و آداب نماز پی ببرند. بهترین شیوه در این مورد، بکارگیری روش اکتشافی و فعال است که به کودکان و نوجوانان فرصت می‌دهد تا آنها خود شخصاً در بنا کردن مفاهیم و تکوین تدریجی ارزشهای دینی مشارکت نمایند.

در این روش بجای برخورد مستقیم و تحمیل توصیه‌ها و اندرزهای تربیتی، سعی می‌شود با طرح موضوع به شکل سؤالی، پاسخ مناسب از طرف مخاطب داده شود. مدل زیر یک مثال عملی برای استفاده از روش فعال بجای روش انفعالی در برخورد فرزندان، در ارتباط با اقامه نماز می‌باشد:

بجای گفتن: می‌توان گفت:

- این طرز نماز خواندن غلط است. - طرز درست نماز خواندن چگونه است؟

- زود باش وقت نماز دیر شد. - فکر می‌کنی الان وقت چیست؟

- صد بار گفته‌ام که نمازت را به موقع بخوان. - من در مورد چه چیزی بارها به تو تذکر داده‌ام؟

ص: 56

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 222-224.

- یادت باشد صبح زود بیدار شوی که نمازت - فردا صبح باید چه ساعتی بیدار شوی؟ یا: اولین کاری که صبح قضا نشود زود باید انجام دهی چیست؟

- اینقدر نمازت را با سرعت نخوان. - چگونه می توانی نمازت را با آرامش بخوانی؟

- ثواب خواندن نماز در مسجد خیلی بیشتر است. - خواندن نماز در کجا ثواب بیشتری دارد؟

- این طرز نماز خواندن را خدا قبول نمی کند. - فکر می کنی خداوند کدام نوع نماز را بیشتر قبول می کند؟

- این وضویی که گرفتی باطل است، زود باش - طرز صحیح وضو گرفتن چگونه است؟ می توانی یکبار برای من دوباره وضو بگیر. انجام دهی؟

- اگر نمازت را به موقع بخوانی جایزه می گیری. - هرگاه نمازت را به موقع می خوانی چه احساسی داری؟

- اگر نمازت را ترک کنی خداوند نیز از تو قهر - اگر نمازت را ترک کنی چه اتفاقی می افتد؟

- کسی نماز می خواند نباید گناهی انجام دهد، یا - کسی که اهل نماز است باید از چه کارهایی دوری کند؟

کارهای زشت انجام دهد.

در واقع روش فعال در تربیت دینی چگونه ای است که:

1- قدرت انتخاب به مخاطب می دهد تا با موضوع یادگیری و آموزش مورد نظر درگیر شود.

2- فرصت کشف و یادگیری شخصی بجای تحمیل و انتقال یک سویه به فرد داده می شود.

3- «چگونه» یادگیری مفاهیم دینی بیش از «چه چیز» یادگرفتن و یا چه اندازه

یادگرفتن مهم است.

4- «تعامل» و ارتباط دو جانبه بجای «تحکم» و ارتباط یک طرفه انجام می گیرد.

5- درک متقابل، احترام متقابل و ارتباط دو سویه از جانب والدین بویژه برای فرزندان نوجوان در فرآیند تربیت دینی مورد توجه قرار می گیرد. (1)

گفتار چهارم: اموری که والدین باید در خانه برای جذب فرزندان به نماز، به کار گیرند

مقدمه

خانه و خانواده، اولین مکان تربیتی فرزندان هستند و بیشترین تأثیر را در امر تربیت ایفا می کنند؛ چراکه فرزندان بیشتر عمر خود را در آن به سر می برند. بنابراین لازم است این محیط دارای شرایطی باشد که در جذب فرزندان به نماز، بیشترین تأثیر را می گذارند، و این شرایط را باید والدین عزیز فراهم نمایند. مهمترین اموری که والدین باید در خانه بکار گیرند، عبارتند از:

- آماده سازی جوّ خانه: در مورد آماده سازی جوّ خانه برای واداشتن کودک به نماز، اموری را که باید رعایت کرد از این قبیل هستند:

1- دقایقی قبل از نماز، والدین آماده تطهیر شوند و وضو بگیرند؛

2- با شنیدن صدای اذان، والدین، رو به قبله بنشینند و ذکر اذان را زمزمه کنند، حتی از فرزندانشان بخواهند او هم اذان بگوید؛

3- دعوت از فرزندان برای نماز با خوشرویی، که وقت نماز است، زمان سخن گفتن با خداست، بیاید آماده شوید که نماز بخوانیم؛

4- تهیه کردن مهری قشنگ، تزیینی زیبا و جانماز برای فرزندان؛

5- تهیه لباس زیبا برای پسران و چادر نمازی قشنگ برای دختران؛

ص: 58

1- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 95-99.

6- تسریع در آمادگی برای نماز، بگونه ای که کودک احساس مسئولیت والدین را در مورد آن دریابد و ببیند که آنها چگونه همه کارهای خود را بخاطر نماز رها کرده و آماده انجام فریضه شده اند.

7- بیدار کردن کودک هنگام صبح برای اجرای برنامه نماز، که بر طبق دستور صریح اسلام بر عهده پدر است. او باید خود زودتر از اعضای خانواده بیدار شود و فرزندان خود را با صدای خوب، گرم و دلپذیر بیدار کند، به این صورت: علی جان من، فاطمه جان من، برخیز وقت نماز است... و آنقدر صدا کند تا آنها هشیار شوند و پس از هشیار شدن، آنان را به خود رها کند و خود بدنبال وضو و تطهیر برود. پس از بازگشت اگر بچه ها را در حال خواب دید، مجدداً با همان صدا و نوازش، آنها را صدا کند تا هشیار شوند. و وقتی که جواب دادند آنها را به خود رها کند و خود بالای سر آنها با صدای بلند نماز را شروع کند؛ پس از نماز اگر باز هم آنها در خواب بودند، به سر وقتشان برود، با صدای دلپذیر، با کشیدن دست بر سر و روی آنها، با نوازش بدنی، گاهی هم تحت شوخی با بچه ها به صورت بغل کردن و وایستادن آنها بیدارشان کند، به دستشویی راهنماییشان نماید و حتی صورتشان را بشوید تا کاملاً هشیار و آماده نماز شوند.

در همه حال باید سعی کرد خاطره بیدار کردن برای نماز را برای بچه ها دلپذیر ساخت، بگونه ای که از آن صحنه ها خاطره تلخی در ذهن نداشته باشند. اگر این کار تنها به مدت یک هفته بطور منظم تعقیب شود، بصورت عاداتی مناسب در آنان باقی خواهد ماند و یا از آن احساس سنگینی نخواهند داشت. (1)

ص: 59

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 167 و 168.

- گفتن اذان و اقامه در خانه

اذان سرودی است آسمانی و شعاری موزون، کوتاه، پر محتوا و سازنده که در بردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است؛ اذان صدایی است که به آسمانیان می رسد و شیطانها را به فرار و میدارد. در احادیث اشاره شده در خانه هایتان اذان بگوئید تا شیطان طرد شود و فرزندانتان با این نغمه ملکوتی آشنا شوند. والدین باید سعی کنند بچه ها را به اذان گفتن تشویق کنند و روحیه حق گوئی را در آنان پرورش دهند؛ (1)

و در این مورد باید به مولا و سرورمان امام حسین (علیه السلام) اقتدا نمایند، آنجا که ایشان در نیمروز گرم عاشورا و در بحبوحه جنگ، به فرزند جوان خود فرمودند:

«اذان و اقامه بگو، پس اذان و اقامه گفتند و آن حضرت قیام فرمودند و نماز را در میدان نبرد اقامه کردند». و این اهمیت و ضرورت تکرار اذان و اقامه را از بدو تولد تا واپسین لحظه های نشان می دهد. (2)

البته کسی که اذان را می گوید باید دارای صفات خاصی باشد. در متن اسلام آمده است که مستحب است مؤذن «صیّت» یعنی خوش صدا باشد، زیرا طبع آدمی اینطور است که وقتی اذان را از یک خوش صدا می شنود، جملات آن، جور دیگری بر قلبش اثر می گذارد و اثر پذیری سریع تر است. (3)

- تنظیم برنامه خواب بچه ها

در روایات آمده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر آیه:

« فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ؛ پس از آنان،

ص: 60

1- . در سها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 62.

2- . نماز شناسی؛ حسن راشدی؛ ج 1؛ ص 149.

3- . پرستش آگاهانه؛ ص 96.

جانشینانی بجای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند» (1).

فرمودند:

« بعد از من مردمانی می آیند که اسیر شهواتند، نماز جماعت را ترک می کنند، شبها دیر می خوابند و نماز صبحشان از دست می رود» (2).

با توجه به فرموده رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، پی می بریم که والدینی که در اندیشه روح و روان و آینده فرزند خویش هستند، باید زمان خواب بچه ها را طوری تنظیم کنند که با شادابی بتوانند نماز و مراسم دینی را انجام دهند (3).

– صبر و حوصله والدین در سفارش فرزندان به نماز

بسیاری از خانواده ها می گویند از بس بچه ها را به نماز سفارش کردیم خسته شدیم. در پاسخ به آنها باید گفت: مسائل حیاتی را باید مستمراً و با زبانهای گوناگون و متنوع و شیوه های مختلف مطرح کرد. چطور ما از توصیه در مورد غذا هیچگاه خسته نمی شویم و حیات بچه ها را با غذا و هوا مرتبط می دانیم؟ باید باور کنیم غذای روحی بچه ها و اکسیژن جان آنان و خوشبختی دنیا و آخرتشان به رابطه آنها با آفریدگار مهربان بستگی دارد، چس با دلسوزی بدنبال راههای جدید، بیانهای جذاب و ابتکار در طرح مسئله باشیم (4).

خداوند متعال در قرآن عزیز می فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ ای پیامبر 7 خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر انجام آن شکیبا باش...» (5).

ص: 61

1- . مریم؛ آیه 59.

2- . وسایل الشیعه؛ شیخ محمد بن حسن حر عاملی؛ ج 15؛ ص 343.

3- . درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ ص 66.

4- . همان؛ ص 64 و 65.

5- . طه؛ آیه 132.

و ما اگر به عنوان مسلمان حقیقی، پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را بهترین الگوی خویش می دانیم، پس باید با صبوری زیبا در برابر نافرمانی و ناسازگاری های اولیه فرزندان در تن ندادن آنها به تکالیف دینی، و با تفکر و تأمل برای کشف راههای مناسب و شیوه های مؤثر در برخورد با اینگونه مشکلات، راه را در هموار کردن پیدایش حس دینی آنها باز کنیم. (1)

روایات در رابطه با صبر و حوصله بسیار است که از آن جمله روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که شنیدنی و بسیار آموزنده است. آن حضرت می فرماید:

«روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حال نماز خواندن بود و امام حسین (علیه السلام) (که هنوز بخوبی زبانش باز نشده بود) در کنار حضرتش ایستاده بودند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شروع نماز، تکبیرة الاحرام گفتند، امام حسین (علیه السلام) نیز سعی کردند که الله اکبر بگویند اما نتوانستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره تکبیر گفتند و امام تلاش می کردند که الله اکبر بگویند اما باز نتوانستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا هفت بار گفتن تکبیرة الاحرام را تکرار کردند، تا اینکه در تکبیر هفتم زبان امام حسین (علیه السلام) باز شد و تکبیرة الاحرام درست ادا کردند. امام صادق (علیه السلام) در پایان فرمودند: از این رو بود که هفت تکبیر سنت شد». (2)

- آسان گیری در عبادت فرزندان

یکی از نکات مهم در تشویق فرزندان به نماز، آسان گیری و سهولت در برنامه عبادی آنان است، و اگر این موضوع رعایت نشود، برنامه تربیتی موفق نخواهد بود.

ص: 62

1- . نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ ص 70.

2- . وسایل الشیعه؛ ج 6؛ ص 20.

سیره ائمه (علیهم السلام) ائمه (علیهم السلام) هم ابتدا بر آسان گیری بوده است. به عنوان نمونه آنان به فرزندانشان دستور می دادند نماز مغرب و عشاء و نیز ظهر و عصر را با هم بخوانند، با اینکه بزرگسالان این نمازها را در چهار وقت جداگانه می خواندند. (1) بین شیعه و اهل سنت در جمع کردن نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء، اختلاف نظر است. اما فقهای شیعه متفقاً جمع بین این نمازها را جایز می دانند، هر چند برای اقامه نماز در پنج وقت، فضیلت بیشتر قائلند.

ائمه (علیهم السلام) برای اینکه کودکان نسبت به نماز علاقه بیشتری نشان دهند و از سوی دیگر فشار نیز بر آنها وارد نشود، فرمودند:

«کودکان را مقید به پنج وقت نکنید و اگر خواستند نمازهای مغرب و عشاء را یکباره نخوانند، بگذارید چنین کنند، چون امکان دارد در فاصله بین نماز مغرب و عشاء خوابشان برده ناچار باشید که آنها را از خواب بیدار کنید تا مجدداً نماز بخوانند و این امر برای کودکان سخت است. لذا جمع خواندن دو نماز برای آنها بهتر است تا اینکه بخوابند و نماز عشاء را نخوانند.» (2)

بنابراین این نکته ای مهم است که در سالهای اول و مخصوصاً در دوران خردسالی، در نماز بگونه ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز را برای او امری سنگین و کسل کننده نسازیم. به مصلحت اوست که نمازها با ذکرهای طولانی و رکوع و سجود خسته کننده نباشد. حتی مستحب است بخاطر چند کودکی که با ما به نماز ایستاده اند آن را سریع تر بخوانیم و از برخی کارهای مستحبی صرف نظر کنیم. والدینی که اصرار دارند حتی از روی جبر و اکراه، بدون توجه به حال و روحیه کودک، او را نماز خوان بار آورند، ناخودآگاه لامذهب های آینده و افرادی عقده ای را می پروراندند. چنین افرادی در نخستین فرصتی که به

ص: 63

1- . آثار تربیتی نماز؛ ص 131.

2- . نماز در آینه وحی؛ ص 59.

قدرت و استقلالی دست یابند ترک دین و عبادت خواهند گفت، و شاهد . نمونه در این زمینه کم نیست. (1)

- گرفتن جشن تکلیف

از بهترین و شیرین ترین دورانی که بر فرزندان می گذرد، دوران بالغ شدن آنهاست. بچه ها در این مرحله احساس می کنند که شور و نشاط عظیمی در روحشان دمیده می شود و گویی به جهان تازه ای گام می نهند. آنان با تحولاتی که در روح و جسم خود می یابند به خدا توجه می کنند که بر آنان منت نهاده و آنان را در آستانه شکوفایی و رشد و بالندگی و حرکت بسوی کمال لایتنایی و تقرب به درگاه مقدس خود دعوت کرده است.

مراسم جشن تکلیف، پاسخ مثبت و مؤثری است به حالات و عواطف درونی نوجوانان. این مراسم بر شخصیت پاک و پر انرژی نوجوانان صحه می گذارد و آنان را در قبول مسئولیتهای دینی و انسانی، مستعد و پر توانتر می سازد. بنابراین والدین گرامی باید خدا را بر این عطیه و احسان بی منت شکر نموده آن روز را جشن بگیرند. شایسته است که این جشن بخوبی برگزار گردد و مجالس عمومی و خصوصی برای آن تشکیل شود و پدر یا بزرگ خاندان، درباره عظمت تکلیف و مکلف شدن و مسائل مربوط به آن سخن بگوید.

چه نیکوست آن هدیه ها و دسته گلها که در مراسم جشن تولد آورده می شود، برای جشن تکلیف باشد و چه خوب است که هدیه ها، کتاب و نوارهای سودمند باشد. اگر به نوجوانی که به سن تکلیف رسیده بیان شود که از این لحظه خداوند به تو توجه و لطف ویژه ای دارد، و بر اثر لیاقتی که در وجود تو نهفته است این مسئولیت سنگین را بر دوش نهاده و درهای کمال و ترقی و در نتیجه شاهره

ص: 64

بهشت جاودان را به رویت باز کرده است، او متحول خواهد شد. (1)

در گذشته نیز برخی از علمای بزرگ بر این روش اهتمام داشته و دوران بلوغ و تکلیف را برای نوجوانان خود جشن می گرفتند و در این جشن بزرگان را نیز دعوت می نمودند. به عنوان نمونه، سید بن طاووس (رضی الله عنه) که یکی از برجسته ترین علمای قرن ششم هجری می باشد و توفیق تشرف به خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) را داشته، درباره دوران بلوغ فرزندش خطاب به وی چنین می فرماید:

«اگر من با عنایاتی که خداوند مرحمت فرموده زنده بمانم، روز تشرف تو به سن تکلیف را عید قرار می دهم و صد و پنجاه دینار صدقه خواهم داد». (2)

- همراه کردن القآت سازنده و جهت دهنده در حین ترغیب به نماز

یکی از مسائل مهم در ترغیب فرزندان به نماز این است که والدین هنگام اقامه نماز با کودکان، آموزش نماز را با القآت سازنده و جهت دهنده همراه کنند، تا تأثیر بیشتری در ذهن و روح کودک داشته باشد؛ این القآت در دو جنبه مورد توجه قرار می گیرد:

1- جنبه اثباتی؛ بطوریکه باید به همراه نماز، دائماً به کودک القاء شود، مانند:

- چون بچه نماز خوانی هستی، خدا تو را بیشتر دوست دارد؛

- من که پدر یا مادر تو هستم تو را بخاطر نماز خیلی بیشتر از وقتی که نماز نمی خوانی دوست می دارم؛

- فرزندم نماز خوان است، و خدا نماز خوان را به بهشت می برد؛

- خدا از آدم نماز خوان راضی است، من هم از تو راضی هستم؛

- حتی اشکالی ندارد که در مواردی در حضور مهمانان از فرزندان خود تعریف

ص: 65

1- . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)؛ ص 293 و 294.

2- . شیوه های رفتار با جوانان از منظر ولایت؛ ص 17.

کنیم، که: پسر الحمدلله بزرگ شده و نماز می خواند؛ دخترم، بزرگ و فهمیده شده به همین علت نماز می خواند.

2- جنبه نفی؛ که در القآت مربوط به نفی، مصداقهای گوناگون: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» را به او تفهیم می کنیم. مثلاً متذکر می شویم که:

- تو آدم نماز خوانی هستی، دروغ گفتن از تو بعید است؛

- از تو که آدم نماز خوانی هستی انتظار ندارم که پدر یا مادرت را اذیت کنی؛

- آدم نماز خوان که تنبل نمی شود؛

- آدم نماز خوان که حرف بد نمی زند، کار بد نمی کند و... .

والدین باید توجه داشته باشند که این القآت، بصورت مکرر و مداوم و برای موارد خاص، بیشتر مورد اتکا باشد. البته ذکر فضایل نماز، یاد آوری نقش آن در سازندگیها و رشد جنبه های اخلاقی و انسانی بر اثر آن، خود در این راه مؤثر است و والدین و مربیان این مسأله را همه گاه باید متذکر شوند. (1)

گفتار پنجم: سفارش برخی بزرگان به نماز

مقدمه

از آن جهت که نماز ستون دین و معراج مؤمنین است، و حتی در ادیان قبل از اسلام هم وجود داشته، از دیر باز سفارشهای زیادی در مورد آن شده است. به همین جهت بنا داریم در این فصل از بخش پایانی تحقیق، به برخی از این سفارشات وارده از بزرگان بپردازیم. به امید آنکه همگی، این سفارشات راهگشا را فراگرفته و در تمامی عرصه های زندگی به آنها عمل نماییم.

- اهمیت نماز، در سخن امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

«مردم، خواندن و اقامه نماز را برعهده گیرید، و آن را حفظ کنید؛ زیاد نماز

ص: 66

1- . نماز در سیمای خانواده؛ ص 174 و 175.

بخوانید و با نماز، خود را به خدا نزدیک کنید، چراکه خداوند متعال فرموده اند: (نماز دستوری است که در وقتهای خاص بر مؤمنان واجب گردیده است) (1) آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرانی دهید. آن هنگام که از آنها پرسیدند: (چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: ما از نماز گزاران نبودیم). (2)

همانا نماز، گناهان را چونان برگهای پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردنهای می گشاید. همانا کسانی از مؤمنان، حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنایی چشمشان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود.

خدای سبحان می فرماید: (مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد) (3) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: (خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش). (4)

پس پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام آن شکیبا بود). (5)

- سفارش حضرت لقمان فرزند خود را به نماز

لقمان حکیم در سفارش هایش درباره نماز به فرزندش می گوید:

«فرزندم. نماز بسیار بخوان. هرگز نماز را از اول وقت به تأخیر مینداز و دین خدا را نسبت به اول وقت نماز، فوراً ادا کن. نماز را با جماعت بخوان، هر چند

ص: 67

1- . نساء؛ آیه 103.

2- . مدثر؛ آیه 42.

3- . نور؛ آیه 37.

4- . طه؛ آیه 132.

5- . نهج البلاغه؛ خطبة 199؛ ص 299.

در سخت ترین حالات و شرایط باشی»⁽¹⁾.

- اهمیت نماز از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله عليه)

امام خمینی (رحمة الله عليه) آن معمار کبیر انقلاب اسلامی و عارف فرزانه، در مورد جایگاه نماز می فرماید:

«نگویید که ما انقلاب کردیم، حالا باید هی فریاد بزنیم. خیر، نماز بخوانید، (نماز) از همه فریادها بالاتر است.» و در جای دیگر فرموده اند: «خدای تعالی دوست دارد که وقت ذکر او، بنده منقطع بسوی او باشد و متضرع و خالص باشد؛ پس سزاوار است نمازگزار، کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد»؛ ایشان فرموده اند: «نماز جمعه در رأس همه امور است، و از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. یکی از برکات این نهضت و انقلاب، همین اقامه نماز جمعه هاست»⁽²⁾.

- مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نماز

«هیچ وسیله ای مستحکم تر و دائمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست؛ مبتدی ترین انسانها رابطه خود با خدا را به وسیله نماز آغاز می کنند و برجسته ترین اولیاء خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می جویند. این گنجینه ذکر و راز را هرگز پایانی نیست و هرکه با او بیشتر آشنا شود، جلوه و درخشش بیشتری می یابد؛ نماز در همه حالات، حتی در میدان نبرد و در سخت ترین آزمایشهای زندگی، اولویت خود را از دست نمی دهد.

انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر، محتاج تر»⁽³⁾.

ص: 68

1- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 416.

2- . توشه ای از خرمن نماز؛ ص 182.

3- . <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2499>.

نتیجه ای که از مباحث این فصل می توان گرفت این است که، برای گرایش و عدم گرایش فرزندان به نماز عوامل متعددی مؤثر است؛ خانواده، عالم نبودن به محتوای نماز، آشنا نبودن به اسرار و فلسفه نماز، عوامل اجتماعی همچون دوستان، رسانه ها و عوامل بسیار دیگری که هر یک به سهم خود می توانند فرزندان را به انجام این فریضة الهی ترغیب و یا بی میل نمایند. اما اگر هر یک از مسئولان تربیتی فرزند، از والدین گرفته تا معلمان، دوستان و مبلغان، محیط سالم و معنوی را برای او فراهم نمایند، قطعاً فرزندان در مسیر درست هدایت خواهند یافت، و نه تنها از عبادت گریزان نمی شوند بلکه با تمام وجود خود خالق هستی را ستایش می کنند.

برای آنکه تشویقهای والدین در گرایش فرزندان به نماز، مؤثر واقع گردد، لازم است که والدین گرامی از روشهای مناسب دعوت و جذب بهره گیرند، و علاوه بر آن، شرایط جذب را نیز در منزل فراهم نمایند. چراکه بکاربردن روشها به تنهایی و بدون همکاری اعضای خانواده و بویژه والدین باهم و بدون کمک گرفتن از معارف اسلامی و سفارشهای بزرگان دین، تأثیر چندانی نخواهد گذاشت.

از این رو به والدین و مشوقین نماز توصیه می شود تمامی جوانب ترغیب و جذب را رعایت نموده و عالماً و عملاً به آنها پردازند.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

عربی

1. اصول کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران؛ چاپ چهارم؛ سال 1365.
2. العین؛ محمد بن احمد فراهیدی؛ مؤسسه النشر الاسلامی؛ قم؛ سال 1372.
3. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، ناشر: دفتر نشر کتاب، قم، 1404 ق.
4. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ناشر اسماعیلیان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1375.
5. انوار التنزیل بیضاوی، عبدالله بن عمر بیضاوی، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، 1418 ق یا 1998 م.
6. بحار الانوار؛ محمد تقی مجلسی؛ انتشارات اسلامیه؛ تهران؛ بی جا؛ بی تا.
7. تفسیر البرهان، سید هاشم الحسینی البحرانی، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، قم، 1415 ق.
8. تفسیر علی بن ابراهیم القمی [چاپ سنگی]، علی بن ابراهیم قمی ' مصحح: محمد رضا المستوفی ' محمد کاظم الرشتی ؛ کاتب: احمد التفرشی .، مؤسسه دارالکتاب، قم ' 1313 ق.
9. تفسیر مجمع البیان؛ فضل بن حسن طبرسی؛ انتشارات نورهی؛ قم؛ چاپ اول؛ سال 1388.

10. علل الشرايع و الاحكام، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق، ناشر مكتبه الحيدريه، قم، 1383، = 1425ق
11. غررالحكم و دررالكلم؛ عبدالواحد الأمرى التيمي؛ دارالكتب الاسلاميه؛ چاپ دوم؛ سال 1427(ه.ق).
12. فروع كافي، محمد بن يعقوب كليني، ناشر قدس، قم، 1388.
13. كنزالدقائق، محمد بن محمدرضا قمي مشهدي، ناشر وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مؤسسة الطبع و النشر، تهران، 1367 ش يا 1990 م.
14. لسان العرب؛ محمد بن مكرم ابن منظور؛ دار الإحياء ترث عربى؛ بيروت؛ سال 1413(ه.ق)
15. مجموعة ورام؛ ورام ابن ابى فارس؛ انتشارات مكتب الفقيه؛ بى چا؛ بى تا.
16. مجمع البيان؛ شيخ فخر الدين طريحي؛ مكتب نشر الثقافة الاسلاميه؛ سال 1376.
17. مستدرک الوسائل؛ محدث نوري؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)؛ قم؛ چاپ اول؛ سال 1408(ه.ق).
18. محجة البيضاء، محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى، ناشر: جماعة المدرسين بقم، موسسه النشر الاسلامى، قم، 1417 ق.
19. مستدرک الوسائل، حسين بن محمد تقى نوري، ناشر موسسه آل البيت (عليه السلام)، الاحياء التراث، قم، 1360 ق.
20. ميزان الحكمه ، محمد محمدى رى شهرى، ترجمه حميدرضا شىخى ؛ مقابله و تصحيح على حچيمى ... [و ديگران] ، موسسه علمى فرهنگى دارالحديث، قم، 1386.
19. وسايل الشيعه؛ شيخ محمد بن حسن حر عاملى؛ مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث؛ بيروت- لبنان؛ چاپ سوم؛ سال 1429(ه.ق).
20. وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، شيخ محمد بن حسن حر عاملى دار احياء التراث العربى، بيروت، 1367.

1. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، ناشرصدرا، تهران، 1358.
2. آثار تربیتی نماز؛ سید محمد زکی دوغان (حسینی)؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1390.
3. انسان کامل؛ شهید مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا؛ چاپ یازدهم؛ دی ماه 1373.
4. پرستش آگاهانه؛ محمد رضا رضوانطلب؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1375.
5. تفسیر نمونه؛ آیه الله مکارم شیرازی؛ دارالکتب الاسلامیه؛ چاپ بیست و هفتم؛ سال 1386.
6. تعلیم و تربیت در اسلام؛ شهید مرتضی مطهری؛ انتشارات الزهراء (سلام الله علیها) تهران؛ سال 1362.
7. تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاههای امام خمینی (ره)؛ محمد رضا شرفی؛ مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)؛ تهران؛ سال 1379.
8. توشه ای از خرمن نماز؛ اصغر محمدی همدانی؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت؛ چاپ اول؛ سال 1386.
9. جامع السعادات، محمد مهدی النراقی، ناشر نشر اسماعیلیان، تهران، 1428 هـ.
10. جوان در کلام نور؛ مرتضی روحانی؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)؛ چاپ اول؛ سال 1381.
11. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)؛ محمد جواد طبسی؛ دفتر تبلیغات اسلامی قم؛ چاپ اول؛ سال 1374.
12. درآمدی بر نظام خانواده در اسلام؛ محمد رضا سالاری فر؛ نشر هاجر؛ چاپ سوم؛ سال 1388.
13. درسها و پیامهای نماز برای خانواده ها؛ جمشید احمدی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ چهارم؛ سال 1390.

14. راز نماز؛ محسن قرائتی؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ چاپ بیست و یکم؛ سال 1391.
15. رسالت و جایگاه نماز جمعه؛ سید رضا تقوی؛ نور الائمة (علیهم السلام)؛ تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1385.
16. شیوه‌های رفتار با جوانان از منظر ولایت؛ احمد طهماسبی؛ انتشارات یاقوت؛ چاپ هشتم؛ سال 1385.
17. صحیفه نور؛ مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی (ره)؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1370.
18. فرهنگ فارسی عمید؛ حسن عمید؛ انتشارات اشجع؛ چاپ دوم؛ سال 1390.
19. فرهنگ فارسی معین؛ محمد معین؛ انتشارات امیر کبیر؛ چاپ چهارم؛ سال 1360.
20. لغت نامه دهخدا؛ علی اکبر دهخدا؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ چاپ دوم؛ سال 1377.
21. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی، ناشر فراهانی، تهران، 1352.
22. مفاتیح الجنان؛ حاج شیخ عباس قمی؛ ناشر فیض کاشانی؛ چاپ بیست و نهم؛ سال 1386.
23. مسئولیت تربیت؛ محمد دشتی؛ نشر امام علی (علیه السلام)؛ چاپ اول؛ سال 1364.
24. نماز شناسی؛ حسن راشدی ستاد اقامه نماز؛ چاپ یازدهم؛ سال 1385.
25. نماز در سیمای خانواده؛ انجمن اولیاء و مربیان؛ جمهوری اسلامی ایران؛ تهران چاپ اول؛ سال 1376.
26. نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان؛ عبد العظیم کریمی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ هفتم؛ سال 1390.

27. نقش نماز در شخصیت جوانان؛ مصطفی خلیلی؛ نشر زائر؛ قم؛ چاپ پنجم؛ سال 1387.
28. نماز در آینه وحی؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ چاپ دوم؛ سال 1378.
29. نماز زیباترین الگوی پرستش؛ غلامعلی نعیم آبادی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ دوم؛ سال 1379.
30. نماز در قرآن؛ سید ابراهیم سید علوی؛ طلوع آزادی؛ چاپ اول؛ سال 1377.
31. نظام خانواده در اسلام؛ حسین انصاریان؛ نشر ام ابیها (سلام الله علیها)؛ قم؛ سال 1377.
32. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ناشر سازمان انتشارات جاویدان، تهران، 1324 ش.
33. هدایت نوجوان بسوی نماز؛ علی قائمی؛ ستاد اقامه نماز؛ چاپ ششم؛ سال 1373.

چکیده

خانواده یکی از ارکان اساسی رشد و تعالی به شعار می‌رود. اهمیت خانواده در اسلام بسیار بالاست و نقش آن در هدایت و سازماندهی افراد خانواده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. پایه‌های این کانون بر بالندگی و سلامتی پدر و مادر استوار بوده و هر دو به منزله ناخدایی برای هدایت این کشتی به حساب می‌آیند. پدر و مادر اصلی‌ترین تشکیل‌دهنده خانواده بوده و ستون خانه بر شانه‌های آنها استوار می‌باشد.

آموزش دادن قرآن کریم و احکام اسلامی به فرزندان توسط والدین و بزرگ‌ترهای خانواده به اندازه‌ای اهمیت دارد که در روایات و احادیث به عنوان یکی از حقوق فرزندان بر والدین از آن یاد شده است. به عبارت دیگر یکی از وظایف پدرها و مادرها در قبال فرزندان خود این است که آن‌ها را با قرآن کریم آشنا کنند و آداب اسلامی را به آن‌ها آموزش بدهند؛ آموزشی که نه تنها در دنیا و جنب سعادت فرزندان و سرفرازی والدین خواهد شد، بلکه در آخرت و زندگی باقی که نیاز انسان به خیرات بیشتر از هر زمانی است، با پاداش فراوان و خیر بسیار برای فرزند و والدین همراه خواهد بود.

اهمیت آموزش خواندن قرآن به فرزندان به قدری است که حتی نقل شده که شخصی به نام عبدالرحمن سلمی، روزی خواندن سوره حمد را به یکی از فرزندان

ص: 75

امام حسین علیه السلام آموزش داد. وقتی آن کودک به نزد پدر بزرگوار خود رفت و سوره حمد را برای ایشان خواند، امام حسین % هزار دینار و هزار خلعت به عبدالرحمن به عنوان پاداش دادند و دهان او را پر از مروارید کردند. گروهی از مردمی که شاهد پاداش عبدالرحمن بودند، به این کار امام حسین % خرده گرفته و اعتراض کردند که چرا امام این اندازه به او پاداش داده اند. اما ایشان فرمودند: «این پاداش کجا و پاداش او برای تعلیم دادن سوره حمد کجا؟» (1) این حدیث مهم نشان می دهد که والدین هر اندازه که برای یادگیری قرآن و احکام اسلامی فرزند خود هزینه کنند، برای آن ها مفید خواهد بود و نباید در این زمینه دریغی داشته باشند. چون با این کار، فرزند آن ها به خیری دست پیدا می کند و باقیات صالحات برای خود آن ها هم خواهد بود.

تأکید و تصریح و وصیت حضرت امیرالمؤمنین % به قرآن در کتاب شریف نهج البلاغه بیانگر آن است که پدرها و مادرهای مسلمان با هیچ عنوان و هیچ بهانه ای نباید از آموزش قرآن کریم و همچنین احکام و امور اسلامی به فرزندان خود، غفلت کنند. این موضوع مطلبی است که حتی رسول خدا 7 هم به آن اشاره و تأکید داشته اند.

نمونه آن مطلبی است که در کتاب حلیه الاولیاء نوشته شده، چنانکه شخصی به نام ابورافع که یکی از یاران و اصحاب پیغمبر اسلام 7 بوده، تعریف کرده که روزی آن حضرت به من فرمودند: «برای روز قیامت چه کاری کرده ای؟» من در جواب عرض کردم: «آیا برای آن روز باید پس انداز کنم؟» ایشان فرمودند: «بله، چقدر پول داری؟» گفتم: «40 هزار دینار دارم و همه را برای خداوند متعال می دهم.» نبی مکرم اسلام 7 فرمودند: «مقداری را ببخش و مقداری را نگه دار و به فرزندان

ص: 76

سؤال کردم: «آیا همان طور که ما بر فرزندان خود حق داریم، آن‌ها هم بر ما حق دارند؟» آن حضرت در جواب فرمودند: «بله. حق فرزند بر پدر این است که قرآن را به او آموزش بدهد.»⁽¹⁾

اجر و پاداش بسیار زیادی که اتفاقاً بخش‌هایی از آن از سوی همان فرزندی به پدر و مادر داده می‌شود که به او قرآن را آموزش داده‌اند. باقیات صالحات نمونه‌ای از این پاداش است. یعنی زمانی که والدین از دنیا بروند و به رسیدن خیری از سوی دنیا امیدوار و محتاج باشند، قرآن خواندن همان فرزند و یا انجام کارهای خیر از سوی او، به عنوان پاداشی برای آن‌ها خواهد بود.

اهمیت آموزش خواندن قرآن به فرزندان به قدری است که حتی نقل شده که شخصی به نام عبدالرحمن سلمی، روزی خواندن سوره حمد را به یکی از فرزندان امام حسین % آموزش داد. وقتی آن کودک به نزد پدر بزرگوار خود رفت و سوره حمد را برای ایشان خواند، امام حسین % هزار دینار و هزار خلعت به عبدالرحمن به عنوان پاداش دادند و دهان او را پر از مروارید کردند.

گروهی از مردمی که شاهد پاداش عبدالرحمن بودند، به این کار امام حسین خرده گرفته و اعتراض کردند که چرا امام این اندازه به او پاداش داده‌اند. اما ایشان فرمودند: «این پاداش کجا و پاداش او برای تعلیم دادن سوره حمد کجا؟»

این حدیث مهم نشان می‌دهد که والدین هر اندازه که برای یادگیری قرآن و احکام اسلامی فرزند خود هزینه کنند، برای آن‌ها مفید خواهد بود و نباید در این زمینه دریغی داشته باشند. چون با این کار، فرزند آن‌ها به خیری دست پیدا می‌کند و باقیات صالحات برای خود آن‌ها هم خواهد بود.⁽²⁾

ص: 77

1- میزان الحکمه، ج 13، ص 505.

2- المناقب، جلد 4، صفحه 66.

در همین زمینه در کتاب الکافی نوشته شده است که امام صادق% در پاسخ به سؤال فضل بن ابی قره در خصوص اینکه بعضی از مردم می گویند درآمد معلم قرآن حرام است، فرمودند: «دروغ می گویند. آن ها دشمن خدا هستند و با این بهانه ها می خواهند قرآن تعلیم داده نشود. اگر کسی مبلغی هم اندازه دیه فرزندش به معلم قرآن بدهد، برای معلم حلال است.»⁽¹⁾

سؤالی که شاید برای عده ای ایجاد شود، این است که آیا والدین می توانند به جای اینکه خودشان به فرزند خود قرآن را آموزش بدهند، آن ها را به مراکز آموزش قرآن بفرستند؟ آیا با این کار، حق خود را نسبت به فرزندشان ادا کرده اند؟

این حق چگونه ادا می شود؟

در هر حال ائمه اطهار(، پدران و مادران را برای انجام این وظیفه بسیار مهم تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خدا را در برابر این عمل یادآور شده اند. تا اندازه ای که امام حسن عسکری% فرموده اند: «خداوند پاداش زیادی به پدر و مادر عنایت می کند، اما آن ها با شگفتی سؤال می کنند پروردگارا! این همه لطف و تفضل درباره ما به چه دلیل است؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده! در جواب به آن ها گفته می شود: این همه عنایت و نعمت پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا (قرآن) آموخته اید و او را در آئین اسلام بصیر و بینا تربیت کرده اید.»

مقدمه

قرآن کریم، قانون الهی و هدیه ای آسمانی به جهانیان است. تنها کتاب حقیقی هدایت، برای تمام مردم، در همه ی زمان ها است. مرور زمان، جز بر تازگی و طراوتش نمی افزاید.

ص: 78

1- . الکافی (ط - الإسلامية)، ج 5، ص 121.

اهمیت و ثواب آموزش قرآن به فرزندان

یکی از نعمت های خدای سبحان فرزندان پاک و معصوم هستند که خداوند به پسر عنایت کرده است. کودکان زمینه تربیتی بالایی دارند و هر آنچه به آنها آموزش دهیم فرا می گیرند.

یکی از راه های سپاسگزاری و شکرگزاری از خداوند برای این نعمت های با صفا تربیت درست ایشان است. یکی از مواردی که در مورد فرزندان به ما توصیه شده است آموزش قرآن کریم به آنها است.

آموزش قرآن به فرزند

بیان دین به زبان روز برای عموم مردم یکی از مشکلات جامعه امروزی است، تا همه برداشت صحیح و جامعی از مسائل دینی داشته باشند. تشویق والدین بر آموزش و یادگیری کودکان به مسایل دینی و قرآن می تواند تاثیر شگرفی بر زندگی آنها داشته باشد.

تلاوت قرآن در خانه بر سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تاثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تاثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است.

پرداختن به موضوع تحقیق با وجود گستردگی علوم و معارف، یکی از کارهای دشوار علمی به حساب می آید. ولی با این همه نگرشی بنیادین به آنچه در جامعه می گذرد، ما را با واقعیت هایی آشنا می سازد که پرداختن به آنها لازم و ضروری است شاید در نگاه اول، این بینش اساسی نبوده ولی غور و تفحص در این مبانی، دریچه های فراوانی از مجهولات و گاهی غفلت ها را یادآوری می سازد که بازگشایی بابتی در این موضوع می تواند روش های دینی و عملی فراوانی را پیش روی خوانندگان

ممکن است موضوع تحقیقی در بسیاری از موارد به علت پدید آمدن عوامل و حوادث اجتماعی و یا با شنیدن اخبار وحشتناک در مورد فرزندان ما صورت گیرد. و بعضاً جرعه ذهنی در موضوعی خاص به خاطر شدت علاقه به آن مدتی آدمی را با کتاب و قلم مشغول سازد آنچه در این بحث بیشتر دنبال آن خواهیم بود پرداختن به تشویق والدین و نقش متقابل پدر و مادر در خصوص تعلیم و آموزش فرآن این کتاب آسمانی بشریت خواهد بود. همانگونه که می دانیم بشر امروزی در آستانه شروع هزاره سوم درگیر بزرگترین بحرانها شده است او در بحران به دنیا آمده، و زندگی می کند تجزیه و پراکنده می شود و بحرانی به بحران دیگر نقل مکان می کند.

بسیاری از جوامع نیز بحران های خود را به کشورهای دیگر صادر می کنند.

گاهی مراجعات مردم برای بیان دردهای زندگی، نویسنده را در تنگنای فکری قرار می دهد و او را دنبال پیدا کردن راه حل علمی برای این موضوع رهنمون مطالعه و تحقیق می نماید تا با جمع آوری معلومات و یافته های خویش، بتواند گره های تربیتی را که به دلیل ریشه دار بودن آنها وقت و زمان زیادی را معطوف خویش می نمایند باز کند و والدین سردرگم در مسائل تربیتی فرزندان را از پيله های ندانم کاری که به دور خویش تنیده اند رها سازد.

البته والدین در هر کجای این کره خاکی که بوده هرگونه بینش و ایدئولوژی مکتبی که باشند، خواستار تربیت کودکانی صالح و نیکو هستند. و بی شک اولین هدف و آرمان آنها تربیت اصولی و دینی فرزندان است که با چارچوب فرهنگ خانواده و اجتماع سازگار بوده و پاسخگوی نیازهای والدین و فرزندان باشد.

اهمیت مسئله تعلیم و تربیت در ارتباط تنگاتنگ با خوشبختی و شقاوت اخروی انسان است بنابراین دانستن روش های صحیح تعلیم و تربیت از نیازهای اساسی والدین شمار می آید تربیت صحیح و سالم و بخش تا حد زیادی در اختیار

پدر و مادر می باشد و باید از همان ابتدای کودکی حتی قبل از تولد به این مهم توجه داشته و نهایت کوشش و تلاش خویش را در جهت تربیت اولاد صالح معطوف دارند.

اما مطلبی که یادآوری آن لازم به نظر می رسد، ناآگاهی و ندانستن راه های درست به کارگیری آداب تعلیم و تربیت در میان بسیاری از والدین می باشد اگر با اصول کلیدی تربیت آشنا باشیم، بی شک در بن بست های تربیتی گرفتار نخواهیم شد. ولی با این همه عدم آشنایی پدر و مادر در مواقعی بسیار سبب پدید آمدن حوادثی می گردد که روحیه لطیف فرزندان و آرامش ذهنی و روحی آنها را در اثر آب و نگرانی فرو برده و بی مهری و کمبود محبت را در آسمان آبی دلهای پاک و پرامید آنان، آوار می سازد و درخت باصفای زندگانی آنها را با طوفانهای خشم و کینه می لرزاند و در این صورت است که دیگر اجازه روشن شدن ارتباط با خانواده را سلب می کند و این همه ناشی از برخورد غیر منطقی در پیشامدهای بوجود آمده نمائند که عواقب این برخوردها می تواند آبیاری کننده ریشه های درخت کینه و ناسازگاری فرزندان باشد.

هرگز گمان نکنید که مسئولیت شما اداره زندگی مادی و مراقبت های جسمی کودک است. بلکه مهمتر و بالاتر از مسئله جسم، تربیت و تامین نیازهای روحی و روانی کودک بوده که اساس شخصیت و حقیقت انسانی نیز در همین روح نهفته است. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

العلم فی الصغیر کالنقش فی الحجر

العلم فی الصغیر کالنقش فی الحجر (1)

آنچه در کودکی آموخته می شود همانند نقشی است که بر روی سنگ، حک و ترسیم شود این کتاب شامل موارد تربیتی والدین و تشویق فرزندان به سمت آموزش و تعلیم قرآن می باشد و سعی بر آن گردیده تا با قلمی شیوا در صفحه کتاب

ص: 81

به رقص در آوریم و با آهنگ صفا و صمیمیت خاطرات تلخ گذشته را سوزانده و سرود شادی و نشاط را دوباره زمزمه نماییم. حق آموزش و تعلیم قرآن به فرزندان به عنوان حقی از طرف فرزند بر عهده والدین مطرح است. این حق به ویژه در مورد پدران مصداق دارد و در احادیث به طور ویژه از پدران یاد شده که در قبال فرزندان خود وظیفه دارند به آن ها قرآن و احکام اسلامی را آموزش بدهند.

یکی از احادیث معتبر و مهمی که به این حق فرزند که بر عهده پدرش قرار داده شده اشاره می کند، حدیثی به نقل از حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام است که فرموده اند: «حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر او بگذارد، نیکو تربیتش کند و به او قرآن را بیاموزد.» (1) حتی آن حضرت در وصیت نامه ای که خطاب به فرزند ارشد خود، امام حسن مجتبی علیه السلام، نوشته و ثبت کرده اند، به این نکته اشاره دقیقی دارند. این مطلب در کتاب شریف نهج البلاغه هم درج شده است، مبنی بر اینکه آن حضرت فرموده اند: «چنین دیدم که قبل از هر چیز، کتاب خداوند عزوجل و تفسیر و تأویل آن و شرایع و احکام اسلامی و حلال و حرام آن را به تو آموزش دهم و جز این به چیزی نپردازم.» (2)

تعلیم قرآن و نقش مادر

قرآن، معجزه پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و آخرین کتاب آسمانی است که از طرف خدای متعال برای هدایت بشر نازل شده است.

پر واضح است که هدف از نزول قرآن، عمل به دستورات آن است اما در عین حال، خواندن و تلاوت قرآن هم اثرات خاصی دارد و حتی نگاه کردن به آیات قرآن هم دارای فایده است.

ص: 82

1- . نهج البلاغه، حکمت 399.

2- . نهج البلاغه، کتاب 31.

از این رو نقش پررنگ مادر در خصوص انس با قرآن و انتقال این حس به فرزند یا فرزندان نباید غفلت شود.

فواید خواندن قرآن در بارداری

بینیم اثرات، خواص و فواید تلاوت قرآن در دوران بارداری بر مادر و جنین چیست؟

خواندن قرآن در تمام طول دوران زندگی امری شایسته است و به خصوص آن که به دستورات و رهنمودهای این کتاب آسمانی هم عمل شود.

یکی از مراحل زندگی، مرحله بارداری در خانم ها می باشد.

تأثیر خواندن قرآن بر آرامش مادر باردار

یکی از مسائل بسیار مهم در طی دوران بارداری، آرامش مادر باردار می باشد.

آرامش مادر باردار نه تنها برای خود مادر مهم است بلکه تأثیر مستقیمی بر آرامش و سلامتی جنین هم دارد.

تلاوت قرآن در بارداری نقش موثری بر آرامش مادر باردار دارد و خدای متعال هم در قرآن کریم بر آرامش قلب ها با یاد خدا اشاره نموده و می فرماید: بدانید که قلب ها فقط با یاد خدا آرامش می یابند. (1)

تأثیر تلاوت قرآن بر آرامش فرزند

شاید شما هم در اطراف خود کودکانی را دیده باشید که از یک آرامش خاصی برخوردار هستند.

البته آرامش در کودکان به هیچ وجه به معنای کسلی یا تبلی یا ناراحتی های جسمی و روحی نیست بلکه کودکان آرام در کنار تمام فعالیت های طبیعی خود از یک حس آرامش خاصی برخوردار هستند و حرکات ناخوشایند و ناموزون از آن ها

ص: 83

سر نمی زند. علل و عوامل مختلفی در طی دوران بارداری و آبستنی بر آرامش جنین تاثیر دارد و یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار بر آرامش روحی جنین ، تلاوت قرآن در دوران بارداری است.

مادران باردار در صورتی که خودشان قادر به تلاوت قرآن باشند می توانند قرآن را بخوانند و اگر به دلایلی چنین امکانی برای خودشان وجود نداشته باشد می توانند نوار قرآن بگذارند یا در محیط هایی بروند که قرآن تلاوت می شود. با تلاوت قرآن در بارداری ، شما مادر محترم، یک حس آرامش معنوی و خدایی به فرزند خود هدیه داده اید.

خوردن (میوه ها و غذاها)

اما از نظر تغذیه به مواردی در روایات ما به آن اشاره شده است که به برخی از آنها فهرست وار اشاره می کنیم که می توانید مفصل تر آن را در کتابهایی که در این رابطه نوشته شده است ملاحظه فرمائید.

فی روایه: عن الحسن بن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):

اطعموا حبلاکم اللبان فان الصبی اذا غدّی فی بطن امر باللبان اشتد قلبه و زید فی عقله، فان یک ذکراً کان شجاعاً و ان ولدت أنثی عظمت عجیزتها بذلک عند زوجها.

در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود:

زن حامله «به» بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزند صافتر باشد. یا خوردن گلابی سفارش شده است.

در روایتی آمده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

زنی که تازه وضع حمل کرده خرما بخورد تا فرزندش بردبار شود.

خوردن ماهی، کرفس، لوبیا در تقویت نور چشم بچه و جنین تأثیر زیادی دارد.

که حتی خوردن ماهی، در رنگ فرزند تأثیر مستقیم دارد، خوردن میوه ها

مخصوصاً سیب درختی هم بسیار مفید می باشد.

اما آنچه «خواندنی» است و تأثیر مثبت بر جنین دارد قرآن خواندن تأثیر فراوانی در روحيات فرزند می گذارد.

لازم به ذکر است که مداومت بر خواندن ادعیه ای هم که مأثور از اهل بیت (علیه السلام) می باشد همچنان که در روح و جان انسان و مادر تأثیر دارد. بر جنین و فرزند هم تأثیر دارد.

از نظر روانی و عاطفه

اگر مادر در دوران بارداری از آرامش روحی و روانی برخوردار باشد و بتواند در همه مراحل بارداری خود را در شرایط مثبت روحی قرار دهد به گونه ای که هیجاناتی و استرسهایی که موجب افسردگی و ملال آوری می شود پرهیزد یقیناً فرزند او هم از نظر روحی و روانی دچار مشکل و ناملایمات نخواهد شد.

اما بالعکس مادرانی که در دوران بارداری نتوانند در شرایط مطلوب روحی باشند فرزندان آن ها هم از این مشکل بی نصیب نخواهند ماند. پس در نتیجه فاکتورهای متعددی وجود دارد که اگر در کنار هم قرار گیرند و هم راه هم باشند و به آنها در عرض هم نگاه شود فرزند انسان در خیلی از موارد آنگونه که انسان انتظار دارد خواهد بود.

در پایان چند کتاب را به عنوان کمک برای بالا بردن اطلاعات شما معرفی می نمائیم:

در کتاب ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، توصیه های عبادی و خوراکی را در ایام بارداری به طور مفصل ذکر کرده است که برای نمونه یک مورد را ذکر می کنم.

در ماه اول: در روزهای پنج شنبه و جمعه خواندن سوره یس و الصافات سفارش شده که آنها را به بخواند و به بدهد، صبح ها کمی سیب شیرین بخورد، روزهای جمعه قبل از صبحانه انار شیرین بخورد، قبل از طلوع کمی از تربت

سیدالشهداء بخورد، در نمازهای یومیه قبل از نماز حتماً اذان و اقامه را بگویند و دست روی شکم خود بکشند، هر روز دو عدد خرما را سوره قدر بر آنها بخواند و ناشتا بخورد.

برای هر ماه اعمال و مطالبی را ذکر کرده است که برای اطلاعات بیشتر به آن کتاب مراجعه نمایید.

البته عمده روایات این مبحث را مرحوم مجلسی در بحارالانوار ج 101 ص 77، ابواب اولاد و احکام آنها آورده است. اما خوردنی ها هم مانند گلابی سیب، خرما، کاسنی، خربزه، انار، انجیر، کندور توصیه شده است.

امام حسن (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کنند که حضرت فرمودند:

غذای زنان باردار شیر باشد چون بچه اگر در شکم مادر از شیر تغذیه کند قلبش محکم و عقلش زیاد می شود و اگر بچه پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد زنانه آن به گونه ای می شود که نزد شوهر خود عزیز می شود.

نقش خواندن قرآن در صبور شدن فرزند

صبر یکی از خصلت های خوب و پسندیده انسانی است که خدای متعال هم آن را دوست دارد و در قرآن کریم می فرماید که خدا با صبرکنندگان (صابران) است.

صبر یکی از خصلت های انسانی است که در موفقیت مادی و معنوی انسان نقش اساسی دارد.

خواندن قرآن در دوران بارداری توسط مادر باردار تاثیر زیادی در صبور شدن فرزند دارد.

یکی از سوره های قرآن که تلاوت آن برای صبور و بردبار شدن فرزند بسیار موثر است، سوره والعصر می باشد. مادران باردار می توانند این سوره را به دفعات زیاد در دوران بارداری بخوانند و نیز بر شکم بدمند. ضمناً می توانند هنگام تلاوت

این سوره، دست خود را بر روی شکم خود قرار دهند.

اثر خواندن قرآن در باهوش شدن فرزند

هوش و ذکاوت یکی از سرمایه های ارزشمندی است که خدای متعال در وجود ما انسان ها قرار داده است.

انسان به وسیله هوش و ذکاوت خویش است که می تواند در زندگی مادی و معنوی خود موفق باشد.

یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در هوش و فراست کودکان ، خواندن قرآن در دوران جنینی آنان در زمان بارداری مادر است.

در واقع تلاوت قرآن نقش بسیار ارزشمندی در عاقل شدن فرزند دارد و در قرآن کریم هم بر مساله تعقل در آفرینش و کارهای خدای متعال تاکید فراوان شده است.

اگر خواهان فرزند باهوش و با فراست و عاقل هستیم ، تلاوت قرآن در دوران بارداری را فراموش نکنیم.

سالم شدن فرزند با تلاوت قرآن در بارداری

جنین موجود در شکم مادر در طی دوران بارداری ممکن است به علل مختلفی دچار آسیب شود.

از آن جایی که همه چیز دوران بارداری نمی تواند تحت کنترل و اختیار ما باشد به همین سبب توکل بر خدای قادر متعال و کسب رضایت او می تواند از ایجاد یا تاثیر بسیاری از عوامل مضر سلامتی جنین در دوران بارداری جلوگیری نماید.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: او کسی است که شما را هر طور که بخواهد در رحم های مادران صورت گیری می کند. وقتی که ما در جهت کسب رضا و خشنودی خدای متعال قدم برداریم مطمئنا خدای متعال هم فرزندی سالم به

ما امانت خواهد داد و کمک خواهد کرد تا عوامل مخمل سلامتی جنین کمتر شده یا از بین بروند.

یکی از مصادیق اطاعت از خدا و کسب خشنودی او همین تلاوت قرآن کریم است.

علاوه بر آن، هر سوره از قرآن خاصیتی دارد که مطمئناً از این جهت هم خواندن قرآن بر سلامتی جنین مؤثر است.

دور شدن اغوائت شیطانی از کودک با تلاوت قرآن در دوران حاملگی

اغوائت شیطانی یکی از مسائلی است که از نظر روحی می تواند موجب ناراحتی کودک شود یا حتی بعدها در زمان بزرگسالی ممکن است سبب بروز برخی مشکلات روحی در شخص گردد. قرآن کلام خداست و کلام خدا نور است و هر جا که نور وارد شود تاریکی از بین می رود. با تلاوت قرآن در دوران بارداری، فرزند خود را در تحت تشعشعات نورانی کلام خدا قرار دهیم تا شیاطین نتوانند در روح او نفوذ کرده و موجب ناراحتی شوند. کودکی که از همان ایام جنینی با آیات الهی انس بگیرد مطمئناً تا حد خیلی زیادی از تاریکی های شیطانی در امان خواهد بود.

نقش قرآن در زیبا شدن کودک

اگر خواهان فرزند زیبا هستید یکی از راه های آن تلاوت سوره یوسف بر سیب سرخ و خوردن آن توسط مادر باردار در ماه هشتم بارداری می باشد.

نقش خواندن قرآن در شادابی فرزند

تلاوت قرآن اثر بسیار زیادی بر شادی روح انسان دارد و شادی روح انسان بر شادابی شخص مؤثر است. اگر می خواهیم فرزندانمان شاداب شوند قرائت قرآن در دوران حاملگی را فراموش نکنیم.

آیات قرآن، کلام خدا و کلام خدا هم نور است و تلاوت قرآن در زمان بارداری خانم، بر نورانیت قلب و چهره کودک تاثیر فوق العاده ای دارد.

تاثیر تلاوت قرآن در دفع بلا از مادر و کودک

مادر و جنین موجود در شکم او در طی دوران بارداری ممکن است با انواع بلا یا گرفتاری ها مواجه شوند که خواندن قرآن در دوران حاملگی می تواند تاثیر به سزائی در دفع یا کاهش این بلا یا داشته باشد زیرا برخی از سوره های قرآن خاصیت دفع بلا را دارند. مثلا اتفاق افتاده است که مادری به دلیل ترس از رعد و برق، جنین خود را سقط کرده است و یا مسائل دیگری که ممکن است پیش بیاید. تلاوت قرآن در زمان حاملگی می تواند در دفع بلا از مادر و جنین موثر باشد.

نقش قرآن در صالح شدن فرزند

اگر می خواهیم فرزندانمان صالح شوند یکی از عوامل صالح شدن فرزندان، قرائت قرآن در دوران بارداری است تا طفل از همان ایام جنینی با آیات الهی خو گرفته و کلام الهی در روح و جان او قرار بگیرد تا انشاء... انوار نورانی کلام خدا سبب شود فرزندانمان راه صلاح و رستگاری در پیش گیرند و از بندگان صالح خدا گردند.

این ها از جمله تاثیرات خواندن و تلاوت قرآن در دوران بارداری و حاملگی می باشد که مطمئنا ما از بیان همه تاثیرات خواندن قرآن در این دوران عاجز هستیم و این چند نمونه ذکر شد تا آشنایی باشد و راهی باشد برای رسیدن به خدای متعال و دانستن قطره ای از اسرار کتاب خدا، قرآن مجید. امیدواریم انشاء... خدای متعال به حرمت قرآن مجید، فرزندان سالم، صالح، شاداب و عاقل و دانا را نصیب همه بفرماید.

فرزندان ما بر گردن ما حقوقی دارند که برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را «بلند» در حضورشان بخوانیم.

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندان را نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر علی الخصوص پدر است.

اما آنچه در حیطه به عنوان وظیفه پدر است:

نخست: پدر باید نامی برای فرزندش برگزیند که در جامعه ی اسلامی زینت او باشد و فرزندش بدان نام مفتخر باشد.

نامی که نشان از بندگی خدا داشته باشد؛ مانند: عبدالله و نام های برگزیدگان الهی علیهم السلام که عابدترین بندگان خداوندند.

دوم: چگونگی برقراری ارتباط او را با خدا و امام زمانش و خلق خدا بر پایه ی آموزش های دینی تعلیم دهد.

به عبارت دیگر او را مؤدب به آداب الهی پرورش داده و پیامبر گرانقدر اسلام را در بندگی خدا اسوه ی نیکوی او معرفی کند.

پیامبری که حضرت باقر علیه السلام در معرفی اش فرمودند:

«انّ الله اذّب نبيّه صلى الله عليه و له على محبته فقال: اِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ... خداوند پیامبرش (صلى الله عليه و آله و سلم) را بر محبت و دوستی خود ادب آموخت. سپس فرمود: همانا تو خُلُقِ عَظِيمِ - دین بزرگی - را دارا هستی...» (1)

سوم: اگر بپذیریم که باید قرآن را به او بیاموزد، ناگزیر باید همان قرآنی را که از

ص: 90

خاندان رسالت علیهم السلام آموخته است به فرزندش تعلیم دهد: خواندنش را، ترجمه اش را و تفسیرش را. (1)

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی، حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در هر چیز جز نافرمانی خدای سبحان او را فرمان برد و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکو تربیت کند و قرآنش تعلیم دهد. (2)

این تعلیم قرآن می تواند توسط خود پدر به طور مستقیم صورت گیرد و یا اینکه برای فرزندش معلم قرآن بگیرد که در این رابطه اکثر مسلمین غافل بوده و پدران به این حق عمل نمی کنند.

در روایتی است که اگر معلمی به کودکی «بسم الله الرحمن الرحيم» یاد دهد خداوند آن کودک و آن معلم و پدر و مادر کودک را از دوزخ نجات می دهد. (3)

پدر و مادری که در خانه با صدای بلند قرآن می خوانند اثر تربیتی در روح و جان فرزندانشان می گذارد و آنان را به قرآن علاقمند می کنند.

شیوه های آموزش قرآن به کودکان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند. (4)

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

ص: 91

1- . تفسیر القمی، ج 1، ص 30

2- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 138.

3- . تفسیر منهج الصادقین ذیل یه اول حمد

4- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 825

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبرتان، محبت اهل بیت و قرآن. (1)

برای این که فرزندتان با قرآن آشنا شود:

1. از شیوه همانند سازی استفاده کنید، یعنی در عمل به قرآن اهمیت قائل شوید و تلاوت قرآن را در برنامه خود قرار دهید و با آهنگ آن را بخوانید. اگر ممکن است آهنگ دلنشین و جذاب قرآن را در منزل طنین اندازید تا گوش فرزندتان با آهنگ قرآن انس پیدا کند و فضای خانه از بوی عطر قرآن، معطر گردد.

2. نوارهای ترتیل و تکرار آیات قرآن را که به صورت سی دی ارائه است، تهیه نمایید.

3. ایشان را پس از رسیدن به سنین بالاتر به مراکز آموزش قرآن معرفی نمایید تا با روش صحیح و منطقی فرزندتان را تعلیم دهند. در مراحل مختلف از تشویق دریغ نوزید. (2)

4. کتاب هایی را که در رابطه با روش آموزش قرآن و حفظ آن چاپ شده مطالعه فرمایید که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

- کتاب جرعه ملکوت

- حفظ قرآن در پنج مرحله

- بهترین روش حفظ قرآن

- حافظان نور (که جامعه القرآن الکریم آن ها را منتشر نموده است)

یکی دیگر از نکاتی که در آموزش قرآن در دوران کودکی باید مورد تامل قرار گیرد توجه به ویژگی های کودک و استفاده از قالب های مورد علاقه کودک نظیر

ص: 92

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456

2- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 140

بازی، کاردستی، شعر و قصه و در آموزش است.

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است (1)

حضرت علی (علیه السلام) در جایی به پدر فرزدق، شاعر معروف که فرزند خود را جهت تشویق به خاطر فراگیری شعر و کلام عرب به خدمت حضرت آورده بود فرمودند: "اگر به او قرآن یاد می دادی برایش بهتر بود."

در جای دیگر خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: در اولین قدم برای تربیت تو، از تعلیم کتاب خدا و تأویل آن شروع کردم ..

ائمه معصومین (علیه السلام) پدران و مادران را برای انجام این مهم، فراوان تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خداوند را در قبال این عمل یادآور شده اند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می کند. آنان با شگفتی سؤال می کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است!

در جواب آنها گفته می شود: هذ بتعلیم کما ولد کما القرآن و تبصیر کما آیه بدین الاسلام. " این همه عنایت و نعمت، پاداش شماسست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن را آموختید و او را در دین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید. (2)

روشهای علاقه مند کردن فرزندان به قرآن

دیگران را در اطلاعاتی که از قرآن به دست می آورید، سهیم کنید.

شما از مطالبی که درباره قرآن میخوانید، چیزهایی را میآموزید. پس چرا آن را با خانواده خود در میان نگذارید؟ نکته ای کوتاه از یک آیه، داستانی قرآنی که خیلی به آن علاقه مندید یا خبر یا مطلبی جدید از قرآن که اخیراً مطرح شده است، میتواند

ص: 93

1- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 141

2- . جمعی از استادان، ص 182

جرقه یک گفت وگویی دوست داشتنی درباره قرآن باشد. (1)

بعضی از بچه ها بیشتر به هدف جلب توجه بزرگترها و اطرافیان، قرآن میخوانند و گاهی از اینکه میتوان با هدف کسب معنویت، اخلاق و ... نیز تلاوت کرد، بی خبرند. گرچه از قرآن در کلاسها اطلاعاتی به دست میآورند، اما اگر آنها را به حال خود بگذاریم، قرآن را انتخاب نمی کنند.

بزرگسالان بیشتر به هدف کسب ثواب، تلاوت میکنند. هر چند این کار فی نفسه مطلوب است اما شایسته است به نیت آموختن پیامی اخلاقی یا ... از نامه خداوند، به مطالعه آن پردازند و تدبر نمایند.

اگر پیام هایی و مطالبی را که از مطالعه قرآن به دست می آورید با فرزندان در میان بگذارید، میتوانید آنها را برای خواندن قرآن به قصد درک پیامهای خداوند آماده کنید. با این کار به بچه می فهمانید که به پیامهای قرآن علاقه دارید و دوست دارید آنها نیز به آن علاقه مند شوند. وقتی بچه ها میبینند که چگونه از پیامهای قرآنی که به دست آورده اید، لذت می برید و استفاده میکنید، دیگر کمتر از تلاوت به قصد درک پیام خدا می گریزند.

حتی میتوانید فرزندان را تشویق کنید پیامهایی که از تلاوت قرآن به دست میآورند را با شما در میان بگذارند. میتوانید پرسید: در فلان آیه یا فلان سوره چه چیزی نوشته شده است؟ اما جالبتر از آن است که پرسید: امروز در کلاس قرآن چه چیزی یاد گرفتی؟ (2)

ص: 94

1- . نقش پدر در تربیت دینی فرزندان ص 143

2- . مجله نسیم وحی دی 1386، شماره 10

نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

فرزندان ما بر گردن ما حقوقی دارند که برای آشنا کردن آنها با مهم ترین حقشان باید آن را «بلند» در حضورشان بخوانیم.

تلاوت قرآن در خانه در سایر افراد خانواده اثر دارد، پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی آنان است فرزندانشان نیز به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مند می شوند و این خود یکی از راه های تعلیم قرآن به فرزندان است، زیرا کودک و نوجوان به طور عمده تحت تأثیر سخنان والدین، معلمان و دوستان است و این تأثیر پذیری در کودکی بیشتر از پدر و مادر است.

به این داستان بنگرید تا ببینید نخستین معلم «محمد حسین طباطبایی» پدیده قرنی عصر حاضر کیست؟

«مادر سید محمد حسین (علم الهدی) معمولاً او را با خود به جلسات حفظی که اداره برگزار می کرد می برد، در سن 2/5 سالگی پدرش دریافت که علم الهدی با خود آیاتی از قرآن را زمزمه می کند، لذا با فراست دریافت که او استعداد و آمادگی لازم برای حفظ قرآن را دارد و زمزمه آیاتی از جزء 30 به خاطر حضور او در جلسات حفظ قرآن به همراه مادرش بوده، آیاتی را که شاگردان حفظ کرده و در جلسه تحویل می دادند شنیده و حفظ کرده است.

پس به صورت منسجم حفظ قرآن را با او شروع کرد و نتیجه ای بسیار عالی از موقع شناسی خود در استعدادیابی کودکش به دست آورد که اکنون اثرات آن در داخل و خارج کشور باعث رونق بخشیدن به محافل حفظ قرآن شده است، بنابراین محیط را برای کودک قرآنی کنید و منتظر باشید او پیشقدم شود».

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی، حق پدر

بر فرزند آن است که فرزند در هر چیز جز نافرمانی خدای سبحان او را فرمان برد و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکو تربیت کند و قرآنش تعلیم دهد.

این تعلیم قرآن می تواند توسط خود پدر به طور مستقیم صورت گیرد و یا اینکه برای فرزندش معلم قرآن بگیرد که در این رابطه اکثر مسلمین غافل بوده و پدران به این حق عمل نمی کنند.

در روایتی است که اگر معلمی به کودکی بسم الله الرحمن الرحیم یاد دهد خداوند آن کودک و آن معلم و پدر و مادر کودک را از دوزخ نجات می دهد. (1)

پدر و مادری که در خانه با صدای بلند قرآن می خوانند اثر تربیتی در روح و جان فرزندانشان می گذارد و آنان را به قرآن علاقمند می کنند.

شیوه های آموزش قرآن به کودکان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: "هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند" (2).

یکی از روش های تربیت فرزندان، تشویق به قرائت قرآن است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: "فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبرتان، محبت اهل بیت و قرآن" (3).

برای این که فرزندتان با قرآن آشنا شود:

1) از شیوه همانند سازی استفاده کنید، یعنی در عمل به قرآن اهمیت قائل شوید و تلاوت قرآن را در برنامه خود قرار دهید و با آهنگ آن را بخوانید. اگر

ص: 96

1- . تفسیر منهج الصادقین ذیل یه اول حمد

2- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 825

3- . کنز العمال، ج 16، ص 456

ممکن است آهنگ دلنشین و جذاب قرآن را در منزل طنین اندازید تا گوش فرزندان با آهنگ قرآن انس پیدا کند و فضای خانه از بوی عطر قرآن، معطر گردد.

(2) نوارهای ترتیل و تکرار آیات قرآن را که به صورت سی دی ارائه است، تهیه نمایید.

(3) ایشان را پس از رسیدن به سنین بالاتر به مراکز آموزش قرآن معرفی نمایید تا با روش صحیح و منطقی فرزندان را تعلیم دهند. در مراحل مختلف از تشویق دریغ نوزید.

(4) کتاب هایی را که در رابطه با روش آموزش قرآن و حفظ آن چاپ شده مطالعه فرمایید که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

- کتاب جرعه ملکوت

- حفظ قرآن در پنج مرحله

- بهترین روش حفظ قرآن

حافظان نور (که جامعه القرآن الکریم آن ها را منتشر نموده است)

یکی دیگر از نکاتی که در آموزش قرآن در دوران کودکی باید مورد تامل قرار گیرد توجه به ویژگی های کودک و استفاده از قالب های مورد علاقه کودک نظیر بازی، کاردستی، شعر و قصه و در آموزش است.

ص: 97

یکی از حقوق فرزندان، تعلیم قرآن به آنهاست.

آموزش قرآن از آموزش شعر مفید تر است

حضرت علی (علیه السلام) در جایی به پدر فرزدق، شاعر معروف که فرزند خود را جهت تشویق به خاطر فراگیری شعر و کلام عرب به خدمت حضرت آورده بود فرمودند: “اگر به او قرآن یاد می دادی برایش بهتر بود.” (1)

در جای دیگر خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: در اولین قدم برای تربیت تو، از تعلیم کتاب خدا و تأویل آن شروع کردم ..

ائمه معصومین (علیه السلام) پدران و مادران را برای انجام این مهم، فراوان تشویق کرده و اجر و پاداش معنوی خداوند را در قبال این عمل یادآور شده اند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می کند. آنان با شگفتی سؤال می کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است!

در جواب آنها گفته می شود: هذ بتعلیم کما ولد کما القرآن و تبصیر کما آیه بدین الاسلام. ” این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن را آموختید و او را در دین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید. (2)

حقّ فرزند بر پدر

ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

نخست: پدر باید نامی برای فرزندش برگزیند که در جامعه ی اسلامی زینت او باشد و فرزندش بدان نام مفتخر باشد.

نامی که نشان از بندگی خدا داشته باشد؛ مانند: عبدالله و نام های برگزیدگان

ص: 98

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456

2- . جمعی از استادان، ص 182

الهی علیهم السلام که عابدترین بندگان خداوندند.

دوم: چگونگی برقراری ارتباط او را با خدا و امام زمانش و خلق خدا بر پایه ی آموزش های دینی تعلیم دهد.

به عبارت دیگر او را مؤدب به آداب الهی پرورش داده و پیامبر گرانقدر اسلام را در بندگی خدا اسوه ی نیکوی او معرفی کند.

پیامبری که حضرت باقر علیه السلام در معرفی اش فرمودند: «انّ الله أدب نبيّه صلى الله عليه و له على محبته فقال: إنّك لعلی خلق عظیم... - خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را بر محبت و دوستی خود ادب آموخت. سپس فرمود: همانا تو خلق عظیمی - دین بزرگی - را دارا هستی...» (1).

سوم: اگر بپذیریم که باید قرآن را به او بیاموزد، ناگزیر باید همان قرآنی را که از خاندان رسالت علیهم السلام آموخته است به فرزندش تعلیم دهد: خواندنش را، ترجمه اش را و تفسیرش را.

ص: 99

1- . «الاختصاص» ، «شیخ مفید» ، ص 330

امید است موارد ساده‌ی زیر بتواند به حل مشکل و تقویت مهارت های دانش آموزان در تلاوت قرآن کمک کند:

1- فرزند خود را به مطالعه‌ی روزانه‌ی قرآن عادت دهید. شاید این امکان صبح هنگام به عُلّت خواب آلودگی بچه‌ها فراهم نباشد؛ اما می‌توانید موقع اذان مغرب فرزند خود را ترغیب نمایید که به همراه شما وضو گرفته، نماز بخواند و پس از ادای نماز، از روی عبارت های قرآنی کتاب خود، به عنوان فریضه‌ای که موجب خشنودی خدای مهربان است، بخواند.

به فرزندانتان اجازه دهید که شاهد عبادت های شما باشند و سعی کنید الگوی مناسبی برای فرزندانتان باشید؛ زیرا بچه‌ها بیش از اینکه از کلام ما تأثیر بپذیرند، از رفتار ما می‌آموزند.

تمرین با این شیوه در ابتدای امر ممکن است برای والدین و فرزندان با مشکلاتی به همراه می‌باشد و حتی شاید با مقاومت فرزندتان روبه‌رو شوید؛ اما پس از گذشت مدتی کوتاه باعث پیشرفت های چشمگیری در فرزند شما خواهد شد و این توانایی را در آنان ایجاد می‌کند تا آیات جدید قرآنی را نیز به سهولت قرائت کنند.

فراموش نکنید که:

2- معانی آیات را برای فرزند خود بیان کنید تا فرزند شما بتواند با آیات الهی ارتباط روحی برقرار کند. یکی از دلایل بی‌میلی کودکان نسبت به تلاوت قرآن این است که کودکان ما به دلیل بیگانه بودن زبان عربی، آیات نورانی را جملاتی بی‌معنا تلقی کرده، نمی‌توانند از معنی، بهره‌کافی برخوردار گردند و این وظیفه‌ی ماست که با بیان معانی بلند آیات، آنان را از این چشمه‌ی جوشان سیراب نماییم.

3- به جنبه های التذادی استماع صوت خوش قرآن توجه کنید. سعی کنید حتی الامکان عبارت ها را با صوت و آهنگ دلنشین تلاوت کنید تا فرزندتان از شنیدن آیات قرآن لذت ببرد.

4- سعی کنید برای کودکان خود از داستان های قرآنی تعریف کنید. تعریف داستان های قرآنی - قبل از خواب - برای شما و کودکان خوابی آرام و احساسی شیرین و خاطراتی به یاد ماندنی به همراه خواهد داشت .

5- کودکان را با آداب قرائت قرآن مانند پاکی و پاکیزگی، با وضو بودن، آداب نشستن، گوش دادن به هنگام شنیدن آیات قرآن و... آشنا سازید و آنان را نسبت به رعایت این آداب ترغیب نمایید.

6- به هنگام تمرین آیات در منزل، از خواندن آیات توسط شما و تکرار توسط دانش آموز اجتناب کنید. شیوه ی کار باید به گونه ای باشد که دانش آموز خود سعی در اکتشاف شکل صحیح قرائت داشته باشد و شما به عنوان راهنما فقط توجه فرزند خود را به حرکت حرفی که اشتباه تلفظ کرده معطوف نمایید تا در تلاش های بعدی به شکل تلفظ صحیح کلمه برسد.

تمرین با این شیوه در ابتدای امر ممکن است برای والدین و فرزندان با مشکلاتی همراه باشد و حتی شاید با مقاومت فرزندتان روبه رو شوید؛ اما پس از گذشت مدتی کوتاه باعث پیشرفت های چشمگیری در فرزند شما خواهد شد و این توانایی را در آنان ایجاد می کند تا آیات جدید قرآنی را نیز به سهولت قرائت کنند.

7- رفع برخی از اشکالات به تمرین بیشتر و مرور زمان نیاز دارد. از این رو، نباید انتظار داشته باشید که همه ی اشکالات بلافاصله برطرف شود. (1)

ص: 101

1- . مجلات رشد معلم، فاطمه خاج، آموزگار پایه سوم دبستان خاکره یک، آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز.

قرآن کریم

نهج البلاغه

عربی

1. التذكار في افضل الذكار، محمد بن احمد قرطبي، ناشر محمد امين الخانجي، مصر، 1315 = ق. 1355 .
2. الاختصاص، شيخ مفيد، ناشر جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، قم، 1416ق.= 1374.
3. الميزان في تفسير القرآن، الميزان في تفسير القرآن.
4. امالي، شيخ صدوق، ناشر مؤسسة الاعلمى، قم، بی تا.
5. بحار الانوار، محمد باقر المجلسي، ناشر دار الكتب الاسلاميه، تهران، 1362-1374.
6. تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، ناشر مؤسسه دار الكتاب، قم، 1313ق.
7. سنن، احمد بن علي نسائي، ناشر بيت الأفكار الدولية، عربستان، بی تا.
8. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ابي جعفر محمد بن جرير الطبري، ناشر دار الاعلام، عمان، 2002م
9. صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، ناشر لجنة إحياء كتب السنة، مصر، 1410 قيا 1990 م
10. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، ناشر دار الطباعة العامره، تركيه، 1329-1334ق
11. كنز العمال، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي، ناشر مؤسسه الرساله، بيروت، 1413ق.= 1993م.= 1372.

12. کافی، ثقة الاسلام آبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، بهار 1367

13. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ناشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، 1408ق.

14. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ناشر در الحدیث، قم، 1384ش

15. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ناشر آل البيت، بیروت، سال 1414ق

فارسی

1. ارزش والدین و تربیت فرزند، مهدی دانشمند، ناشر یاس نبی، تبریز، 1380

2. تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشی، با مقدمه و پاورقی ابوالحسن شعرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، 1378ش.

3. جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، (نه مقاله) / 179-182، مشهد، آستان قدس رضوی، خرداد 1364 هـ-ش.

4. زبان شناسی و آموزش زبان های بیگانه، ترجمه حسین مریدی، (هفت مقاله) / 74-76.

5. فصلنامه مشکوة، مدیر مسوول سید محمود مرویان حسینی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ش 87/46 - 47.

6. قرآن از دیدگاه 114 دانشمند، محمد مهدی علیقلی، ناشر سینا، قم، 1375

7. مبانی روانشناسی تربیت، سید احمد هاشمیان، ناشر کتابسرای تندیس، تهران، 1384

8. مجله نسیم وحی، سید محمد مهدی طباطبایی، جامعه القرآن الکریم، دی 1386، شماره 10.

9. مجلات رشد معلم، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، تهران جمع آوری مطالب مرتبط با محتوا توسط فاطمه خاج، آموزگار پایه سوم دبستان خاکره یک، آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز.

ص: 103

10. معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، ناشر آرایه، تهران، 1385

11. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ناشر انصاریان، قم، 1383.

12. نگاهی دوباره به سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، نگاهی دوباره به سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

13. نقش پدر در تربیت دینی فرزندان، سیدمجتبی حسینی نژاد، ناشر اثر قلم، قم، 1399

سایت

1. سایت پرسمان، <https://www.porseman.com>

2. سایت نی نی سرا، <http://ninisara.com>

3. وبلاگ روانشناسی بزنگان، bazangansycho.blogfa.com.

ص: 104

سید مجتبی حسینی نژاد(1)

چکیده

حضرت علی(علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی(علیه السلام) فرموده اند: ... فرزندم؛ از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم پیش از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگون، عقلت را اشغال نماید.

در سال های اخیر همزمان با دغدغه هایی که برای حجاب دختران به وجود آمده است، نگرانی هایی مبنی بر کم رنگ شدن غیرت مردان در جامعه اسلامی مان به وجود آمده است. وجود غیرت دینی در پسران، عاملی اساسی برای عقیف بودن و تشکیل زندگی مشترک است که در سعادت دنیا و آخرت آنان می تواند بسیار اثرگذار باشد. در حدیثی از رسول خدا صلوات الله علیه می خوانیم: هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد به ازای هر قدمی که بر می دارد خانه ای در آتش برای شوهرش بنا می شود.(2)

بدیهی است که ضعیف شدن حیا در زنان با سست شدن غیرت در مردان رابطه مستقیم دارد، از این رو توجه به تربیت پسران بر مبنای غیرت و مردانگی

ص: 105

1- . استاد و محقق حوزه علمیه، سطح 3 حوزه علمیه valayat@gmail.com

2- . بحار الانوار، ج 153، ص 249/ جامع الاخبار، ص 108

در کنار تربیت دختران با حیا، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این نوشتار سعی شده است نکات و راهکارهای عملی برای تربیت پسران بر مبنای غیرت مردانگی، به والدین ارائه شود.

با پیشرفت تکنولوژی باید آموزش، بصیرت و آگاهی از وسایل ارتباط جمعی نیز انجام گیرد و این مهم با همراهی و دوستی خانواده‌ها با فرزندان را لازم دارد.

پدران و مادران می‌توانند با آموزش درست ارزشهای اخلاقی را به فرزندان انتقال دهند. تعلیم غیرت به پسران و عفت به دختران از بزرگ‌ترین وظایف خانواده‌ها در بحث تربیت و اخلاق است.

بنابراین اگر پدری می‌خواهد فرزندان با غیرت تربیت کند باید بداند که چگونه می‌تواند نقش غیرت را در آنها درونی کند. به عبارت دیگر باید به ابعاد غیرت واقف باشد که چگونه و با چه روش‌هایی می‌تواند به فرزندان خود اثرات مثبت غیرت و خطرات بی‌غیرتی که ضرر زننده بنیاد خانواده است را آموزش دهد و این گهر گرانبها را در وجودشان به ودیعه گذارد. آنچه به نظر می‌رسد و می‌تواند تا حدودی به این سوالات پاسخ دهد از قبیل: غیرت پدر، کنترل شهوت، تاصیر دوستان و همکلاسی‌ها، الگوبرداری از شخصیت مهم در اسلام، آگاهی در روابط آنان و بسیاری موارد دیگر.

هدف اصلی این مقاله، آگاهی از غیرت دینی و نقش پدر از دیدگاه اسلام، روان‌شناسی و علوم تربیتی است و اینکه پدران تا چه اندازه می‌توانند در تربیت پسران به ویژه در باب غیرت دینی موثر باشند.

مقدمه

همه‌ی کارشناسان خانواده بر این باورند که رفتارهای والدین اثر مستقیم بر تربیت کودک می‌گذارد. کودک عیناً همه‌ی رفتارهای والدین و اطرافیان نزدیک

را یاد می‌گیرد و به همان شکل انجام می‌دهد. به دلیل این ویژگی فطری که در کودکان وجود دارد، یک روش مؤثر برای آموزش دادن به کودک این است که پدر و مادر برای کودک خود تأثیر بازی کنند، بدین معنی که برای آموزش دادن یک رفتار خاص به او، بدون اینکه مستقیم و بصورت زبانی به او آموزش بدهند، با هماهنگی یکدیگر آن رفتار را طوری انجام دهند که کودک شاهد آن باشد و در قالب گفتگوهایی که با هم دارند، آموزش‌های لازم را به او بدهند.

غیرت از جمله صفات مردانه محسوب می‌شود، لذا ارتباط‌های بیشتر پدر با پسر سبب می‌شود ناخودآگاه پسر صفات مردانه را از پدر یاد بگیرد.

پدر خانواده می‌تواند گاهی به کودک پسر مسئولیت‌هایی بدهد که او را نسبت به داشتن صفات مردانه ترغیب نماید، برای مثال در موقعیت‌هایی خاص به او بگوید که “وقتی من نیستم شما باید مراقب خواهر کوچکتر خود و یا مادر خود باشی.” همچنین گاهی پدر در مقابل کودک خود، حجاب مادر را ستایش کند و از روی محبت نشان دهد که حجاب مادر چقدر برایش مهم است.

یک پدر می‌تواند با کمی دقت و مطالعه در این خصوص، غیرت مردانه را به دور از افراط و تفریط و مناسب با درک و فهم کودک، در او پرورش دهد. در عین حال اجازه دهد تا کودک بچگی کرده و دوران کودکی خود را با آرامش و لذت سپری نماید.

امروزه شاهدیم که بسیاری از والدین از اینکه فرزند پسر یا دخترشان رفتارهای نامتعارف و دور از اخلاق از خود بروز می‌دهد، رنج می‌برند. در واقع ریشه بسیاری از این ناهنجاری‌ها در تربیت نادرست خود والدین وجود دارد، که در آموزش نکات مربوط به حیا، عفاف، غیرت و مردانگی سهل‌انگاری کرده‌اند. امید است والدین با یک بازنگری مجدد و دلسوزانه در روش‌های تربیتی خود و از آن مهم‌تر با رعایت دقیق‌تر حریم محرم و نامحرم توسط خود، بتوانند

دخترانی با حیا و پسرانی با غیرت تربیت نمایند.

برای پرورش فرزندان صالح و شایسته به خصوص پسر در درجه اول، پرورش دهنده و مربی او، باید از خصوصیات ویژه ای برخوردار باشد تا از آغوش پاک و از محیط سالم زندگی برخوردار باشند و این گلهای قشنگ و آراسته و امیدبخش (فرزندان) برای جامعه پرورنده شوند.

هدف اصلی این کتاب، آگاهی از نقش غیرت در تربیت پسر، از دیدگاه اسلام، روان شناسی و علوم تربیتی است و این که پدران تا چه اندازه در تربیت پسران اثر گذارند و چگونه می توانند از پسران خود، پدرانی شایسته را پرورش و تحویل جامعه دهند.

بی تردید، اگر پدران به نقش مهم خود در تربیت فرزندان به ویژه پسران آگاه باشند و از شیوه های سازنده در این زمینه بهره گیرند می توانند افرادی شایسته و مفید را تعلیم و تربیت کنند.

طبیعی است با تحقق بخشیدن به غیرت پسران، بسیاری از مشکلات اجتماعی که امروزه تا حد زیادی وبال جوامع شده است، رفع خواهد شد؛ زیرا بیشتر ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی در جهان کنونی ناشی از بی توجهی پسران به وظایف خود و آشنا نبودن آنان با روش درست تربیت فرزندان است. لذا از مهم ترین ضروریاتی که در این کتاب به آنها می پردازد عبارتند از:

1- شناخت پدران نسبت به مسئله غیرت :

2- آگاهی پدران از تفاوت بین غیرت و تعصب

3- پرداختن به موضوع غیرت به طور مستقل

4- پی بردن به ابعاد غیرت

موارد یاد شده از ضرورت های این کتاب است.

ص: 108

حساسیت افراد به عقیده و مکتب مورد علاقه خود امری اجتناب ناپذیر است و هر چه اعتقاد افراد به دین و مکتب خود بیشتر و عمیق تر باشد، حساسیت دینی آنان نیز بیشتر خواهد بود و کسانی که اهل تساهل و مداهنه هستند، به لحاظ این که وابستگی چندانی به فکر و اعتقاد خود ندارند، حساسیتی از خود در برابر دشمنان دین نشان نمی دهند و نیز آنان که بصیرت دینی ندارند، نمی توانند برای همیشه غیرت دینی داشته باشند؛ چنین افرادی با اولین شبهه، انگیزه جانبداری خود را از دست می دهند. از این رو، در قرآن و روایات اسلامی اهمیت ویژه ای به شناخت و بینش مؤمنان داده شده است.

اگر پدری می خواهد صدقه جاریه و باقیات صالحات برای خود تدارک ببیند، باید به تربیت دینی فرزندش اقدام کند تا هم در دنیا و آخرت از برکات فرزند صالح بهره مند شود و هم به دستور خداوند و تکلیف الهی اش عمل کرده باشد.

مفهوم شناسی

اشاره

برای اینکه دید خواننده نسبت به واژه ها و کلمات موضوع روشن تر و وسیع تر گردد باید هر واژه را در معنای لغوی و اصطلاحی تعریف و توضیح و تفسیر کرد در معنای لغوی، واژه هایی که می توانند به جای کلمه مورد نظر بکار روند، می آید و در معنای اصطلاحی به توضیح و تفسیر بیشتر واژه ی مورد نظر پرداخته می شود در این گفتار، واژه های کلیدی موجود در موضوع بررسی می شود که به ترتیب عبارتند از:

«نقش، پدر، غیرت، فرزند»

لغوی:

واژه «نقش» در معنای متعدد و زیادی به کار رفته است از جمله «رنگ آمیزی کردن(1)،

تصویر، نگارش، خلقت، لیاقت(2) و...»

اصطلاحی:

واژه «نقش» توضیح و تفسیر آن در مواقع مختلفی استفاده می شود مثل «شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن» اما مهمترین و اصلی ترین زمانی که این واژه به کار می رود هنگامی است که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.

جمع این کلمه نیز «نقوش است.(3) در تحقیق مورد نظر مراد از «نقش» معنای اخیر است یعنی «اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد.»

2. پدر

لغوی:

(پَ یا پِ دَ) (ا. 1- جاندار نر (به ویژه انسان) که دارای فرزند است. 2- مجازاً بنیانگذار، پدید آورنده چیزی تازه، مثل پدر شعر نو. 3- عنوان احترام آمیز و مهرآمیز برای مردان سالخورده. 4- بابا، باب، واله. ؛ ~صلواتی نوعی تحسین و تمجید که غالباً برای طعنه زدن به کار برند؛ ~ سوختگی موزی گری، زیرکی و پنهان کاری توأم با بدجنسی. ؛ ~ کشتگی داشتن: کنایه از: دشمنی

ص: 110

-
- 1- . عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ 27، تهران، 1384، ج دوم، ص 1915
 - 2- . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، 1352، شماره مسلسل 134، حرف (ن)، ج 46، صص 696 الی 698
 - 3- . عمید، حسن، همان

دیرینه و سخت داشتن . ؛ ~ سگ الف - دشنامی است برای کسان که پدرش را تا حد سگ پایین می آورند و حقیر نشان می دهند. ب - چیز بسیار بد. (1)

اصطلاحی:

پدر یا بابا یکی از نسبت های خانوادگی است و به والد طبیعی یا اجتماعی مرد گفته می شود و از دید زیست شناختی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی می تواند تعریف های گوناگونی داشته باشد. از دید اجتماعی پدر به مردی که نقش اجتماعی پدری را انجام دهد نیز گفته می شود. امروزه پژوهش های بسیاری درباره اهمیت نقش پدری در رشد روانی و اجتماعی فرزندان انجام شده است. همچنین در گذشته به مرشدانی که می توانستند مریدی را تا مقام حقیقت برسانند بابا می گفتند. (2)

3. غیرت

اشاره

غیرت در لغت و اصطلاح اخلاق عبارت است از حالت دگرگونی نفسانی یک مرد از اینکه ببیند یا متوجه شود که نوامیس خانوادگی او مثل مادر؛ خواهر؛ همسر و دختر او یا نوامیس دیگران در معرض بهره وری حرام قرار گیرد. این دگرگونی نفسانی یا جنبه پیشگیری دارد یا جنبه رفعی و نتیجه آن اقدامات پیشگیرانه یا رفعی است مثل جلوگیری از نشست و برخاست و رفت آمد با افراد نامحرم خصوصاً افراد بیتقوا و لاابالی. این امر در روایات در خصوص غیرت به همسر بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. بعضی تعصب دفاع از دین و مال و تربیت اولاد را نیز از موارد و انواع غیرت شمرده اند. در حالی که در اصطلاح و کاربرد مردم و دین غیرت در مورد تعصب و دفاع از ناموس بکار رفته است. از سوی دیگر غیرتی که مورد سفارش قرار گرفته برای مرد است اما غیرت

ص: 111

1- . فرهنگ فارسی معین، <https://www.vajehyab.com/moein>

2- . ویکی پدیا

زن مذموم است. زیرا اکثر غیرت زن حسادت در مورد حلال است و آن وجود همسر دیگری برای شوهر میباشد. و حال آنکه غیرت در مورد بهره بری ناموسی از راه حرام است نه از راه حلال ولی زن برای حرام بودن غیرت نشان نمی دهد بلکه از وجود زن دیگر چه حلال و چه حرام برای شوهر ناراحت است. و چه بسا از تماس حرام شوهرش با زن دیگر ناراحت نمی شود بر خلاف زمانی که شوهرش بخواهد یک همسر دیگر اختیار کند. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند «غیرت جز برای مردان نیست اما زنها پس همانا غیرت از ناحیه آنها حسادت است و غیرت برای مردان است و برای همین (که غیرت برای مرد است نه زن) خداوند برای زنها جز شوهرانشان را حرام کرده و برای مردان چهار همسر را حلال کرده و در کنار آنها سه زن دیگر را برای مرد» (1)

حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند «غیرت زن کفر آور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست» (2)

زن مؤمن از خود غیرت نشان نمی دهد بلکه زنها کافر و منکر از خود غیرت نشان می دهند. از این رو امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده اند «انما تغار المنكرات منهن فاما المؤمنات فلا» (3)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرموده اند: غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است زیرا زنها هنگامی که غیرت بورزند خشمگین می شوند و هنگامی که خشمگین شدند کافر می شوند مگر آنها که زنها مسلمه باشند» (4)

روایت شده که یک روز زنی عریان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و در جلوی ایشان ایستاد و گفت یا رسول خدا من کار بد کرده ام پس من را (از گناه با مجازات) پاک کن و بدنبال او مردی آمد که لباسی بدستش بود که آن را بر روی

ص: 112

1- . وسایل الشیعه ، ج 14 ص 107

2- . نهج البلاغه ، حکمت ، ص 124

3- . وسایل الشیعه ، ج 14 ، ص 108

4- . همان ، ص 110

زن انداخت؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند جریان چیست؟ گفت این همسر من است ای رسول خدا من با کنیز خود خلوت کرده بودم پس ساخت زخم آنچه میبینی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: او را نزد خودت بگیر؛ سپس فرمودند: همانا زنی که غیرت می ورزد نمی بیند بالای وادی را از پایین وادی. (1)

این نوع حساسیت در بین بعضی حیوانات نیز وجود دارد. عمار می گوید در خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه نشسته بودم هیچ کس آنجا حضور نداشت جز من ناگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: راست می گوید راست می گوید من متوجه چپ و راست شدم کسی را ندیدم؛ در شگفت شدم که مولایم با که حرف می زند امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: تعجب کردی من با که حرف می زخم؟ گفتم آری فرمودند: سرت را بلند کن سربلند کردم چشمم به دو کبوتر افتاد که با هم به زبان خود گفتگو می کردند. فرمودند: عمار می دانی این دو با هم چه می گویند؟ گفتم نه به جان شما، فرمودند کبوتر ماده به نر می گوید تو با دیگری پیوسته ای و از من کناره گرفته ای. کبوتر نر قسم می خورد نه من چنین کاری را نکرده ام، ولی ماده باور نمی کند کبوتر نر به او گفت قسم به جان این آقا که در مسجد نشسته، من با دیگری پیوسته ام و دیگری را به جای تو بر نگزیده ام. باز ماده می خواست قبول نکند، من به او گفتم راست می گوید تصدیقش بکن. عمار می گوید: گفتم آقا من خیال می کردم جز سلیمان کس دیگری زبان حیوانات را نمی داند. فرمودند عمار: به خدا قسم سلیمان بن داوود از خدا به وسیله اهل بیت خواست تا زبان پرندگان را به او آموختند. (2)

بله اگر زن بخطر تماس شوهر با نامحرم از خود غیرت نشان دهد پسندیده است. و این نوع غیرت ناشی از حب و عشق است همانطور که گاهی در مورد ازدواج حلال از روی

ص: 113

1- . همان

2- . بحار الانوار، ج 42، ص 56 به نقل آداب زندگی، ج 1

حسادت نیست بلکه از روی حب است. در روایتی نقل شده که به امام گفته شد: گاهی زن بر مرد غیرت می ورزد و او را اذیت می کند فرمودند: «این ناشی از حب است».(1)

منشأ غیرت

غیرت از صفات فطری و ذاتی است و بطور شدید یا ضعیف در انسان و حیوان وجود دارد.

بعضی حیوانات بر غیرتمندی بر حیوانات دیگر برترند و بعضی در بی غیرتی مشهورند. مطابق روایات پنج خصلت از خصلت های خوب انسان که در خروس سفید موجود است عبارتند از: «شناخت و قتهای نماز، سخاوت، شجاعت، کثرت و ...» در میان حیوانات خوک ها در بی غیرتی مشهورند و هیچگونه حیاء و ادب زناشویی ندارد.(2)

صفت غیرت به صورت اکتسابی نیز قابل تشدید یا تضعیف است. هر چه انسان بیشتر با تمایلات نفسانی و خواسته های شهوانی وریشه های حرص و آز و ... را در وجودش بخشکاند و به تمام انسان درست گردد غیورتر می شود و حتی به ناموس دیگران چون ناموس خود می نگردد و در مورد آنها هم حساسیت به خرج می دهد. اما بی تقوی کسی است که پا در مسیر انحراف گذارد، بی غیرت نیز می گردد و از بی عفتی خود و نوامیس خود رنجی نمی برد.(3)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «الغیره من الیمان، غیرت از ایمن است»(4) یعنی جزیی از ایمان است. پس انسان برای مؤمن بودن باید غیرت

ص: 114

1- . وسایل الشیعه ، ج 14 ، ص 11

2- . سفینه البحار، باب غیر به نقل آنچه باید یک زن بداند_ص 320

3- . آنچه یک زن باید بداند ،ص 320

4- . سفینه البحار، باب غیر به نقل آنچه باید یک زن بداند_ص 315

بورزد. گوش کردن موسیقی در ضعف غیرت بسیر مؤثر است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: « شیطانی است به نام ققندر که هر گاه در منزل مردی چهل روز عود (و دیگر وسایل ساز و آواز) نواخته شود و مردم به آنجا رفت و آمد کنند آن شیطان هر یک از اعضای خود را روی عضو مشابه صاحبخانه قرار داده و سپس در آن عضو به نوعی می دمدم که بعد از آن غیرتش از بین رفته و حتی اگر در مقابلش با همسرش زن کنند ناراحت نمی شود، فلا یغار بعدها حتی توتی نساؤه فلا یغار»⁽¹⁾

فلسفه غیرت

حس غیرت در انسان به مانند پاسبانی است که باعث می شود نسلها با هم مختلط نشوند و نظام خانواده از هم نگسلد، احساس غیرت چون حس علاقه به فرزند است که اگر این علاقه نمی بود کسی به تناسل و حفظ نسل دست نمی زد و اگر غیرت هم نبود هرج و مرج در روابط بین زنان و مردان پیش می آمد و نسبت هیچکس مشخص نمی شد.⁽²⁾

نمونه هایی از غیرت مندی

در اینجا برای نمونه بعضی از موارد غیرتمندی که در روایات دینی آمده است را مورد توجه قرار می دهیم. جلوگیری از رفتن مکرر آنها به بازار برای خرید های که مرد نیز می تواند انجام دهد یا آنکه می توانند با هم برای خرید بروند. از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: «ای اهل عراق خبر شده ام که همانا زنان شما در راه (بازار) به مردان می خورند چرا حیا نمی کنید خدا لعنت کند کسی که غیرت از خود نشان ندهد،... اما تستحون لعن الله من لا یغار»⁽³⁾

ص: 115

1- . وسایل الشیعه، ج 12، ص 232

2- . آنچه یک زن باید بداند، ص 313

3- . وسایل الشیعه، ج 14، ص 174

و در جای دیگر فرموده اند: « اما تستحون ولا تغارون... چرا حیا نمی کنید و غیرت از خود نشان نمی دهید زنان شما به سوی بازارها خارج می شوند و مزاحم می شوند با انسان های بی بند و بار». (1)

مواظبت از حجاب و آرایش زن در مقابل نامحرم از اهم اموری است که در مورد آن مرد باید از خود غیرت نشان دهد. از حضرت امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرموده اند: « زن دلبر است هر که او را گرفت باید بپوشاندش» (2) از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: کسی که اطاعت کند زنش را خداوند او را واژگون از جانب صورت وارد دوزخ گرداند. شخصی پرسید این چه نوع اطاعتی است؟ فرمودند: زن از او می خواهد که با لباس نازک به مراکز پر جمعیت مانند حمامها و عروسیها و مجالس ترحیم برود و شوهرش تقاضای او را اجابت می کند و از سخن او اطاعت می کند. (3)

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرموده اند: « هر زنی که آرایش کرده و عطر زده از در خانه خارج شود و شوهرش هم به آن راضی باشد خدا در مقابل هر قدمی که زن بر می دارد برای شوهرش خانه ای در آتش دوزخ بنا خواهد کرد». (4) از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: هرکس در چهار چیز از زن خود اطاعت کند خداوند او را با بینی در آتش دوزخ می افکند یک از آن چهار چیز پوشیدن لباس نازک بر تن زن است. (5)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: ای مردم سراویلات (شلوارهای پوشاننده پاها) بگیرید که پوشاننده ترین لباس شما است و بوسیله آن زنهای خود را هنگام بیرون آمدن از خانه حفظ کنید. (6)

حضرت

ص: 116

1- . همان

2- . مستدرک الوسائل ، ج 14 ، ص 255 ، به نقل اخلاق خانواده، ص 165

3- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 243 ، به نقل اصل اخلاقی اشتهاردی ، ص 112

4- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 249 ، به نقل احکام خانواده موگهی ، ص 156

5- . بحار الانوار ، ج 103 ، ص 242 ، به نقل احکام خانواده موگهی ، ص 157

6- . میزان الحکمه ، ج 2 ، ص 252 ، اصل اخلاقی ، ص 309

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا سخت گیری در پوشش عامل سلامت و استواری آنان است» (1) از آوردن نامحرم به خانه و رفت و آمد مردان نامحرم به منزل باید خودداری کرد از این رو ارتباط با مردان محرم زن سزاوارتر است البته در این مورد در خصوص افراد غیر اعتماد باید حساسیت بیشتری از خود نشان داد. حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند چنین کاری را انجام بده» (2) در جلوگیری از تهیج شهوت زن در جایگاه های عمومی باید اقدام نمود حضرت امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «زنها را بر زینهارسوار نکنید که غریزه جسی شان تهیج تحریک می شود» (3)

4. پسران

واژه پسر در برابر واژه دختر به کار می رود. به انسان مذکر در سنین پایین پسر گفته می شود. البته به مذکری که ازدواج نکرده باشد نیز پسر گفته می شود. همچنین به فرزند مذکر نیز پسر گفته می شود حتی اگر ازدواج کرده و متأهل باشد. (4) واژه پسران جمع پسر است.

نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت

اشاره

تربیت دینی یکی از گونه های تربیت است که در گونه های دیگر تربیت نیز نقش دارد. پدر به عنوان مدیر خانواده، نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد که این نقش در تربیت دینی پررنگ تر است. با ما همراه باشید تا با نقش پدر در

ص: 117

1- نهج البلاغه، نامه 31، بند 16

2- همان، بند 17

3- مکارم اخلاق، ص 231، به نقل احکام خانواده موهومی، ص 156

4- ویکی پدیا

برخی به منظور تربیت دینی فرزندان، به گونه ای رفتار می کند که دین در کام فرزندان شان تلخ می گردد.

1- پایه های غیرت را از دوران جنینی در پسران، پی ریزی کنید

در مورد شروع زمان تربیت فرزند نظرهای مختلفی مطرح است، برخی سن 6 سالگی را برای شروع تربیت مناسب می دانند و برخی بیشتر، اما در این بین با توجه به روایات و آموزه های اسلام مبنی بر اثرپذیری جنین، برخی کارشناسان مذهبی بهترین زمان شروع تربیت فرزند را از دوران بارداری می دانند، زیرا معتقدند در این دوران و بعد از آن در دوره نوزادی و شیرخوارگی می توان طینت فرزند را با انجام یک سری اعمال و داشتن ملاحظاتی در اعمال خود، بخوبی و در مسیر بندگی پرورش داد. مواردی مانند شیر دادن به فرزند با وضو، شرکت نکردن در مجلس گناه، مراعات های اخلاقی والدین در خانواده و موارد دیگری که در مقاله ای با عنوان "نوزادانی که با حیا می شوند" ارائه شده است. بدیهی است برای تربیت پسری با غیرت لازم است ابتدا زمینه دل و ذهن او پذیرای مفاهیم دینی و اخلاقی باشد، چرا که "غیرت" چیزی جدا از ایمان و اخلاق نیست.

2- از قدرت یادگیری پسران در دوران خردسالی، غافل نباشید

آنچه که در دوران کودکی به فرزند خود آموزش می دهید، نسبت به آموزش های سال های بعد، در طول دوران زندگی او پایدارتر خواهد بود و این آموزه ها، کمتر دچار تزلزل و دگرگونی خواهد شد. متأسفانه برخی از والدین پسر خود را تا دوران نوجوانی رها می کنند و بعد از آن بدون آنکه در کودکی غیرت ورزیدن را به او آموزش داده باشند، توقع دارند که فرزندشان، پسری عقیف و با غیرت باشد.

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرموده اند: قلب کودک نورس مانند زمین خالی از بذر و گیاه است، هر تخمی که در آن افشاندن شود به خوبی می پذیرد و در خود می پرورد. فرزندم؛ از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم پیش از آن که دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگون، عقلت را اشغال نماید. (1)

بنابراین لازم است از دوران کودکی مفاهیم دینی و ارزشی را به کودک خود آموزش دهید تا بنیان های فکری او از ابتدا به درستی شکل بگیرد.

3- مراقب نوع پوشش و رفتارهای خصوصی خود با همسران باشید

بهتر است از حدود 2 سالگی در نوع پوشش خود در خانه دقت کنید. مادران بهتر است لباس های خیلی باز استفاده نکنند، درست است که کودک دو ساله متوجه تفاوت های جنسیتی نمی شود اما از آنجا که پوشیده بودن را به عنوان یک ارزش باید درک کند، لازم است در محیط خانه و از طرف والدین حد معقولی از پوشش را ببیند. علاوه بر اینکه با رعایت پوشش مناسب توسط والدین، کودک خردسال زودتر از سن خود، متوجه جنبه های متفاوت جسمانی زن و مرد نخواهد شد.

همچنین والدین باید پیش از پیش مراقب رفتار زناشویی خود در مقابل فرزندان باشند و نیز در رفتار با محارم و نامحرمان در داخل و بیرون از منزل بیشتر مراعات کنند. حتی فیلم هایی که می بینند بصورت مستقیم بر حیا و غیرت کودک تأثیر می گذارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

ص: 119

1- . نهج البلاغه، نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن مجتبی (علیه السلام)

«اگر مردی با زنش بیامیزد و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن دو را ببیند و یا صدای نفس زدنشان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد.»⁽¹⁾

احادیثی از این دست نشان می دهد روابط همسران در خانواده تا چه حد بر سلامت اخلاقی کودکان تأثیرگذار است که متأسفانه برخی والدین با سهل انگاری در رعایت این حریم ها، آسیب های جبران ناپذیری را به فرزند خود وارد می کنند. بسیاری از مطالعات نیز نشان می دهد ریشه ی انحرافات جنسی افراد ناشی از عدم آگاهی والدین بوده است.

برای یک کودک هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست که والدین با او همبازی شوند. در چنین شرایطی آنچه که شما به کودکان آموزش می دهید بر جان و قلب او می نشیند و به راحتی از بین نمی رود.

در قسمت قبل به 7 مورد از نکاتی که می توان در تربیت پسران بر مبنای غیرت، به کار برد اشاره کردیم. در این مقاله در ادامه ی نکات قبلی به مواردی خواهیم پرداخت که در ارتباط با بازی های کودکان می توان بکار برد تا به تدریج صفت غیرت را در فرزندان پسر پرورش دهیم.

1- مراقب تبلت هایی که به زور وارد خانه تان می شوند، باشید

با توجه به ورود موبایل های اندروید و تبلت ها به عرصه زندگی امروز، شاید کمتر پدر و مادری بتواند فرزند خود را از این ابزارها دور نگه دارد. بسیاری از والدین در سال های اولیه زندگی فرزند، موبایل و تبلت را از او دور نگه می دارند، اما در سال های بعد با رواج این وسیله در دست کودکان دیگر، به سختی می توان این گرایش کودک را کنترل کرد. حتی برخی کودکان 4ساله می توانند به تنهایی از اینترنت بازی های رایانه ای را دانلود کرده و بعد از نصب مشغول بازی شوند.

ص: 120

بنابراین به طور کامل نمی توان کودک را از تبلت و بازی های رایانه ای دور نگه داشت، لذا والدین باید راه های دیگری را برای مدیریت فرزند خود در استفاده از بازی ها بکار ببرند و بازی های مناسب را خود پیدا کرده و با زمان بندی مشخص که کودک نیز آن را درک کند، در اختیار او قرار دهند.

برای مثال در صورتی که فرزندتان را نمی توانید از بازی با تبلت دور نکه دارید، می توانید در طول روز یک ربع ساعت را برای او تعیین کنید و بازی مناسب با سن او را در اختیارش قرار دهید. سعی کنید از موضع خود کوتاه نیایید و بازی با تبلت را منوط به داشتن زمان بندی و برنامه ریزی نمایید. البته لازم به ذکر است که حتماً باید سرگرمی های دیگری را همیشه برای کودکتان آماده داشته باشید تا جایگزین زمان های استفاده از تبلت شود.

2- قهرمان های با غیرت را به پسران معرفی کنید

واضح است که بازی های کودکان چه اندازه بر شکل گیری شخصیت آنان تأثیرگذار خواهد بود، نکته ای که دشمنان اسلام و انسانیت با علم به این موضوع تمام تلاش خود را برای به کنترل درآوردن ذهن نوجوانان و جوانان یک کشور، در قالب بازی های رایانه ای و اسباب بازی ها بکار گرفته اند. آنچه که ناخودآگاه در نتیجه این تولیدات غربی بر فکر و روح فرزندان ما سایه می افکند، این است که جنس قهرمان های کودک را بر مبنای سوپرمن های غربی قرار می دهد، هویتی که به شدت با مفهوم غیرت اسلامی و دینی در تضاد است.

علاوه بر داستان های این انیمیشن ها و بازی ها که فرهنگ غربی را به کودک القا می کنند، ظاهر شخصیت ها و قهرمان های آن ها نیز حائز اهمیت است. همیشه در کنار قهرمان داستان، یک زن با پوشش و ظاهر نامناسب وجود دارد، که علاوه بر آموزش های نادرست در ارتباط با جنس مخالف، غیرت را در پسران از بین می برد.

در مقابل این کارتون ها و بازی های کامپیوتری حتماً باید در قالب های مختلف از جمله اسباب بازی، کتاب، لوازم التحریر و محیط های مذهبی، دائماً قهرمان ها و اسطوره های اسلامی و ملی را به کودک ارائه کرد تا ذهن او از این شخصیت ها خالی نباشد. پدر و مادر می بایست در مورد این اسطوره ها و قهرمانان با زبانی کودکانه با پسر خود صحبت کنند و ویژگی های یک قهرمان واقعی که همان داشتن غیرت دینی و اخلاقی است را با کلماتی زیبا به پسر خود آموزش دهند.

اگر کودک بازی نامناسبی را در تبلت خود دارد، باید والدین طوری آن بازی را حذف کنند که برای کودک جلب توجه نکند، برای مثال بازی که در آن کاراکتر دختر پوشش مناسب ندارد را باید طوری حذف کنید که پسر شما متوجه نشود دلیل اصلی حذف بازی چیست، تا بر روی آن دقیق و حساس نشود. دیدن هر روزه تصاویر نامناسب به تدریج اثرات منفی خود را خواهد گذاشت و قبح رفتارهای خلاف شرع را در نظر کودک خواهد ریخت. (1)

3- از سنی به بعد باید مراقب همبازی های کودک خود باشید

جنسیت همبازی خیلی مهم است. شاید در گذشته و زمان کودکی ما این مسئله چندان مهم به نظر نمی رسید و پسرها و دخترها تا 9 سالگی هم با یکدیگر بازی می کردند و مشکلی به وجود نمی آمد. اما امروزه همزمان با از بین رفتن بسیاری از حریم ها در روابط زن و مرد، کودکان نیز بسیار هشیارتر و حساس تر به تفاوت های جنسیتی زن و مرد شده اند. لذا مانند گذشته نمی توان نسبت به همبازی های فرزندان بی تفاوت بود.

لازم است در این مورد با توجه به حساسیت فرزند خود و حساسیت

ص: 122

همبازی او نسبت به مسائل جنسی تصمیم بگیرید. باید این مدیریت را بصورت نا محسوس انجام بدهید، برای مثال اگر می بینید کودکی در خانواده ای تربیت شده که حریم محرم و نامحرم را رعایت نمی کنند و کودک آن ها زودتر از سن خود درباره مسائل جنسی صحبت می کند، ضروری است که رفت و آمدهای خود را با این خانواده محدود کنید و بالعکس با خانواده هایی بیشتر رفت و آمد کنید که این حساسیت ها را در مورد فرزند خود رعایت می کنند.

4- در قالب قصه، غیرت را در ذهن پسران جای دهید

یکی از اثربخش ترین روش های تربیتی، قصه گوئی است. در این روش ذهن کودک کاملاً در اختیار قصه گو است، بنابراین با بیان نکات آموزنده در قالب قصه می توان کودک را به تفکر کردن در آن مورد وادار کرد و با هدایت ذهن او، نتیجه تربیتی مطلوب را به دست آورد. کار تربیت کودک با این عمل (که برای کودک بسیار شیرین است) بسیار آسان می شود.

برای انتقال مفهوم غیرت، که شامل غیرت دینی، ملی و ناموسی می شود، حتماً از داستان های اهل بیت علیهم السلام و داستان رشادت های امام حسین و حضرت عباس علیهم السلام و کودکان کربلا استفاده نمایید. (1)

همچنین داستان هایی از نوجوانی و جوانی رسول خدا صلوات الله علیه و دیگر پیامبران الهی می تواند بسیار اثرگذار و هدایت گر باشد. قرآن کریم نیز بسیاری از مفاهیم و ارزش ها را در قالب داستان هایی از پیامبران و اقوام گذشته که به "قصص قرآنی" معروفند، برای انسان بیان فرموده است.

ص: 123

5- همبازی پسران شوید تا غیرت را در هنگام بازی به او آموزش دهید

فرزندان راه حل های مسائل و مشکلات زندگی را ناخودآگاه در بازی ها یاد می گیرند، پس چه بهتر که والدین گاهی همبازی کودک خود شوند تا در خلال بازی آنچه برای تربیت فرزند نیاز است را به او آموزش دهند. همبازی شدن با کودک علاوه بر اینکه فرصتی مغتنم برای آموزش و انتقال مفاهیم تربیتی به کودک است، سبب می شود با روحیات و علاقمندی های فرزندتان آشنا شوید. شاید در خارج از فضای بازی تا مدت ها متوجه علاقمندی ها و گرایش های فرزندتان نشوید. می توانید از این شناختی که پیدا می کنید راه های جدیدی را برای انتقال ارزش هایی مثل غیرت ورزیدن، پیدا کنید.

پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) فرمودند: کسی که کودک دارد باید در پرورش وی، کودکانه رفتار کند. (وسائل الشیعه، ج 21، ص 486) پس در همبازی شدن با کودکان مهم ترین نکته این است که شما نیز یک کودک شوید، در اینصورت است که می توانید بسیاری مفاهیم را در حد فهم کودک در بازی به او انتقال دهید. برای مثال در بازی اجازه دهید او نقش پدر را بازی کند و شما نقش فرزند را بر عهده بگیرید و در این نقش سعی کنید ویژگی های یک فرزند خوب را به نمایش بگذارید.

همچنین در حال حاضر بازی های مذهبی هم در بازار وجود دارد که ممکن است برخی از آن ها که می توانند انتقال دهنده مفهوم غیرت به فرزندتان باشند به اندازه ی بازی های دیگر جذابیت نداشته باشند، در اینصورت شما با همبازی شدن با کودکان، این ضعف بازی را پر می کنید زیرا برای یک کودک هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست که والدین با او همبازی شوند. در چنین شرایطی آنچه که شما به کودکان آموزش می دهید بر جان و قلب او می نشیند و به راحتی از بین نمی رود.

6- با جوایز ویژه، پسران را به یادگیری اشعار ارزشی ترغیب نمایید

راهکارهایی عملی: شما می‌توانید از 2 سالگی علاوه بر سوره‌های کوچک قرآن، شعرهای کودکانه را نیز به پسران آموزش دهید، همواره تلاش کنید شعرها و سرودهایی که القاکننده صفات نیک اخلاقی و ارزشی هستند، بیابید و به کودکان آموزش بدهید. مفاهیمی مانند غیرت که شامل غیرت دینی و ملی نیز می‌شود را می‌توانید به راحتی به کمک اشعار و نقاشی‌های کودکانه به فرزندتان آموزش دهید. برای یادگیری این سرودها جوایزی ویژه در نظر بگیرید که محبوب پسران باشد.

7- لباس‌هایی در شأن یک پسر مسلمان بر تن او کنید

راهکارهایی عملی: هیچ‌گاه نسبت به طرح و آرم لباس‌های فرزندتان بی‌تفاوت نباشید. همانطور که هجمه‌های سنگینی برای تغییر فرهنگ و سبک زندگی اسلامی از طریق مد و لباس وجود دارد، این هجمه در مورد لباس‌های کودکان بسیار شدیدتر است، در حالی که گاهی از نظر والدین پنهان می‌ماند. شخصیت‌های کارتونی و متن‌های انگلیسی که بر روی لباس‌های کودکان به ویژه پسرها طراحی می‌شوند، اغلب شامل مفاهیمی بر خلاف دین و ملیت هستند. شاید چند جمله‌ی انگلیسی حتی درباره طبیعت بر روی لباس کودک چندان اهمیت نداشته باشد، اما کودکان خردسال در سنینی هستند که از کوچکترین نشانه‌ای در اطراف خود در حال یادگیری هستند، لذا با دیدن دائمی این علائم در کودکی، به تدریج در بزرگسالی حساسیت خود را نسبت به ارجحیت فرهنگ ایرانی به فرهنگ غربی از دست می‌دهند و حتی در مواردی می‌توان گفت فرهنگ غربی را با ارزش‌تر و غنی‌تر از فرهنگ خود می‌پندارند. لذا شایسته است والدین نسبت به طرح لباس‌های کودکان بی‌تفاوت نباشند زیرا لازمه‌ی غیور بودن این است که هر فردی نسبت به ملیت خود و

در پایان لازم به ذکر است والدین باید در تربیت فرزند به ویژه در آموزش مفاهیم دینی و ارزشی جانب اخلاق و مدارا را رعایت نمایند و همواره با صبر و حوصله با کودک خود رفتار نمایند. بدیهی است چنانچه پدر و مادر در تربیت دینی فرزند با تندی و بی حوصلگی رفتار نمایند، نه تنها کودکان از یادگیری سرباز می زنند بلکه در نوجوانی و جوانی از این مفاهیم دل زده خواهند شد. همچنین بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام محبت کردن کودکان نه تنها ضروری بلکه حیاتی است و حتی عامل سعادت و نجات خود والدین خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال به مردی که بیشتر به فرزندش محبت کند، رحم می کند. (2)

برای نهادینه کردن غیرت در پسران ناگزیریم از بیان مبحث تربیت دینی در این خصوص مواردی در ذیل می آید:

ص: 126

1- . سایت زن امروزی، <https://www.zanemroozi.com> به نقل از باحجاب

2- . تاریخ یعقوبی، ج 3، ص 53

تربیت دینی فرزند

اگر پدری می خواهد صدقه جاریه و باقیات صالحات برای خود تدارک ببیند، باید به تربیت دینی فرزندش اقدام کند تا هم در دنیا و آخرت از برکات فرزند صالح بهره مند شود و هم به دستور قرآن کریم و تکلیف الهی اش عمل کرده باشد؛ زیرا قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده تان را از آتش دوزخ نگاه دارید.» پابین آیه نورانی، مسئولیت سنگین تربیت دینی اعضای خانواده را بر دوش سرپرست خانواده می نهد. علامه مجلسی در شرح این آیه، به چهار وظیفه مهم اشاره می کند که به وسیله آن، حفظ خانواده از آتش دوزخ امکان پذیر می شود:

1. دعوت به فرمان برداری از دستوره‌های خداوند متعالی؛

2. آموزش واجبات الهی که بخشی از آن در رساله های عملیه و بخشی دیگر در کتاب های اخلاقی آمده است؛

3. بازداشتن از زشتی ها و گناهان، و برچیدن زمینه گناه از محیط خانه؛

4. تشویق و ترغیب خانواده به همه کارهای پسندیده. به کارگیری این چهار حقیقت، تحقق این آیه نورانی است.

با توجه به ساختار دین، که از سه بخش اعتقادی، احکام و اخلاق تشکیل شده، تربیت دینی در سه حوزه قابل پیگیری و برنامه ریزی است:

تربیت اعتقادی

تربیت اعتقادی از دو جنبه مهم و ضروری است: نخست اینکه دین داری انسان، به باورها و اعتقادهای او بستگی دارد و دوم اینکه باورهای اعتقادی، پایه و اساس در بخش دیگر است؛ چنان که در روایات آمده است: «ایمان، انسان را به کارهای نیکو هدایت می کند». تا زمانی که انسان به یگانگی خدا و رسالت پیامبر باور نداشته باشد، نمی تواند به دستوره‌های آنها عمل کند و تا زمانی که به

معاد، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد و برای خود، زندگی دیگری پس از زندگی چند روزه دنیا نشناسد، زندگی دنیایی خود را به گونه ای دیگر رسم خواهد کرد. بنابراین، تربیت اعتقادی، بسیار مهم و ضروری است؛ از این رو، در قرآن کریم می بینیم که لقمان به تربیت اعتقادی فرزندش مبادرت کرده، می فرماید: «فرزندم، به خدا شرک نوز که شرک، ظلم بزرگی (به خداوند) است».

بنابراین، یکی از وظیفه های مهم پدر این است که برای ایجاد و تقویت باورهای دینی صحیح در فرزندش، متناسب با سطح رشد عقلی و شناختی او برنامه داشته باشد و از سوی دیگر، با چشمانی تیز و دقیق از سنگرهای اعتقادی خانواده خود محافظت کند تا فاسدان، اندیشه و اعتقاد خانواده و فرزندانش را به تباهی نکشند. (1)

تربیت عبادی

همان گونه که عمل صالح بدون باور و ایمان تحقق نمی یابد، ایمان نیز بدون عمل صالح پذیرفته نیست؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ایمان بدون عمل پذیرفته نیست». عمل صالح، پیروی از دستورهای خدا، انجام واجبات و ترک محرمات است و این یعنی عبادت و بندگی در برابر خدا، پس بخش دیگر تربیت دینی آن است که انسان در عمل نیز زندگی خود را بر اساس دستورهای الهی تنظیم کند و عبودیت و بندگی را آن گونه که شایسته است، به جا آورد. پدر در این زمینه نقشی بسیار پررنگ و مهم دارد. اگر پدر، روح عبادت، بندگی و تسلیم در برابر دستورهای الهی را در خود تقویت کند و آن را در عرصه خانه و زندگی به نمایش گذارد، می تواند امید داشته باشد که خانواده و فرزندان مؤمن و باتقوا خواهد داشت. همان گونه که در ابتدای این

ص: 128

1- . سایت راسخون <https://rasekhoon.net> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)، عباس آینه چی

نوشتار گفته شد، نقش الگویی پدر آن چنان قوی است که فرزندان همان گونه خواهند شد که پدر رفتار می کند، نه آنگونه که می گوید.

تربیت اخلاقی

دین نورانی اسلام، دینی جامع است که برای تمام شئون زندگی انسان، برنامه و دستور دارد تا انسان با عمل بدانها، از یک زندگی سالم و سعادت‌مند دنیوی و اخروی بهره مند شود. یکی از جنبه های انسان، اخلاق است که اخلاق فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و... را دربر می گیرد. پدر در این زمینه نیز می تواند با رشد اخلاقی خود، به تربیت اخلاقی فرزندانش کمک کند.

پدر گرامی، با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت دینی، لازم است به کتاب های مفصل در این زمینه مراجعه کرده، آگاهی تان را ارتقا دهید تا با توجه به اصول تربیتی و بهره گیری از روش های مناسب و اثربخش، به این امر مهم اقدام کنید؛ زیرا گاهی، برخی به منظور تربیت دینی فرزندان، به گونه ای رفتار می کنند که دین را در کام فرزندانشان تلخ، و آنها را از دین گریزان می کنند. از این رو، حساسیت موضوع به اندازه ای است که هر پدر دلسوز و مهربانی را بر آن می دارد که با مطالعه و آگاهی لازم، به تربیت دینی فرزندش اقدام کند. (1)

ص: 129

1- . سایت راسخون، <https://rasekhoon.net> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)، عباس آینه چی

یکی از کمالات والای انسانی که اسباب آن را خدای متعال در وجود آدمی تعبیه کرده «غیرت» است. غیرت از خودپرستی ناشی نمی شود بلکه احساس خاصی است که خداوند برای حمایت از حریم زندگی خانوادگی ایجاد کرده است. در مرد، تمایل به عفاف و پاکی زن وجود دارد، همچنان که در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف وجود دارد. حسی که در مرد نسبت به هموعان وجود دارد غیرت نامیده می شود. حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوتاند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی است اما غیرت یک حس اجتماعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت در آموزه‌های ناب اسلامی از چنان اهمیت و ظرفیتی برخوردار است که همواره به عنوان شاخصه بارز اهل ایمان و سرمایه انسانی معرفی شده است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی مقوله غیرت و کارکردهای آن در آموزه های دینی که در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی تاثیر به سزایی دارد، بپردازد.

غیرت شامل مواردی همچون غیرت انسانی، غیرت دینی و غیرت ناموسی است و کارکردهای گوناگونی دارد که می توان به کارکردهای اخلاقی غیرت (عزت نفس، ترویج مروت و جوانمردی) و کارکردهای اجتماعی غیرت (حفظ خانواده، ترویج عفاف و جلوگیری از بی بندوباری) و نیز کارکردهای سیاسی غیرت (حفظ ارزشهای انقلاب، ترویج فرهنگ مبارزه با استکبار، ترویج فرهنگ ظلم ستیزی و یاری مظلوم) اشاره نمود.

*قرآن کریم

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین، 1378

عربی

1. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الحدیث، قم، 1430 هـ-ق.
2. الأمالی، الشیخ الصدوق، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، تهران، بی تا
3. الأمالی، الشیخ المفید، کنگره شیخ مفید، قم، 1413ق
4. المحاسن، احمد بن محمد البرقی، ناشر دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1371
5. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، 1405 هـ.ق
6. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، واضح یعقوبی، نجف 1358
7. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی محدث شیعی، چاپ علی اکبر غفاری، قم، 1363 ش.
8. تحریر الوسیله، امام خمینی، دارالعلم، قم، 1379 ش
9. سفینه البحار، مرحوم شیخ عباس قمی، فراهانی، تهران، 1402 هـ.ق.
10. جامع السعادات، مهدی نراقی، ج 1، ص 301، اعلمی، بیروت، چاپ چهارم، بی تا.
11. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، دار الاسوه، قم، 1344 هـ
12. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، دار الکتب الاسلامی، قم، بی تا
13. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، با تصحیح محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، 1350 هـ ش

14. کنز العمال، المتقی الہندی، مؤسسة الرسالة، بیروت، 1401ھ-1981م
15. مستدرک الوسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسہ آل البیت، قم، آل البیت، 1404ھ. ق
16. مکارم اخلاق، حسن بن فضل طبرسی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا
17. مرآت العقول، العلامة المجلسی، دار الکتب الإسلامیة، مصر، 1404ھ-ق
18. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، درالحديث، قم، 1384ش
19. نفس المهموم، شیخ عباس قمی، دارالمحججه البيضاء، تهران، بی تا،
20. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1412ھ. ق.

فارسی

1. آداب زندگی، علی محمد عبداللہی، برکت کوثر، ہمدان، 1392
2. آنچه باید یک زن بداند، نویسنده اسداللہ محمدی نیا، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، 1371
3. احکام خانوادہ، عبدالرحیم موگھی، شفق، قم، 1376
3. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، مدرسہ الامام علی بن ابی طالب (علیہ السلام)، قم، 1377
ش، چاپ اول، ج 3، ص 433.
4. اصل اخلاقی، محمد محمدی اشترادی، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، مشهد، 1397.
5. ترجمہ تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبائی، مترجم محمدباقر موسوی، جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم،
1378ش
6. سیری در نہج البلاغہ، مرتضی مطہری، نشر صدرا، تهران، 1398
7. ترگل، عماد داوری، انتشارات اعتلای وطن، قم، 1399

ص: 132

8. روان شناسی تربیت نوجوان در سیره معصومین، اکبرشعبانی، مبین اندیشه، تهران، 1393

9. شرح غررالحکم، عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، شرح جمال الدین محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، 1346

10. مجموعه آثار؛ مطهری، نشر صدرا، تهران، 1398

11. مسئله حجاب، استاد مطهری رحمه الله، نشر صدرا، تهران، 1398

12. مردان مریخی، زنان ونوسی، جان گری، شیرمحمدی، تهران، 1393

9. نهج الفصاحه، مجموع سخنان و خطبه های رسول اکرم، گردآورنده ابوالقاسم پاینده، تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدمامین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، 1383.

مقاله

1. اسلام و روان شناسی، مقاله

2. معارفی از کیهان، علی پوریا، مقاله

سایت

1. سایت پرسمان، <https://www.porseman.com>

2. سایت زن امروزی، <https://www.zanemroozi.com> به نقل از باحجاب

3. پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net>

4. سایت راسخون <https://rasekhoon.net> به نقل از کتاب «همه صفحه پر از بابا (نقش پدری)، عباس آینه چی

5. فرهنگ فارسی معین، <https://www.vajehyab.com/moein>

6. ویکی پدیا

7. ویکی فقه، بحث غیرت.

ص: 133

سیدمجتبی حسینی نژاد(1)

چکیده

داستان و قصه، در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلام با ذهن بشر است. از همین روی دامنه مخاطبانش وسیع تر و قدرت نفوذش بیشتر است. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما این کتاب آسمانی در کامل ترین وجه خود از شیوه داستان سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است.

در مباحث تربیتی، پرداختن به حکایات و داستان گیرایی بیشتری دارد.

خانواده و والدین عزیز باید بدانند که دشمن بر روی نوجوان و جوان ما کار می کند، زیرا ریشه و خمیر مایه اجتماع را، این گروه سنی از اجتماع تشکیل می دهند.

لذا با این هدف کتاب داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان تالیف شد.

بدون تردید طبع انسان، به شنیدن و خواندن سرگذشت ها و داستان ها، رغبت و میل فراوان دارد و مقصود اصلی ما از فراهم نمودن این داستان ها، بیان مطالب گوناگون دینی، تربیتی، اخلاقی، حکیمانه، پندآموز و پرمایه در قالب داستان بوده، تا با این روش، عبرت های دینی تربیتی را، برای دل های آماده و به خصوص بر دل های پر دغدغه والدین در جهت تربیت فرزندان عرضه نماییم.

ص: 135

از آنجایی که مقاله در آوردن کتاب داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان به ذکر داستان و حکایات متعدد پرداخته به چرایی پرداختن داستان با استفاده از مقاله و ویرایشی چند از مقالاتی در این زمینه کمک گرفته شد.

آفرینش داستان و قصه پاسخ به یکی از نیازهای روحی انسان است و تا انسان، این موجود پیچیده به حیات خود ادامه دهد، هنر دیرپای داستان و قصه گویی نیز زنده خواهد بود و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی بشر جریان خواهد داشت. قرآن که معجزه پیامبر اسلام و آخرین و درعین حال کامل ترین کتاب آسمانی است سرشار از قصه است که از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و به زبان داستان و قصه برای مسلمانان نقل شده است. در این مقاله سعی بر آن است تا ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی قصه، اهمیت، انواع، ویژگی ها و ارزش های تربیتی قصه موردبررسی قرار گیرد، سپس جایگاه، اهمیت و ویژگی های داستان و قصه در مباحث تربیتی از جمله قرآن موردبررسی قرار می گیرد و در نهایت به شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی پرداخته می شود. در خانواده فرزندان به اقتضای نزدیکی به فطرت پاک الهی، از شنیدن قصه لذت می برند و به طور غیرمستقیم، جوهر وجودی اشان شکل می گیرد. از آنجاکه قرآن «احسن القصص» است، و در مباحث دینی چنانچه قصه های آن به نحو مقتضی و متناسب با سن کودک بیان شود، موجب علاقه مندی نسل جدید به قرآن و مباحث دینی و تربیتی خواهد شد، چراکه در دل قصه های قرآنی و مباحث تربیتی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی که از سرچشمه وحی الهام گرفته، گنجینه ای منحصر به فرد و در میان همه کتب الهی بی رقیب است. با توجه به اینکه عامه مردم، کمتر می توانند از قرآن کریم و مفاهیم آموزنده آن مستقیماً استفاده

کنند، قرآن کریم با عباراتی ساده و قابل فهم برای عموم مردم به بیان سرگذشت پیشینیان پرداخته و با اشاره به علت هلاکت یا سعادت آنان، نیل به هدف مقدّس، یعنی عبرت گرفتن از سرگذشت گذشتگان را آسان تر نموده است.

قصّه و داستان گویی مهم ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت ها و قصّه ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان های و سرگذشت های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره برداری کرده است. (1)

قرآن کریم همواره به عنوان چراغ روشنایی بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه های مختلف همچون: انذار، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصّه، در پی این بوده است که قاطبه انسان ها را به سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آنها و ذکر علت گرفتاری ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آنها، تأثیر به سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است.

قصه در لغت

واژه «قصه» مصدر عربی از ماده قَصَصَ، يُقَصِّصُ و به معنی دنبال کردن اثر و ردپای کسی یا حیوانی آمده است. معانی ثانوی دیگری چون: بیان کردن، گفتن، داستان سرایی، نقل کردن نیز در فرهنگ ها یاد شده است.

از میان معانی واژه قصه، شاید بهترین معنی که با اصل کار قصه گویی مطابقت دارد و با نظریه های قصه شناسان نیز هماهنگ است، همان معنی دنبال

ص: 137

کردن است. دنبال کردن در معنای مجازی، نه به طور حقیقی، مثل دنبال کردن رد پای یک آهو یا یک دزد، بلکه دنبال کردن مجازی حوادث و ماجراهایی است که برای یک شخصیت یا شخصیت های داستان رخ می دهد. (1)

شنونده به هنگام توجه به وقایع قصه در هر شرایط سنی و علمی - فرهنگی که باشد، آنچه او را برمی انگیزاند تا حوادث قصه را دنبال کند، همانا حس کنجکاوی و ولع به این است تا بداند که سرانجام قهرمان داستان و نتیجه ماجراها به کجا خواهد کشید؛ یعنی شنونده دائماً از خود یا از راوی می پرسد: بعد چه؟ (and then)، در زبان عربی قَصَّصَ دَقِيقاً با این اصطلاح لاتین تناسب معنایی و کاربردی دارد. (2) قصه، به طور اجمال، پیگیری و ردیابی آثار گذشته و گذشتگان است. همان گونه که چند جای قرآن، گذشته از بحث قصه، از خود واژه قصه به معنای « پیگیری و ردیابی آثار گذشته استفاده شده است. (3)

قصه در اصطلاح

در زمان حال، اصطلاح قصه به معنای عام در بیشتر متون ادبی بر آنچه در ادبیات قدیم آمده است، مانند افسانه، حکایت و سرگذشت اطلاق می شود. (4) قصه قالبی از انواع ادب شفاهی (عامیانه، فرهنگ مردم) است که ساختاری ساده و ابتدایی دارد و حوادث آن حول یک ماجرای ساده دور می زند، اصل قصه روایت ساده آن ماجراست. وجه تمایز قصه با حکایت در دو نکته است: حکایت در زمان و روزگاری مشخص اتفاق افتاده است، ولی قصه مقید به برش زمان نیست، دیگر آنکه حکایت حتماً متضمن یک پیام اخلاقی یا نکته ای اجتماعی است که

ص: 138

1- . پشت دار، 1390.

2- . رهبر، 1389

3- . حسینی و محدثی، 1381

4- . میر صادقی، 1377

قصه ممکن است حامل چنین پیامی باشد و ممکن است صرفاً به قصد سرگرمی گفته می شود. (1) معنای اصطلاحی دیگر قصه این است که در آن تأکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین آدم ها و شخصیت ها است.

قصه و قصه گویی امروزه علاوه بر روشی برای سرگرمی و تفریح، شیوه ای برای آموزش و یادگیری کودکان است و از آن در کلاس های آموزشی و اتاق های بازی و خواب کودکان استفاده می شود. (2)

قصه گویی، عبارت است از: هنر یا حرفه نقل داستان به صورت شعر یا نثر که شخص قصه گو آن را در برابر شنونده زنده اجرا می کند. داستان هایی که نقل می شود، می تواند به صورت گفت و گو، ترانه، آواز با موسیقی یا بدون آن، با تصویر و سایر ابزارها همراه باشد. ممکن است از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی استفاده شود و یکی از اهداف آن بایستی سرگرمی باشد. در روزگاران کهن، تاریخ سنت ها، مذهب، آداب قهرمانی ها و غرور قومی به وسیله قصه گوها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. (3)

قصه گویی در کشور ما سابقه ای بس دیرینه و قدیمی دارد، اما نفوذ عوامل و وسایل ارتباط جمعی و علاوه بر آن مسائل خاص حوزه های شهرنشینی، موجب شده تا نقش قصه گویی در طول دوران و به ویژه در نظام های آموزشی کم رنگ شود. همچنین به قصه گویی هنوز به عنوان یک فن نگاه نمی شود و در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته ای برای قصه گویی به چشم نمی خورد. بسیاری از علاقه مندان به این فن، به تجارب خود متکی هستند و کمتر با روش های علمی و اصول قابل قبول این فن آشنایی دارند.

ص: 139

1- . پشت دار، 1390

2- . ندافی قلعه شیری، 1388

3- . حجازی، 1384

اشاره

قصه و قصه‌گویی، خود قصه‌آشنای همه انسان‌ها در همه روزگاران و جامعه‌هاست. انسان‌ها در سفر، غم و شادی، تنهایی و خلوت و در جمع و حتی در گیرودار جنگ و بحر آنها‌ی زندگی با قصه همراه و مأنوس بوده‌اند، همین است که قصه را همزاد انسان دانسته‌اند و نخستین قصه‌ها را به نخستین روزهای زندگی انسان در زمین بازگردانده‌اند.

قصه تنها، فاتح دنیای کودکان نیست، بلکه بزرگ سالان نیز لحظه شنیدن قصه، درست مثل کودکان، با قصه جاری و همراه می‌شوند و صمیمیت و صفای کودکانه می‌یابند. نوشته‌اند که مصریان قدیم همراه با بزرگان و به ویژه فرعونیان، قصه‌گویی دفن می‌کردند تا برای او قصه بگویند و غم تنهایی و غربت را در قبر فراموش کنند. پادشاهان ایرانی، قصه‌گویانی داشته‌اند. شهرزاد قصه‌گو در هزار و یک شب نمونه‌ای از این قصه‌گویان است. در هفت پیکر نظامی دختران افسانه‌گو، بهرام‌گور را به قصه‌های خویش میهمان می‌کنند. نقش قصه در تربیت انسان تا بدان جا است که کتاب‌های آسمانی با شیوه‌ای خاص داستان‌هایی را برای تذکر، هدایت و ارشاد مطرح کرده‌اند. تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستان‌های انبیاء، اقوام و تمدن‌هایی است که آمده‌اند و رفته‌اند و زندگی آنها چراغ راه دیگر انسان‌ها شده است.

شاید نخستین قصه، قصه آدم و حوا باشد که با فریب شیطان، از بهشت خدا رانده شدند. شاید حضرت آدم ژ (علیه السلام) به عنوان اولین قصه‌گو، بارها قصه رانده شدن خویش از بهشت را برای فرزندانش تعریف کرده باشد تا عبرت بگیرند و فریب نخورند. (1)

آفرینش قصه پاسخ به‌کی از نیازهای روحی انسان است و تا

ص: 140

انسان، این موجود پیچیده به حیات خود ادامه دهد، هنر دیرپای قصه‌گویی نیز زنده خواهد بود و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی بشر جریان خواهد داشت (1) مسلماً علاقه به قصه را خداوند مهربان در نهاد انسان نهاده است، زیرا خداوند از زیر و بم آفریده خود دقیقاً آگاه است و در تمام کتاب‌های آسمانی به زبان قصه با انسان سخن گفته است.

قرآن آخرین کتاب آسمانی مملو از قصه‌ها و تمثیل‌هایی است که لباس سخن حق پوشیده‌اند و ماجرای اقوام و مردم گذشته را برای مسلمانان و مخاطبانش نقل می‌کند تا عبرت حاصل آید و تجربه تلخ گذشتگان طغیان‌گر و عاصی، دوباره تکرار نشود.

انواع قصه‌ها

در مورد انواع قصه‌ها، شش گونه قابل تصور است: تاریخی، واقعی، تمثیلی، اسطوره‌ای، نمادین و غیبی.

1. قصه تاریخی؛ قصه‌ای است که محتوا و ماجرای آن در یکی از هنگامه‌های تاریخ محقق شده باشد. قصه تاریخی، بیانی تاریخی و دقیق دارد و به ذکر جزئیات می‌پردازد.

2. قصه واقعی؛ قصه‌ای است که در وقتی از اوقات روزگار محقق شده، اما دارای بیان ریز جزئیات نیست و ماجرای تحقق یافته در ظرف زمانی را بازگو می‌کند (که ما معتقدیم قصه‌های قرآن از این نوع هستند).

3. قصه تمثیلی؛ برای آوردن ضرب‌المثل از قصه تمثیلی می‌توان یاد کرد که تخیلات یک نویسنده، به آن افزوده می‌شود و رنگ و لعاب به خود می‌گیرد تا مثل خود را عرضه کند و مخاطب نتیجه اخلاقی بگیرد.

ص: 141

4. قصه اسطوره ای؛ فرق قصه اسطوره ای با تمثیلی این است که اسطوره ای یک دروغ محض و یک تخیل کاملاً ناب است. باید توجه داشت که این اسطوره با اسطوره ای مثل شخصیت اسطوره ای - که در کتب جدید نوشته شده، مثل فلان نماد و فلان پهلوان - فرق دارد و نباید در اینجا مشتبه شود.

اگر بخواهیم مثالی برای قصه اسطوره ای بیاوریم، می توانیم به شاهنامه فردوسی اشاره کنیم که قهرمانان قصه اش واقعیت خارجی نداشته و به معنی مطلق، تخیل بوده اند. اسطوره بر سبیل تمثیل نیست و تحققش بسیار دور از ذهن است.

5. قصه نمادین و سمبلیک؛ قصه رمزی و سمبلیک به قصه ای گفته می شود که مبتنی بر عناصر نمادی باشد مثل فلان رنگ و فلان حیوان که در فرهنگ های مختلف، نمادی از مظاهر مختلف است؛ و قصه ای که مبتنی بر چنین عناصری باشد، قصه نمادین نامیده می شود.

6. قصه غیبی؛ به قصه ای گفته می شود که محتوا و ماجرایش در جهان شهود تحقق پیدا نکرده است و مربوط به عالم غیب است. در مباحث مختلف و مفصلی که شده، برخی خواسته اند تمام این انواع شش گانه را به قصه های قرآن نسبت دهند.

با اندک تأملی در قصه های قرآن در می یابیم که این دسته بندی ها برای قصه های قرآن باطل است و در قرآن فقط قصه های واقعی داریم و لاغیر! حتی قصه تاریخی هم در قرآن نیست از گونه های قصه فقط می توان قصه واقعی را برای قرآن تصور نمود. (1)

ص: 142

ویژگی قصه چیست؟

قصه اگر به مثابه یک اثر هنری تلقی شود (که چنین است) باید مانند هر اثر هنری دیگر سه ویژگی زیر را دارا باشد:

الف) باید نوآوری داشته باشد. در قصه باید نسبت به نوع معمول و پیش پا افتاده، بدعت و نوآوری وجود داشته باشد که همگان قادر به آن نباشند (و همان گونه که می دانید تحدی در همه جای قرآن و حتی قصه هایش وجود دارد).

ب) زیبایی ساختاری داشته باشد؛ یعنی از حیث جمالی باید زیبا باشد.

ج) از لحاظ نحوه بیان، قدرتمند باشد، یعنی قدرت تعبیر و نحوه بیانش به گونه ای باشد که بتواند از دیگر تعبیرهای هنری ممتاز شود.

این سخن که در قصه های قرآن هر سه ویژگی فوق وجود دارد، ادعای درستی است، چراکه از نوآوری و زیبایی ساختاری و قدرت تعبیر برخوردار است. (1)

معیارهای انتخاب قصه

داستان، محور یک تجربه اصیل قصه گویی است، چراکه بدون داستان، قصه گویی وجود ندارد؛ همچنین آماده کردن داستان نیز مقوله دیگری است که قصه گو باید به آن توجه خاصی داشته باشد. منبعی که قصه گو برای انتخاب کردن داستان در اختیار دارد، پهنه ادبیات شفاهی و مکتوب جهان است. او باید به جمع آوری قصه هایی متناسب با شخصیت و سبک خاص خود پردازد و برای انتخاب قصه به سوالات زیر جواب دهد:

1. آیا داستان، قصه گور را برمی انگیزاند؟

2. آیا دوست دارد دیگران را در آن سهیم کند؟

ص: 143

3. آیا او می تواند از عهده گفتن این داستان برآید؟
4. فضا و محتوای داستان با شخصیت قصه گو متناسب است؟
5. آیا این قصه برای گفتن مناسب است یا خواندن آن برای بچه ها بهتر است؟
6. آیا این قصه با گروه سنی شنوندگان متناسب است؟
7. آیا طول قصه برای شنوندگان مناسب است؟
8. آیا برای خردسالان طولانی و یا برای بزرگ سالان کوتاه نیست؟(1)

ارزش های تربیتی قصه و قصه گویی در تعلیم و تربیت کودک

اشاره

ارزش های تربیتی قصه گویی را می توان چنین خلاصه کرد:

1. پرورش قدرت بیان و تکلم؛
2. سرگرمی؛
3. افزایش تجارب کودک؛
4. پرورش ذوق هنری؛
5. آشنایی با مشکلات و حل آنها؛
6. افزایش معلومات و توسعه اطلاعات عمومی؛
7. پرورش عزت نفس، جرئت ورزی و شهامت؛
8. انتقال فرهنگ (آشنایی با فرهنگ بومی و پایبندی به آن)؛
9. ایجاد روحیه دوستی (جعفری مفرد طاهری، 1387)؛
10. پرورش تخیل و تفکر کودک (صباغیان، 1386)؛
11. تلطیف عواطف و احساسات؛
12. شناخت بیشتر محیط؛

13. گسترش گنجینه لغات؛

14. تعلیم ارزش های اخلاقی (حنیف، 1383)؛

15. تحریک قوه ابتکار و ابداع در کودکان؛

16. ایجاد عشق و علاقه به ادبیات در کودکان؛

17. رشد اعتماد به نفس کودک و علاقه مند ساختن او به آزادی و عدالت اجتماعی؛

18. برآوردن نیازهای عاطفی کودک و آماده ساختن او برای دریافت پیام های اخلاقی و انسانی و شهروندی خوب بودن؛

19. آشنایی با صفات پسندیده و بیزاری از کارهای ناپسند (پشت دار، 1376)

اهمیت قصه در تربیت کودک

افلاطون در کتاب جمهوریت این چنین به بیان اهمیت قصه برای کودکان می پردازد:

باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایت هایی را که پذیرفته ایم، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می کند. (1)

قصه و قصه گویی پدیده ای است که قدمت آن به قدمت پیدایش زبان و گویایی آدمیزاد است. آن چنان که تقریباً هیچ قوم و ملت کهنی را نمی توان یافت که دارای قصه ها و حکایت های مذهبی، حماسی، اجتماعی و امثال آن نباشد. در همه قرون گذشته قصه ک نوع وسیله برای ارضای نیازهای روانی کودکان، نوجوانان و حتی بزرگ سالان بوده است. به طور کلی قصه بیش از سایر وسایل

ص: 145

1- . رحمان دوست، 1377.

تربیتی در رفتار کودک مؤثر است، به شرط آنکه درست و دقیق انتخاب شود. قصه می تواند ریشه بسیاری از انحرافات را در کودکان و نوجوانان بخشکند و تأثیرات عمده تربیتی بر آنها داشته باشد. بچه ها می توانند با خواندن و شنیدن قصه ها به سرمایه های تمدن و میراث فرهنگی خود دست یابند، با آداب و سنن جامعه خویش و جامعه جهانی آشنا شوند و خود را برای زندگی آینده آماده تر سازند.

قصه ها از دیرباز در انتقال ارزش ها و مفاهیم تربیتی به کودکان و نوجوانان مؤثر بوده است؛ به این دلیل که قصه هیچ گاه تاریخ مصرفی ندارد و تاریخ انقضایی را در بر نمی گیرد. از قید زمان ها رهاست و حتی در شرایط بد اقتصادی جوامع؛ قصه ها فراموش نشده اند.

درست است که وقتی قصه می گوئیم بچه ها در سکوتی کامل گوش فرا می دهند؛ اما این سکوت، فریاد هم ذات پنداری است. کودک با شروع قصه شروع در درون خودش بازیگری به تمام عیار می شود که همراه با شخصیت های قصه رفتار می کند. در تمام حوادث جریان دارد، خود را جای قهرمان می گذارد، گریه می کند، می جنگد، می خندد، دنبال آرمانها و اهدافش می شود؛ کودک به مثابه کارگردان قهاری می شود که تله حوادث و شخصیت ها را می سازد و در واقع تجسم و تصور خلاق قصه را کارگردانی می کند. کودک در جریان قصه همراه با شخصیت ها و قهرمان قصه تصمیم می گیرد. از کوچک ترین فرصتی که برایش پیش آمده دریغ نمی کند؛ ارزش وقت را می شناسد. به همراه قهرمان قصه تلاش می کند و برای رسیدن به هدفی که مطرح است پا به پای او حرکت می کند و سر همه صحنه ها حاضر می شود و از اینجاست که همه تجارب قصه را در گنجینه ذهنش می ریزد و در زمان های مناسب از این ذخیره ذهنی استفاده می کند و این همان تأثیر جادوی قصه است.

در تمام طول قصه؛ کودک و نوجوان تماشاگر دنیای زیبایی است که قصه گو

برایش به تصویر می کشد. کودک قصه را می شنود نه حسرت قهرمان را می خورد و نه حسادت برایش اتفاق می افتد؛ بلکه یک رابطه صمیمی بین قصه و مخاطب ایجاد می شود. کودک همه چیز را درک می کند؛ و پا به پای قهرمان قصه می تواند بر مشکلات فائق آید. کودکان با هم ذات پنداری در قصه ها می توانند تمام چیزهای نداشته خود اعم از عروسک و خوردنی یا لباس گرم و یا شخصیت های نداشته شان، مثل مادر، پدر یا مادر بزرگ و... را تجربه کنند و با آنها انس بگیرند. یا حتی حقوقی که متعلق به کودک بوده ولی از او دریغ شده است را می تواند در قصه بیابد. قصه به کودک فرصت می دهد که تمام امیال و محتویات ناخودآگاه خود را تعبیر نماید و محیط زندگی را بشناسد، در واقع دوره کودکی زیربنای محکمی است که اگر در بنای آن دقت نشود تا ثریا می رود دیوار کج.

قصه به کودک می آموزد که چه طور به تنهایی می تواند شخصیتش رشد کند و به کمال برسد و در واقع بحر آنها بی مثل بحران عاطفی یا استقلال طلبی یا اجتماعی و حتی فرهنگی را پشت سر بگذراند و از لای گل ولای خود را بیرون بکشد و اضطراب های درونی اش را در قصه تخلیه کند و پایان خوش قصه خیال آسوده ای به او می بخشد. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که هر موقع کودکان ما از چیزی ترسیده اند و با خود کشمکش داشته اند، پدر و مادر آن را نادیده گرفته اند. ولی قصه ها به راحتی این ترس ها و اضطراب های کودکان و نوجوانان را جدی می گیرند و مستقیم درباره شان صحبت می کنند، ترس از مرگ، ترس از جدایی، ترس از سرزنش و... و وقتی قصه با این جمله پایان می یابد که آنها تا سالیان سال با هم به خوبی و خوشی زندگی کرده اند، این ترس از بین می رود و کودکان دیگر فریب نمی خورند.

قصه ها هر دو عنصر شکوفایی شخصیت کودک یعنی عقل و احساس را تحت تأثیر قرار می دهند. در درون قصه ها اگر به خاطر سرزمینی جنگیده شده،

احترام به مالکیت دیگران را بیان کرده و اگر شخصیت قصه از وسیله ای استفاده ای کرده، روح ابتکار و نوجویی را در کودک تقویت کرده است. قصه ها درست اندیشیدن و فکر کردن را یاد داده اند.

قصه ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از احکام اخلاقی، شکل دهی فعالانه به خویش و غایات اخلاقی را در ناخودآگاه کودک می ریزند و جهان بینی ارائه می کنند که در آن مخاطب کودک و نوجوان به سمت تعالی روح حرکت می کند و این حرکت در گرو ارزش های اخلاقی است که کودک از قصه برداشت می کند. به عنوان مثال اگر در قصه ای کودک اسباب بازی موردعلاقه اش را به کودک دیگری می بخشد که اسباب بازی ندارد، دیگر نیازی به معرفی ارزش بخشیدن نیست. همچنین ارزش آزادی را وقتی کودک می فهمد که ببیند حیوانی در قصه اسیر شده باشد. کودک در قصه بارها و بارها، شاهد همکاری و همدلی و مهربانی حیوانات بوده و این را به راحتی درک کرده است. از جمله ارزش های اخلاقی دیگری که کودک در میان قصه ها پیدا می کند، می توان به مسئولیت پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر و مادر و ائمه، عدالت و انصاف، روح انسان دوستی و نوع پروری، عزت نفس، انسانیت، حقیقت و فروتنی اشاره کرد. کودک همچنین پی به ارزش نادانی و دانایی می برد و یاد می گیرد شتاب زده عمل نکند. در مجموع، قصه خود به تنهایی دارای سلامت ذوق در قرون مختلف بوده و این سلامت ذوق، ارزش های اخلاقی، دینی و اجتماعی پربراری داشته که به سلامت جامعه کمک بسیار مؤثری کرده است.

مردم به کمک قصه ها، تاریخ خود را می آموزند و با اسطوره اقوام خود آشنا می شوند و به میراث ارزش ها و آداب و رسوم دست پیدا می کنند. به عنوان مثال، قصه های شاهنامه فردوسی، سراسر تاریخ دلاوری ها و جنگاوری های یک ملت و

دفاع از مام میهن بوده است. قصه‌ها انعکاسی از زندگی در کوه و دشت و مناطق جغرافیایی و دوره‌های مختلف بوده‌اند، دورانی که عوامل طبیعی جغرافیایی مثل سیل، زلزله و یا عوامل انسانی، مثل زورگویی پادشاهان و... همراه بوده است، اگر این قصه‌ها نبودند از کجا ارزش و لیاقت حاکمان مختلف و سلسله‌های گوناگون و آنچه که بر مردم آن روزگار گذشته مشخص می‌شده است. باید گفت که قصه‌ها سرشار از تاریخ، سنت‌ها، مذهب، آداب و قهرمانی‌ها هستند. در قصه‌های مذهبی بچه‌ها با فرهنگ ملی و دینی کشور خود آشنا می‌شوند؛ مگر نه اینکه فلسفه عید قربان و غدیر، ليله المبيت و... واقعیاتی بوده که به صورت قصه سینه به سینه نقل شده است. قصه‌های تولد و شهادت و زندگی ائمه، همه و همه باعث انتقال ارزش‌های اسلامی است.

باید توجه داشت که کودکان در دنیای قصه‌ها زندگی می‌کنند. آنها با قصه بازی می‌کنند، بیدار می‌شوند، می‌خوانند و حتی در عالم خواب نیز قصه‌ها را دنبال می‌کنند. این دل‌بستگی به حدی است که حتی شلوغ‌ترین بچه‌ها با آرامش به قصه گوش می‌سپارند؛ بچه‌ها همچنین از شنیدن قصه‌ها چیزهای بسیاری می‌آموزند(1) که شاید در شرایط دیگر، هرگز رغبتی به‌ادگیری آن نشان نمی‌دادند؛ علاوه بر این، قصه‌گویی، ساده‌ترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین ابزاری است که امکان اجرای آن برای همه، حتی خانواده‌ها وجود دارد؛ چراکه به هیچ‌گونه وسیله و مقدماتی نیاز ندارد.(2)

به این ترتیب، قصه‌گویی از یک سو نقش مهمی در زندگی کودک دارد و از سوی دیگر، ابزاری در دسترس و بدون هزینه است؛ از این رو استفاده از آن در رشد و تربیت کودکان در عین مؤثر بودن، ساده و مقرون به صرفه است. با این

ص: 149

1- . رحماندوست، 1377.

2- . پلويسكى، 1372.

وجود، واقعیت نشان می دهد که امروزه در اکثر موارد از این ابزار تربیتی غفلت شده است.

به ویژه در مدارس، بیشتر معلمان، قصه گویی را برای خود ننگ و حقارت و برای دانش آموزان اتلاف وقت می دانند و از فواید و ارزش های تربیتی فراوان آن غافل هستند(1)؛

از این رو به قصه گویی به عنوان يك شیوة و يك ابزار برای تحقق اهداف مدرسه نگریسته نمی شود؛ حتی در خانواده ها که احتمال استفاده از قصه گویی بیشتر است، در غالب موارد از آن تنها برای خواباندن کودکان کوچک تر استفاده می شود. در مورد کودکان بزرگ تر تصور بر آن است که چون خودشان قادر به مطالعه هستند، قصه گویی برای آنها ضرورتی ندارد؛ این در حالی است که شنیدن قصه از زبان قصه گو دارای تأثیراتی است که هرگز از طریق مطالعه به دست نمی آید.

در پایان باید گفت؛ علی رغم مسائل فوق، به نظر می آید علاقه فطری نوع بشر به شنیدن قصه و تجربه های موفق جهانی در استفاده تربیتی از قصه گویی(2)،

سرانجام بر کار مربیان، و همه کسانی که به نحوی با رشد و پرورش کودکان درگیرند، تأثیر بگذارد و قصه گویی به عنوان فعالیتی محوری در تعلیم و تربیت کودکان مورد استفاده قرار گیرند: از این رو به منظور کمک به تسریع این امر و علمی تر نمودن فعالیت های مبتنی بر قصه گویی، فراهم آوردن مبانی نظری قصه گویی امری ضروری به نظر می آید و اولین مبنای نظری، توجیه فلسفه قصه گویی برای کودکان است که می تواند در تشویق و ترغیب افراد به روی آوردن به این امر اثرگذار باشد.

بررسی فلسفه قصه گویی به معنای کشف خاستگاه های این امر در نهاد

ص: 150

1- . شعاری نژاد، 1384

2- . زاپس، 1380

بشری است؛ به عبارت دیگر، پرسش این است که چه ویژگی‌های در انسان (به ویژه كودك) وجود داشته و دارد که چرایی روی آوردن وی به قصه‌گویی را توجیه می‌کند. در پاسخ به این سؤال سه عامل اساسی قابل بررسی هستند که به شرح زیر است.

1. پیوند با فطرت بشری: اولین و مهم‌ترین عاملی که می‌توان از آن به عنوان فلسفه‌ی روی آوردن بشر به قصه‌گویی نام برد، ذاتی بودن گرایش به این امر در وجود نوع بشر است. از این رو در ابتدا، قصه‌گویی به عنوان پاسخی به نیاز روحی مشترك همه افراد بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این ارتباط، قدمت و استمرار قصه‌گویی دو مفهوم کلیدی هستند؛ از یک سو، قصه‌گویی به عنوان کهن‌ترین شکل ادبیات، قدمتی به درازی عمر کلام و پیشینه‌ای پیوسته به تاریخ پیدایش بشر دارد. حتی هزاران سال پیش که خواندن و نوشتن و صنعت چاپ هنوز رواج نیافته بود، قصه‌گویی در جوامع كوچك و بزرگ وجود داشت و جزئی از زندگی بشر به حساب می‌آمد که مورد علاقه همگان بود(1).

از سوی دیگر، قصه‌گویی تا زمانی که انسان به حیات خویش ادامه می‌دهد، استمرار خواهد داشت و همچون رودی حیات بخش در بستر زندگی به پیش خواهد رفت. حتی پیشرفت‌های تکنولوژیکی نه تنها نمی‌توانند مانعی در برابر جریان این رود باشند، بلکه خود عاملی در جهت تغییر و تنوع شیوه‌های قصه‌گویی هستند(2)؛ به عبارت دیگر، تکنولوژی به جای مقابله با قصه‌گویی، خود به صورت ابزاری در جهت خدمت به گسترش و رواج هر چه بیشتر آن درآمده است؛ به این ترتیب، امروزه با آنکه رسانه‌های جمعی تا دورافتاده‌ترین نقاط را تحت پوشش خود قرار داده‌اند، هنوز هم قصه‌گوها در همه جوامع کار خود را

ص: 151

1- . غنی، 1378 و زاپیس، 1380

2- . تاج آبادی و رنجبری، 1389

ادامه می دهند. حتی در جوامعی که از صنعت چاپ و شگفتی های عصر الکترونیک بهره می گیرند، این شکل کهن ادبیات شفاهی، به عنوان بخش مهمی از جامعه رواج دارد. (1)

قدمت و استمرار قصه گوئی، نشانگر پیوند آن با فطرت بشری است؛ از این رو می توان از قصه گوئی به عنوان تمایلی ذاتی (2) و پاسخی به نیازهای روحی (3)

و فطری مشترك در همه افراد سخن گفت که علاقه به آن از سوی خداوند در نهاد انسان ها نهاده شده است. (4)

نکته قابل توجه آنکه پیوند فطری انسان با قصه گوئی باعث می شود بسیاری از قصه گوینان توانا بتوانند مخاطبان سایر فرهنگ ها و زبانها را چنان تحت تأثیر قرار دهند که حتی اگر معانی واژگانی ترجمه نشود، روح و مفهوم قصه دریافت و مخاطبان حظ و لذت کافی ببرند. علت این امر آن است که وجوه مشترك احساس بشری در قصه ها و با قصه گوینان عجین شده و تنها پیرایه های زبانی و تفاوت های اقلیمی، زیستی و اندیشه ای بستر قصه متفاوت است. قصه، زبان مشترك انسان ها است که اگرچه با الفباهای مختلف بیان می شود، دریافت های حسی مشابهی را موجب می شود؛ (5) این دریافت ها بیش از هر چیز مرهون بیان قصه گو و انتقال حس قصه به مخاطب توسط قابلیت های نهفته در قصه گوئی است. وگرنه قصه تا وقتی بر زبان قصه گوی ماهر جاری نشود، نمی تواند بر افرادی که با زبان دیگری تکلم می کنند، تأثیر بگذارد.

تا اینجا معلوم شد که قصه گوئی نیازی ذاتی و علاقه ای فطری در وجود بشر

ص: 152

1- . چمبرز، 1380.

2- . غنی، 1378

3- . تاج آبادی ورنجبری، 1389

4- . رحماندوست، 1377

5- . شکرانه، 1385 و میرشفیعی، 1385

است که هرگز از زندگی وی حذف نشده و همواره با او بوده است؛ از این رو فطری بودن گرایش به شنیدن قصه از زبان قصه گو مبنایی ترین فلسفه قصه گویی است. بر اساس همین فلسفه است که قصه گویی از قدیم به عنوان عاملی برای سرگرمی و کسب لذت مورد استفاده قرار می گرفته است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، یکی از هدف های قصه گویی حتماً باید سرگرمی باشد. (1)

این سرگرمی از طریق لذت طبیعی موجود در قصه که ناشی از تعقیب و کشف ماجراهای ناشناخته و مجهول است (2) و با بیان جذاب قصه گو ملموس تر می شود، به وجود می آید.

حال باید دید پیوند فطری انسان با قصه گویی، چگونه فلسفه قصه گویی برای کودکان را توجیه می کند. در این زمینه باید گفت: چون کودکان به فطرت نزدیک ترند و روحیه انعطاف پذیرتر و ضمیر بی آرایش تری دارند، بیش از بزرگ ترها به قصه گویی علاقه مندند، از آن لذت می برند و تأثیر می پذیرند؛ از این رو گفتن قصه های خوب برای آنها می تواند تأثیرات تربیتی مثبتی بر منش و کنش شان بگذارد (3) و عاملی برای رشد فکری و تعالی روحی آنان باشد. (4)

2. کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود: انسان همیشه به دنبال آن بوده و هست که معنای جهانی را که در آن زندگی می کند بیابد و در پناه آن به هویتش تعین بخشد. این امر، یکی از مهم ترین عوامل جذب وی به قصه گویی است؛ از این رو کشف مفهوم جهان و شکل گیری هویت دومین فلسفه قصه گویی است که در ادامه بدان پرداخته می شود.

ص: 153

1- . پلووسکی، 1364

2- . رحماندوست، 1377

3- . رحمان دوست، 1377

4- . غنی، 1378

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران قصه گویی در طی قرن های طولانی، بهترین راه بیان آرزوها، تشریح اشارات و معانی، انتقال ارزش های اخلاقی و معنوی به نسل آتی، انتقال سینه به سینه سنت ها و آداب و رسوم بوده است و می تواند با نمایش خلق و خو و ارزش های معنوی متفاوت دیگران، قدرت تحمل آراء مخالف را افزایش دهد؛(1)

از این رو قصه گویی، بهترین راه برای بیان چگونگی زیستن در این جهان و فرصتی برای ایجاد تغییر در دیدگاه افراد نسبت به واقعیت است که با استفاده از آن می توان مخاطبان را در شناخت حقیقت، شیوه های درست زندگی، اخلاقیات و روش های دستیابی به کمال و موفقیت یاری کرد(2) تا از این طریق موفق به کشف معنا و مفهوم جهان خویش شوند. این امر به ویژه در مورد کودکان که تازه به گسترش روابط با جهان هستی پرداخته اند و طالب شناخت هر چه بیشتر آن هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از سوی دیگر، بخش عمده ای از هویت افراد در سنین کودکی شکل می گیرد. این امر با کشف مفهوم صحیح از جهان، که در پناه قصه گویی به دست می آید تا حدود زیادی تسهیل می شود. علاوه بر آن، الگوگیری از شخصیت های قصه ای که از زبان قصه گو بیان می شود نیز می تواند در شکل گرفتن هویت کودک مؤثر باشد.

توضیح آنکه در هر قصه، حرکات و گفتار شخصیت ها، نمودار موضع و موقعیت آنها است(3)

و قصه گو با حالات و بیان خاص خود به این حرکات و گفتارها زندگی و پویایی می بخشد. به نحوی که کودکان تحت تأثیر او می توانند روح زندگی را در کالبد شخصیت ها احساس کنند. همین امر باعث می شود منش

ص: 154

1- . پلویسکی، 1372

2- . یوسفی یوله و دلاور و یوسفی یوله، 1387

3- . رحماندوست، 1377

و کردارهای مثبتشان را فرا گیرند و هویت خویش را با الگوپذیری از آنها پایه ریزی نمایند.

به طور کلی، اسرار نظام آفرینش، ارزش ها و باورهای هر ملت در هنر آن ملت تجلی می یابد و قصه گویی نیز یکی از نمودهای آن است. قصه گو با هوشیار و متنبه ساختن افراد به آنها کمک می کند تا خود را بسازند و ابهامات و پیچیدگی های زندگی شان را حل کنند؛ بنابراین انتخاب به جا و درست قصه ها [و بیان پخته و صحیح آنها] می تواند تأثیرات تربیتی مثبتی بر منش و کشش کودکان که روحیه انعطاف پذیرتر و ضمیر بی آرایش تری دارند، بگذارد(1)

این امر از طریق کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خویش تسهیل می شود.

بر اساس فلسفه اخیر، می توان از طریق قصه گویی به تسهیل رشد کودک و آموزش عمیق و پایدار ارزش ها به او پرداخت. در مورد تسهیل رشد باید گفت: در هر برنامه قصه گویی، حتی اگر محتوای قصه فراموش شود، می توان از طریق درگیر ساختن تجارب و هیجان های کودک، به رشد و یادگیری وی کمک کرد.(2) به هر حال تا وقتی کودک به مفهومی از جهان و خویشتن دست نیابد، تربیت وی به طور کامل اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا این مفاهیم دارای نقشی مبنایی هستند و همه ابعاد رشد و تربیتی فرد در چهارچوب آن اتفاق می افتد.

همچنین قصه گو در صورت آشنا بودن با دنیای کودکان و پذیرش منطق آنها، بیش از هر معلم دیگری می تواند با بهره گیری از فنون قصه گویی، بذر همه ارزش های مذهبی، اخلاقی و انسانی را در ضمیر مخاطبان خود بکارد و مطمئن باشد آنچه با قلم مؤثر هنر بر صفحه حساس دل کودک حك شده است، در

ص: 155

1- . بیدمشکی، 1385 و الجفر و بازلی، 2004

2- . سلیمی، 1388

بزرگ سالی حتی با حربه عقل و علم و تجربه هم زدودنی نیست. (1)

به این ترتیب، قصه گویی به انسان فرصت می دهد ارزش مداری، دوستی مداری، خوبی مداری و خدمت مداری را به عنوان واژگان ثابت قصه ها درك کند و در هراس ها و حیرت هایش برای حفظ خویش به این مدارهای ثابت چنگ بزند. (2)

نتیجه آنکه کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خویش در لابه لای واژه های قصه گو، فلسفه دیگری برای قصه گویی است که بر مبنای آن می توان به تسهیل رشد و آموزش ارزش ها به کودک پرداخت.

نقش اساسی قصه گویی در مفهوم بانی جهان و خود، به علت غیرمستقیم و میانبر بودن تأثیر قصه بر کودکان، افزایش می یابد؛ از این رو در ادامه، به بررسی چگونگی این تأثیر به عنوان سومین فلسفه قصه گویی پرداخته خواهد شد.

3. تأثیر سریع و غیرمستقیم: یکی دیگر از عواملی که چرایی قصه گویی برای کودکان را توجیه می کند، این است که قصه گو به طور غیرمستقیم مخاطبان خورا تحت تأثیر قرار می دهد و از این رو به سرعت باعث ایجاد تغییراتی در آنها می شود. حال باید دید این امر چه دلایلی دارد. اولین دلیل همان است که به عنوان اولین و مبنایی ترین فلسفه قصه گویی بدان اشاره شد. ذهن انسان، آمادگی زیادی برای دریافت قصه دارد (3)

و قربت قصه گویی با طبیعت کودک، موضوع را برای او جالب و دوست داشتنی می کند و از طریق تحریک عواطف و امیال طبیعی اش باعث ایجاد رغبت در او می شود؛ (4)

این رغبت، سرعت یادگیری را افزایش می دهد.

ص: 156

1- . رحماندوست، 1369: 23-24

2- . شکرانه، 1385

3- . بنس، 2008

4- . غنی، 1378

دلیل دیگر در تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم قصه گویی، عامل تطابق یابی ناخودآگاه است. در هر قصه گویی دو ساختار (روساخت و ژرف ساخت) وجود دارد که در دو سطح متفاوت بر خواننده تأثیر می گذارد. روساخت همان جملات، صداها و توالی عبارات است که مخاطب هنگام قصه گویی می شنود؛ از این رو تنها در سطحی ظاهری، خودآگاه کودک را اشغال می کند. ژرف ساخت، فراهم کننده عناصری است که کودک را در سطحی ناخودآگاه اما ژرف، به درک معانی عمیق تر می رساند. (1)

این امر از طریق تأثیر لحن و بیان و سایر مهارت های قصه گو در جذب مخاطبان، انجام می گیرد. نکته مهم در این زمینه آن است که آنچه در سطح ظاهری اتفاق می افتد ممکن است به زودی فراموش شود؛ اما تطابق یابی ناخودآگاه، چون به طور غیرمستقیم انجام می گیرد، تأثیر بیشتر و پایدارتری به جا می گذارد.

سومین دلیل در موضوع مورد بحث، زبان خاص مورد استفاده در قصه گویی است. قصه گو از یک سوز عبارات خشک، جامد و غیرطبیعی پرهیز می کند (2) و از سوی دیگر عموماً در هاله ای از ابهام و با زبانی نمادین سخن می گوید، از این رو زبان او جذابیت زیادی دارد (3).

که به تأثیرگذاری غیرمستقیم و میانبر منجر می شود. این تأثیر سریع و غیرمستقیم، می تواند قصه گویی را به ابزاری تربیتی و آموزشی تبدیل کند. به این ترتیب، قصه گوها با بیان شیرین و جذاب خود اصول تربیتی را به طور غیرمستقیم به کودکان انتقال می دهند و از این راه ضمن پربار نمودن اوقات فراغت آنها، ذوق ادبی و زیبایی شناسختی و قوه تخیل و ابتکارشان را وسعت می دهند. تجربیات گران بهایی که کودکان از این راه کسب می کنند و در

ص: 157

1- . سلیمی، 1388

2- . شعاری نژاد، 1384

3- . بیدمشکی، 1385

زندگی عملی به کار می بندند، هرگز از راه آموزش مستقیم، به دست نخواهد آمد؛ (1)

از این رو تأثیر سریع و غیرمستقیم قصه، سومین عاملی است که انسان را به قصه گوئی، به ویژه برای کودکان وامی دارد.

تا اینجا معلوم شد که پیوند قصه گوئی با فطرت بشری، امکان کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود در پرتوی قصه گوئی و تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم آن مهم ترین فلسفه قصه گوئی برای کودکان است. حتی اگر بشر هرگز به این جنبه ها توجه نکرده باشد، باز هم تحت تأثیر آنها به قصه گوئی پرداخته است.

اما نکته دیگری که وجود دارد این است که هیچ يك از این موارد، صرفاً در قصه گوئی محدود نمی شوند. كودك ممكن است بر اساس گرایش ذاتی خویش، به «مطالعه» يك قصه (به جای گوش سپردن به آن) پردازد و تحت تأثیر غیرمستقیم و سریع آن، جهان و هویت خویش را معنا بخشد؛ از این رو ممكن است در نگاه اول چنین به نظر آید که موارد فوق به تنهایی و به طور كامل نمی توانند توجیه گر فلسفه قصه گوئی برای کودکان باشند؛ اما تعمق بیشتر بر این مسئله، نشان می دهد که از یک سو، موارد فوق بیشتر با قصه گوئی قرابت دارند تا مطالعه قصه توسط فرد و از این رو تلقی کردن آنها به عنوان فلسفه قصه گوئی به واقعیت نزدیک تر است. از سوی دیگر، در قصه گوئی نکات دیگری نیز وجود دارد که بحث پیرامون آن می تواند به افزایش درك فلسفه قصه گوئی (به جای مطالعه قصه) كمك کند.

در توضیح بیشتر باید گفت: اگر مطالعه قصه می توانست جایگزین شنیدن قصه از زبان قصه گو شود، پیدایش خط و صنعت چاپ، قصه گوئی را از سکه می انداخت؛ اما این امکانات، انسان را از شنیدن قصه و رودررو قرار گرفتن با

ص: 158

قصه گویی نیاز نکرد. (1) علت این امر، تأثیرگذاری بیشتر بازگویی قصه های قوی و هنرمندانه بر مخاطبین است. حالات و بیان هنرمندانه
قصه گو (2)

باعث می شود فرد نسبت به وقتی خود به مطالعه می پردازد اثرپذیری غنی تر و ماندگارتری داشته باشد. چراکه کلمات زنده می توانند
آفریننده باشند، بر روی احساسات تأثیر بگذارند، تصوراتی را خلق کنند و موجب شادی و سرور در شنوندگان شوند. (3)

به این ترتیب، نیمی از زیبایی و روایی قصه برای کودکان مرهون مهارت و طرز بیان قصه گو است. نفس گرم قصه گو و بیان شیرینش به
منزله روح قصه است و قصه بدون آن سرد و بی لطف به نظر می رسد. (4)

این جنبه از قصه گویی به ویژه برای گروه سنی کودک از چنان اهمیتی برخوردار است که می توان گفت: حتی وقتی خود کودک قادر به
خواندن باشد، قصه گویی برای او توصیه می شود؛ چراکه کودک از این طریق زیبایی تصاویر و کلمات و عبارات هنری را بهتر احساس می
کند و این درک و احساس هنری اهمیت زیادی در سازندگی و تکامل ذوق و سلیقه او دارد؛ (5)

علاوه بر این، وجود ارتباط دوسویه در برنامه قصه گویی فلسفه دیگری است که باعث رجحان شنیدن قصه بر مطالعه آن می شود. قصه
گویی، رویدادی انسانی و دوجانبه است که بزرگ سال (قصه گو) و کودک به طور یکسان در آن شرکت می کنند. (6) این امر از منفعل
بودن کودک در جریان قصه گویی جلوگیری می کند و به او امکان دخالت و اعتراض می دهد. به نحوی که کودک به خود اجازه می دهد در
بین قصه گویی،

ص: 159

1- . رحماندوست، 1377

2- . غنی، 1378

3- . چمبرز، 1380

4- . بیدمشکی، 1385

5- . شعاری نژاد، 1384

6- . بتلهایم، ترجمه بهروز نیا، 1384

با طرح خاطره و پرسش، خود را مطرح سازد و یا اطلاعاتش را کامل کند، از سر مجهولات نگذرد و ناپیدایی های قصه را بفهمد.

در نتیجه این امر، کودک با اشتیاق بیشتری در قصه گویی شرکت می کند، وجود «خویش» را بهتر درک می نماید، به پرورش استعدادها و قدرت تخیل و خلاقیت خویش می پردازد،(1)

مهارت های زبانی، اجتماعی، هوشی و علمی خویش را افزایش می دهد و از مزایای پیوند عاطفی نزدیک با افراد بزرگ سال برخوردار می شود.(2)

به این ترتیب، امکان معنایابی جهان و تعیین هویت خویش و تأثیرپذیری سریع و غیرمستقیم نیز بیشتر می شود. همه این موارد به علت وجود ارتباط دو سویه به دست می آید؛ از این رو مطالعه قصه توسط خود کودک نمی تواند فراهم کننده آن باشد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه گسترش میدان خیال کودک و پرورش ذهن و هوشیاری وی که کی از قابلیت های مهم قصه است(3) از طریق قصه گویی به نحو چشم گیری افزایش می یابد؛ چراکه قصه گو می تواند با خنثی کردن ضمیمه هوشیار شنونده، آن را آشفته و مختل ساخته در پیچه های خیال پروری اش را بگشاید و از این طریق به ناخودآگاه فرد راهابد.(4) اهمیت این امر با یادآوری این نکته بیشتر معلوم می شود که نفوذ به ناخودآگاه در تأثیرگذاری غیرمستقیم و سریع بر کودک نقش اساسی دارد.

در ضمن، قصه گویی علاوه بر نقشی که در پرورش خیال کودک دارد، به او جسارت و جرئت بیان آزادانه تخیل را نیز می بخشد. این کار به مرور زمان به ذهن

ص: 160

1- . افروز، خانبانی، جمشیدیان، 1385

2- . بیدمشکی، 1385

3- . غنی، 1378

4- . صدرزاده، 1389

او ساختار و نظم می دهد و موجب می شود در برخورد با مسائل، تفکری تحلیلی داشته باشد. (1)

در نتیجه می تواند به طور آگاهانه تر و علمی تر به معنایی برای خود و جهان اطرافش دست یابد.

گذشته از همه اینها، حتی اگر آنچه به عنوان فلسفه قصه گویی بررسی شد، بتواند توجیه گر فلسفه مطالعه قصه هم باشد، در سنین کودکی، قصه گویی بهترین و اثربخش ترین مسیر رسیدن به مرحله مطالعه است. در توضیح بیشتر این مطلب باید گفت قصه گویی محرکی قوی در افزایش سطح کتاب خوانی کودکان و گسترش حوزه مطالعه آنها است؛ چراکه قصه گویی فاصله میان قدرت خواندن کودک و قدرت درک او را از بین می برد، گنجینه لغاتش را افزایش می دهد، او را با قسمتی از ادبیات که با آن بیگانه و یا نسبت به آن بی علاقه بوده آشنا و مأنوس می سازد و مانع از آن می شود که کندخوانی، کودک را نسبت به کتاب بی علاقه کند. (2)

کودکان با شنیدن هر چه بیشتر قصه ها علاقه مندی شان به مطالعه بیشتر می شود؛ به نحوی که حتی تمایل دارند قصه هایی را که شنیده اند خود نیز بخوانند. (3) به این ترتیب، با وجود آنکه فلسفه قصه گویی برای کودک تا حدودی با فلسفه مطالعه قصه توسط خود او هم پوشی دارد، در یک بررسی عمیق تر می توان دریافت که قصه گویی برای کودکان دارای ویژگی ها و آثاری است که قرابت هر چه بیشتر آن با فلسفه مذکور را توجیه می کند؛ از این رو پیوند قصه گویی با فطرت بشری، امکان کشف مفهوم جهان و تعیین هویت خود در پرتو قصه گویی و تأثیرگذاری سریع و غیرمستقیم آن در درجه اول به عنوان فلسفه «قصه گویی» شناخته می شود. در کشور ما به رغم وجود گنجینه های علم و معرفت و

ص: 161

1- . تولایی، 1385

2- . رحماندوست، 1377

3- . غنی، 1378

داستان های و افسانه های زیبا و آموزنده، اولیا و مریدان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می دهند و دانش آموزان نیز در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری های غیر فعال کرده و از سختی، خشکی دروس، اضطراب امتحان و نمره رنج می برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مریدان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان های خلاق، مبتکر و کارآمد است، باز می مانند.

قصه در قرآن

اشاره

قرآن که معجزه پیامبر اسلام و آخرین و در عین حال کامل ترین کتاب آسمانی است، سرشار از داستان های و تمثیل هایی است که از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و به زبان قصه برای مسلمانان نقل شده و شاید یکی از دلایل گرایش اعراب به اسلام نیز نقل همین داستان های به صورت پندآموز بوده است. (1)

قصه در قرآن عبارت است از روایت و نقل وقایع و حوادث واقعی و تاریخی که از روی علم و با هدف و پیامی مشخص پیگیری می شود. قرآن هنری ترین کتاب است؛ تمام واژگانش سنجیده و حساب شده در کنار هم نهاده شده اند، تصویر در اوج است، نثر آهنگ ویژه خودش را دارد و قصه های قرآن نیز با شیوه ای تازه ارائه شده اند. مهم ترین نکته ای که هرگز نباید از نظر دور داشت، این است که قرآن، کتاب قصه نیست، قصه ابزاری جهت عینی کردن مفاهیم قرآنی است و کتاب آسمانی ما در عصری که ادبیات داستانی شفاهی بود، به این مهم پرداخت و در بهترین شکل و شیوه آن را ارائه داد.

قرآن، عناصری را در قصه به کار گرفته است که بشر در قرن حاضر با پیشرفت علوم و به ویژه داستان نویسی نوین به آنها دست یافته است و حتی

ص: 162

مسلمانان از آنها غفلت کردند و می‌کنند و هنوز داستان را ره آورد غرب می‌دانند و بعضی آن را سبک می‌شمارند، آنچه مسلم است، این است که قصه قرآنی شکل و محتوای زیبا و برازنده دارد. قرآن، از قصه به عنوان بهترین وسیله آموزشی استفاده کرده و به آن برتری بخشیده است.

شخصیت های داستان های قرآن، انسان هستند و موضوعات آنها نیز به زندگی انسان مرتبط است. قصه ها و تمثیل های دل نشین قرآن با مضمون های اخلاقی، انسانی و تاریخی، همگان را به عبرت گیری و یادگیری مسائل دعوت می‌کند. (1)

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: قرآن را یاد بگیرید که زیباترین گفتارهاست و در آن غور کنید که بهار دل هاست و از نورش شفا بگیرید که شفای قلب هاست و خوب بخوانید که پرفایده ترین قصه هاست. (2)

و قرآن قصه را ابزاری در خدمت اهداف خود می‌داند، قصه ظرف، پیمانه و شکل است و مهم تر از آن، محتوا و معنا و اندیشه است.

اهمیت قصه در قرآن

قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه های آشکار این امر به شمار می‌آید؛ چنان که پروردگار عالمیان قصه ها را برای جامعه انسانی نوعی عطیه الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت های پیشین نقش بسته است، به انسان آگاهی می‌بخشد، نشان از رستگاری بشر و دلایل روشن انبیاء در برابر جبهه باطل می‌دهد، آدمی را به اندیشه و تفکر فرامی‌خواند تا با تعمق در سرنوشت گذشتگان و پیشینیان با خردورزی عبرت

ص: 163

1- . سلطانی، 1385

2- . نهج البلاغه، خطبه 108

گیرد و آموزه های خود را در ترسیم راه صحیح زندگی به کار بندد. سرانجام نیز خداوند تأکید می ورزد که قصه ها راست و درست هستند و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قویدل و در راه خود راسخ و سخت می سازد؛ از این رو قصه ها در قرآن از مقام رفیعی برخوردارند. در حقیقت پروردگار بر این زبان، بیان و قالب مؤثر انتقال مقصود صحه گذارده و آن را برای طرح معارف زلال و حکمت های رسای آفرینش انتخاب نموده است؛ چنان که تاریخ بشر نیز نشان داده قصه در عرصه تمدن بشری نقش ویژه ای داشته است. داستان ها همواره زبان گویای آدمی در انتقال تجارب تمدن ها و امت ها، تبیین آرمان ها و اندیشه ها و طرح مفاهیم بلند ذهن کاوشگر و پویشگر انسانی بوده اند؛ بنابراین بدیهی است از این نقش و تأثیر در متن وحی بهره گرفته شود و در راستای اهداف والای آگاهی، هدایت و تربیت فرد و جامعه انسانی موردنظر قرار گیرد. (1)

ویژگی های قصه در قرآن

اشاره

قصه در قرآن با قصه به مفهوم عام آن در عرصه ادبیات و فرهنگ بشر متفاوت است؛ زیرا قرآن از فرهنگ ویژه ای سرچشمه می گیرد. جان مایه این فرهنگ، طرح معارف الهی و حقایق جهان آفرینش است. این ویژگی قرآن سبب شده که هرچه در آن یافت شود با فرهنگ و روح کلی حاکم بر این کتاب آسمانی سنجیده شود؛ از این رو اهل نظر و مفسرین قرآنی آگاهانه تأکید می ورزند که واژگان، اصطلاحات و موضوعات طرح شده در بطن وحی را بایست منطبق با فرهنگ قرآنی تفسیر و تأویل نمود. قصه نیز از این امر مستثنا نیست و شناخت و تبیین آن را باید در چهارچوب روح حاکم بر قرآن پیگیری نمود. بدیهی است در

ص: 164

این صورت بر دقت برداشت و تطبیق با حقیقت امر و اراده الهی افزوده خواهد شد.

با تکیه بر این نظر کاوش در وحی الهی به خوبی دریافت می شود که قصه از منظر قرآنی دارای ویژگی ها و معیارهای زیر است:

1. تکیه بر نقل سرگذشت ها، حوادث و رویدادهای گذشته؛

2. حق، واقع و صادق بودن محتوا؛

3. پیام روشن و تکیه بر اهداف محوری عبرت و برانگیختن تفکر؛

4. دربرداشتن عناصر قصه و قابلیت اطلاق بر مفهوم و معنای قصه.

همچنین قصه های قرآنی فاقد جنبه های زیر است؛

1. دربرنگرفتن افسانه ها و اساطیر؛

2. فقدان تخیل؛

3. غیرواقعی بودن.

ویژگی های فوق نشان می دهد که مفهوم و ماهیت قصه های قرآنی با قصه های رایج در ادبیات و فرهنگ بشری تفاوت های چشمگیری دارد. قصه در ادبیات انسانی دامنه گسترده ای دارد و شمول آن جنبه های گوناگونی چون خاطره، سرگذشت، شرح حال، مثل و تمثیل، اساطیر و افسانه ها، حکایت و انواع داستان های کوتاه و بلند را دربر می گیرد.

به این ترتیب ماهیت قصه قرآنی با قصه های متداول در ادبیات گذشته و حال متفاوت است و دامنه آن بخش هایی را دربر می گیرد. حال آنکه گستره قصه و داستان رایج در ادبیات محدود به رئالیسم در مفهوم قرآنی نیست، از عنصر تخیل بهره می برد و تخیل در صحنه پردازی، طرح و توطئه، توصیف، شخصیت، زمان و مکان داستان نقشی اساسی دارد؛ هرچند منشأ آن می تواند «واقع» باشد و از نوعی «رئالیسم» و «واقع گرایی» سرچشمه می گیرد.

ص: 165

این تفاوت در جنبه های شمول و دامنه مفهوم قصه و ماهیت آن وجود دارد. بر این اساس هرگونه تفسیر و تحلیل قصص قرآن بایست مبتنی بر این تفاوت باشد و در قالب فرهنگ و روح کلی قرآنی شکل گیرد.

نکته دیگری که ضرورت دارد به آن توجه شود این است که قرآن بیشتر در مقام «قصه گویی» است و نه «قصه نویسی». از آنجاکه قصه گویی با قصه نویسی تفاوت دارد، بایست در قضاوت نسبت به قصص از زاویه دید قصه گویی نگریست. مؤید این امر نظر مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی در باب «وجوه و نظائر» الفاظ قرآن است که الفاظی همچون «فاقصص» در «فَاقْصِصْ الْقِصَصَ» (1) را به معنی «فأقراء» یعنی «بخوان» و «برگو» آورده اند و یا «یقصون» در «يَقْصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي» (2) را به معنی «یقرؤون» یعنی «می خوانند و بازگو می کنند» گرفته اند. این موارد نشانگر قصه گویی در قرآن می باشند که در مقام بررسی روش شناسی قصه در قرآن باید به آن توجه نمود.

شیوه ها و تکنیک های قصه پردازی در قرآن

قصه های قرآن از دیدگاه ادبی «واقع گرا» یا «رنال» به شمار می آیند؛ زیرا خصیصه اصلی این قصص آن است که «حق» بوده اند و «واقع» شده اند.

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ؛ ما خبرشان را به راستی حکایت می کنیم...» (3)

«إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ؛ همانا این داستانی است راست و درست.» (4)

حقیقی بودن و واقعیت داشتن ویژگی آشکار قصه در قرآن است. مفهوم حقیقت و واقعیت در قصه قرآنی قرابت نزدیکی با مفهوم حقیقت و واقعیت در

ص: 166

1- . اعراف، 176.

2- . سوره اعراف، 35.

3- . سوره کهف، 62.

4- . سوره آل عمران، 62.

فلسفه اسلامی دارند. از دیدگاه فلسفه اسلامی «حقیقت» مفهومی است که در خارج مصداق واقعی دارد و «واقعیت» همان نفس الامر و واقع است. از این دیدگاه واقعیات دو گونه می باشند، واقعیات موقتی و واقعیات ثابت و دائمی. از این رو حقایق نیز دو گونه اند:

1. حقایقی که مربوط به علوم اعتباری و اعتباریات هستند. به طور نمونه می توان به قوانین اجتماعی اشاره کرد که مصداق عینی و خارجی ندارند و تابع اعتبار قانون گزاران و غیره است. این گونه قوانین برای مدتی محدود یک حقیقت اجتماعی شناخته می شوند و با تغییر شرایط، آن حقیقت هم از بین می رود؛ زیرا بر پایه واقعیاتی موقتی بنا شده اند. این حقایق احتمالی، نسبی و موقتی بوده و به نظر برخی از لحاظ فلسفی حقیقت به شمار نمی آیند.

2. حقایقی که مربوط به واقعیات ثابت و یقینی هستند. چنین حقایقی اختصاص به زمان معینی ندارد؛ زیرا در اینجا اگرچه حقایق مربوط به واقعیات متغیر باشند، ولی مطابقت حقیقت با واقعیت خود که مربوط به یک لحظه از زمان است، ابدی بوده و اختصاص به زمان خاصی ندارد، مثل اینکه بگوییم «پیامبر سال عام الفیل متولد شده است». با اینکه این حقیقت مربوط به سال عام الفیل و یک قطعه از زمان است، اما همیشه و به طور دائم صادق است و با واقع خود مطابقت دارد، یعنی در همه زمان ها صادق است که تولد پیامبر در سال عام الفیل بوده است.

این مفهوم از «حقیقت» و «واقعیت» بر حقایق و واقعیات قرآنی صادق است. بر مبنای این نگرش حقایقی چون ارسال پیامبران و انبیاء، وجود اقوام مختلفی چون عاد، ثمود و... و وقوع حوادث و رویدادهایی چون خلقت انسان، طوفان نوح، آتش و ابراهیم، یونس و ماهی، موسی و فرعون، تولد شگفت انگیز مسیح، ماجراهای قوم صالح و عذاب های واقع شده بر اقوام عصیانگر در دوره های پیشین

واقعیت داشته اند و قصص قرآن از این حقایق سخن می گویند. در دل قصه های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه های خاص تاریخ نقش بسته است. به نظر ما چون این حقایق بر پایه واقعیات قطعی و یقینی هستند، همواره صادق هستند و تابع برداشت یا تخیل و ذهنیت ناقل یا نویسنده نخواهد بود که در این صورت ماهیت قصه های قرآنی مخدوش می شود؛ بنابراین: رئالیسم در قصه های قرآن به معنای نقل و روایت واقعیات قطعی و یقینی و ترسیم برشی از یک مقطع زندگی انسان در بستر تاریخ و زمانی که اتفاق افتاده، است.

پس منظور از «واقع گرایی» و «رئالیسم» قرآنی، رئالیسم مصطلح در ادبیات داستانی نیست و این دو با یکدیگر تفاوت گوهری دارند. رئالیسم ادبی مکتبی است که در آن داستان نویس برای آفرینش قصه از شخصیت ها، فضاها، توصیف ها، گفت وگوها، حوادث، گره افکنی ها و سایر عناصر داستانی به شکلی استفاده می کند که بر اساس برداشت خارجی و به اتکای نمونه ای بیرونی و واقعی باشد؛ به عبارت دیگر داستان و قصه در تخیل او زاده می شوند، اما داستان یا اجزاء آن در خارج و جهان عینی یا زندگی واقعی نمونه دارد. در این سبک نویسنده از خارج عکس برداری نمی کند، بلکه داستان تابع شخصیت فکری و ذهنی نویسنده است و «خارج» و «واقع» نقشی قطعی در سیر و منطق داستان ندارند. ذهن نویسنده قصه پرداز طبق «خارج» و «زمینه های عینی و واقعی» صحنه ها و سایر عناصر داستانی را ترسیم نموده و به تصویر می کشد.

اما رئالیسم قرآنی بر پایه واقعیت های خارجی استوار است.

قرآن از واقع گزارش می نماید و داستان های قرآنی گزارش صدق و راست وقایع و رویدادهایی هستند که در زمان و روزگاری عینا «واقع» شده اند. (1)

ص: 168

بعد از چاپ و انتشار چند تالیف در مباحث تربیت دینی فرزندان و والدین و دیدن و جستجوی منابع مختلف، داستان های نغز و پر ملات در این موضوع تصمیم بر آن گرفته شد تا قدمی کوچک در عرصه تربیت دینی به عموم جامعه، خاصه پدران و مادران برداشته باشیم.

نمونه داستان های پندآموز

حکایت آن درخت

در میان بنی اسرائیل عابدی بود. وی را گفتند: «فلان جا درختی است و قومی آن را می پرستند» عابد خشمگین شد، برخاست و تبر بر دوش نهاد تا آن درخت را برکند... ابلیس به صورت پیری ظاهر الصلاح، بر مسیر او مجسم شد، و گفت: «ای عابد، برگرد و به عبادت خود مشغول باش!» عابد گفت: «نه، بریدن درخت اولویت دارد» مشاجره بالا گرفت و درگیر شدند.

عابد بر ابلیس غالب آمد و وی را بر زمین کوفت و بر سینه اش نشست... ابلیس در این میان گفت: «دست بدار تا سخنی بگویم، تو که پیامبر نیستی و خدا بر این کار تو را مامور ننموده است، به خانه برگرد، تا هر روز دو دینار زیر بالش تو نهم؛ با یکی معاش کن و دیگری را انفاق نما و این بهتر و صوابتر از کندن آن درخت است»؛ عابد با خود گفت: «راست می گوید، یکی از آن به صدقه دهم و آن دیگر هم به معاش صرف کنم» و برگشت.

بامداد دیگر روز، دو دینار دید و بر گرفت. روز دوم دو دینار دید و برگرفت. روز سوم هیچ نبود. خشمگین شد و تبر برگرفت. باز در همان نقطه، ابلیس پیش آمد و گفت: «کجا؟» عابد گفت: «تا آن درخت برکنم»؛ گفت «دروغ است، به خدا هرگز نتوانی کند» در جنگ آمدند. ابلیس عابد را بیفکند چون گنجشکی در دست! عابد گفت: «دست بدار تا برگردم. اما بگو چرا بار اول بر تو

پیروز آمدم و اینک، در چنگ تو حقیر شدم؟»

ابلیس گفت: «آن وقت تو برای خدا خشمگین بودی و خدا مرا مسخر تو کرد، که هرکس کار برای خدا کند، مرا بر او غلبه نباشد؛ ولی این بار برای دنیا و دینار خشمگین شدی، پس مغلوب من گشتی» (1)

نتیجه گیری

قصه و داستان از برجسته ترین و پرجاذبه ترین انواع هنر، برای کودکان محسوب می شود. کودکان در دنیای قصه بازی می کنند، با قصه ها می خوابند، بیدار می شوند و زندگی می کنند. شلوغ ترین بچه ها با آرامش به قصه ها گوش می دهند، از قصه ها می آموزند و عبرت می گیرند و حتی در عالم خواب نیز قصه ها را دنبال می کنند. اگر قصه گو با دنیای بچه ها آشنا باشد و منطق آنها را بپذیرد، می تواند با بهره گیری از فنون قصه گویی، بذری تمام ارزش های بزرگ و کوچک اخلاقی و انسانی را در کودکان بکارد. چقدر خوب بود اگر در خانه و مدرسه برای پرورش نیکوتر، حتی آموزش بهتر درس ها به فن قصه گویی توجه بیشتری می شد و آموزش قصه گویی به مدرّسان و معلمان جزء برنامه های اصلی تربیت معلم قرار می گرفت. داستان و قصه همچنین نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه ها و داستان های خوب، کودک به بسیاری از ارزش های اخلاقی پی می برد. پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش هایی هستند که هسته مرکزی بسیاری از قصه ها و داستان های را تشکیل می دهند.

پرورش حس زیبایی شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیایی که

ص: 170

اطرافش را فرا گرفته، پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک، هدف های اصلی طرح قصه های خوب برای کودکان است. استفاده از این قالب هنری با انتشار کتاب ها و مجلات متنوع، قصه گویی و یا قصه خوانی برنامه ها و فیلم های داستانی تلویزیونی و یا برنامه های رادیویی انجام می پذیرد. قصه و داستان، نظر به نقش برجسته ای که دارد، بخش عمده ای از ادبیات کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده و از مباحث عمده آن به شمار می رود. (1)

انسان به گونه ای خلق شده است که به قصه و داستان علاقه ذاتی دارد؛ از این رو، آخرین کتاب الهی که برای بشریت تا روز قیامت بوده، مملو از قصص گذشتگان است. بزرگان تعلیم و تربیت به تقلید از «رب العالمین» حقایق زندگی را به صورت قصه و داستان به نسل آینده انتقال داده است. کودک به اقتضای نزدیکی به فطرت پاک الهی، از شنیدن قصه لذت می برد و به طور غیر مستقیم، جوهر وجودش شکل می گیرد. از آنجا که قرآن «احسن القصص» است، چنانچه قصه های آن به نحو مقتضی و متناسب با سن کودک بیان شود، موجب علاقه مندی او به قرآن خواهد شد. (2)

قرآن درباره هدف و اهمیت قصه های خود دو تعبیر جالب توجه دارد:

الف) «فأقصص القصص لعلهم يتفكرون؛ قصه ها را برایشان بازگو کن شاید بیندیشند.» (3)

ب) «لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب ما كان حديثاً يفترى ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء وهدى ورحمة لقوم يؤمنون؛ یعنی

ص: 171

1- . دهستانی اردکانی، 1387.

2- . سرشور خراسانی، 1388.

3- . یوره اعراف، 176.

همانا در قصه های ایشان صاحبان خرد را عبرت و پندپذیری است. این سخنی که به دروغ بافته شده باشد، نیست، بلکه تصدیق آن معارفی است که پیش از آن (قرآن) بوده است و تفصیل هر چیز و هدایت و رحمت است برای گروه مؤمنان.»(1)

در قسم سوم داستان های می توان به داستان آدم، سجده ملائک و تمرد شیطان اشاره کرد که برخی از مفسران آن را بیان نمادین حقایق دانسته اند؛ البته روشن است که اینجا سخن از خیال پردازی نیست، بلکه منظور بیان هنرمندانه و سمبلیک معارف و حقایق هستی است.(2)

در نهایت اینکه قصه گویی به عنوان مهم ترین و در دسترس ترین ابزار آموزش غیرمستقیم کودکان محسوب می شود. اگر نوجوانها و جوانهای شایسته و وارسته می خواهیم، باید از همان کودکی برای رشد و تعالی آنها سرمایه گذاری کنیم و هیچ سرمایه ای بهتر و سودمندتر از انتقال مفاهیم صحیح تربیتی از طریق قصه های خوب و آموزنده نخواهد بود.(3)

ص: 172

1- .سوره یوسف، 111.

2- .مدنی بجستانی، 1388.

3- .روزنامه خراسان شمالی، 1389.

1. افروز، غلامعلی و خانبانی؛ مهدی و جمشیدیان، رسول، نقش قصه گویی در پرورش و تقویت فرهنگ ملی - مذهبی؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.
2. بتلهایم، برونو؛ کودکان به قصه نیاز دارند؛ ترجمه کمال بهروزنیا، تهران: افکار، 1384.
3. برزگر، راضیه، نقش قصه های قرآنی در تعلیم و تربیت نسل جدید، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی razieh.barzegar@gmail.com
4. بیدمشکی، مریم؛ نقش قصه و تأثیرات تربیتی آن بر کودکان؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.
5. پشت دار، علی محمد؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ تهران: دانشگاه پیام نور، 1376.
6. پشت دار، علی محمد؛ سنگری، محمدرضا؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ تهران: دانشگاه پیام نور، 1390.
7. پلووسکی، آن؛ دنیای قصه گویی؛ ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران: سروش، 1364.
8. پلویسکی، آنا؛ قصه گویی در خانه و خانواده؛ ترجمه مصطفی رحماندوست، چاپ اول، تهران: مدرسه، 1372.
9. تاج آبادی، رضا؛ رنجبری، صفرعلی؛ سیری در هنر قصه گویی و شیوه های روایت قصه؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1389.

10. جعفری مفرد طاهری، محمد مهدی؛ بررسی تأثیر قصه گویی بر آموزش مهارت های اجتماعی کودکان شش ساله پسر شهر کاشان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1387.
11. چمبرز، دیوئی؛ قصه گویی و نمایش خلاق؛ ترجمه ثریا قزل ایاغ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1380.
12. حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ چاپ هشتم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، 1384.
13. حسینی، سید ابوالقاسم، مهدی، محدثی؛ مبانی هنری قصه های قرآن؛ مجله گلستان قرآن، شماره 127، 1381، صص، 30
14. حسینی نژاد، سیدمجتبی، داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان، قم، انتشارات اثر قلم، 1400
15. حنیف، محمد؛ فایده های قصه گویی؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، 1383.
16. دهستانی اردکانی، نرگس؛ بررسی تأثیر آموزش مفاهیم علوم تجربی (سالم و قوی شوید، جانوان، گیاهان) با روش قصه گویی بر میزان یادگیری دانش آموزان دختر پایه اول ابتدایی منطقه 2 شهر تهران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1387.
17. رحمان دوست، مصطفی؛ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ کاردانی تربیت معلم، 1372.
18. رحماندوست، مصطفی؛ قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن؛ تهران: رشد، 1377.
19. روزنامه خراسان شمالی؛ قصه گویی در دسترس ترین ابزار آموزش کودک است؛ شماره 608، ص. 2، 1389.
20. رهبر، امیر؛ بررسی تأثیر برنامه درسی تلفیقی و غیر تلفیقی بر یادگیری

دانش آموزان پایه سوم ابتدایی در درس علوم تجربی با روش قصه گویی تلفنی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1389.

21. زاپیس، جک؛ هنر قصه گویی خلاق؛ ترجمه مینو پرنیانی، تهران: رشد، 1380.

22. سرشور خراسانی، غلام عباس؛ کودک و داستان های؛ رشد آموزش پیش دبستانی، دوره اول، شماره 1، 1388.

23. سلطانی، مریم؛ اثربخشی روش قصه گویی به صورت گروهی در افزایش عزت نفس دانش آموزان دختر پایه دوم ابتدایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1385.

24. شعاری نژاد، علی اکبر؛ ادبیات کودکان؛ تهران: اطلاعات، 1384.

25. شکرانه، اسدالله؛ آدم های بی ساعت؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.

26. صباغیان، حمید؛ تأثیر قصه گویی بر میزان پرخاشگری کودکان دختر و پسر اول و دوم ابتدایی شهرستان مهریز؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1386.

27. صدر زاده، ماندانا؛ نقش قصه های تمثیلی در تعلیم و تربیت، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی؛ دوره اول، شماره اول، 1389.

28. غنی، رضا؛ اصول و قواعد قصه گویی؛ (جزوه)، اصفهان: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1387.

29. مدنی بجزستانی، محمود؛ قصه در قرآن؛ قابل دسترس در سایت تبیان به آدرس: <http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=102729> تاریخ دستیابی: 29/09/1390

30. مقاله علت پرداختن به قصه گویی در قرآن (1389) قابل دسترس در سایت شهر مجازی قرآن کریم به آدرس:

: <http://quranct.ir/index.aspx?siteid=41&pageid=6354>، تاریخ دستیابی: 29/09/1390

31. ملبویی، محمد تقی؛ روان شناسی قصه در قرآن؛ کتاب ماه مهر، شماره 12، صص. 24 - 29، 1378.

32. میر صادقی، جمال؛ واژه نامه هنر داستان نویسی؛ تهران: کتاب مهناز، 1377.

33. میر شفیع، عالمه؛ نقش قصه ها در تبادل تجربیات بشری و انتقال فرهنگ ها؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1385.

34. ناظمی، یحیی؛ ادبیات کودکان؛ چاپ اول، تهران: چاپار، 1385.

35. ندافی قلعه شیر، احمد؛ بررسی تأثیر قصه گویی برخی مفاهیم شهروندی کودکان شش ساله پسر شهر مشهد؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، 1388.

36. یوسفی یوله، معصومه؛ دلاور، علی و یوسفی یوله؛ مجید؛ تأثیر قصه درمانی بر کاهش نشانه های اختلال های اضطراب دانش آموزان مضطرب پایه چهارم، فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی؛ سال هشتم، شماره سوم، صص 281-294، 1387.

37. Al-Jafar. Ali and Buzzelli. Cary. A. (2004). The Art Of storytelling for Cross Cultural understanding. .
International Journal of Early Childhood, Volume 36, Number 1, Pages 35-48

38. Lndiana. A. (2008). Better Way To Educate Through storytelling. Available in: www.storyteller.net

اشاره

سیدمجتبی حسینی نژاد(1)

خیرگو شهری در شهرستان لامرد استان فارس است.

جمعیت

جمعیت این شهر بر اساس آخرین آمار سرشماری سال 95 برابر 1,821 تن (523 خانوار) بوده است.

موقعیت

این شهر در فاصله 350 کیلومتری شهر شیراز، 33 کیلومتری شهرستان لامرد و 26/5 کیلومتری شهر علامرودشت قرار دارد.

وجه تسمیه

نام این شهر برگرفته از درختچه استبرق است که در زبان محلی به خرگ مشهور می باشد. در سال های اخیر به خیرگو تغییر نام داده شده است.

این شهر در 5315 طول جغرافیایی و 2730 عرض جغرافیایی واقع است و در 397 کیلومتری شیراز قرار دارد.(2)

ص: 177

1- . استاد و محقق حوزه علمیه، سطح 3 حوزه علمیه valayat@gmail.com

2- . ویکی پدیا؛ <https://fa.wikipedia.org>

راستی که گرامی ترین شما نزد خدا، با تقوا ترین شماست، همانا خداوند دانا و آگاه است»

اگر نیم نگاهی به مناطق مختلف کشور عزیزمان ببینیم و به صورت اجمالی در آن نظر بیفکنیم، در خواهیم یافت که همانطوری که خالق بی همتا، انسان ها را به یک شکل نیافریده، فرهنگ ها، عقاید و آداب و رسوم و... محل های مختلف، نیز با هم متفاوت است. زیبایی در آن است که، تصور نماییم همه فرهنگ ها ریشه در یک محفل دارند ولی گلبرگ ها و رنگ های متفاوت را نمایان می کنند و در یک جمله بگوییم، زیبایی هر چیزی به متنوع بودن آن است. پس بهتر آن است که، ریشه را، تا ابد محفوظ نگه داریم و در شکوفایی گلبرگ های آن بکوشیم.

آشنایی هر چند مختصر، از یک سرزمین و شناخت آداب و رسوم، آثار و عقاید و... آن محل و معرفی آن به نسل جوان، یکی از راه های حفظ و نگهداری آن و شناخت نقاط مثبت و بعضاً منفی و در حد لزوم، جهت صحیح دادن به آن است و راهی است برای، مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان.

از آنجایی که شهر خیرگو، به عنوان یکی از شهرهای نسبتاً محروم و تا حدی ناشناخته باقی مانده است، بر آنیم که با بررسی ویژگی های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی این شهر، گامی هر چند کوچک، در جهت حفظ، احیاء، اشاعه این میراث فرهنگی اصیل و معرفی آن به نسل جوان و توجه دادن برنامه ریزان اقتصادی، که برای رسیدن به عدالت اجتماعی، شهرهای محروم را در حله اول، وجهه همت خویش قرار دهند. چون شهرهای ما می توانند نقش سازندگی را، به صورت بهتری هویدا کنند.

الف- شناسایی محیط جغرافیایی

1- موقعیت جغرافیایی: شهر خیرگو از بخش خیرگو شهرستان لامرد از جنوبی ترین نقطه استان فارس، می باشد. این روستا در 5315 طول جغرافیایی و 2730 عرض جغرافیایی واقع است و در 397 کیلومتری شیراز قرار دارد.

2- حدود و وسعت: روستای خیرگو با مساحتی در حدود 3000 کیلومتر مربع، در شمال شهرستان لامرد، قرار دارد و از شمال به بخش خنج لارستان، از جنوب به وراوی از توابع لامرد، از شرق به چاه ورز از بخش مرکزی لامرد و از غرب به مرکز بخش، شهر علامرودشت محدود می شود. شهر خیرگو از بخش خیرگو و از شهرستان لامرد 33 کیلومتر، فاصله دارد و فاصله آن تا دریا، حدود 30 کیلومتر است.

(بر اساس تقسیمات کشوری سال 1399 دهستان خیرگو به عنوان بخش خیرگو، شناخته شده است و این بخش 24 روستا را شامل می شود که عبارتند از: اندر، کمالی، روگیر تاج امیری، حاج محمد تقی، روگیر قلعه حاجی، روگیر حسنی، گرازی، شاه بهرام (شاوران)، نورالدینی، تمرویه، برکه ملا، شرف آباد، علی محسنی، مرادا، قلعه محمدعلیا، چاه رمضان، خیرگو، قلعه سهراب، چهارطاق، کتک، مهرآباد است و دو دهستان کمالی به عنوان مرکز دهستان و خیرگو با محور مرکزیت چهارطاق (مرکز دهستان چهارطاق) تعیین می شود.

همچنین مزارع و مکان و امام زاده هایی همچون امامزاده شاه سیف اله، امامزاده شاه خراسان، قلعه محمد طاهری در تقسیمات در جلسه مورخ 1370.3.29 با توجه به اختیار تفویضی هیأت وزیران (موضوع تصویب نامه شماره 93808 ت 907 مورخ 1368.10.24)، بنا به پیشنهاد شماره 17549.1.4.42

مورخ 1369.12.20 وزارت کشور و به استناد ماده (13) قانون "تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری" مصوب 1362 تصویب نمودند.

3- ناهمواری ها: رشته کوههای زاگرس که از جنوب سیمینه رود آغاز می شود و تا نزدیکی تنگه هرمز ادامه می یابد، با جهت شمال غربی به جنوب شرقی، این منطقه را نیز در بر می گیرد.

«رشته کوه علامرودشت به صورت رشته ای موازی، به طول 124 کیلومتر و به عرض 4 تا 8 کیلومتر از روستای سلوان در غرب لامرد آغاز شده و به سوی جنوب شرقی تا روستای پاقلات (اشکنان) ادامه می یابد. ارتفاع آن در بلند ترین نقطه 1430 متر است. این رشته کوه، لامرد را به دو بخش جدا، تقسیم می کند. به این ترتیب، وضعیت طبیعی این آبادی، به صورت جلگه ای و کوهستانی می باشد.»

4- اقلیم آب و هوا: «از نظر اقلیمی، بر اساس اقلیم نمای کوپن، در گروه اقلیمی خشک قرار می گیرد. به علت کاهش ارتفاع و عرض جغرافیایی و نحوه توجیه کوهها، میزان بارندگی، کم است و جزء مناطق کم بارش، می باشد. در زمستان هوا معتدل، و در تابستان ها، هوا بسیار گرم است. اما معدل حداکثر دما، 2/42 درجه سانتی گراد در تیر ماه و معدل حداقل دما، 7/5 درجه سانتیگراد در دی ماه بوده است. میزان متوسط بارندگی نیز، در حدود 100-200 میلی لیتر، در سال می باشد.»

در فصول مختلف سال، بادهایی می وزد که اهالی، نام هایی به زبان محلی، بر آن گزارده اند که به شرح آنها می پردازیم.

1- باد گدُم: این باد از طرف شمال، در اواخر بهار و بیشتر در فصل تابستان می وزد و در آن فصل، باعث طوفانی شدن هوا (أَحْلُوکُ) و باران تابستانی

(حَمِينَه) می شود.

2- باد کُوش: این باد از طرف شرق و بیشتر در فصل زمستان و پاییز می وزد و نشانه بارندگی است.

3- باد شَمال: این باد از طرف غرب، در فصل زمستان و تابستان می وزد و در فصل زمستان نشانه پایان بارندگی است.

4- باد قِبَله: این باد از طرف جنوب، در فصل زمستان و تابستان می وزد و در فصل زمستان نشانه پایان بارندگی است.

5- جنس خاک: خاک این منطقه با توجه به آب و هوای آن، وضعیتی مخصوص به خود دارد. بدین صورت که خصوصاً، در تابستان که دمای هوا، افزایش پیدا می کند این افزایش، به نسبت بر روی خاک نیز تأثیر دارد. خاکی که مقداری نمک در آن است. نمی تواند چندان استفاده ای داشته باشد. اما به هر صورت، نمی تواند از کشاورزی مردم در این منطقه، جلوگیری کند. نوع خاک به صورتی است که آبهای باران که در سالیان سال، در سفره های زیر زمینی تشکیل شده شور هستند اما شوری آنها زیاد نمی باشد.

6- منابع آب: آب در این منطقه به دو دسته، آب مشروب و آب غیر مشروب تقسیم می شود.

1. آب مشروب: این آب، از طریق آب انبارها تهیه می شود. بدین صورت که در فصل زمستان آبهای باران در محلی جمع شده (آب انبار) و مورد استفاده در فصول بعدی نیز می باشد.

افرادی در این روستا، آب را از آب انبارها به وسیله ماشین پمپ هایی، خارج کرده و با دریافت مبلغی (معمولاً 2000 تومان) به فروش می رسانند. البته این آبها، از آب انبارهای مناطق دورتر و پاکیزه تر، تهیه می شود. بعضی از افراد

این روستا، به ناچار از آب انبارهای نزدیک محل سکونت خود، استفاده می کنند. لازم به ذکر است که از طرف بهداشت هر از دو یا سه ماه، آب ها کلر زنی شده و مورد بررسی قرار می گیرد با این وجود چون این آب انبارها سر باز هستند، بسیاری از مواد زائد را در خود، جای می دهند.

2- آب غیر مشروب: برای مصارف ظرفشویی، حمام و... هر خانوار در حیاط منزل خود چاهی به عمق 20-12 متر حفر کرده و آب، به وسیله دینام به محل هایی که در سر در خانه ها، برای این کار ساخته شده یا به منبع آهنی که در دیگر نقاط ساختمان وجود دارد منتقل و سپس به لوله های آب منتقل شده و مورد استفاده قرار می گیرد. ناگفته نماند که این آب ها شور می باشد.

چشمه ای به نام گذاب (او کزو)، در جنوب شهر خیرگو می باشد که آب آن نیز، شور می باشد. در فصل زمستان، پرآب و در فصل تابستان، آب کمی دارد.

7- پوشش گیاهی: با توجه به نوع آب و هوای این منطقه، پوشش گیاهی بیشتر به صورت درختان گز، نخل گنار و استپ است. با این وجود، در کوه های اطراف این منطقه، گیاهان دارویی مانند آویشن، بابونه و همچین اسفند نیز مشاهده می شود.

8- حیوانات (اهلی و وحشی): در این منطقه نیز، مانند دیگر مناطق کشورمان حیواناتی مشاهده می شود که آنها را تقسیم بندی نموده و در زیر به آنها اشاره می کنیم:

1- حشرات: زنبور عسل، پشه، مگس، عنکبوت، مورچه و... ..

2- خزندگان: قورباغه، موش، مارمولک، مار، عقرب، هزارپا، رتیل.

3- پستانداران: گاو، گوسفند، اسب، شتر، الاغ، بز.

4- پرندگان: لک لک، کبوتر، گنجشک، تیهو، کبک، کلاغ، پرستو، هوبره،

مرغ، خروس.

5- جانوران: گربه، سگ، توره، روباه، گرگ، کفتار، گراز.

لازم به توضیح است که اهالی این شهر، در خانه های خود، تعدادی گوسفند، بز، مرغ، خروس، گاو نگهداری می کنند و برای این امر، قسمتی از خانه را به این مورد، اختصاص داده اند. این حیوانات نیاز اهالی را به مواد لبنی، گوشتی و... تأمین می کنند.

با این حال، از تعداد حیوانات اهلی روز به روز کاسته می شود و دلیل آن ماشینی شدن زندگی و رفاه نسبی نسل جوان است که این شهر را هم در بر گرفته است.

ب- تاریخچه شهر

1- گذشته شهر بر اساس اسناد و مدارک

«در فارسنامه ناصری آمده است که خَرگو 5 فرسخ میانه شمال و مغرب بیرم است»

«آن طوری که از شواهد بر می آید، تراکم (درخت خَرگ)، در این منطقه، که اصطلاحی است ترکی، باعث نامیدن آن به خرگو، شده است. بعدها به دلیل آنکه خرگو، کلمه مناسبی نبوده است به خیر گوئی و سپس به خیرگو تغییر نام داده است.»

2- گذشته ده بر اساس گفته های مردم

گفته های مردم، حاکی از این است که در زمان های پیشین، فردی به نام محمد طاهر، بزرگ روستا بوده که آوازه آن تا چند روستای مجاور، هم پیچیده بوده است و همین شهرت، باعث نامیدن این روستا به نام محمد طاهری شده است. بعد از مدتی، افرادی از یکی از روستاهای نزدیک بندر کنگان (بوشهر) به این روستا می آیند و چون نام روستای آنها خرگو بوده است، پس از فوت محمد

ص: 184

ظاهر، نام روستای خود را به این روستا، می نهند و بعد از گذشت زمانی، به دلایل مختلف که یکی از آنها نامناسب بودن این کلمه بوده، به خرگو و سپس خیرگو تغییر می کند.

از گفته های دیگر مردم روستا این است که چون در زمان های قدیم، در ارتباطات و مبادلات خود خَر استفاده می کردند، مخصوصاً در این منطقه، اصطلاح خرگو را برای آن انتخاب کرده اند و سپس خیرگو نامیده شده است. با توجه به موارد گفته شده، به طور یقین، نمی توان گفت که کدامیک از دلایل، صحیح تر و منطقی تر است. اما آن طوری که بخشداری علامرودشت اعلام نموده است، همان اصطلاح تراکم درخت خَرگُ به عنوان پیشینه تاریخی این سرزمین، در نظر گرفته شده است. با این وجود، هنوز مردم این منطقه، در محاوره های خود، لفظ خَرگو را به کار می برند.

3- اماکن و بناهای تاریخی

بناها، مقبره ها، خانه ها، زیارتگاه ها، و نقاط دیدنی از گذشته های دور به ما رسیده، که بنا به دلایلی از قدمت، سابقه و بیوگرافی آن، اطلاعاتی در دست نیست.

در غرب خیرگو، مقبره ای که به پیر فقیر معروف شده است، از قدمتی بیش از یک قرن برخوردار است. ولی کمتر کسی از وجود آن مطلع می باشد. اطلاعات راجع به آن، از قول گذشتگان نقل می شود، مستند به دلایل مذهبی، تاریخی نیست و در این رابطه اتفاق نظری وجود ندارد.

زیارتگاه پیر فقیر

از دیگر اماکن تاریخی زیارتگاه شاهزاده ابراهیم و شاهزاده عبدالله می باشد که از آنها تذکره ای به جای نمانده است و هم اکنون به عنوان دو قبرستان، به نام های بزرگوار ایشان، مبدل شده است. گفتنی است که عده ای از بزرگان

روستا آن ها را از نوادگان امام جعفر صادق (علیه السلام) و یا امام رضا (علیه السلام) می دانند که به صحت آن ها نمی توان اعتراف کرد.

سیمای شهر

1- توزیع مراکز مسکونی، مزارع و اماکن عمومی ده

از لحاظ جغرافیایی، روستاها عموماً به دو صورت دیده می شوند: روستای متمرکز و پراکنده. روستای متمرکز، آن دسته از روستاها هستند که خانه های روستایی، به دور هسته اولیه روستا، که غالباً میدان، قنات، چشمه، چاه، مسجد، مدرسه و یک کلیسا می باشد ساخته شده اند. این روستاها ممکن است کوچک یا بزرگ باشند. زمین های کشاورزی، در اطراف این گونه روستاها قرار دارند و در برخی از موارد زمین ها، تا چند کیلومتر با خانه های روستایی، فاصله دارند. روستای پراکنده به روستایی گفته می شود که خانه های روستایی در بین زمین های کشاورزی، ساخته شده است، خانه ها با یکدیگر فاصله دارند و در فواصل آنها، زمین های کشاورزی، مرزبندی شده است.

با این توضیحات باید گفت که شهر و روستای خیرگو، از نوع متمرکز می باشد و خصوصیتی که در بالا اشاره شد را داراست.

ناگفته نماند که در این شهر و روستا، مسکن با فاصله کمی از یکدیگر، قرار گرفته اند و حالت به هم چسبیده را ندارند. به برکت انقلاب اکثر کوچه های این شهر، آسفالت شده است.

تمام کوچه های این شهر، از نعمت روشنایی برق، برخوردار است. مراکز مسکونی هر... ..ار، محدوده نسبتاً وسیعی را اشغال نموده است و مساحت اغلب خانه ها در حدود 500 تا 700 متر مربع می باشد.

با توجه به این که در این منطقه، زمین های کشاورزی بسیار محدود می باشد، این مزارع هم در نزدیکی مسکن، می باشد. اماکن عمومی شهر مانند

مدرسه، مسجد، مخابرات و... در نزدیکی اماکن احداث شده اند و چندان فاصله ای از یکدیگر ندارند.

در این جا باید گفت که برای ایجاد محیط سالم تر و بهتری در این منطقه شهری، لازم است تدابیری اندیشه شود، از لحاظ آسفالت نمودن کوچه های باقیمانده، جمع آوری حیوانات مانند گاو... از بیابان ها و بهداشتی تر نگه داشتن این محیط زندگی.

2- محله های شهر و مشخصات آن ها

اشاره

این شهر از محله های مختلفی تشکیل شده است که عامل تقسیم آن، طایفه ها می باشد. که به 3 طایفه تقسیم می شوند.

1- طایفه سیدها: این طایفه، در حدود 150 سال قبل، از بحرین به کنگان و از آنجا به لامرد، سپس به خیرگو سفر کرده اند و در این جا ساکن شده اند، که جد بزرگ آنها سید عبدالحسین حسینی نژاد می باشند و فامیل های حسینی و حسینی نژاد را، شامل می شود.

قوم سادات

سادات خیرگو به طوایف و شاخه های متعددی تقسیم می شوند و در اینجا به صورت مختصر ذکری از آنها میکنیم.

1) سادت حسینی نژاد: که به دو شاخه تقسیم می شوند سادات حسینی نژاد و رضوی مشهور می باشند اکثریت میباشند و این قوم حدود 120 الی 130 سال پیش به خیرگو آمده اند این سادات شریف شامل خانواده های حسینی نژاد و رضوی می باشند

این سادات که از نسل عارف مجاهد عالم مرحوم سید عبدالحسین (عاشقو) میباشند.

ایشان از نسل سیدعلی بحرینی از بحرین به کنگان و از کنگان به خوزی و به ترمان و سپس به قلعه ملا- همان تراکمه قدیم رفتند و از آنجا سیدعبدالحسین عاشقو و برادرانش به بیرم و از آنجا به شرف آباد و بعد به خیرگو آمدند آنچه در مورد پایان زندگانی مرحوم سیدعبدالحسین جد بزرگ سادات آمده چنین است: ایشان خلیلی پیش دختر یا خواهرش می رود و همانجا در خلیلی فوت می کند و هم اکنون محل قبرش در مسجد خلیلی است که آثاری باقی نمانده است.

2- طایفه عینوها: این طایفه، بنا به اطلاعات به دست آمده در حدود سیصد سال پیش، از شهرستان دشتی (استان بوشهر) به خیرگو آمده اند. این ها چهار برادر بودند که دوتای آنها، در همان جا باقی مانده و 2 برادر دیگر با هم اختلاف پیدا کرده و در این محل سکنی گزیدند. به دلیل آن که، نام پدر آنها عین اله (عینو) بوده است، این طایفه را عینوها خوانده اند. این طایفه، خود به دسته های باقری ها، هاشمی ها، محمدحسینی ها، حسین ملک ها، حسن محمدعلی ها، زار عباس ها، تقسیم می شود و فامیل های علی پور و هاشمی و... را شامل می شود.

3- طایفه قنبرها: این طایفه، نیز حدود 250 سال پیش، از استان هرمزگان، راهی این دیار شده اند. جد بزرگ آنها قنبر نام دارد و این طایفه به دسته های باقری ها، علی ها، جفاکش ها، رفیعی ها تقسیم شده و فامیل های بهادری، زالمن، خشت زر، رنجبر و... را در بر می گیرد.

باید گفت که افرادی که در این محله ها زندگی می کنند را با توجه به جد بزرگ آنها، می شناسند. یک نکته نباید فراموش شود و آن اینکه، تمام طایفه هایی که در بالا به آنها اشاره شده در واقع در یک محدوده جغرافیایی زندگی می کنند، اما مردم این روستا، آنها را با توجه به آباء و اجدادشان، به دسته های گوناگون تقسیم نموده و پس از آن نیز، به زیر مجموعه های دیگری تقسیم می نمایند.

3- راه های ارتباطی با محیط اطراف، شهر و روستاهای دیگر

به طور کلی راه این آبادی، از نوع کوهستانی می باشد. می توان گفت که این شهر، به طور مستقیم دارای یک جاده آسفالتی می باشد، که تمام روستاهای مجاور نیز، در مسیر آن قرار گرفته اند و این جاده راه را، برای ارتباط با روستاها و شهرهای اطراف، هموار می سازد. می توان گفت، این شهر در مسیر رفت و آمد اتوبوس ها... است که جزء نقاط مثبت آن، به شمار می رود.

ارتباط با شهر و روستاهای اطراف، به سهولت انجام می گیرد: دو تاکسی تلفنی به طور روزانه و دو اتوبوس به صورت یک روز در میان، حمل و نقل مسافران را به ترتیب در داخل شهر و... و شهر شیراز انجام می دهند.

با این وجود این شهر، فقط دارای یک خیابان است که آن هم در مسیر رفت و آمد، وسایل نقلیه می باشد. در بعضی از نواحی جاده ارتباطی (بین علا مرودشت و خنج) گردنه های صعب العبوری مشاهده می شود.

4- مسکن و تسهیلات زندگی

اشاره

در این منطقه، مسکن، مساحت زیادی را به خود اختصاص داده است. به طوری که هر خانه به طور متوسط 500 تا 700 متر مربع، مساحت دارد. طرز ساختن خانه ها، بدین صورت است که حیاط در وسط قرار گرفته و اتاق ها، به صورت دایره ای در کنار هم، ساخته شده اند. هر اتاقی به طور معمول، دو تا چهار پنجره دارد که در قسمت پایین آنها، نصب شده، دوتای آن در داخل خانه و دوتای آن به طرف کوچه باز می شود. دلیل این امر، خنک نگه داشتن اتاق ها می باشد.

دورنمایی از مسکن قدیمی

هر خانه ای به طور متوسط، دارای هفت اتاق است که شامل پذیرایی، آشپزخانه و... می باشد و محلی هم برای نگه داری مرغ، گاو، گوسفند و... در نظر

گرفته شده است که آذوقه آنها در جایی به نام انبار، گذاشته می شود. تنور، یکی دیگر از نقاط مشخص خانه ها می باشد که برای پخت نان می باشد. چاهی نیز برای استفاده از آب مصرفی، حفر شده که قبلاً توضیح داده شد.

مصالح ساختمانی به کار گرفته شده، شامل چوب، سنگ، خشت و گل می باشد که با توجه به موقعیت آب و هوایی، آن از قدیم الایام، مورد استفاده قرار گرفته است.

خصوصیات گفته شده، مربوط به خانه های قدیمی بوده و هنوز از بین نرفته و شکل خاص... در این شهر به وضوح، نشان می دهد. در عین حال، خانه هایی به سبک جدید هم، ساخته شده که معمولاً در ساختن خانه، سعی می کنند از نوع جدید بهره بگیرند.

برق، تلفن و... از امکاناتی است که برای این روستا، فراهم شده و به برکت انقلاب مردم این دیار، از آب لوله کشی و گاز کشی بهره مند شده اند منتهی معضل شوری آب همچنان باقی است و مردم این شهر و روستاهای بخش آب شیرین را با قیمت های گزاف می خردند. هر چند که در سالهای اخیر، قول مساعدت برای انجام آب شرب، به مردم داده شده است. باشد که اجرا شود و مردم این شهر و روستاهای اطراف، هم از آب شیرین، گوارا و بهداشتی بهره مند شوند.

جمعیت شناسی

تعریف جمعیت شناسی

اشاره

واژه دموگرافی (جمعیت شناسی) که از ریشه ی دموس (مردم) و گرافوس (نوشتار یا...) ترکیب شده، برای نخستین بار، به سال 1855 در کتاب آشیل گیارد فرانسوی، تحت عنوان..... آمار انسانی یا جمعیت شناسی تطبیقی، به کار رفته و از آن پس، مصطلح شده است.

ص: 190

برای جمعیت‌شناسی، تعاریف چندی در آثار جمعیت‌شناختی، آمده است که در جمع‌بندی می‌توان به تعریف زیر رسید:

«جمعیت‌شناسی عبارت است از: مطالعه علمی و توصیف و تحلیل آماری ساخت و حرکات... های انسانی، بررسی سیاست‌های جمعیتی و روابط متقابلی که میان پدیده‌های جمعیتی و... اقتصادی-اجتماعی و زیستی وجود دارد. مطالعات جمعیتی، می‌تواند در یک زمان مشخص یا در طول دوره معینی از زمان، انجام شود.»⁽¹⁾

الف- ساخت جمعیت

1- تعداد جمعیت: جمعیت از سال 1370 تا 1379 در حال تغییر و تحول بوده است. با توجه به آمار به دست آمده، مشاهده می‌شود که جمعیت به طور نسبی در حال کاهش بوده است.

(از سال 79-1370) جمعیت خیرگو (سال 1379)، در حدود 1136 نفر بوده است. برای مقایسه تعداد جمعیت در سال‌های مختلف و اطلاعات بیشتر در این زمینه، به جدول تعداد جمعیت، مراجعه شود.

عکس

□

ص: 191

1- . نعمت الله ، مبانی جمعیت‌شناسی ، 1374، ص 25.

فوق، نشان دهنده سیر نزولی جمعیت از سال 1371 تا 1379 می باشد. این امر نتیجه تأثیر برنامه تنظیم خانواده است که به خوبی اجرا شده است. کمترین میزان تعداد جمعیت در سال 1376، 1378 می باشد. این در حالی است که بیشترین میزان تعداد جمعیت، سال 1371 می باشد. در ضمن تعداد جمعیت در سال 1377 و 1379 نسبت به سال یا سال های قبل از آن تا حدی، افزایش پیدا کرده است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1371)

عکس

□

ص: 192

1- . آمار ذکر شده جداول این فصل، از خانه ی بهداشت خیرگو اقتباس گردیده است.

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی جمعیت را در سال 1371 به تفکیک نشان می دهد. به طور کلی، تعداد جنس زن نسبت به جنس مرد بیشتر است. گروه سنی 5 تا 9 سال بیشترین تعداد جمعیت را نشان می دهد که 108 مرد و 132 زن را شامل می شود. گروه سنی 55 تا 59 کمترین تعداد جمعیت را، که 7 مرد و 9 زن را شامل می شود.

عکس

□

ص: 193

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی جمعیت را، در سال 1372 به تفکیک نشان می دهد. در این جدول نیز، تعداد کل زنان نسبت به کل مردان بیشتر است. گروه سنی 5 تا 9 سال، بیشترین تعداد جمعیت را، که شامل 94 مرد و 131 زن می شود را داراست. گروه سنی 50 تا 54 کمترین تعداد جمعیت، که 8 مرد و 5 زن را شامل می شود.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1373)

عکس

□

ص: 194

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1373 به تفکیک نشان می دهد. در این سال نیز تعداد جمعیت زنان از مردان بیشتر است. بیشترین میزان جمعیت در گروه های سنی 5 تا 9 سال قرار دارد که 88 مرد و 119 زن را شامل می شود. کمترین میزان جمعیت مربوط به گروه های سنی 60 تا 64 می باشد که شامل 5 مرد و 6 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1374)

عکس

□

ص: 195

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1374 به تفکیک نشان می دهد. تعداد جمعیت زنان نسبت به مردان بیشتر می باشد. گروه سنی 5 تا 9 سال بیشترین تعداد جمعیت که شامل 89 مرد و 102 زن است. گروه سنی 50 تا 54 سال نیز کمترین تعداد جمعیت، که 9 مرد و 5 زن را شامل است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1375)

عکس

□

ص: 196

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1375 به تفکیک نشان می دهد. این در حالی است که تعداد کل جمعیت زنان نسبت به تعداد کل جمعیت مردان بیشتر است. گروه سنی کمتر از یکسال کمترین میزان جمعیت، که 7 مرد و 5 زن را شامل می شود. بیشترین تعداد جمعیت در گروه سنی 10 تا 14 سال قرار می گیرد که شامل 85 مرد و 103 زن می باشد.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1376)

عکس

□

ص: 197

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1376 به تفکیک نشان می دهد. در اینجا تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان بیشتر است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 60 تا 64 سال می باشد که شامل 7 مرد و 8 زن است و بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد که شامل 95 مرد و 113 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1377)

عکس

□

ص: 198

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1377 به تفکیک نشان می دهد. تعداد جمعیت زنان نسبت به جمعیت مردان بیشتر می باشد. این در حالی است که بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال است که 88 مرد و 125 زن را شامل می شود. کمترین میزان جمعیت مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که 8 مرد و 6 زن را شامل می شود.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1378)

عکس

□

ص: 199

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1378 به تفکیک نشان می دهد. در اینجا، نیز تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان بیشتر است. بیشترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد، که شامل 83 مرد و 116 زن است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که شامل 10 مرد و 4 زن است.

جدول توزیع سنی و جنسی جمعیت (سال 1379)

عکس

□

ص: 200

جدول فوق، توزیع سنی و جنسی را در سال 1379 به تفکیک نشان می دهد. تعداد کل جمعیت زنان نسبت به جمعیت کل مردان نیز بیشتر است. کمترین میزان جمعیت، مربوط به گروه سنی 55 تا 59 سال می باشد که شامل 8 مرد و 3 زن را شامل می شود. بیشترین میزان جمعیت نیز مربوط به گروه سنی 10 تا 14 سال می باشد، که شامل 93 مرد و 101 زن را شامل می شود.

جدول تعداد خانوار (79-1370)

عکس

جدول فوق، تعداد خانوارها را از سال 1370 تا 1379 نشان می دهد. تعداد خانوارها به نسبه، وضعیت یکسانی نداشته و در حال تغییر بوده است. به طوری که، کمترین تعداد خانوار در سال 1370 می باشد و بیشترین تعداد خانواده ها، در سال 1379.

علت تغییر خانوارها، بیشتر به مهاجرت خانوارها بر می گردد. سالهایی که مهاجرت بیشتر بوده است تعداد خانوارها کمتر نشان داده شده است و به طور کلی تعداد خانوارها افزایش یافته است.

ص: 201

1. جدول فوق، بُعد خانوارها(1)

را از سال 1370 تا 1379 نشان می دهد. به طور کلی میزان خانوارها از 8/6 در سال 71 به 5/5 در سال 1379 رسیده است. که روندی کاهشی را نشان می دهد، یعنی میزان موالید کم شده است.

2. جمعیت فعال و غیر فعال: «جمعیت فعال، بنا به تعریف کنفرانس بین المللی آمار کارشناسان، مرکب از افرادی است متشکل از زنان و مردان که نیروی آماده ای را، برای تولید کالاها و خدمات تشکیل می دهند. بنا به تعریف، جمعیت فعال افرادی را در بر می گیرد که از لحاظ اقتصادی، دارای فعالیت سودمند هستند و به تولید ثروت و خدمات اقتصادی می پردازند.»(2)

«از آنجا که در مطالعات جمعیتی، تشخیص و بررسی جمعیت فعال بالفعل، دشوار است از این رو، در تعریف آن، با اندک اغماضی گفته می شود افرادی از

ص: 202

1- . اندازه گیری بُعد خانوار از شاخص میانگین یا متوسط حجم خانوار استفاده شده است.

2- . تقوی، نعمت الله، مبانی جمعیت شناسی. 1374، ص 68.

جمعیت یک کشور که در سن قانونی کار، یعنی میان 15 و 64 سال قرار دارند، جمعیت فعال یا جمعیت بالقوه فعال نامیده می شود.»⁽¹⁾ با توجه به توضیحات گفته شده، جمعیت فعال این روستا، 659 نفر می باشد که 310 نفر مرد و 349 نفر زن را شامل می شود و جمعیت غیر فعال 477 نفر که 232 مرد و 245 زن را در بر می گیرد و لازم به ذکر است که آمار داده شده مربوط به سال 1379 می باشد.

ب- حرکت جمعیت

1. ازدواج: ازدواج یکی دیگر از مسائل به جمعیت شناسی است که، مسائل مربوط به آن در روستای خیرگو، مورد بررسی قرار می گیرد. از قدیم الایام، مراسم ناف بری و مشخص ساختن زوج مناسب، برای ازدواج در آینده دور، وجود داشته است. اما امروزه از میزان آن کاسته شده است.

«پیشرسی ازدواج»⁽²⁾

از جمله مسائلی بوده که این جامعه روستایی، با آن مواجه بوده است و دختران و پسران نوجوان، در سن غیر قانونی ازدواج، درس و تحصیل را رها کرده و تشکیل خانواده می داده اند.

در این شهر «سرعت»⁽³⁾ و عمومیت ازدواج⁽⁴⁾

نیز رواج داشته و تعداد افراد مجرد، محدود بوده است. البته از موارد گفته شده تا حدودی کاسته شده اما هنوز رواج دارد.

آن طور که از شواهد بر می آید هر سال به طور متوسط 5-7 نفر تشکیل

ص: 203

1- همان منبع، ص 69.

2- پیشرسی ازدواج: ازدواج زن و مرد را پیش از سن معین که به وسیله قانون و یا شرع یا عرف برای زناشویی تعیین گردیده است.

3- سرعت ازدواج: سرعت روند همسرگزینی برای زن و مرد در جوامع مختلف اندازه گیری می کند.

4- عمومیت ازدواج: درجه شیوع و رواج ازدواج را در جامعه نشان می دهد.

خانواده می دهند. تعدد زوجات نیز مشاهده می شود (دوهمسری) و این بیشتر زمانی اتفاق می افتد، که فردی از لحاظ اقتصادی در وضعیت مرفه‌ی قرار دارد. تعداد افرادی که دارای دو همسر هستند، حدود 5 نفر می باشد. لازم به ذکر است که بیشتر ازدواج‌ها از نوع درون همسری Endogamy می باشد اما ازدواج برون همسری Exogamy نیز رواج دارد.

ناگفته نماند که قدرت انتخاب همسر، در دست پدر و مادر می باشد و دختر در این مورد قدرت تصمیم‌گیری نداشته و تابع والدینش می باشد.

2. طلاق: این شهر نیز، از مسئله طلاق، مبرا نیست و روز به روز به تعداد آن اضافه می شود. بیشتر طلاق‌ها، در فاصله عقد تا عروسی اتفاق می افتد که علت آن بیشتر ازدواج اجباری، ازدواج پیش‌رس، نداشتن شناخت درست و کافی طرفین و... می باشد.

«طبق آمار موجود، سال 76 یک، سال 77 شش، سال 78 سه و سالهای قبل از آن 2-1 مورد طلاق مشاهده شده است»

3- مهاجرت: مهاجرت، در سالهای اخیر به صورت مسئله‌ای حاد، خود را نشان می دهد به طوری که می توان گفت این روستا در زمره، روستاهای مهاجر فرست، به شمار می آید.

«تعداد خانوارهایی که از سال 70 تا 78 مهاجرت نموده اند 35 خانوار می باشد» که به سوی شهرهایی که از لحاظ آب و هوایی، شغلی، تحصیلی و.. وضعیت مناسبی دارند بوده است. (شیراز، قیر و کارزین)

افراد، علت مهاجرت خود را فقدان آب و هوای مناسب و آب آشامیدنی سالم، عدم وجود امکانات تحصیلی و شغلی می دانند.

جدول فوق، میزان زاد و ولد را از سال 70 تا 79، نشان می دهد. آن طوری که استنباط می شود. بیشترین میزان مولید مربوط به سال 1370 می باشد که در حدود 48 نفر است که 24 زن و 24 مرد را شامل می شود. کمترین میزان مولید، مربوط به سال 79 می باشد که تا کنون در حدود 1 زن می باشد. به طور کلی میزان مولید، از سال 70 تا 74 روندی کاهشی و در سال 75 روندی افزایشی و بعد از آن، کاهش یافته است و آن، نتیجه خوب برنامه های تنظیم خانواده، بوده است.

جدول فوق، میزان مرگ و میر را از سال 70 تا 79 نشان می دهد. بیشترین میزان مرگ و میر، مربوط به سال 1370 بوده که در حدود 12 نفر می باشد که 5 زن و 8 مرد را شامل می شود. کمترین میزان مرگ و میر نیز در سال 1371 و 1375 بوده که در حدود 1 مرد در این دو سال می باشد. به طور کلی روندی کاهشی، در میزان مرگ و میر، از سال 70 تا 79 مشاهده می شود. هر چند که میزان آن ها در هر سال متفاوت می باشد. علت چنین وضعیتی، پیشرفتهای بهداشتی، پزشکی، تزریق، سرم ها و واکسن ها و... می باشد.

این جامعه شهری نیز به مانند دیگر جوامع، دارای ترکیب مختلفی می باشد. زنان، مردان، کودکان، نوجوانان و جوانان افراد تشکیل دهنده این جامعه می باشد. با توجه به آمار موجود تعداد جمعیت زنان، بیشتر از جمعیت مردان است. نوجوانان و جوانان، در صد بیشتری از جمعیت را، تشکیل می دهد که بسان کل کشور، در حدود 50 تا 60 درصد جمعیت را، شامل می شود. کودکان در صد کمتری از جمعیت را، تشکیل می دهند و با توجه به برنامه های تنظیم خانواده، از رشد جمعیت در این گروه سنی، کاسته شده است و این در حالی است که جمعیت مسن روستا، به طور متوسط در حدود 20 درصد می باشد.

با توجه به موارد گفته شده، مطالعات جمعیتی نشان می دهد که تعداد زن و مرد در سنین مختلف برابر نیست.

1- توزیع شغلی

با توجه به اینکه اکثر مردم این منطقه، در آمد خود را از طریق کار و فعالیت، در کشورهای حوزه خلیج فارس، به دست می آورند و شغل های آنها در رابطه با فعالیتهای کشورهای خارجی مشخص می شود، شغل به معنای واقعی آن، در این سامان وجود ندارد.

«طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1375، تعداد جمعیت شاغل در این روستا 100 نفر بوده که این هم شامل مردان بوده و جمعیت شاغل زنان، صفر گزارش شده است»⁽¹⁾

«همانطور که مشخص است میزان سواد، یکی از عواملی است که می تواند در شغل ها، نقش سازنده و تعیین کننده داشته باشد که طبق سرشماری سال

ص: 207

1- . سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شناسنامه آبادی های کشور (شهرستان لامرد) 1375، ص6

بیشتر جمعیت باسواد، هم تحصیلات ابتدایی و مقدماتی دارند و درصد ناچیزی دارای مدرک دیپلم و بالاتر می باشند.

با این وجود، شغل های موجود، عبارتند از: کشاورزی، دامداری، آهنگری، معماری، مغازه داری، صافکاری، جوشکاری، دبیری (مردان) به صورت محدود (حتی یک زن دبیر، هم وجود ندارد) و... همین شغل های انگشت شماری هم، که وجود دارد به طور متناسب بین افراد، توزیع نشده است و فاصله طبقاتی نیز به چشم می خورد. افرادی بیکار وجود دارند که نمی توانند درآمد خود را تأمین نمایند و به دلیل نبود امکانات و زمینه شغلی در وضعیت اقتصادی اسف باری به سر می برند. در مقابل، افرادی دارای میلیاردها تومان پول بوده و از اتومبیل های آخرین سیستم برخوردار و مرفه می باشند. به عنوان مثال: یک گروهی به نام کُرش ها، که از روستاهای اطراف به این روستا آمده اند، در وضعیت اقتصادی نامناسبی، به سر می برند.

با فقدان امکانات و زمینه ایجاد شغل و... افراد وقتی به سن فعالیت و کار می رسند، چاره ای جز رها کردن تحصیلات و رفتن به کشورهای خارجی برای به دست آوردن درآمد ندارند. دختران نیز، به دلیل غفلت نمودن و بی اهمیت تلقی کردن درس خواندن، توسط والدین و... درس را تا تحصیلات راهنمایی ادامه داده و سپس ترک تحصیل می نمایند. نتیجه ای که به بار می آورد این است که نیروی مورد نیاز روستا تأمین نمی شود و تمام نیروهای مورد نیاز باید از شهرستان تأمین شود. به طوری که حتی یک دبیر بومی زن، نداشته باشند. اما با تلاش های صورت گرفته و افتتاح دبیرستان برای دختران و پسران انتظار می رود که این مشکل برطرف شود.

ص: 208

پیش از آنکه در مورد رابطه میان قشرهای مختلف این جامعه شهری، مطلبی گفته شود که این امری واضح می باشد که تمامی افراد روستا همدیگر را می شناسند و بعضاً با هم روابط خویشاوندی، قوم و قبیله ای دارند. با این وجود، می توان، روابط بین قشرهای مختلف را حدس زد.

این مطلب را نباید فراموش کرد که هر گروه سنی ایجاب می کند که با گروه سنی و شغلی خود ارتباط بیشتری داشته باشد. اما در کنار آن رابطه ای نیز بین گروه های مختلف حکمفرما می باشد.

کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان برای یکدیگر اهمیت و احترام خاصی قائلند و به یکدیگر احترام می گزارند. در مواقع مختلف و در صورت نیاز به یاری هم می شتابند. روابط بین قشرها، در حدی است افراد، همدیگر را به نام هایی که صمیمیت آن ها را نشان می دهد، صدا می زنند.

گذشته از روابط عمومی، که بین قشرهای مختلف شهر وجود دارد روابطی خصوصی در بین قشرهای مختلف وجود دارد. مردان در اوقات فراغت خود، در زمینه های گوناگون شغلی، سیاسی و ورزشی و... به بحث و گفتگو می پردازند. زنان و دختران در خانه همسایگان خود، جمع شده و در مورد امور مختلف به صحبت می نشینند. کودکان و نوجوانان هم در کوچه ها و منازل به توپ بازی و بازی های محلی مشغول می شوند. جوانان هم با دیگر، هم سن و سال های خود در امور مختلف جوانی و مسائل روزمره، در کنار خیابان روستا و در خانه همدیگر به بحث و تبادل نظر می پردازند.

آنچه در این جا گفتنش ضروری به نظر می رسد، این است که تعصب بیش از حد بعضی از خانواده ها، در مورد رفت و آمد فرزندانشان (اردوهای مدرسه، خانه دوستان و...) به خصوص دختران نوجوان و جوان، روابط درونی بین این

لازم به ذکر است که در تمام روابط اجتماعی، تمام قشرها رعایت اصول شرعی و اسلامی را نموده و بسیار به آن پای بند می باشند.

3- روابط سالخوردهگان و جوانان

سالخوردهگان در این منطقه، از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند. جوانان، برای سالخوردهگان احترام و اهمیت فوق العاده ای قائلند. به طوری که بیشتر جوانان، سنگ صبور خود را سالخوردهگان می دانند و در امور مهم زندگی، بدون اجازه آنها تا حد امکان کاری انجام نمی دهند.

در این منطقه که بیشتر مردان، برای کسب درآمد در خارج به سر می برند. سالخوردهگان (پدر بزرگ و مادر بزرگ) در فقدان آنها، ایفای نقش می نمایند تا جای که تصمیم گیری در امور مهم به عهده ی آنها، می باشد. برای برپایی مراسم های مختلف زندگی، جوانان با سالخوردهگان مشورت می نمایند. سالخوردهگان نیز، متقابلاً به جوانان احترام می گذارند و سعی می کنند تا آنجا که بتوانند، کوله باری از تجربیات چندین ساله خود را، به آنها، انتقال دهند. جوانان نیز، قسمتی از وقت خود را به دیدار از سالخوردهگان و نشستن پای صحبت آنها، سپری می کنند.

در یک کلام می توان گفت که، همان که، پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها در کنار فرزندان خود زندگی می کنند، نهایت عاطفه و صمیمیت را در بین جوانان و آنها می رساند.

4- روابط با روستاهای اطراف

روستاهایی که در این محدوده جغرافیایی قرار دارند (بخش خیرگو) از لحاظ مسافت، نسبتاً به هم، نزدیک می باشند. به طوری که پس از پیمودن مسافتی کوتاه، این روستاها به ترتیب دیده می شود. اهالی این روستا، افراد روستاهای مجاور را، تا اندازه ای می شناسند.

درست است که روستاهای مختلف، هر کدام، روستای خود را برتر از روستای دیگری می دانند اما این باعث تفرقه بین آنها نشده است. همچنین افراد این روستا با روستاهای مجاور در مورد انتخاب نماینده مجلس، ریاست جمهوری و... اختلاف نظر دارند که امری طبیعی به نظر می رسد، اما از داشتن روابط مطلوب جلوگیری نکرده است.

پیوند زناشویی، شرکت در مراسم عروسی، مرگ و سوگواری، استفاده از آب انبارهای یکدیگر، استفاده از تأسیسات و خدمات شهر (خیرگو) نمونه هایی از روابط این روستا، با روستاهای اطراف را نشان می دهد.

آداب و رسوم و اعتقادات

اشاره

باورها و عقاید هر دیاری، گوشه ای از واقعیت های نهفته آن را نشان می دهد. در این قسمت پاره ای از باورهای مردم شهر خیرگو را بیان می داریم.

الف- اعتقادات

1- اعتقادات خرافی

اعتقاد، به موجودات فوق طبیعی به جز خداوند که به صورت دیو، پری و غول متجلی می شود. افراد مسن و سالخورده، راجع به غول، افسانه های زیادی، نقل می کنند. معمولاً بیشتر این داستان ها، برای ترساندن بچه هاست، ولی ریشه در اعتقادات خرافی دارد. آنها غول را هیولایی بسیار قوی و بزرگ جثه می دانند و موقعی که بچه ای اذیت می کند، فرد می گوید: فلانی بگو غول بیاید این بچه را ببرد. بچه نیز از ترس ساکت می شد. اکنون در اینجا به یکی از افسانه های مربوط به جن و پری می پردازیم:

در زمان های قدیم، مردی برای شکار به کوه رفت و یک کیسه آهن نیز با خود برد «آنها معتقد بودند که جن و پری در کوه زندگی می کنند و اگر هنگام

رفتن به کوه، یک کیسه ای از آهن با خود حمل کنند جن و پری به آنها، نزدیک نمی شود». مرد در راه رفتن به کوه، متوجه یک عروسی شد.

سپس به آن عروسی رفته و فهمید که عروسی جن و پری است. بنابراین با کیسه آهن، شروع به رقصیدن کرد. جن و پری به او گفتند که کیسه آهن را بیانداز. ولی مرد حاضر به این کار نشد و جن و پری هم که از آهن وحشت داشتند، عروسی خود را رها کرده و کوه پراکنده شدند، تا آسیبی به آنها نرسد.

در این زمان، مرد به نزد عروسی که پری بود، رفت و از او خواست که به همراهش به ده برود. ولی عروس در جوابش گفت: من به شرطی با تو می آیم که در هنگام نشستن در خانه، در پنجره بنشینم و تو در زندگی، هیچ وقت به من نگویی، پری خَر. مرد این شرط را قبول کرده و پری همراه مرد، به روستا می رود و با هم زندگی می کنند. بعد از چند سال، صاحب دو فرزند می شوند تا اینکه در یکی از روزها بین آنها، دعوایی روی می دهد و مرد روستایی برخلاف شرطی که با پری بسته بود، به پری می گوید: پری خَر. در این لحظه، پری از حرف مرد ناراحت شده و تصمیم به ترک او و بازگشتن به کوه را می گیرد. یکی از بچه ها را با خود برداشته و دیگری را برای مرد می گذارد. با توجه به این داستان مردم قدیمی، معتقدند که اگر بخواهیم از اذیت جن و پری در امان بمانیم در هنگام رفتن به زیر درخت، باید «بسم الله الرحمن الرحیم» بگوییم.

از دیگر اعتقادات خرافی این است که وقتی بچه ای کمتر از دو سال داشته باشد و از چیزی یا کسی ترسیده باشد، تابه ای را گرم کرده و در آن تکه ای زاغ می گذارند. در دو طرف تابه دو شخص می ایستند و بچه را دست به دست می کنند. «بعضی قدیمی ها معتقدند که کودک را پیش یک خانواده ای که از یک مادر و دختر باشند می برند و این دو شخص در اطراف تابه کودک را دست به دست می کنند.» در حین دست به دست کردن کودک، جملاتی گفته می شود:

مانند این که یک شخص می گوید حتماً سگی او را اذیت کرده، شخص دیگری می گوید: حتماً از زن یا مردی ترسیده است و... همین طور آن دو نفر با هم بحث می کنند تا به یک نتیجه برسند و در این زمان تصویر کسی که بچه از او ترسیده، در زاغ آب شده، پدیدار می گردد.

دیگر این که وقتی کسی در خواب، کابوس می بیند و گریه می کند و در عین حال از خواب پریده و می ترسد، پیراهن او را پیش یکی از زن های سیده، که در این کار مهارت دارد می برند و وی پیراهن را فوت کرده و دعا می خواند و می گوید نظر کسی در آن است و با خواندن دعا نظر آن شخص از بین می رود. یا این که پیش دعا نویس رفته و چند دعا گرفته و یکی از آنها را در داخل گلاب انداخته و صورت شخص مورد نظر را، با آن شسته و دیگری را در پارچه ای سبز گذاشته و در جایی از پیراهن می دوزند یا اینکه به بازویشان می بندند. یک دعای دیگر هم، که به منظور از بین رفتن نظر بد، می باشد در نزدیکی های غروب، در اسفند، دود می کنند و در جاده می ریزند تا شخص کم کم سلامتی خود را به دست آورد.

2- اعتقادات پراکنده

1- عطسه کردن نشانه و علامت صبر کردن و مکث کردن است.

2- هنگامی که بچه در گهواره نباشد گهواره او را تکان نمی دهند، زیرا بر این باورند که دل بچه درد می آید.

3- غروب هنگام و همچنین صبحگاهان، هیچ گونه پولی را از خانه به در نمی کنند زیرا بر این باورند که رزق و روزی از خانه دور می شود.

4- اگر کسی هنگام راه رفتن، پایش به سنگ بخورد، گویند که جمعی غیبت او را می کنند. اگر پای راستش به سنگ بخورد، خوبی او، و اگر پای چپش باشد، بدی او را می گویند.

ص: 213

- 5- با دیدن پشه خسته، گویند مهمانی در راه است.
- 6- اگر پشت چشم کسی به اصطلاح بزند، روی آن کاه می گذارند (و می گویند اگر خوشک است بزن، اگر کتک است، نزن)
- 7- وقتی گاوی دو قلو بزاید باید یکی از آنها را سر برید زیرا در غیراین صورت باعث ضرر و زیان می شود.
- 8- اگر کفش یا دمپایی به پشت بیفتد دعوا می شود. اگر یک لنگه آن گم شود آن شخص صاحب کفش می میرد، اگر کفش ها، روی یکدیگر قرار بگیرند به معنای رفتن به مسافرت می باشد.
- 9- در این مواقع، مهمان به خانه شخص می آید: خوابیدن مرغ روی یکی از دو بالش، خوابیدن مرغ در آفتاب، جارو کردن دختر بچه، در اول مغرب، جهیدن خمیر.
- 10- اگر ستاره ای در آسمان سوخت به معنی مردن یک فرد است.
- 11- اگر پروانه، دور یک فرد، بگردد خبر خوشی برایش آورده است.
- 12- وقتی مهمان در جایی، زیاد می نشیند می گویند نمک بریزید در کفش او، تا زود برود.
- 13- اگر هنگامی که به مسافرت می رویم، هنگام خارج شدن از خانه، به زنی بر خورد کنیم باید یک تکه از لباسش را به ما بدهد اگر نداد، در راه سفر، برای ما حوادث ناگواری پیش خواهد آمد.
- 14- اگر زنی بچه کوچکش مرده باشد، اول مغرب نباید آب بخورد زیرا معتقد است که آبه به بچه کوچکش نمی رسد.
- 15- وقتی کسی سرش درد می کند چه زن و چه مرد آب صورت یکی از دوقلو ها را به صورت خود بزند، سرش خوب می شود.
- 16- اگر می خواهند، بچه ای که تازه متولد شده چشم نخورد آب دهانش

(فرد چشم زنده) به صورت بچه می کشند.

17- هر کس سرش درد می کند، می رود پشت در خانه مردی که دوزن دارد و دو سنگ به هم می زند تا صدایش به مرد برسد، سرش خوب می شود.

18- اگر مرغی در اول غروب قد قد کند، برای اهل خانه خبر ناگوار دارد.

19- اگر موطاق شود، فرد دارای دو بخت می شود.

20- اگر مو طاق شود بوسش می کنند و به روی موهای دیگر انداخته و می گویند خبر خوشی آورده است.

3- اعتقادات پزشکی

1- گوش درد: هنگامی که فردی گوش درد دارد، برای درمان آن، چند قطره شیر را در داخل گوش می ریزند یا دود سیگار را به گوش وارد می کنند یا اینکه پیازی را خیلی گرم کرده در سوراخ گوش قرار می دهند.

2- چشم درد: کودکی که چشمش درد می کند، ابتدا با آب کله پاچه چشمش را شستشو می دهند اگر بهتر نشد جوهر قرمز یا سرمه در چشم کودک می کنند یا اینکه از داروی گیاهی به نام سَرَوَتی استفاده می کنند. بدین ترتیب که وقتی جسمی وارد چشم شود چند دانه گیاه را در داخل چشم می اندازند بدین طریق جسم از چشم خارج می شود.

3- سینه درد: برای درمان این بیماری، از آب گرم و نبات استفاده می شود یا از داروهای گیاهی، همچون گشنیز، بارهنگ، گل گاوزبان، چهار تخم، بابونه، خاکشیر استفاده می کنند. شیر برنج نیز برای درمان این بیماری، مورد استفاده قرار می گیرد.

4- سرماخوردگی: برای درمان سرماخوردگی، از جوشانده برگ بید، به صورت بخور استفاده می شود یا اینکه ریشه مَحْکُ را، با شکر در آب جوشانده و مصرف می کنند.

5- اسهال: کسی که اسهال و استفراغ دارد، بوسیله داروی گیاهی آویشن، که جوشانده است درمان می شود.

6- دندان درد: برای درمان این بیماری، مقداری سنگ را در داخل آتش ریخته تا سرخ شود و بعد ظرفی را پر از ماست کرده، سپس چادری را بر سر بیمار انداخته و سنگ ها را در داخل ظرف ماست ریخته تا بخور آن به دندانها بخورد. این طریق درمان را به اصطلاح محلی «دیز ماست» می گویند.

7- دست و پا درد و کمر درد: از بخار شیره گز یا بخار آب گرم، برای درمان این بیماری استفاده می نمایند. همچنین زردچوبه را با روغن حیوانی، مخلوط نموده و بر روی محلی که درد دارد، می گذارند.

8- معده درد و شکم درد: از داروی گیاهی به نام آویشن و مُوزْتَلُ برای درمان این بیماری استفاده می شود.

9- سوختگی: ابتدا جورا در روی آتش گذاشته تا خوب سوخته شود و سپس آن را آرد کرده و بر روی محل سوختگی می گذارند. پس از چند روز محل سوخته شده به حالت عادی بر می گردد.

10- گرفتگی بینی کودک: وقتی که بینی کودک گرفته باشد به صورتی که نتواند به راحتی نفس بکشد، مادر شیر خود را می دوشد و در سوراخ های بینی کودک می ریزد یا این که بخور آب به کودک داده می شود. در این جاست که کودک، به راحتی نفس می کشد.

11- گریه کردن کودک: وقتی که کودک در ماه های اولیه تولد، زیاد گریه می کند اطرافیان می گویند که دلش درد می کند و برای درمان آن از خیارچنبر، مورخوش، گل زرد و مخلوطی از چند داروی گیاهی استفاده می نمایند. در صورتی که گریه کودک خیلی زیاد باشد و به قول معروف چاره ای نداشته باشند، یک جای بدن او را تیغ می زنند تا خون از آن بیرون بیاید وقتی که این

عمل انجام شد، گریه کودک تمام می شود.

12- رفع سرفه: برای درمان این بیماری، از گیاهی به نام بوریز استفاده می شود. بدین ترتیب که وقتی خشک شد آن را خرد کرده تا دانه ها از ساقه جدا شود و الک کرده آن را در آب جوش ریخته و با شکر مخلوط نموده و مصرف می شود. ناگفته نماند که برای تهویه بوی اتاق و جلوگیری از ورود پشه و زنبور از گیاه سبز بوریز، استفاده می شود.

13- سکسکه کردن: هنگامی که بچه ای زیاد سکسکه می کند، به اندازه خیلی کمی مورخوش به او می خوراند.

4- اعتقادات مذهبی

یکی از اعتقادات مذهبی که مردم این خطه دارند این است که در روز تاسوعا و عاشورا یک عروسک چوبی بزرگ، که عَلم نام دارد و مربوط به حضرت عباس می باشد، درست می کنند و هر کس بنا به نیاز و حاجتش یا اینکه حاجتش برآورده شده، در زیر علم می خوابد و در اطرافش نان گذاشته می شود که به «نون پوش» معروف است. «با این عمل از حضرت عباس (علیه السلام) و شهدای کربلا طلب حاجت و شفا می نمایند» نان هایی که در اطراف می باشد را بین مردم تقسیم می کنند و نذر می کنند که سال آینده نیز در صورت برآورده شدن حاجاتشان، این کار را انجام دهند.

از دیگر اعتقادات مذهبی این می باشد که عَلمی را به یاد حضرت عباس (علیه السلام) درست کرده و از شب هفتم محرم به بعد، آن را در حیاط مسجد یا حسینیه گذاشته و افرادی که حاجتمند هستند یا حاجاتشان برآورده شده، آن را به حالت ایستاده نگه می دارند به طوری که، حتی اگر تشنه یا گرسنه شوند، افراد دیگر نیاز آنها را تأمین می کنند و خود اقدام به این کار نمی کنند. البته این مراسم در شب عاشورا، جلوه خاصی را دارد و بیشتر نمایان است.

- 1- نه مال خود، غمش مخور: به معنی اینکه چیزی که مالکیت آن را نداری و مربوط به تو نیست، هر آسیب و ضرری به آن برسد، غم و غصه آن را نخور.
- 2- اسمش از او، جسمش از فلانی: در مواردی به کار می رود که چیزی مربوط به یک نفر دیگر می باشد و به ابتکار و خلاقیت او بوده و با تلاش وی صورت گرفته اما فردی دیگر، با ارائه یک کار کوچک، صاحب نام و شهرت می شود.
- 3- هم شیخ وهم شیطان: در مواردی به کار برده می شود که فردی شخصیت دو گانه ای دارد. در جلو فردی، از او تعریف می نماید و در پشت سر، بدش را می گوید.
- 4- دعای سگ، بارون نمی زند: تا پرودگار اراده نکند، نفرین یک فرد، در حق فرد دیگر مستجاب نمی شود.
- 5- روغن ریخته، نذر شاه چراغ است: چیزی که در نظر یک شخص، بی ارزش است، به دیگران بخشیدن.
- 6- بد خود بشنو، همانجا که بد مردم می گفتند: فردی که بدی دیگران را در نزد تو می گوید، مطمئن باش که همین شخص، بد تورا، در نزد دیگران خواهد گفت.
- 7- شتر دزدی، دولا دولا نمی شود: پنهان نماندن امور مهم زندگی و وقایع آن در نزد افراد جامعه
- 8- از کیسه خلیفه بخشیدن: از مال کسی به دیگران بخشش کردن.
- 9- هیچ کس نمی گوید، دوغ من ترش است: هیچ فردی، عیب و ایراد و بدی های خود را نمی گوید.
- 10- نه آب توی شیر بکن، نه نماز شوگیر بخوان: امور شرعی و واجب

انجام دادن خیلی بهتر از، مستحبات را، به جای آوردن است. به عبارتی دیگر وظیفه و کاری که بر عهده تو است را با نهایت دلسوزی و احساس مسئولیت انجام بده، لزومی ندارد که اموری که چندان فایده ای ندارد را انجام بدهی.

11- گربه دستش به گوشت نمی رسد می گویند بو کرده: فردی توانایی رسیدن به مقام و رتبه ای را ندارد، ولی آن مقام را بیهودی و بی ارزش تلقی می کند.

12- مرغ من، یک پا دارد: فردی که تلاش می نماید حرف خود را به کرسی بنشانند و در این مورد لجباجت می ورزد.

13- ریشی که در جوانی، نویسد در پیری هم نمی روید: فردی که در جوانی از عهده انجام کاری بر نمی آید، محال است که بتواند در پیری، آن را انجام دهد به عبارتی دیگر فردی که در جوانی دارای هنر و ابتکار و... نشود در پیری هم غیر ممکن است.

14- پنبه از دو برگیش پیدا است: چیزی که آشکار و هویداست، نیاز به تعبیر و تفسیر ندارد.

15- هر توره ای که از باغ قهر کرد، سالی صد بار نفع صاحبش است: فردی که بنا به مصلحت از امکانات و... دیگران استفاده می کند اگر غرور و تکبرش، به او اجازه استفاده از آنها را ندهد به نفع صاحب امکانات می باشد.

16- سوار اسب مردم شدن، یک ساعت است: استفاده و کمک گرفتن از دیگران همیشگی نمی باشد یا به عبارتی دیگر استفاده از وسایل و امکانات دیگران برای مدت محدودی می باشد.

17- با حرف خوش، می شود کوهی از موهی کشید: با نرمی و آرامش می توان، مسائل و اختلافات بین افراد را، حل نمود. به عبارتی دیگر، بسیاری از مسائل و مشکلات حل نشدنی، با نرمی و آرامش حل شدنی است.

- 18- آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک: یک کار جزئی و مختصر را نباید بین چند نفر تقسیم کرد، چون نظرهای مختلف می تواند مشکل آفرین باشد.
- 19- هم خدا می خواهد هم خرما: دو چیز را، در یک موقعیت زمانی، خواستن.
- 20- خیری که در خانه رواست، بر مسجد حرام است: اموری که می توان برای نزدیکان و خویشان خود، انجام داد صحیح نیست، که به افراد دیگر، ارجاع داده شود.
- 21- اگر بابا بود، همراه قافله بود: اشاره به فردی است که اراده و توانایی به عهده گرفتن مسئولیت و وظیفه ای را ندارد و نحوه عمل او، نشانگر این مورد است.
- 22- درخت بی هنر، گز بلند است: کارایی و بهره وری یک چیز، به ظاهرش نیست، مانند درختی است که محصول نمی دهد و ارتفاعش به اندازه درخت گز که بی محصول می باشد است.
- 23- کاجی، به از هیچی است: در شرایطی که، به یک مورد، نیاز اساسی و مبرم وجود دارد، آن مورد هر چند هم، اشکالاتی داشته باشد، یا بی ارزش بیهوده تلقی شود، اما در آن مقطع زمانی، حل کننده مشکل است.
- 24- کف دست که موندارد، چطور مو در می آورد: فردی که اراده و پشتکار و توانایی انجام کاری، را ندارد محال است که در آن کار، موفقیتی کسب کند.
- 25- اگر گدا یکی بود، جلوش، گاو سر می بریدن: اشاره به نیازهای فراوان یک فرد است، که افراد دیگر، قادر به تأمین همه آن نیازها، نمی باشند. به عبارتی دیگر وجود بسیار افراد نیازمند است، که نمی توان آن طوری که باید، به آنها

یاری رساند. در صورت کم بودن تعدادشان، می توان کمک های قابل توجهی را، به آنان نمود.

26- یک دست، صدا ندارد: انسان نمی تواند، کار بزرگی را، بدون همیاری دیگران، انجام دهد.

27- میش از پای خودش داره، بز هم از پای خودش داره: هر کس مسئولیت کار و عمل خویش می باشد.

28- پشه روز نیست، شب تو غذا می افتد: در زمانی که شرایط، برای انجام کاری مهیاست، فرد حضور ندارد. به عبارتی دیگر زمانی که به کمک یک فرد، نیاز می باشد خود را از نظر ها دور می دارد، وقتی که نیازها بر طرف شد، حاضر می شود.

29- ماما که دوتا شد، سر بچه خراب می شود: اشاره به همان ضرب المثل، آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک.

30- همه شاخه ها، یک باغ است: همه افراد یکی هستند و فرقی هم نمی کنند. به عبارتی دیگر، همه را به صورت یکسان، مورد احترام قرار دادن، می باشد.

31- اسب می گوید: نهلم کن، مورچه هم می گوید: نهلم کن: دو فرد، که شخصیت دوگانه ای دارند از دیگران توقعات و انتظارات یک سان، دارند.

32- تابه به طشتک می گوید: روی تو سیاه: کسی که خود عیب هایی دارد، عیب خود را نادیده گرفته و عیب دیگران را می گوید.

33- دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد: برای پنهان ماندن راز و مطلع نشدن دیگران از آن، باید جانب احتیاط را کرد. بدین معنی که سخن را باید، آهسته گفت تا اگر دیگران، استراق سمع، کردند، راز فاش نشود و مسایلی را در پی نداشته باشد.

34- بُزک نمیر، بهار میاد، خریزه با خیار میاد: به کسی وعده دادن در آینده، که نمی توان پیش بینی صحیح، از آن کرد.

35- هر سالی، که بهاری نیست: یعنی همیشه از یک موقعیت، نتایج و محصول یکسان، به دست نمی آید و همیشه، کارها با موفقیت همراه نیست.

36- این همه خازک دارای یک لگاره است: کثرت و زیادی یک چیز، اهمیت آن را نمی رساند. چه بسا ممکن است، کثرت آن، فقط بیان کننده یک مطلب باشد.

37- شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی هف هف خورد گه دانه دانه: کاری که در بیداری انجام آن ممکن نیست و در عالم خیال و خواب ممکن می باشد.

38- موش همسایه، دمش دراز تر است: وضعیت همسایه را از هر لحاظ بهتر از خود دانستن، ارزش ندادن به چیزهایی که خود فرد دارد و ارزش بخشیدن به چیزهای دیگران.

39- کاه که مال خودت نیست، کاه دون، که مال خودت است: پرهیز از پر خوری و زیاده روی در خوردن مخصوصاً در هنگام میهمانی.

40- مُلا هنی خر نخریده، جر جولش داره: هنوز مقدمات انجام کاری فراهم نشده، سخن از عاقبت آن کار گفتن و برای آینده، تصمیم گرفتن، می باشد.

41- من می گویم: نر است، او می گوید: بدوش که شیر داره: زمانی که دو شخص بر سر یک موضوع، منظور یکدیگر را نمی فهمند و جملات متضاد هم می گویند.

42- رفتیم جای خیار، کُلمو بید: حکایت از نرسیدن به خواسته ها و آرزوهای فرد می باشد یا به دیگر چیزی که فرد خیال می کند به آن رسیده است، اما در واقع به آن دست نیافته است.

خداوند در قرآن کریم در مورد ازدواج می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقُرُونَ؛ و از آیات خدا این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید، تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد که در این، برای گروهی که اندیشه کنند آیت هاست.»

نکاح، یک امر فطری و سنت اجتماعی است که از دیر باز وجود داشته و همه جوامع و قوانین آن را ترغیب و تشویق کرده اند. بقاء نوع انسان، به نحوی که شایسته او باشد، فقط در پرتو ازدواج و روابط صحیح زن و مرد میسر است. ازدواج در توسعه اقتصادی یک ملت نیز مؤثر است. چه آنکه ازدواج می کنند و خانواده تشکیل می دهند، فعالیت اقتصادی بیشتری از خود نشان می دهند، بیشتر و بهتر کار می کنند، بیشتر پس انداز می کنند و زندگی خود و خانواده شان را به نحو بهتری، اداره می نمایند.

اهالی این شهر نیز، با توجه به موارد گفته شده، ازدواج را امری لازم و مطلوب برای هر فرد، می دانند. بنابراین در این جا به چگونگی برگزاری مراسم هایی که برای انجام این امر مهم صورت می گیرد می پردازیم:

1- خواستگاری: ابتدا خانواده ای که در نظر دارد برای پسرش همسری، اختیار کند دختری را در نظر می گیرد. البته این امر، از طرف خود پسر هم، صورت می گیرد. اگر دختر از اقوام و خویشاوندان باشد، پسر و خانواده اش، بیشتر به خانه دختر، رفت و آمد می کنند. سپس موضوع ازدواج را با پدر و مادر دختر، مطرح کرده و پس از موافقت طرفین، زمانی را برای انجام امور خواستگاری در نظر می گیرند. بعد از این که طرفین موافقت نمودند، پدر و مادر دختر با بزرگترهای فامیل، مشورت نموده و سپس نتیجه را برای برگزاری مراسم

های بعدی، اعلام می نمایند. حال اگر پسر از خانواده ای غریب باشد (از روستاهای مجاور) در یک روز نامشخص، به همراه خانواده اش، به بهانه گم کردن چیزی (خانه، بز و...) به خانه دختر می آیند یا اینکه قاصدی این کار را انجام می دهد.

بعد از آنکه پسر و خانواده اش دختر را پسندیدند و از بزرگتر های فامیل، کسب اجازه شد و تحقیقی هم از خانواده پسر و دختر صورت گرفته، زمانی را برای برنامه های بعدی و مراسم مربوط به آن مشخص می نمایند. (لازم به ذکر است که دختر، زیاد حق انتخاب را دارد و حرف اول را پدر و مادر وی، می زنند)

بعضی از خانواده ها که مراسم عقد را به زمان بعد موکول می کنند، یک تکه طلا و یا یک دست لباس و... را به عنوان نشانه برای دختر می آورند تا سر فرصت، مراسم عقد را برگزار نمایند. بعضی دیگر نیز صبح شب خواستگاری، به خانه دختر آمده و برای خرید وسایل عقد، راهی بازار می شوند و بعد از خرید، آزمایش خون می روند. (در چند سال پیش، آزمایش خون انجام گرفت) بالآخره، خانواده عروس و داماد بعد از برگشتن از خرید، قرار عقد را گذاشته و سپس هم عقد را برپا می کنند.

2- عقد: عقد، که به زبان محلی به آن «کاغذ گرفتن» می گویند، بدین صورت است که روحانی که معمولاً به آن شیخ یا سید می گویند، دعوت کرده و صیغه عقد را در خانه عروس به جا می آورند یا عروس و داماد به محضر رفته و در آنجا، مراسم برگزار می شود.

حال اگر این مراسم، در خانه عروس برگزار شود با مراسمی خاص، همراه می باشد. ابتدا پرچم هایی که به ساخته خودشان است «از تکه پارچه های رنگارنگ و به صورتی کوچک تهیه می شود» در خانه عروس نصب کرده و به حیاط خانه، شکل زیبایی می بخشند. از اقوام و خویشان هم که از دوسه روز

قبل، دعوت شده اند، خواسته می شود که به خانه عروس آمده و در مراسم شرکت نمایند. عروس را به آرایشگاه برده و سفره عقد را به شکل زیبایی، تزئین می شود. بعد از فراهم شدن تمام شرایط و امکانات، صیغه عقد جاری می شود و عروس وقتی فهمید که تمام اقوام و خویشان نزدیک در جشن حضور دارند، بله را می دهد. لازم به ذکر است که مهریه، در سر سفره عقد تعیین می شود و میزان آن با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده ها فرق می کند. در حال حاضر مهریه به صورت پول، سکه، ابریشم، شاخه نبات، کلام الله مجید و... می باشد و میزان آن 4 میلیون تومان می باشد.

3- لک برون: بعد از مراسم عقد، مراسم لک برون صورت می گیرد. بدین ترتیب که پرچم در خانه عروس و داماد نصب شده و از اقوام و خویشان طرفین، دعوت به عمل می آید. اقوام و خویشان در عصر روز مشخص، به صرف شیرینی به خانه عروس و داماد می روند. خویشان داماد با دو یا سه چمدان که به شکل زیبایی، آن را تزئین کرده و محتوی پارچه، لباس، طلا و... می باشد راهی خانه عروس می شوند. خانواده عروس با آمدن خانواده داماد، هل هله می کنند و کل می زنند.

سپس افرادی از خانواده داماد، که معمولاً مادر یا خواهر داماد می باشد، چمدان ها و شیرینی ها را بر سر گذاشته و به دست افشانی و پايكوبي، می پردازند. از طرف دیگر، نوازندگان می نوازند و مردها چوب بازی می کنند و به علامت شادی تیرهایی هم، انداخته می شود. بعد از چند ساعت، سر چمدان ها به وسیله فامیل داماد باز می شود و وسایل آن به حاضرین، نشان داده می شود. این کار بیشتر توسط کسانی که در زندگی خوشبخت هستند، صورت می پذیرد. در این لحظه، مادر داماد، عروس خود را بوسیده و یک قطعه طلا به عروسش هدیه می دهد. در پایان نیز از مدعوین به وسیله شیرینی، پذیرایی می شود.

4- فاصله عقد تا عروسی: فاصله عقد تا عروسی، به طور متوسط در حدود 2 سال است و این فاصله، بستگی به طرز تفکر و نگرش افراد و وضعیت اقتصادی و در یک جمله آمادگی طرفین دارد.

در این فرصت خانواده عروس، به فکر تجهیزیه دختر افتاده و برای فراهم ساختن آن، نهایت تلاش خود را می کنند. البته تهیه تجهیزیه بستگی به وضعیت اقتصادی طرفین دارد. اگر دختر از خانواده متمکنی باشد هزینه تجهیزیه تماماً بر عهده خودشان، می باشد در غیر این صورت، مقداری پول از خانواده داماد گرفته می شود.

رابطه طرفین در زمان عقد (عروس و داماد) بنا به تعصب خانواده ها، متفاوت است. بعضی روابط نزدیک تری دارند و برخی روابطشان در حد معمولی می باشد. لازم به ذکر است که به مناسبت های گوناگون، مانند عید فطر و... هدایایی از طرف داماد، که شامل گوسفند، طلا و... می باشد به عروس داده می شود.

5- حنا بندان: مراسم حنا بندان، یک شب قبل از عروسی، برگزار می شود. بدین ترتیب که داماد، در جمع اقوام و خویشان خود و با یاری آنان، به دست و پاهایش حنا می گذارد. پسران مجرد نیز، در اطراف داماد حلقه زده و به دستهایشان حنا می گذارند.

فامیل داماد بعد از حنا گذاشتن دست و پاهای داماد، حنایی را که با پول و گل تزئین کرده اند را به خانه عروس می برند و با ابهت خاصی، دستان عروس را نیز حنا می گذارند. مراسمی که بدین صورت انجام می شود به نام «حنای دزد» معروف است. در عصر روز عروسی، نیز به دستان داماد، حنا زده و او را راهی حمام می کنند که به حنا بندان معروف می باشد. این مراسم با شور و حرارت زیادی همراه می باشد. به طوری که زنان با لباس محلی، به صورت دایره

وار دستمال بازی می کنند و مردان چوب بازی می کنند و... ..

6- سرتراشون: عصر روز عروسی، یک آرایشگر برای اصلاح سر و روی داماد به خانه داماد آورده شده و حنا به دست داماد زده شده و سپس راهی حمام می شود. سپس داماد با تعدادی از اقوام و خویشان خود، به محلی که دور از خانه اش باشد مثلاً کوه، خانه عمو و... برای پوشیدن لباس دامادی، می رود. ناگفته نماند که برای این که داماد بهتر شناخته شود، دستمالی ابریشمی که رنگارنگ می باشد به دور دست داماد می بندند. به مراسم برگزار شده «سرِ رو» هم گفته می شود.

بعد از مدتی داماد با همراهان، به خانه باز می گردد و از طرف اقوام و خویشان مورد استقبال قرار می گیرد و نقل و شیرینی بین مدعوین تقسیم شده و داماد دست و روی اقوام و خویشان را می بوسد.

7- مراسم آوردن عروس: یک هفته قبل از مراسم عروسی، خانواده داماد و عروس، خود را برای این روز به یاد ماندنی، آماده می کنند و سعی می کنند تمام شرایط و وسایل لازم را فراهم نمایند و به نحو احسن این مراسم را برگزار کنند. تکه پارچه هایی به رنگ های مختلف، به شکل پرچمی کوچک، که با ذوق و سلیقه خاصی از دو سه ماه قبل آماده شده، در حیات منزل داماد و عروس نصب می شود و پرچم هایی به رنگ شادی، در پشت بام خانه ها و ماشین ها به اهتزاز در می آید.

اقوام و نزدیکان داماد و عروس، نهایت همکاری را برای برگزاری جشن می کنند. قند و... می چینند، برنج پاک می کنند و دیگر وسایل لازم را، فراهم می سازند. دو سه روز قبل از عروسی، از دیگر اقوام، خویشان، آشنایان و همسایگان برای شرکت در جشن، دعوت به عمل می آید.

اقوام و آشنایان در موقع آمدن به خانه داماد (روز عروسی) هدایایی که

شامل اسفند، برنج و... می باشد را با خورد، می آورند. افرادی این موارد را به یاد داشته، تا در عروسی هایی که در آینده، برای مدعوین پیش می آید، هدایای داده شده را، جبران کنند.

تا اینکه بالاخره شب عروسی، فرا می رسد و مراسم شادی به حد نهایت خود می رسد. مراسم چوب بازی توسط مردان و دستمال بازی دایره ای توسط زنان، با لباسهای زیبای محلی، همراه با نوای محلی نوازندگان، جلوه ای خاص به مجلس می بخشد و این در حالی است که عروس، در بین زنان و داماد، در بین مردان به عنوان سمبل شادی، جشن عروسی را، شور و هوای خاصی بخشیده اند.

پذیرایی از مهمانان نیز، به نحو مطلوبی صورت می گیرد. به وسیله شیرینی، نقل و نبات، قلیان و چای (در بیشتر پذیرایی ها وجود دارد).

«لازم به ذکر است که مخارج جشن عقد و عروسی، توسط خانواده داماد و خانواده عروس به صورت جداگانه می باشد. اما در صورت شرایط نامناسب اقتصادی، قسمتی از هزینه عروسی، به خانواده عروس، توسط داماد پرداخت می شود.»

بالاخره عروس و داماد، همراه با جهیزیه و با همراهان سوار ماشین گلکاری شده، می شوند و با سایر ماشین ها بوق زنان در خیابان روستا، به حرکت در می آیند. در این لحظه، تیرهایی هم شلیک می شود. (ناگفته نماند که از همه مراسم انجام شده، فیلمبرداری و عکس برداری می شود و در دفتر خاطره ها، به یادگار می ماند) بالاخره عروس و داماد، به محل زندگی جدید خود وارد شده و زندگی مشترک خود را، آغاز می کنند.

صبح اول بعد از عروسی، نوازندگان، ساز و تنبک، می نوازند که به منزله پایان گرفتن عروسی و آغاز شدن زندگی مشترک می باشد. بنابراین، عروسی با تمام مراسم هایش در این جا به پایان می رسد.

8- جابشقای: در روزهای بعد از مراسم عروسی، اقوام و خویشان داماد و عروس، برای عرض تبریک به خانه زوج های جوان آمده و هدایایی را به منظور اعلام شادی، اهداء می نمایند که به آن «جابشقای» می گویند.

9- وات لَوون: چند روز بعد از مراسم عروسی، که معمولاً روز سوم عروسی است خانواده عروس از خانواده داماد، برای نهار یا شام دعوت می نمایند. عروس همراه با خانواده شوهرش، به خانه پدرش به مهمانی می رود که این مراسم به نام «وات لَوون» معروف است.

د- تولد نوزاد

تولد نوزاد نیز، از جمله مواردی است که می تواند گوشه ای از اعتقادات مردم این دیار را نشان دهد، که اینک به آن می پردازیم:

بعد از مراسم عروسی، اقوام و نزدیکان، منتظر تولد فرزند می شوند که اگر زیاد طول بکشد برای زن ناخوشایند می باشد.

زمانی که احساس شد، زن حامله است، نزدیکان و آشنایان، خوشحالی خود را ابراز نموده و تلاش می نمایند که مقدمات لازم را، برای به دنیا آوردن فرزندی سالم فراهم کنند. در این مورد از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزند. تا اینکه در پنج یا شش ماهگی، به تهیه وسایل مورد نیاز نوزاد مثل گهواره (مَحْتَكُ) لباس کودک و... می پردازند که این امر ممکن است از طرف خانواده زن یا خانواده شوهر، صورت گیرد. (اجباری نیست که مادر زن، این وسایل را تهیه کند)

در روزهای اول تولد، یکی از نزدیکان، در نزد زائو می ماند و در امر بچه داری، به او کمک می کند. در بعضی از موارد، دایه ای هم برای این کار، در نظر گرفته می شود.

اگر نوزاد متولد شده پسر بود، همان روز اول، برای ابراز نمودن شادی،

گوسفند قربانی می کنند. چون پسر برای پدر و مادر و همچنین مردم، از اهمیت و احترام ویژه ای برخوردار است و اعتقاد بر این است که پسر، در آینده فردی کارکن است و می تواند، روی پای خود بایستد.

اگر زائو، به طریق غیر طبیعی، نوزاد تولد کرده است، مقداری میخک را در یک پارچه پیچیده و به پیراهنش آویزان می کنند تا از بوئی مانند عطر یا کرم، که ممکن است باعث مریضی او شود جلوگیری نمایند. از افراد می خواهند که با موی خیس، به دیدن نوزاد نیایند، چون آن برای نوزاد و مادرش امری بد، به حساب می آورند. از مادر نوزاد، خواسته می شود که روسری خود را، دور صورتش قرار بدهد تا باد نکشد و هنگام حمام رفتن، تکه آهنی را با خود ببرد، تا اذیت نشود. (جن و ارواح) به مادر نوزاد غذای مقوی، داروی گیاهی مانند زنجبیلی و... می خوراند و خلاصه این که تمام مراقبت های لازم را، به عمل می آورند.

در زیر گهواره نوزاد، حنا همراه با تخم مرغ، می گذارند و تا سه روز به او، آب گرم می خوراند. بعد از سه روز، شیر مادر. البته این عمل، در حال حاضر، به ندرت مشاهده می شود. داروی گیاهی یا محلی به نام دواتهلی یا تلخی روزی سه وعده، به نوزاد داده می شود. گل زرد یا هلیله، خیار چنبر، ترنج کوبیده و نرم شده، برای رفع شکم درد نوزاد، به کار می برند. نوزاد را قنداق کرده، تا دست و پای او سفت شود و دور پیشانیش را، با پارچه ای، سخت می پیچند. برای اینکه پیشانیش برآمدگی زیاد نداشته باشد، نوزاد را پهلو به پهلو می خوابانند، زیرا معتقدند که ممکن است، پشت سر او، پهن شود. اگر نوزادی بیش از حد گریه کند، می گویند که هفته ای کرده، برای درمان آن، نوزاد را کاملاً شستشو داده و بر روی پیشانی او، تیغ می کشند یا دماغ او را، کمی سوراخ می کنند (البته این مورد بسیار محدود شده است) به لباس نوزاد نیز، نمک می آویزند تا از چشم، در

به جز پدر، مادر و نزدیکان، نوزاد تولد شده، باید تا چند روز از دیدگان افراد، محفوظ نگاه داشته شود. در زمان های پیش، این اعتقاد بر این بود که حتی به خانه ای که در آن نوزاد تولد شده، نباید رفت ولی امروز چنین نیست.

وقتی که نوزاد به چهل روزگی رسید، چهل روزگی او را، جشن می گیرند. بدین ترتیب که او را به حمام برده، تیر اندازی می کنند. در گوشش اذان می گویند، اقوام و خویشان به نوزاد هدیه تقدیم می کنند و در صورت پسر بودن، گوسفند قربانی می کنند.

ه- ختنه سوران

هنگامی که پدر و مادر کودک (در سن دو سالگی یا بیشتر) تصمیم به ختنه کردن فرزندشان گرفتند، مقدمات این کار را، فراهم می سازند. برای کودک کفش و لباس نو می خرند و آن را در یک چمدان گذاشته و چمدان را به نحو زیبایی، تزئین می کنند. مقداری شیرینی را هم برای پذیرایی از مدعوین، تهیه می نمایند. سپس یک لباس سفید که «دِشْدِشه» نام دارد برای کودک می دوزند و از دلاک برای انجام این کار، دعوت می کنند.

بعد از ختنه کودک، مادر از او بسیار مواظبت می کند و دشدشه را بر تش می کند. میخک را به صورت گردنبندی، در آورده و به گردن کودک می اندازند تا از بوی عطر و کرم که ممکن است باعث بوزدگی او و در نتیجه بیماریش شود، جلوگیری نمایند.

هنگامی که کودک بهبود یافت، از اقوام و خویشان دعوت می شود که در مراسم جشن شرکت نمایند. در یک روز مشخص، مراسم با شکوهی برگزار می شود. بدین صورت که نوازندگان می نوازند، زنان روستایی با لباس های محلی که به آن لباس گُشاد می گویند، به پایکوبی می پردازند، مردان چوب بازی می

کنند و... بعد از گذشت زمانی دست و پای کودک را، حنا می گذارند و زنان و مردان به دور او جمع شده و شعرهای محلی می خوانند. در این زمان آرایشگری سر بچه را اصلاح می کند و چمدان هایی که تزئین شده بود، بر سر زنان گذاشته شده و با آن به شادی می پردازند. سپس چمدان را باز نموده و لباس ها را بر تن کودک می نمایند و شیرینی بر سرش می ریزند و او را می بوسند. کودک نیز به طرف مردهای اقوام رفته و با آنها رویوسی می کند.

از میهمانها پذیرایی شده و بالاخره پایان جشن، اعلام می شود. در ضمن باید گفت که از طرف اقوام و خویشان نیز، هدایایی به کودک، داده می شود.

و- مراسم حج و زیارت خانه خدا

در این روستا رسم بر این است که 2 الی 3 روز قبل از رفتن به زیارت خانه خدا، پرچم سفید یا سبز رنگی بر روی پشت بام خانه آن شخص و اقوام و خویشان نزدیک، نصب می شود و تا موقع برگشتن فرد از حج، این پرچم ها پا برجا می مانند و بعد از چند روز که گذشت، پرچم ها را باز می کنند.

روز آخری که فرد آماده رفتن به زیارت، می باشد یک میهمانی بزرگ ترتیب می دهد و تمام خویشان و آشنایان دعوت می شوند. این به منظور خداحافظی و حلالیت می باشد. خانواده نیز بعد از رفتن فرد، آتش پشت پا درست کرده و بین فقیران و خویشان، تقسیم می نمایند.

زمانی که حجاج از زیارت برمی گردند، اهالی روستا به پیشباز آنها می روند و استقبال گرمی به عمل می آورند. بعد از برگشت حاجی از زیارت، گوسفند قربانی نموده و میهمانی بزرگی ترتیب می دهند. حاجی در این روز هدایایی را تقدیم اقوام و نزدیکان می کند. از جمله خاک حج، جانماز، مهر، تسبیح و... ..

بعد از آنکه فردی به زیارت خانه خدا مشرف شد و لقب حاجی گرفت، باید کار اشتباهی انجام ندهد اگر انجام داد، در نزد مردم روستایی ارزش شده، مقام و

ز - مراسم عید فطر

عید فطر در نزد مردم این سامان، به منزله عید نوروز، برای دیگر مردم کشورمان می باشد. چند روز قبل از آمدن عید فطر، اقشار مختلف مردم، خود را برای برگزاری مراسم این روز، آماده می سازند. خانه تکانی می کنند، کفش، لباس و... نو می خرند. گندم برشته و برنجک درست می کنند و وسایل مورد نیاز برای پذیرایی از میهمانان را فراهم می کنند.

تا اینکه عید فرا می رسد و خویشان و آشنایان به منزل یکدیگر رفته و عید سعید فطر را به هم تبریک می گویند. بیشتر، مردها وزن ها به صورت جداگانه، این کار را انجام می دهند. لازم به ذکر است که دیدار کوچکترها از بزرگترها، خانواده شهدا و کسانی که تازه عزیزشان را از دست داده اند، در اولویت قرار دارد.

البته مراسم عید نوروز هم، در چند سال اخیر به صورت محدودی مشاهده می شود و عید نوروز نیز، برای وارد شدن به دیگر مراسم های این دیار، جایی برای خود جستجو می کند.

ح - جشن پیروزی انقلاب اسلامی

روستا در این دهه (دهه فجر) شکل زیبایی را به تصویر می کشد. پرچم ها، پلاکاردها و... هر کدام بیانگر جشن های دهه فجر می باشد. جشن های پیروزی انقلاب اسلامی، که تداعی کننده خاطرات پرشور جوانان از خود گذشته و یادآور تلاش های آن قهرمان بزرگ تاریخ، حضرت امام خمینی (ره) می باشد، به شیوه با شکوهی برگزار می شود. بدین صورت که به این مناسبت، در حسینیه ها توسط کانون فرهنگی جوانان، برنامه هایی که شامل

نمایشنامه، تئاتر، سرود و... است اجرا می شود. مدارس نیز با داشتن برنامه های متنوع، از مدارس دیگر و همچنین از اهالی روستا دعوت به عمل آورده و آنان نیز به طرز باشکوهی در این مراسم شرکت می نمایند. در روز 22 بهمن اهالی روستا و دیگر ارگان ها و... به راهپیمایی پرداخته، در پایگاه مقاومت بسیج تجمع نموده و در آنجا به سخنرانی های روحانیون و... گوش فرا داده و در آخر قطع نامه ای صادر نموده و پایان برنامه اعلام می شود.

لازم به ذکر است که سایر جشن ها و اعیاد مختلف مذهبی، در حسینیه ها، به نحو باشکوهی، با شرکت اقشار مختلف مردم برگزار می شود.

ط - عزاداری ماه های محرم، صفر و رمضان

محرم در اینجا اوج دیدار با کربلا و تجدید خاطرات قیام کنندگان عاشورا است، آسمان و زمین گریان، مساجد و مکان های سیاه پوش شده و مردمان عزادار، در تاسوعا و عاشورای محرم هر سال، در اینجا باعث شده که تصویرشفاف تری، از رشادت های امام حسین (علیه السلام) و یارانش، دریافت شود. در این جا قطره ای از دریای ارادت آنها، به خاندان عصمت و طهارت را بیان می داریم:

خواهران و برادران مذهبی، چند روز قبل از ماه محرم به حسینیه رفته و مقدمات برگزاری مراسم عزاداری را فراهم می نمایند: حسینیه را آب و جارو می کنند، ظرف ها را می شویند، پرچم می زنند، پلاکاردهای به همین مناسبت به دیوارها نصب می کنند و... ..

از شب اول محرم، زنان و مردان عزادار، راهی حسینیه ها شده و مراتب عزاداری خود را اعلام می نمایند. زنان به صورت دایره ای به دور گهواره ای که به یاد علی اصغر امام حسین (علیه السلام) ساخته شده است، سینه زنی می کنند. مردان هم دایره وار، با ابهت خاصی به سینه زنی و زنجیر زنی می پردازند. این مراسم با

شب تاسوعا در حسینه انجام می شود و از شب عاشورا عزاداران حسینی، از حسینه ها به خیابان روستا، قبرستان، گلزار شهدا و دیگر حسینه ها و مساجد اطراف روستا رفته و به نوحه سرایی و عزاداری می پردازند. شب تا صبح عاشورا نشانگر ارادت خالصانه آنها به امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان می شوند. بدین صورت که از شب تا صبح بیدار می مانند و به نوحه سرایی، نماز و دعا مشغول می باشند. در همان شب توسط دختران و زنان روستا برای صبحانه و پذیرایی از عزاداران حلیم، تهیه می شود. از صبح تا ظهر عاشورا نیز مراسم ویژه ای برگزار می شود و حکایت ظهر عاشورا، در این جا چیز دیگری است و غم انگیزترین روز در روز شمار این شیعیان دلسوخته حسین بن علی (علیه السلام) می باشد. بالاخره شام غریبان تصویر دردناکی از بازماندگان عاشورا را، نشان می دهد. یکی از مراسم هایی که در این شب وجود دارد این است که عده ای از بچه های کوچک را به حالت اسیر به هم می بندند و فردی به عنوان شمر آنها را می زند. افرادی نیز شمع هایی روشن را به دست گرفته و در کوچه های روستا به راه می افتند.

در این شب ها اهالی، خیراتی را برای درگذشتگان خود به عنوان فاتحه و نذورات خود را برای امام حسین (علیه السلام) در حسینه ها، به صورت شیرینی، شربت، آب نبات و چای و قلیان و... می دهند.

همچنین در تمامی این شب ها روحانیون در حسینه ها به سخنرانی و روضه خوانی می پردازند.

در شبهای ماه مبارک رمضان، در حسینه ها مراسم سخنرانی توسط روحانیون، صورت می گیرد و مردم به صورت چشمگیری، در این مراسم شرکت می نمایند. مراسم نماز جماعت نیز در این روزها و شبها به صورت پرشوری برگزار می شود.

شبهای 19، 20، 21 نیز مراسم عزاداری توسط مداحان اهل بیت (علیه السلام) انجام

می شود و شیعیان خالص مولا امیر المؤمنین (علیه السلام) به نوحه سرایی و سینه زنی می پردازند. در روزهای 28 و 29 ماه صفر و 14 خرداد روز رحلت امام خمینی (ره) و دیگر شهادت ها و... مراسم باشکوهی انجام می شود.

ی- مرگ و مراسم آن

مرگ و مراسم آن نیز از جمله مواردی است که آداب و رسوم مخصوص به خود را دارد و ما در این جا به بررسی آن می پردازیم:

1- تشییع: هنگامی که یکی از افراد روستا، به سرای باقی می شتابد حسینیه ها و مساجد این موضوع را از طریق بلندگو به اطلاع عموم می رسانند و از اهالی برای شرکت در مراسم تشییع دعوت به عمل می آورند. مردم نیز برای شرکت در این مراسم اعلام آمادگی می نمایند.

مراسم غسل بیشتر در منزل شخص، صورت می گیرد اما گاهی هم در قبرستان انجام می شود، عده ای از افراد به منزل شخصی میت رفته و در تشییع جنازه، از منزل تا قبرستان، خانواده مصیبت دیده را همراهی می کنند. عده ای هم خود را به قبرستان رسانده و منتظر مراسم تدفین می شوند.

2- تدفین: اهالی به محض دریافت خبر فوت یکی از افراد روستا، خود را به قبرستان رسانده و برای مراسم تدفین آماده می شوند. چند نفر از اهالی روستا، قبری را حفر می کنند و اگر مراسم غسل انجام نشده، در قبرستان این عمل انجام می گیرد. سپس نماز میت به جا آورده می شود و مراسم خاکسپاری شروع می شود. آنچه در این جا قابل ذکر است این می باشد که اگر عزیز از دست رفته زن باشد مراسم خاکسپاری بیشتر توسط زنان انجام می شود البته با کمک تعدادی از محارم.

یکی از مراسمی که در این روز، در قبرستان انجام می شود مراسم

«تیگوشون» است. بدین صورت که برای خیرات شخص از دنیا رفته، بین افراد شرکت کننده در مراسم تدفین، شیرینی و شکلات تقسیم می کنند. بعد از این مراسم، افراد برای شرکت در مراسم ترحیم خود را آماده می سازند.

3- ترحیم: مراسم ترحیم که «فته خونی» نامیده می شود از فردای روز تدفین شروع می شود. بدین ترتیب که از صبح تا مغرب مراسم قرآن خوانی توسط چند نفر از اهالی روستا در حسینیه انجام می شود و این مراسم تا سه روز ادامه می یابد. مردان روستا و همچنین روستاهای اطراف، در مسجد یا حسینیه و زنان در منزل مرحوم حضور می یابند و همدردی خود را با اقوام و نزدیکان او اعلام می نمایند.

روز سوم اقوام، خویشان و آشنایان در قبرستان حضور یافته و بر سر قبر مرحوم می روند. در این جا یک روحانی به سخنرانی می پردازد و از افراد به وسیله چای و شیرینی پذیرایی می شود. اگر مرحوم شخص جوان بوده باشد، مراسم به شکل با شکوهتری برگزار می شود بدین ترتیب که قبر را تزئین نموده، حجله ای بسته و.. سپس افراد خداحافظی کرده و قبرستان را ترک می نمایند. خویشاوندان تا یک هفته صاحب عزرا، تنها نمی گذارند و روز هفتم به قبرستان رفته و پایان ختم اعلام می نمایند.

اقوام و خویشان نزدیک، تا 40 روز برای عزیز ازدست رفته سیاهپوش می شوند اما صاحب عزرا، تا هر وقت که بخواهند سیاه می پوشند. بعد از چهل روز، یکی از اقوام به نزد دیگران رفته و لباس سیاه را از تنشان بیرون می آورند.

بالاخره مراسم چهلمی فرا می رسد و مردم به قبرستان رفته و این مراسم را برگزار می نمایند (مراسم سالگرد هم اکنون بسیار محدود شده است) پس از آن هر پنج شنبه بر سر قبر اموات رفته و خیرات می کنند.

زبان و لهجه، گوشه ای از فرهنگ مردم هر خطّه را نشان می دهد به گونه ای که با دانستن زبان و لهجه یک قوم، می توان تشخیص داد که به کدام سرزمین تعلق دارند و از کدامین نژاد، بر خاسته اند.

اوقات فراغت (تفریح ها و بازی ها)

اشاره

اوقات فراغت در هر جامعه ای، به طرق متفاوت سپری می شود. این روستا نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. طریقه گذراندن اوقات فراغت در نزد مردان، زنان، جوانان و کودکان متفاوت است که اینک به آن می پردازیم.

مردان با جمع شدن، در کنار مغازه های شهر یا رفتن به خانه یکدیگر و صحبت کردن پیرامون امور متفاوت زندگی اوقات فراغتشان را می گذرانند. زنان هم اوقات فراغت خود را، با رفتن به منزل همسایگان، با چای و قلیان به صحبت کردن، در امور مختلف، سپری می نمایند. کودکان بیشتر وقتشان صرف بازی می شود و قسمتی از وقت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می دهند. جوانان نیز با شرکت در برنامه های مختلف کانون فرهنگی، ورزش، فوتبال، ایستادن در کنار خیابان روستا، اوقات فراغت خود را می گذرانند.

هم اکنون به شرح بازی های محلی رایج، بین کودکان و نوجوانان که قسمتی از اوقات فراغت آن ها را پر می کند می پردازیم:

1- آلم پُسک: تعداد افراد شرکت کننده در این بازی، به صورت دلخواه می باشد. این بازی به شکل انفرادی، انجام می گیرد. بدین ترتیب که گودالی کوچک حفر کرده و بر روی آن تونلی ایجاد می کنند. سپس یک سوراخ کوچک، در بالای تونل به وجود آورده، مقداری خاک نرم به داخل آن می ریزند و سپس پارچه ای را روی سوراخ گذاشته، با دست، محکم روی خاک ها فشار می دهند.

اگر پارچه بالا آمد، بازیکن برنده شده و در غیر این صورت، نفر بعدی بازی می کند.

2- بنفشه گل بنفشه: برای شروع بازی، باید افراد از دو گروه زوج، به اندازه ی دلخواه انتخاب شوند. سپس گروه ها به اندازه ی 10 متر یا بیشتر از هم فاصله بگیرند. گروه اول می گوید: بنفشه گل بنفشه، گروه دوم در جواب می گوید: از بین ما کی باشه. گروه اول، نام یکی از افراد گروه مقابل را می گوید آن فرد انتخاب شده، می دود و در دست دو نفر گروه اول، زندانی می شود. اگر توانست دست آنها را از هم باز کند، برنده شده و به سر جای خود، باز می گردد و اگر نتوانست، آن فرد بازنده شده است و باید از بازی بیرون برود. در اینجا نوبت به گروه دوم می رسد و همان مواردی که گفته شد تکرار می گردد و به همین طریق بازی ادامه می یابد. اگر تمام افراد گروه اول، بازنده شده و از میدان خارج شدند بازی به سود گروه دوم به پایان می رسد و بالعکس.

3- چش کامو: چش کامو که با قایم موشک، معروف می باشد بدین صورت انجام می شود. افراد به تعداد دلخواه، به دو گروه مساوی، تقسیم شده و قرعه کشی می کنند. قرعه به نام هر گروهی افتاد باید خود را پنهان نماید و گروه مقابل بایستی چشم های خود را ببندد. با چند شماره چشمهای خود را باز نموده و گروه پنهان شده را پیدا می کنند. گروه پیدا شده باید خود را سریعاً به جایی که قبلاً تعیین شده (دگه) برسانند و دست خود را، به آن بزنند. اگر گروه یابنده، یکی از افراد گروه مقابل را کچل کرد (دست روی سر آن گذاشت) آن فرد همراه با گروهش بازنده شده و همگی از بازی اخراج می شوند. در صورت برنده شدن، دوباره بازی روال قبلی را دنبال می کند. در غیر این صورت، گروه مقابل باید خود را پنهان نماید.

4- خرموچ: ابتدا دو نفر، به عنوان سرگروه، اعضای گروه خود را، انتخاب می کنند. تعداد افراد گروه کلاً باید زوج باشد. سپس دایره ای کشیده و به نصف تعداد افراد هر گروه، گودال های کوچکی حفر می کنند. خرموچ ها (تکه پارچه هایی که به صورتی سخت به هم پیچیده شده اند) را در گودال ها گذاشته و قرعه کشی انجام می شود. گروهی که قرعه به نامش افتاد باید از گودال ها محافظت نماید، تا گروه مقابل به آنها دست نیابد. اگر گروه مقابل به گروه محافظ، پشت پازد یا اینکه به گودال ها رسید، باید افراد محافظ آن گودال ها، میدان را ترک گفته و جای خود را، به آن افراد بدهند. آن افراد، اگر موفق شدند که خرموچ ها و گودال های دیگر را، تصرف کنند خرموچ ها را برداشته و به دیگر افراد گروه محافظ کتک می زنند تا زمانی که پا به پشت پای آنها زده شود و تمامی آنها از میدان خارج شوند و جای خود را به گروه مقابل بدهند. در این حال گروه مقابل، نیز همان بازی را در مقابل گروه محافظ، به شیوه ی قبل تکرار خواهد کرد.

5- سنگ تو سایه: افراد، به صف ایستاده و یک نفر مسئول سنگ پرتاب کردن می شود. سنگ در سایه هر فردی افتاد، باید به دنبال بچه های دیگر بدود و وقتی توانست یک نفر را بگیرد، بازی تمام می شود و سپس نفرات بعدی، بازی را به همین ترتیب دنبال می کنند.

6- کربلو: افراد به دو گروه مساوی تقسیم شده و سرگروه هایی هم انتخاب می شود. سپس هر سرگروه، برای تک تک اعضای گروه خود، نامی انتخاب می کند و سنگی مخفیانه به یکی از افراد گروه خود می دهد. سپس از گروه دیگر، خواسته می شود که نام فردی که سنگ در نزد اوست، گفته شود. اگر جواب صحیح بود، سنگ را به گروه خود، اختصاص داده اند و در غیر این

صورت سنگ در نزد همان گروه اول، باقی می ماند. آن فردی که سنگ در نزد اوست، به اندازه توان خود، به جلو پرش می کند. اگر گروه اول، برنده شود و خود را به خط پایان که قبلاً کشیده شده است، برساند گروه دوم باید، اعضای گروه اول را به پشت گذاشته و به سر جای اول خود بازگردانند. بازی برای گروه دوم نیز، به صورت گروه اول تکرار می شود.

7- لُؤِپَر: ابتدا یک گودال کوچکی به عمق 5 سانتی متر حفر نموده و افرادی برای انجام این بازی به صورت دلخواه، تعیین می شوند. هر کدام از این افراد، گلوله ای کوچک را به نوبت به طرف گودال پرتاب می کنند. گلوله ای که در گودال جای گرفته یا نزدیک گودال بوده، مشخص کننده ترتیب نفرات می باشد. بنابراین نفر اول بازی را شروع کرده و دیگر نفرات، گلوله های خود را، به نفر اول می دهند. او نیز باید گلوله ها را، به طرف گودال پرتاب کند. اگر یکی از آن گلوله ها وارد گودال شود، کارش راحت تر می باشد. اما گلوله هایی که در نزدیک گودال باقی مانده اند، باید به وسیله سنگ از فاصله سه متری، توسط نفر اول زده شود. اگر زده شد، برنده شده و بازی به نفع خودش ادامه می یابد. در غیر این صورت نوبت به نفر بعدی می رسد. برنده بازی فردی است که بتواند بیشترین گلوله را به گودال فرستاده و آنها را به خود، اختصاص دهد. بعد از اتمام مرحله اول، مرحله دوم، با نفر انتخابی دوم شروع شده و همین طور بازی ادامه می یابد. تا مرحله سوم و نفر انتخابی سوم و....

8- مَلا برس: برای آغاز این بازی، دو دایره درهم، که یکی بزرگتر از دیگری است کشیده می شود. دو گروه 4 نفری تشکیل می شود و یک نفر به عنوان میانجی هر دو گروه، انتخاب شده و قرعه کشی صورت می گیرد. قرعه به نام هر گروه افتاد باید خود را پنهان سازد و 4 نفر گروه بعدی، در روی خط دایره می ایستند. آن فرد میانجی، چشم یکی از افراد گروهی که در دایره هستند

را می بندد. وقتی که گروه مقابل پنهان شدند، چشمش را باز می کند و آن فرد به دنبال افراد پنهان شده برای پیدا کردن می شتابد. آن فرد می گوید: شیر کجان؟ گروه مقابل جواب می دهد: اورتر، مدتی می گذرد و افرادی که خود را پنهان ساخته بودند، مشاهده می کنند که فرد چشم بسته ای وجود ندارد و از آنجا دور شده است. آنها از موقعیت استفاده کرده و بیرون می آیند و به آن سه نفری که در دایره نشسته اند کتک می زنند. آن افراد سر و صدا کرده و می گویند: ملا برس، ملا برس. وقتی که آن فرد، صدای آنها را می شنود خود را به دیگر افراد گروه رسانده و به میدان می رود. در این زمان در مقابل کتک گروه مقابل، به گروه خودش، پا روی پشت پای آنها می گذارد و فردی که پا پشت پایش خورده، از بازی اخراج می شود. تا اینکه بالاخره این عمل در مورد سه نفر بعدی هم تکرار می شود. بعد از آن، نوبت به گروه بعدی می رسد و موارد گفته شده تکرار می شود.

9- مُخَک چه مُخ: افراد به دو گروه مساوی تقسیم شده و یک نفر به عنوان سرگروه انتخاب می شود. این دو سرگروه با هم مشورت کرده و یک مخ (نخل) را از بین مخ های دیگر به عنوان رمز مسابقه اعلام می نمایند. به طوری که گروه ها از آن بویی نبرند. سپس به طرف گروهها آمده و گویند مخک چه مخ؟ اگر گروهی نام آن مخ را تشخیص دهد، برنده است و گروه مقابل باید، گروه برنده را به پشت گذاشته و تا مسافتی که از قبل تعیین شده حمل کند.

10- مُرَبُخونَه شیطان: ابتدا شش خانه مربعی را به یک اندازه می کشند و سپس یک خانه کوچک به نام خانه شیطان، رسم می کنند. این بازی با شرکت 2 نفر یا 4 نفر امکان پذیر می باشد (در صورت 4 نفر بودن دو به دو بازی می کنند) سپس قرعه کشی کرده و قرعه به نام هر که افتاد آغاز گر بازی می باشد. نفر اول سنگ را به ترتیب در خانه ها انداخته و از خانه 1 تا 6 بازی می کند به

طوری که سنگ، بر روی خط نیفتد. در صورت موفقیت در این قسمت، باید یک چشم خود را بسته نگه دارد و از اعضای دیگر گروه سؤال کند که به صورت سواره یا پیاده در خانه 1 تا 6 حرکت کنم؟ (منظور از سواره یک پا را بالا و یک پا را پایین نگه داشتن است) هر جوابی شنید، باید مطابق آن رفتار کند. بالاخره سنگی را که از قبل، در خانه شیطان انداخته شده است توسط او بیرون آورده می شود. اگر این عمل به صورت پیاده انجام شود، باید پاهای فرد روی خط قرار نگیرد. در صورت موفقیت در این مرحله، این بار هر دو چشمش بسته است و موارد گفته شده تکرار می شود. تا این که مرحله سوم فرا می رسد و آن اینکه از اعضای گروه سؤال می کند که یک سنگ را بر روی دست، پا، سر، سواره، پیاده کدامیک؟ بگذارم. مثلاً به او گفته می شود روی سر، فرد سنگ را روی سر گذاشته و از خانه 1 تا 6 حرکت می کند. قبل از آن، به او گفته شده که سنگ بیفتد یا نیفتد. اگر به او گفته شده که سنگ بیفتد، باید در حال خارج شدن از خانه آخر، سنگ را بیاندازد در غیر این صورت، باید پس از خارج شدن از خانه ها چند لحظه ای درنگ نماید. بعد از موفق شدن در این مرحله باید به شش خانه، پشت کند و سنگ را به داخل شش خانه بیاندازد. در هر خانه ای که افتاد آن خانه، مال خودش می شود «خونه بندون» و افراد دیگر نمی توانند در این خانه بازی کنند. در عین حال آن خانه در زمان بازی برای خود فرد، خانه استراحتی نامیده می شود. تا اینکه تمام خانه ها به جز آن خانه ای که برای استراحت عمومی در نظر گرفته شده است گرفته می شود و بُرد از آن کسی است که خانه بیشتری را به خود اختصاص داده است. تخلف از هر کدام از موارد گفته شده در بازی، به منزله اخراج از بازی می شود.

11- موله (قطور بازی): برای این بازی تعدادی به صورت دلخواه که به طور متوسط معمولاً از 5 نفر بیشتر نمی باشد انتخاب می شوند. افراد مقداری

سنگ را روی دستش می اندازد. هر کدام که تعداد سنگ کمتری از دستش بیفتد یا اصلاً نیفتد به عنوان شروع کننده بازی، در نظر گرفته می شود. اگر دو نفر چنین وضعیتی داشته باشند، باید آنقدر رقابت کنند تا این که بالاخره یکی از آنها پیروز شوند. بنابراین تمام افراد گروه، سنگ ها را به روی دست نفر اول می ریزند و او آغاز گر بازی می باشد. و بازی به همین نحو تکرار می شود تا این که به آن تعداد سنگی که برای برنده شدن لازم است برسند.

12- هفت سنگ: ابتدا دو گروه، به تعداد دلخواه انتخاب می شوند و هفت سنگ متوسط و یک توپ را آماده می سازند. سپس قرعه کشی کرده و قرعه به نام هر گروهی افتاد، باید شروع کننده بازی باشد. سنگ ها را بر روی هم چیده و نفر اول از گروه انتخاب شده، باید با توپ از فاصله یک یا دو متری به هفت سنگ بزند، تا سنگ ها بریزد. (نفر اول می تواند چهار بار این کار را انجام دهد ولی بقیه نفرات هر کدام سه بار) اگر اینچنین نشد نفرات بعدی این کار را تکرار می نمایند. این در حالی است که گروه مقابل، توپ را فوراً به دست گرفته و به افراد دیگر گروه پرتاب می کند. توپ به هر فردی برخورد کند، از بازی اخراج شده و بقیه افراد باید بازی را ادامه دهند. در فرصتی که افراد گروه مقابل، به دنبال توپ می دوند گروه مهاجم می تواند سنگ ها را بچیند. اگر موفق شوند می گویند: هفت سنگ و به عنوان برنده اعلام می شوند. (این مرحله بعد از ریختن سنگ ها صورت می گیرد) اگر تمامی افراد گروه مهاجم، با توپ برخورد کنند بازنده شده اند و باید جای خود را، به گروه مقابل بدهند.

13- هلِ هله گرگ چَمَبَری: تعدادی از افراد به صورت دلخواه در نظر گرفته می شوند. از میان آنها چند نفر به نام های گرگ، بره، مادر بره ایفای نقش می کنند. در این زمان بره ها (افراد) به چرا مشغول می شوند تا این که سرو کله گرگی پیدا می شود. در این زمان یکی از بره ها می گوید: مادر من گرسنه ام،

مادر می گوید: هیچی نگو، گرگ اومده، گرگ به گله می زنه، چوپان داره نی می زنه. مادر بره ها به گرگ می گوید: هل هله گرگ چمبری، زهره نداری ببری. گرگ می گوید: اگر بردم چه می کنی؟ مادر بره می گوید: شلاق به کلت می زنم. گرگ می گوید: کارد من تیز تر است. مادر بره می گوید: بره من عزیز تر است و سرانجام این بازی به پایان می رسد.

14- اسپینگ چه رنگ: گروهی به تعداد دلخواه، برای انجام این بازی، تشکیل می شود. یک نفر به عنوان سرگروه یک چیزی را، در نظر می گیرد که باید دیگر اعضای گروه، به آن پاسخ گویند. افراد گروه به سر گروه می گویند: اسپینگ چه رنگ؟ او می گوید: رنگارنگ. پس هر کسی موردی را که مد نظر می باشد، جواب گوید باید با پارچه ای که به شکل سختی درهم پیچیده شده است دیگر افراد گروه را کتک بزند.

15- چوپیسرو (چوب پشت سر): ابتدا گروهی تشکیل می شود به تعداد دلخواه، سپس قرعه کشی شده و قرعه به نام هر کسی افتاد، باید چوب به دست بگیرد و به دنبال دیگر افراد گروه، بدود، تا زمانی که چوب به یکی از افراد بخورد، فرد چوب خورده، از بازی اخراج می شود و فرد چوب زن، تا آخرین نفرات گروه را، باید از بازی اخراج نماید. در این جا بازی به پایان می رسد و برای بازی دوباره، مراحل گفته شده تکرار می شود.

لازم به ذکر است که بازیهایی که در بالا به آنها اشاره شد، بین دختران و پسران مشترک می باشد.

سازمان ها و تأسیسات روستا

1- بخشداری: در آبان ماه 1399 (پنج شنبه 22 آبان ماه)، عباس رحمانی به عنوان نخستین بخشدار بخش جدید خیرگو معرفی شد.

و به همت مردم منزل عباس زائری جهت این مکان بازسازی و در نظر گرفته شد.

2- شهرداری خیرگو: در اسفندماه 1399 (بیست اسفندماه) ابلاغیه شهرداری خیرگو به استاندار فارس ابلاغ شد.

15 اردیبهشت ماه 1400 دکترصادق زمانی به عنوان اولین شهردار خیرگو معارفه شد.

مکان شهرداری هم اکنون در محل شورای شهر پاسخگوی مردم می باشد.

3- حوزه مقاومت بسیج: ساختمان حوزه مقاومت بسیج امام رضا علیه السلام توسط خیرین بازسازی و در مورخه پانزده اسفند ماه 1395 به همت بسیجیان افتتاح و سروان یونس عرفانپور فرمانده حوزه این بسیج شدند.

4- بانک: در این شهر فقط یک بانک صادرات وجود دارد که در زمینی به مساحت 60 متر مربع در سال 1368 تأسیس شده است.

لازم به ذکر است که این بانک به سیستم های کامپیوتری مجهز می باشد و استقبال مردم خیرگو و روستاهای مجاور از خدمات بانکی در حد مطلوبی است.

5- پایگاه مقاومت بسیج: پایگاه مقاومت بسیج خیرگو در تاریخ 1/2/1361 به نام پایگاه صاحب الزمان در زمینی به مساحت 1200 متر مربع فعالیت خود را آغاز نموده است. در حال حاضر دارای 250 نفر نیروی بسیجی می باشد که البته این حوزه مقاومت روستاهای مجاور را، تحت پوشش قرار می دهد.

در ایام جنگ تحمیلی خدمات قابل توجهی داشته است از قبیل کمک های نقدی و جنسی و اعزام نیرو به جبهه و تقدیم 8 تن شهید و تعدادی مجروح. اما در حال حاضر دارای فعالیت های مذهبی، نظامی، فرهنگی، بهداشتی و امنیتی می

باشد. در زمینه بهداشتی: همکاری با شبکه بهداشت در رابطه با تزریق واکسن اطفال در طول سال. در زمینه مذهبی: تشکیل کلاسهای قرآن، احکام، عقیدتی در طول سال مخصوصاً در ایام تعطیلات مدارس، انجام طرح میثاق جهت خواهران نوجوان و برادران دانش آموز و راه اندازی اردوی تابستانی جهت خواهران و برادران، تشکیل نماز جماعت. در زمینه نظامی: برگزاری کلاس های آموزش اسلحه و آموزش مقدماتی جهت برادران بسیجی و از جهت تأمین امنیت: بازرسی در جاده اصلی و گشت گروهی، از شب تا صبح.

لازم به ذکر است که پایگاه مقاومت بسیج خیرگو جهت بهبود وضعیت آموزش و پرورش و ایجاد فضای آموزشی و کارهای عمرانی و تشکیل کانون فرهنگی و فعالیت های سیاسی و امنیتی و همکاری با مسئولین بخش و شهرستان در تمام اموری که مردم به آن نیاز دارند، بسیج همکاری داشته است.

6- پاسگاه نیروی انتظامی: پاسگاه انتظامی خیرگو، در سال 1334 آغاز به کار کرده است و فعالیت های زیر را در این منطقه انجام می دهد: ضابط قوه قضاییه مخصوصاً در این منطقه، رسیدگی به شکایات، اختلافات، سرقت، قتل، تصادف، تشخیص هویت.

لازم به ذکر است که بیشتر جرایم در این منطقه، چک بلا محل و اختلافات خانوادگی می باشد.

7- خانه بهداشت: خانه بهداشت سید احمد حسینی خیرگو، در سال 1370 در زمینی به مساحت 400 متر مربع با دو نفر بهورز، یک زن و یک مرد آغاز به کار کرده است.

فعالیت هایی که خانه بهداشت خیرگو انجام می دهد بدین ترتیب می باشد: واکسیناسیون کودک و مادر، مراقبت های بهداشتی کودکان زیر 6 سال، مراقبت زنان باردار، تنظیم خانواده و مشاوره، وسایل پیشگیری از بارداری مانند (قرص

ال دی، قرص تری فازیک، قرص مینی پیل، قرص اچ دی، کاندوم، آمپول ضد بارداری) بهداشت محیط، تزریقات، پانسمان، کلرزنی آبهای آب انبارها، آموزش خانواده ها برای کلرزنی آب مصرفی، بازدید از مغازه ها از نظر بهداشت مواد غذایی و... ..

قابل توجه است که سایر خدماتی که خانه بهداشت از انجام آن ناتوان است افراد به شهرستان لامرد و بخش بیرم لارستان، ارجاع داده می شوند.

8- دکان ها: در این روستا، در حدود 40 باب مغازه مشاهده می شود، که در حد امکان وسایل مورد نیاز روستا را تأمین می کنند. این مغازه ها شامل خواربار فروشی، نجاری، شیشه بری، خیاطی و... می باشد.

مردم این شهر، بعضی از وسایل مورد نیاز خود را که تهیه آن در شهر، برایشان ممکن نیست و نوع مرغوب آن وجود ندارد، به مرکز شهرستان لامرد و به بیرم لارستان می روند و خریدهای خود را انجام می دهند.

9- شرکت تعاونی مرزنشینان: این شرکت تعاونی در سال 1366 در زمینی به مساحت 500 متر مربع احداث گردیده است. حدود 150 نفر عضو دارد که اعضا با پرداخت مبلغی به میزان 100000 ریال به عنوان عضو شرکت تعاونی، پذیرفته شده و از خدمات آن استفاده می کنند.

تعداد اعضای هیئت مدیره آن 5 نفر می باشد که فعالیت آنها به صورت صادرات کالاهایی مانند داروهای گیاهی و... که بعضی از آنها از خود روستا و بعضی دیگر از شهر تهیه می شود و واردات آن کالاهای خارجی مانند چای، فلاکس چای، برنج، پنکه و... می باشد که با ارائه دفترچه عضویت، به اعضا داده می شود.

10- شورای اسلامی شهر: شورای اسلامی خیرگو، در سال 1378 شروع

به کار کرده است و با شهر شدن شهر خیرگو، به شورای شهر تغییر یافت.

اعضای اصلی آن پنج نفر می باشد.

11- مراکز درمانی: مرکز درمانی شهید احمد آگاهی، از طریق وزارت بهداشت و درمان در زمینی به مساحت 1000 متر مربع در سال 1364، تأسیس شده است که 3 نفر به صورت رسمی و غیر رسمی مشغول به کار هستند.

این مرکز درمانی دارای داروخانه، اتاق بستری، مطب پزشک و اتاق تزریقات می باشد و یک پزشک عمومی در این درمانگاه به طبابت بیماران می پردازد.

این درمانگاه فاقد آزمایشگاه، پزشک متخصص و... می باشد. بنابراین بیماری هایی که به تخصص بیشتر نیاز دارد بیشتر به بیرم، لامرد، لار و شیراز ارجاع داده می شود.

12- مخابرات: دفتر مخابراتی خیرگو در سال 1365 در زمینی به مساحت 600 متر مربع از طرف اهالی خیرگو و کمک جزئی از طرف دولت احداث گردیده است.

این دفتر مخابراتی ابتدا به صورت نیمه خودکار و در حال حاضر با سیستم 512 شماره ای کار می کند و 426 خط تلفن را به متقاضیان واگذار کرده است که از این تعداد 164 خط تلفن در خود خیرگو و بقیه در روستاهای تابع می باشد.

کارکنان این مرکز مخابراتی 2 نفر می باشند که 1 نفر به عنوان پیمانکار و 1 نفر کمکی می باشد. این مخابرات در نظر دارد با توجه به بودن متقاضی تلفن، از 512 شماره ای به مرکز 1000 شماره ای تغییر کند و چون استان جهت کلیه مراکز در نظر دارد به سیستم دیجیتال تغییر سیستم دهد، این امکان نیز برای خیرگو وجود دارد..

13- مدرسه: در این شهر دو مدرسه راهنمایی و دو مدرسه ابتدایی وجود دارد که بدین شرح می باشد:

1) مدرسه راهنمایی دخترانه شهید پژوهش با 2055 متر مربع مساحت، در سال 1369، با وجود یاری مردم تأسیس شده است و در حال حاضر 8 دبیر غیر بومی دارد. تعداد دانش آموزان آن در پایه اول 59 نفر، پایه دوم 39 نفر و در پایه سوم 36 نفر که جمعاً 134 نفر می باشد.

2) مدرسه راهنمایی پسرانه شهید اشرفی اصفهانی با 3500 متر مربع مساحت، در سال 1363، با همیاری مردم تأسیس شده است و در حال حاضر 5 دبیر بومی و 6 دبیر غیر بومی دارد. و تعداد دانش آموزان در پایه اول 74 نفر، در پایه دوم 49 نفر و در پایه سوم 39 نفر که جمعاً 162 نفر می باشند.

به دلیل فقدان دبیرستان دخترانه و پسرانه در این روستا، با کمک شورای روستا، در مهرماه 1378 یک کلاس اول دبیرستان، در مدرسه راهنمایی شهید پژوهش، به نام فدک الزهرا (علیها السلام) با 19 نفر دانش آموز و در مدرسه راهنمایی شهید اشرفی اصفهانی، به نام مطهری، با تعداد 27 دانش آموز آغاز به کار کرده است. لازم به ذکر است که مدارس به صورت دو نوبته، می باشد.

3) دبستان دخترانه آزادی با 2520 متر مربع مساحت در سال 1365 با هزینه دولتی ساخته شده است و در حال حاضر 6 معلم غیر بومی دارد و تعداد دانش آموزان در پایه اول 15، پایه دوم 21، پایه سوم 19، پایه چهارم 19 و پایه پنجم 19 نفر که جمعاً 90 نفر دانش آموز دارد.

4) دبستان پسرانه شهید علی پور که در شیفت مخالف دبستان آزادی، فعالیت می کند از سال 1377 به دلیل خرابی ساختمان قبلی آن، بدین صورت اداره می شود. دارای 2 معلم بومی و 4 معلم غیر بومی می باشد که تعداد دانش آموزان در پایه اول 21، پایه دوم 16، پایه سوم 13، پایه چهارم 22 و پایه پنجم

24 نفر که جمعاً 96 نفر دانش آموز می باشند.

لازم به ذکر است که اولین دبستان یا مدرسه در این منطقه دبستان شهید علی پور بوده است.

باید گفت که دانش آموزانی که در مقطع راهنمایی یا دبیرستان مشغول به تحصیل هستند، از روستاهای اطراف به این روستا که مرکز دهستان است می آیند و باید از وسایل ایاب و ذهاب که هزینه آن را خود متقبل می شوند استفاده کنند یا با وسیله شخصی مانند دو چرخه و... در مدرسه حاضر شوند.

قابل ذکر است که بیشتر دبیران و آموزگاران این منطقه از شهرستان های جهرم، فیروز آباد و دیگر نقاط استان می باشند.

باید اعتراف کرد که خانواده ها در این روستا آن طور که باید به تحصیل فرزندانشان مخصوصاً دختران اهمیتی نمی دهند و بیشتر دانش آموزان تا مقطع سوم راهنمایی درس می خوانند اما خود دختران علاقه به ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان را دارند. دانش آموزان علاقه مند به تحصیل بعد از مهاجرت از روستا، در شهر مورد نظر خود ادامه تحصیل می دهند.

باید توجه داشت که چون زمینه شغلی در این منطقه وجود ندارد و همچنین امکانات محدود می باشد پسران در سن جوانی به کشورهای منطقه خلیج فارس برای کار و فعالیت می روند.

14- مسجد: در خیرگو 3 مسجد و 2 حسینیه وجود دارد که توسط افراد خیر این روستا ساخته شده است.

1- مسجد شهدای خیرگو، تأسیس 1255ه- ش.

2- مسجد ابوالفضل العباس تأسیس 1355ه- ش

3- مسجد امام حسین (علیه السلام) تأسیس 1375 ه- ش.

4- حسینیه علی اکبر 1355 ه- ش.

ص: 251

برنامه های مختلفی در حسینیه ها و مساجد در ایام مختلف سال و مراسم های گوناگون اجرا می شود. سخنرانی ها و روضه خوانی در ماه های محرم و رمضان، نماز جماعت، کلاس های قرآن در تابستان، برنامه های فرهنگی - هنری از قبیل تئاتر و جشن های پیروزی انقلاب و امتحانات مدارس.

15- کتابخانه و خانه فرهنگ خیرگو: خانه فرهنگ خیرگو در بهمن ماه 1389 افتتاح شد.

این مکان با زیربنای 488 متر مربع انجام شد.

خانه فرهنگ خیرگو فعالیت های خود را در بخشهای مختلف از جمله کتابخانه، فضای آموزشی و نگارخانه متمرکز کرده است.

البته کتابخانه دایر در این مکان از چند سال قبل جلوتر (سال 1374) به فرهنگ کتاب و کتابخوانی این دیار کمک کرده بود.

16. کانون فرهنگی امام صادق علیه السلام از سال 1372 در مسجد ابوالفضل العباس علیه السلام و در حسینیه علی اکبر علیه السلام دایر شد.

این کانون در حال حاضر دارای نشان و تابلو و ردیف حقوقی جهت فعالیت ها می باشد.

17. هیات مذهبی ثارالله خیرگو از سال 1377 در مسجد امام حسین علیه السلام فعالیت های مذهبی خود را شروع کرد و در حال حاضر حسینیه های فعال صاحب هیات مذهبی جدا می باشد.

18- غسلخانه: با اینکه در این شهر دو قبرستان وجود دارد و هر کدام از آنها دارای غسلخانه می باشد اما به دلیل کمبود امکانات روستا مانند آب و... مردم ترجیح می دهند که مرده های خود را در منزل شستشو دهند. البته یکی از

غسالخانه‌ها از سال 1377 دارای امکاناتی شده است و رسماً کار خود را آغاز کرده است که تقریباً 4 نفر از مردگان را در آنجا شستشو داده اند.

تعاون، همکاری و نوع معیشت

1. تعاون و همکاری: پر واضح است که محیط شهرهای کوچک به صورتی است که همه خانواده‌ها از همدیگر اطلاعات کافی دارند و به محض اینکه مشکل یا مسئله‌ای شاد و تأسف بار برای هر فرد و خانواده‌ای رخ دهد در عرض چند دقیقه مطلع می‌شوند و در هر صورت، از هر کمکی که می‌توانند دریغ نمی‌ورزند.

مردم این خطه از کشورمان نیز با اصل قرار دادن آیه «تعاونوا علی البرّ و التقوی» در تمامی کارهایی که نیاز به تعاون و همکاری است مشارکت می‌نمایند.

در مراسم عروسی، همگام و همراه با خانواده‌های عروس و داماد در شادی‌هایشان شرکت می‌نمایند و از هر کمکی که از دستشان بر می‌آید غفلت نمی‌ورزند. در مراسم مرگ و سوگواری اهالی روستا نهایت همکاری را نموده و با خانواده‌ی مصیبت زده، غمخواری می‌نمایند. اگر مشکلی برای اهالی روستا پیش بیاید به عنوان مثال: دزدی شود، تمام افراد ناراحتی خود را ابراز نموده و برای پیدا کردن دزد و اموال به سرقت رفته، نهایت کوشش را می‌نمایند. در مراسم جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی و دیگر جشن‌ها و مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی، با حضور در مساجد و حسینیه‌ها و شرکت در آن برنامه‌ها، همکاری خود را به وضوح نشان می‌دهند. سهمیم شدن در امور خیریه همچون مدرسه‌سازی، ساختن مسجد، آب انبار، کمک به تهیدستان، پناه دادن به دبیران و آموزگاران غیر بومی در منازل خود و... نمونه‌هایی از دیگر همکاری‌های مردم این منطقه است.

ص: 253

2. معاملات: هر خانوار در این روستا، نیازهای اولیه خود را، از طرق مغازه های موجود در روستا و تعاونی مرزنشینان تأمین می نمایند. ماشین های دوره گرد نیز روزانه نیازهای اهالی این روستا به پاره ای از محصولات و... را برطرف می نمایند. اما با این وجود، برای کالاهایی که در روستا یافت نمی شود و نوع مرغوبش وجود ندارد به شهرستان لامرد یا به بخش بیرم و دهستان چاهورز از شهرستان لار مراجعه نموده و به صورت نقد و نسیه، مایحتاج خود را رفع می نمایند یا اینکه به افرادی که به شهرستان های اطراف، مسافرت می کنند سفارش کالاهای مورد نیاز خود را می نمایند. ناگفته نماند که مبادله کالاهای کهنه و فرسوده مانند پلاستیک و... با پول و سایر کالاها نیز صورت می گیرد.

3. صنایع دستی: صنایع دستی در این دیار، جایگاه بسیار محدودی دارد. در زمانهای گذشته حاشیه های تزئینی برای لباس های محلی، تهیه می شده است که بسیار زیبا بوده و به زبان محلی به آن «تلی» می گفتند. همچنین دوک هایی وجود داشته است که پشم گوسفندان را می رسیدند و برای بافت گلیم، مورد استفاده قرار می دادند که این موارد بسیار کم شده است.

هم اکنون با همت کانون فرهنگی جوانان و شورای روستا بافت قالی، پستی بافی و دیگر صنایع دستی به روستاییان آموزش داده می شود، اما هنوز چندان مورد استقبال قرار نگرفته و همیاری بیشتری را از طرف مسئولان امر، می طلبد.

«این نکته را نباید فراموش کرد که صنعت به هر شکلی که باشد اعم از سنگین، سبک، صنایع کوچک و صنایع دستی می تواند در توسعه هر کشوری دخالت نماید و این تأثیر زمانی زیاد می شود، که صنعت مراحل تعالی را پیموده، به شکوفایی برسد. صنایع دستی که می تواند هم حالت کارگاهی و هم حالت خانگی داشته باشد بدون نیاز به فن آوری پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مورد مصرف آن، از داخل کشور

قابل تهیه می باشد. افزون بر این، صنایع دستی دارای ویژگی های هنری و مصرفی به طور توأم بوده، علاوه بر داشتن جنبه های مصرفی قوی، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده، نیز است. بنابراین توجه بیشتری را از سوی مسئولان امر می طلبد. (1)

نوع معیشت

با توجه به موقعیت و محیط جغرافیایی این منطقه شهری، کمبود امکانات، محروم ماندن در زمینه های گوناگون از زمان های گذشته و فقدان زمینه ایجاد شغل و... 90-80 درصد مردان روستا، راهی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی خود کرده است. در صد باقی مانده نیز، از طریق فعالیت هایی خدماتی و تولیدی مانند مغازه داری، کار در مؤسسات، کشاورزی، دامداری و... امرار معاش می کنند. این در حالی است که جمعیت شاغل موجود در روستا 100 نفر مرد و 1 نفر زن را شامل می شود.

1. کشاورزی «در ابتدا باید گفت که زمین های کشاورزی، در صد محدودی به میزان 20 درصد را، به خود اختصاص داده است و این مزارع در کنار خانه های روستایی قرار دارد. محصولات تولید شده شامل گندم، جو، تنباکو و صیفی جات می باشد که هر کدام زمین هایی را به وسعت 30 هکتار تحت پوشش خود قرار داده است. (2)».

محصولات تولید شده، نیازهای خود مردم روستا و روستاهای اطراف را تا اندازه ای، تأمین می نماید.

تهیه کود، بذر و سم پاشی، از جمله کارهایی بوده است که جهاد کشاورزی در این مورد انجام داده است که البته باید خدمات بیشتری از سوی این مؤسسه، به روستاییان، ارائه شود.

ص: 255

1- . مهدوی ، مسعود ، مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، 1377، ص 197 و 194

2- . این مطلب از بخشداری علامرودشت گرفته شده است.

2- دامداری: «بخش دامداری نیز، همانند کشاورزی در صد کمی به میزان 20 درصد را شامل می شود. به طور کلی تعداد دامهای موجود در روستا، در حدود 3000 رأس می باشد»⁽¹⁾

که این دام ها در منازل نگهداری شده و مواد لبنی و گوشتی خانوارهای روستایی را تأمین می نماید. متأسفانه خدمات جهاد سازندگی، در این مورد مشهود نمی باشد. لازم به ذکر است که چرا دادن دامها، بدین صورت می باشد که هر کس تعدادی دام را یک گله شرکت می دهد، (یک سال یا بیشتر) و به ازای هر رأس، مبلغ مشخصی بابت چرا دادن دام، به چوپان پرداخت می شود. البته این عمل بیشتر از صبح تا مغرب انجام می شود و شبها دامها در منزل هستند.

3- جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و دامداری: توجه به موارد ذکر شده، پر واضح است که کشاورزی و دامداری در این منطقه، در صد ناچیزی را شامل می شود و به تبع، تعداد جمعیت شاغل در این دو بخش نیز محدود می باشد. یکی از عوامل به وجود آورنده این وضعیت، ضعیف عمل کردن برنامه های اقتصادی و... می باشد. روستا که باید محل کشت و زرع و پرورش دام باشد، فراتر از یک نام، چیزی از آن باقی نمانده است.

ناگفته نماند که مالکیت زمین های کشاورزی، به صورت ملکی و خصوصی می باشد، به صورتی که این زمین ها، از قدیم الایام به صورت ارث، دست به دست گشته، تا به افراد امروزی (نوادگان) رسیده است. از این زمین ها به شیوه تلمبه کاری، بهره برداری می شود که جزء نظام بهره برداری سنتی می باشد. بدین طریق که از آبهای زیرزمینی و استحصال آب، به وسیله حفر چاههای عمیق

ص: 256

1- . این مطلب از بخش داری علامرودشت گرفته شده است.

و یا نیمه عمیق (که البته آب آنها هم شور می باشد) برای کشاورزی استفاده می شود.

نتیجه گیری

با بررسی و کاوش هایی که در منطقه انجام شد و با مراجعه منابع موجود و در دسترس، اولین تحقیق جامعی که توسط سرکار معصومه سحابی فرد از معلمین سال 1379 این محل بوده انجام گرفته است.

سپس اینجانب با حذف و اضافاتی در خصوص منطقه که زادگاهم هست، از زوایای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار دادیم و توانستیم این شهر را به میزان توانایی خود، با استفاده از روش میدانی و کتابخانه ای برای دوستداران فرهنگ شهری معرفی نماییم.

با انجام این مونوگرافی به نقاط ضعف و مثبت این روستا پی برده شد و مطالب زیر استنباط گردید:

نقاط ضعف: محدود بودن فعالیت های کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی، فقدان زمینه اشتغال و کمبود امکانات مانند بی بهره ماندن از آب لوله کشی سالم و بهداشتی، مهاجرت، نامساعد بودن وضعیت اقلیمی، بها ندادن خانواده ها به تحصیل و دانش اندوزی نوجوانان و جوانان مخصوصاً دختران، محدودیت های اجتماعی دختران، اختلاف طبقاتی، افزایش نسبی میزان طلاق، پایین بودن سطح سواد، آسفالت نبودن کوچه های روستا و مشکلات مربوط به آن، فقدان امکانات تفریحی و ورزشی، غیر بومی بودن آموزگاران و دبیران، آزادی بسیار محدود دختران در انتخاب همسر و... ..

نقاط مثبت: وجود تعاون، همکاری و صمیمیت بین افراد، برخوردار بودن از امکاناتی از جمله برق، تلفن، گاز و آب و مدرسه، خانه بهداشت، مرکز درمانی،

پایبندی به آداب و رسوم و سنت ها، مشارکت در امور خیریه، فعال بودن کانون فرهنگی جوانان، فعال بودن مساجد و حسینیه ها در مراسم ها و مناسبت های مختلف، پای بندی به اصول و ارزش های انقلاب اسلامی و... ..

باشد که نقاط ضعف برطرف شده و به نقاط مثبت افزوده شود و میزان توجه برنامه ریزان اقتصادی و اجتماعی به این منطقه بیشتر شود.

پیشنهادات

1- شهر نوپای خیرگو، می بایست در برنامه های کلان اقتصادی، مورد توجه قرار گیرد.

2- مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی، مونوگرافی جامعی از تمامی روستاهای ایران به عمل آورده و در برنامه های آموزشی - علمی خود مورد توجه قرار دهند.

3- برنامه ریزان اقتصادی، مونوگرافی روستاهای مختلف ایران را مورد مطالعه قرار داده و در برنامه های عمرانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار دهند.

4- تهیه آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، از جمله ضروریاتی است که باید در برنامه های عمرانی روستا، مورد توجه واقع شود.

5- با ایجاد مراکز آموزش صنایع کوچک دستی، افراد را به سمت این فعالیت ها سوق داده و از بیکاری آنها، تا اندازه ای جلوگیری نمود.

6- با ایجاد امکانات تفریحی، ورزشی و ایجاد زمینه شغلی، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کرد.

7- فراهم ساختن آموزش های فنی و حرفه ای در محیط روستا و جذب نمودن تعداد زیادی از جوانان

8- مسائل بهداشتی روستا و روستاییان از جمله مسائلی است که باید مورد

توجه مسئولان ذی ربط قرار گیرد.

9- تشویق نوجوانان و جوانان به کسب علم و دانش (مخصوصاً دختران) و ایجاد امکانات مختلف در این زمینه باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

10- بالا بردن سطح آگاهی های روستاییان در زمینه های گوناگون علمی، بهداشتی و... .

11- مراکز آموزش عالی می بایست در صد بیشتری از پذیرش خود را به روستاها و مناطق محروم اختصاص دهند.

12- در برنامه های تأمین نیروی انسانی برای مناطق مختلف کشور، حداقل امکان سعی شود از نیروهای بومی هر منطقه استفاده شود.

13- تشویق سرمایه داران روستایی، برای سرمایه گذاری در امور تولیدی و زیر بنایی

14- بازدید از مناطق روستایی و بررسی مسایل و مشکلات آنها توسط مقامات مسئول

15- توجه بیشتر جهاد سازندگی و سایر دست اندر کاران به مسایل کشاورزی و دامداری روستاییان و تشویق افراد به فعالیت در این زمینه ها.

محدودیت های تحقیق

1- کمبود منابع و مآخذ یکی از مسایلی بوده که در انجام این تحقیق وجود داشته است.

2- محدودیت های زمانی و نداشتن وقت کافی از جمله مسایلی بوده که برای انجام هر چه بهتر و مفید تر این تحقیق وجود داشته است.

3- فاصله ی زیاد مکانی بین محل تحصیل و محل تحقیق از دیگر مشکلات موجود بوده است.

ص: 259

1. (1348-1347) مونیگرافی دهکده آهار (پایان نامه) مؤسسه تحقیقات و... .. تهران
2. (1349) مونیگرافی ده چمگردان (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی، تهران
3.، فاطمه (1348-1349) مونیگرافی ده خسیبجان شهرستان اراک (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران.
4. تقوی، نعمت الله (1374) مبانی جمعیت شناسی، انتشارات نیما، تهران.
5. حسینی فسایی، حاج میرزا، (1367) فارسنامه ناصری، ج 2، انتشارات امیر کبیر، تهران.
6. حسینی نژاد، سیده مجتبی، خیرگو ای زادگاه خوب من، انتشارات اثر قلم، چاپ اول، قم، 1398
7. سخاء غلامعلی، (1346-1347) مونیگرافی شهر سبزوار (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران.
8. سخاوت، جعفر (1348-1349) مونیگرافی دهکده کهرود اراک (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، تهران.
9. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1375) سیمای فارس، (شهرستان لامرد)
10. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1376) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375. (شهرستان لامرد) انتشارات مرکز آمار ایران.

11. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1370) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1365. (در چارچوب تقسیمات کشوری 1369) شماره 70-145، انتشارات معاونت آمار و اطلاعات
12. سازمان برنامه و بودجه استان فارس (1376) شناسنامه آبادی های کشور، (شهرستان لامرد) انتشارات مرکز آمار ایران.
13. سحابی فرد، معصومه، پایان نامه مونوگرافی روستای خیرگو، 1379
14. شکری، عبدالله (1347) مونوگرافی بخش کهک (از بخش شهرستان قم) (پایان نامه) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران
15. طالب، مهدی (1372) روش تحقیق در علوم اجتماعی (دوره کاردانی تربیت معلم) انتشارات تربیت معلم، تهران.
16. عسکری، حسین (1376) مونوگرافی خشت (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس
17. غلامی، محمد (1378) مونوگرافی روستای سلامت آباد کربال (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
18. قوهستانی، داوود (1378) مونوگرافی روستای جهان آباد شهرستان خرامه (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
19. گروه آموزشی جغرافیای استان فارس (1378) جغرافیای استان فارس، (سال دوم دبیرستان) شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران.
20. محمدی فرد، داریوش (1375) مونوگرافی روستای کفدهک (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان فارس.
21.، لطف الله (1309) فرهنگ آبادی های ایران (شامل نام ها و موقعیت جغرافیایی و دهات کشور)
22. زاده، صلاح (1376) مونوگرافی بندرخمیر (پایان نامه) مرکز آموزش

23.، مسعود (1352) مونوگرافی روستای سولان (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی
24.، مسعود (1377) مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، ج 1، انتشارات سمت، تهران.
25. نجفی، کرمعلی (1376) مونوگرافی روستای بند امیر (پایان نامه) مرکز آموزش عالی فرهنگیان، فارس.
26. وثوقی، منصور (1348) مونوگرافی ده فردیس (پایان نامه) مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
27. هوشیار حاجی حسنی، جهانگیر (بی تا) مونوگرافی شهر صومعه سرا (پایان نامه) دانشکده علوم اجتماعی، تهران.

1. عنوان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به نماز

توضیح: این کتاب در شش فصل کلیات و مفاهیم، نماز در قرآن و روایات و وظائف والدین در تربیت دینی فرزندان و عوامل تاثیرگذار در گرایش و عدم گرایش فرزندان به نماز و روش های موثر در تشویق فرزندان به نماز توسط والدین می باشد.

عکس

□

ص: 263

2. عنوان: نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن

موضوع: این کتاب در نه فصل تعلیم فرزندان در قرآن و روایات، قرآن از نگاه بزرگان دیگر ادیان، تعلیم قرآن، نقش والدین در گرایش و تشویق فرزندان به قرآن، تعلیم قرآن و نقش پدر و مادر و طریقه علاقه مند کردن دانش آموزان با قرآن و راهکارها و نکته های علاقه مندی دانش آموزان با قرآن و در پایان راهکارها و نکته های علاقه مندی دانش آموزان به قرآن پرداخته است.

عکس

□

ص: 264

3. عنوان: نقش پدر در غیرت دینی پسران

موضوع: این کتاب در شش فصل به موضوعاتی چون مفهوم شناسی، ضرورت غیرت از منظر آیات و روایات، انواع و عوامل ایجاد و تقویت کننده غیرت، آثار غیرت و عوامل بی غیرتی، نقش پدر در ایجاد و حفظ غیرت و در پایان نکته های ظرفیت تربیتی و غیرت دینی در سیره و وصیت شهدا می پردازد.

عکس

□

ص: 265

4. عنوان: داستان های پندآموز تربیت دینی فرزندان

موضوع: این کتاب جمع آوری داستان ها و حکایت پندآموز کتابهای چاپ شده حجت الاسلام حسینی نژاد می باشد که 67 داستان و احادیث تربیت فرزند با توجه به حدیث من حفظ علی امتی اربعین حدیثا در راستای تربیت دینی فرزندان آورده شده است.

عکس

□

ص: 266

5. عنوان: خیرگو ای زادگاه خوب من

موضوع: این کتاب در سه بخش مونوگرافی خیرگو، مطالب جمع آوری شده سایت و تلگرام خیرگو است در 580 صفحه آورده شده و در پایان شرح نموداری فرزندان ذکور طوائف خیرگو بیان شده است.

عکس

□

ص: 267

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

